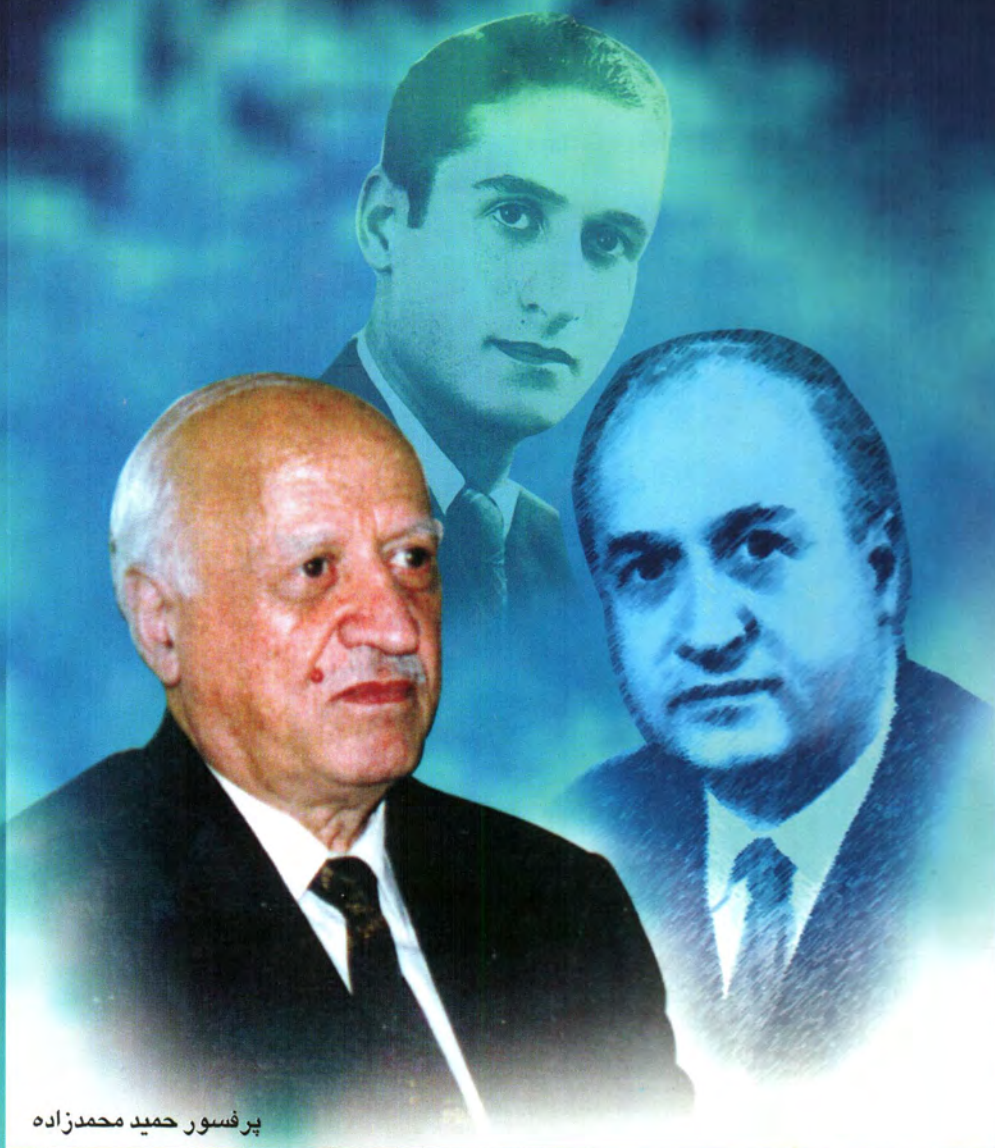


آل دیلی وادبیاتی

آذری

فصلنامه (بین المللی) ترکی-فارسی، فرهنگی، اجتماعی، ادبی و هنری شماره: ۸ سال دوم تابستان ۱۳۸۴



پرفسور حمید محمدزاده

AZƏRI-8

Yay 2005

فصلنامه‌ی (بین‌المللی) به زبان ترکی و فارسی
مجله‌ی فرهنگی - اجتماعی - ادبی - هنری
شماره‌ی ثبت: ۱۲۴/۳۸۳۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: بهزاد بهزادی
مدیر داخلی: حشمت حافظی
مدیر اجرایی: حسن ریاضی (ایلدیریم)

ویراستار: فریدون محمدی
حروف‌نگار: کاوس نصیری
با همکاری هنری: لاجین اسماعیلی - وقار فرشباغ
صفحه‌آرا: ناهید نقی‌زاده
چاپ و اجرا: چاپ تصویر، نشر نخستین
بهای تک‌فروشی: ۱۲۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، سعادت آباد، میدان کاج، چهارراه شهرداری، ساختمان اداری - تجاری سرو، طبقه ۷، واحد ۲، دفتر وکالت بهزاد بهزادی.
کدپستی: ۱۹۹۷۸۵۵۳۴

تلفن: ۲۲۰۹۴۹۰۰

فاکس: ۲۲۳۵۲۲۶۷

پست الکترونیکی: Azari_Eldili@yahoo.com

مجله در حک و اصلاح مقالات وارده آزاد است.

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست

۳	سب - یازئ
۴	نگاهی به انتشارات آذربایجان
۷	وجدان علمی و ادب کاوی صمیمانه
۱۴	قولله چاپخانه‌سئ
۲۰	دور گل نازلانا - نازلانا
۲۲	توفان (هیند حشکاته‌سی)
۲۶	شعر
۲۸	بیردن - بیره
۳۲	ابدی کشیک (آلمان حشکاته‌سی)
۳۵	نقش فرماندهی ستارخان در برقراری مشروطه
۴۰	آذربایجان ادبی دیلی گؤنئی - آذربایجاندا
۴۵	قول تابانیئ
۵۱	واژه پژوهی سخت باور (گفت و شنود)
۵۶	شعر
۵۸	خوشبخت ایت
۶۳	یادمان‌هایی درباره فریدون ابراهیمی
۶۷	بابک
۷۳	هایکو
۷۸	شعر
۸۰	رحیم بقلاصغری
۸۲	منظوم و بدیعی قوشما
۸۹	گولکؤ
۹۳	قیش‌دان سؤنرا بیزیم کئنده
۹۶	بشیر آینده
۱۰۰	کامانچا اوستادئ ایله مؤصاحیه
۱۰۴	شعر
۱۰۶	میسرگرلیک صنعتی آذربایجاندا
۱۱۱	شعر
۱۱۵	جنتیران
۱۱۸	شعر
۱۱۹	اهدای کتاب به قرائتخانه‌های
۱۲۱	کیتاب تائیتما
۱۲۲	خبرلر
۱۲۳	سؤز اینجی‌لری، خودپسندلیک حاققیندا
۱۲۵	بیلقامئیس
۱۲۸	یتنی کیتاب‌لارئین سیئاهیئسئ
	بهراد بهزادی
	دکتر حسین محمدزاده صدیق
	پروفئسور حمید محمدزاده
	کند اوشاغئ
	ساموئل مانایی
	علیرضا نابدل - مقتون امینی
	عمران صلاحی
	تئودور اشتوزم
	میرهدایت حصاری
	فیروز رفاهی
	جمال میرصادقی
	مرتضی مجدفر
	عمران صلاحی - حبیب فرشلاف
	صباح‌الدین عالیئ
	بهراد بهزادی
	فریدون محمدی
	حسن ایلدیریم
	محمد خلیلی - محمد علی نهاوندی (موغان)
	ح. ریاضی
	همت شهبازی
	رضا نوه‌سی
	سیاوش کسرائی
	حسین آیدین یاشار
	مجید تیموری فر
	اتلدار موغانلی - هریشلی
	توغرول افندی یشؤ
	ناصر داوران - حسن ایلدیریم - آشتیق جؤنؤن
	سالور
	خاقانی
	بهراد بهزادی
	پژمان انلغمی
	ای. ولی یشؤ
	یوسف قومی (فرزانه)

سس- یازی

آنا دیلیمیزین یازیللی سۆزلیرینی دۆزگۆن اوخوماق مقصدیله، اونون طلباتینا اویغون اولاراق درگیمیزده ایشله دیلن سس- یازی قایدالارینا اۆتری بیر باخیش و آندیرما:

سسلی حرفلر

آ - ا	A	آتا
ا - ه - ه	Ə	اده، ننه
ئ - ی - ی	E	ائت، سئرچه، دیء
و	U	اوزاق، قوم
ۆ	Ü	اوزۆم
ۆ	O	اوتاق، تۆپ
ؤ	Ö	اؤلۆ، گۆز
ی - ی	İ	ایراق، بیر، دیری
ئ - ی	I	قیغیل، قایی

قتیدلر

- سس سیز حرفلر فارسی دا ایشله نن حرفلر دیر، یالئیز و اۆ، یای، بئله یازیلیئر. و، ی - ی / ی:
- وار، یاغ، یای.
- یالئیز عربجه کلمه لرده ایشله نن حرفلر (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع) آذربایجانجا، فارسجا کۆکلۆ سۆزلرده ایشله نمیر.
- آئینما سۆزلر ده، آنادیلیمیزده دئییلدییی کیمی یازیلیئر: انسان یۆخ، اینسان، محکم یۆخ مۆحکم، کلید یۆخ کیلید... بلبل یۆخ بۆلبۆل، صبر یۆخ صبر...
- آذربایجانجا ساکین حرف کلمه نین باشلانغیجیندا گلمز. کلمه نین بیرینجی هئجاسیندا فتحه علامتی یازیلمایاجاق. نه نه یۆخ ننه، ده وه یۆخ دوه.

نگاهی به انتشارات آذربایجان

کتاب و مطبوعات یکی از ارکان‌های فراگیر ارتباطات عمومی و اشاعه‌ی فرهنگ و ادبیات ملی بوده، گسترش و کیفیت آن نموداری از رشد فرهنگی است. با وجود رشد سریع وسایل ارتباطات و اطلاع‌رسانی عمومی، کتاب و مطبوعات نقش برجسته‌ی خود را حفظ کرده‌اند.

نگاه اجمالی به انتشار کتاب و مطبوعات در برهه‌ی زمانی پس از انقلاب اسلامی، به زبان آذری و یا درباره‌ی موضوعات مربوط به آذربایجان به زبان فارسی، امیدبخش و تشویق‌آمیز است. این انتشارات هم از حیث تنوع موضوع و عنوان و طرح دیدگاه‌ها و بررسی‌های جدید و هم از جهت رعایت اصول فنی و هنری در چاپ آنها قابل توجه است.

انتشار مقالات و کتاب درباره‌ی مسایل مربوط به آذربایجان به زبان فارسی، به ویژه از این دیدگاه حایز اهمیت است که ارائه‌ی نمونه‌هایی از آثار ادبی آذربایجان، دستور زبان و ویژگی‌های زبان قانونمند آذری بازنویسی تاریخ آذربایجان براساس اسناد و مدارک و باز یافته‌های جدید، نه فقط اطلاعات گران‌بهایی در دسترس خوانندگان آذربایجان قرار می‌دهد، بلکه برای آشنا ساختن سایر اقوام ایرانی با حقایق تاریخی و مطالبات ملی آذربایجان و رفع و اصلاح سوء تفاهمات ناشی از تحریف مغرضین اقدام مؤثری است.

اینک آثار گران‌بهایی در مسایل مربوط به آذربایجان به زبان فارسی و آذری در دسترس خوانندگان قرار دارد. ذیلاً به بخش‌هایی از عناوین این آثار به طور کلی اشاره می‌شود که خود نشان‌دهنده‌ی گستردگی نوع و موضوع می‌باشد:

- کتاب «دده قوزقود»، شاهکار ادبی - حماسی ترکان اوغوز به زبان ترکی و ترجمه‌ی فارسی آن.

- ترجمه به زبان فارسی، متن کامل و دقیق «دیوان لغات الترک» - کاشغری، کتاب مرجع معتبر برای زبان، سنن و تاریخ ترکان

- ترجمه‌ی بخشی از فرهنگ «سنگلاخ» - تألیف استرآبادی.

- آثار نویسندگان و شعرای کلاسیک آذربایجان و آثار شعرا و نویسندگان معاصر آذربایجان.

- کتب و مقالات مستند درباره‌ی تاریخ ترکان و آذربایجان، به ویژه با ارائه‌ی اسناد درباره‌ی ادوار باستانی.

- ترجمه به زبان آذری از آثار منتشره به زبان فارسی و نیز ترجمه‌ی آثار نویسندگان و شعرای آذربایجانی از ترکی به فارسی که گام مثبتی برای ایجاد تفاهم متقابل بین فرهنگ‌های اقوام ایرانی است.

- انتشار آثار فولکلوریک غنی ترکان ایران در زمینه‌های گوناگون به ویژه ضرب‌المثل‌ها، بایاتی‌ها و اشعار «آشیق»‌ها این پاسداران زبان و موسیقی آذربایجانی.

- ترتیب فرهنگ‌های متنوع شامل لغات و اصطلاحات زبان آذربایجانی.

- کتاب‌های مربوط به دستور زبان آذری و آموزش قواعد قانونمند و کم نظیر آن.

- جستار در ریشه‌یابی واژه‌های ترکی.

- نقد آثار شعرای معاصر گام جدیدی است که به شیوه‌ی علمی و استوار برداشته می‌شود.

- ترجمه‌ی آثار نویسندگان معاصر از زبان فارسی به زبان آذری و برعکس در مرحله‌ی آغازین است. برگردان آثار نویسندگان آذربایجان شمالی به الفبای عربی/ آذری گستردگی بیشتری دارد. همه‌ی این‌ها افزون بر غنا بخشیدن، به ادبیات ما، برای ایجاد پل ارتباطی با همسایه‌هایی که دارای سوابق فرهنگی مشترکی هستند، ضروری می‌باشد.

با کمال خوشوقتی ما شاهد گرویدن نیروهای جوان تحصیل کرده و با استعداد و پژوهنده‌ای هستیم که به مرور بیشتر و بیشتر به گروه نویسندگان و کوشندگان در راه اعتلا و گسترش زبان، ادبیات و فرهنگ آذربایجانی می‌پیوندند و آینده‌ی امید بخش را نوید می‌دهند. فرصت را برای یادآوری چند نکته مغتنم می‌شمارد:

۱- موازین علمی و دلایل مستند را نسبت به دنباله‌روی تعصب آمیز که از طرف دشمنان برانگیخته می‌شود، برتر بدانیم.

۲- با توجه به کمبود امکانات به موضوع‌ها و مسایل مبرم و ضروری اولویت بدهیم.

۳- کتاب‌ها و نشریات اوایل دوره از لحاظ فنی چاپ در مرحله‌ی ابتدایی بود و اینک با ظهور مؤسسات، ناشران متخصص و دلسوز تحولات چشمگیر در انتخاب نوع کاغذ، در حروف‌چینی، صفحه‌آرایی و چاپ و آرایش مناسب جلد کتاب‌ها مشاهده می‌شود.

ضمن کوشش برای ارتقای فنی و هنری این روند، به ویژه به ویراستاری کتب و مطبوعات منتشره توجه خاص باید مبذول داشت. ویراستاری یکی از ارکان عرضه‌ی مطلوب کتاب و نشریه است. مطبوعات و مؤسسات انتشاراتی برای آموزش ویراستاران ماهر و تشویق آنها اقدامات جدی و پیگیر خواهند کرد. ویراستاران توجه دارند که خدمت آنها دارای ارزش والایی است.

۴- انتظار می‌رود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تأمین کاغذ، اختصاص تسهیلات بانکی به ناشران و خرید تعدادی لازم از کتب و نشریه‌های منتشره و پخش آنها به کتابخانه‌ها و

قراستخانه‌های عمومی شهرهای ترک‌نشین به موقع و منصفانه اقدام نماید و به این ترتیب به نشر فرهنگ و ادب آذربایجانی یاری رساند.

آذربایجانی‌ها محروم از تحصیل زبان مادری هستند به همین جهت شمارگان نشریات آذربایجانی در حد مطلوب نیست. اکثر کتب منتشره به زبان آذری با همت و فداکاری مالی مؤلفین انجام می‌گردد و پس انداز اندک آنها مصرف می‌شود و سرمایه‌ی آنها برنمی‌گردد.

۵- هموطنان آذربایجانی با خرید هر جلد نشریه مؤلفین و ناشران را تشویق کرده و به ادامه‌ی پربارتر انتشارات آذربایجانی یاری خواهند رساند. مؤسسات پخش و کتاب‌فروشی‌ها نقش ارزنده‌ی خود را در این زمینه آگاهانه انجام خواهند داد و خدمات فرهنگی خود را تحت‌الشعاع مقاصد سوداگرانه قرار نداده، ضمن کوشش برای فروش هر چه بیشتر نشریات، وجوه نشریات فروش رفته را هر چه سریعتر تأدیه نمایند و به تداوم چرخه‌ی انتشارات کمک نمایند.

بهراد بهزادی





پروفسور دکتر حمید محمدزاده

وجدان علمی

و

ادب کاوی صمیمانه

دکتر حسین محمدزاده صدیق

دانشمندان آذربایجانی در هنجارسازی تحقیقات ادبی و دانشگاهی قرن اخیر، سهم بسزایی در دقت و وسواس و درون‌کاوی و حقیقت‌یابی دارند. به دیگر سخن، گذشته از گستره‌ی عظیم آفرینش‌های ادبی و هنری از نثر واقعگری مدرن و گونه‌های مدرن آن مانند نمایشنامه، رمان، داستان کوتاه، فیلمنامه و جز آن، که پیش‌تازان میدان اندیشگی در آذربایجان همچون میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا محمدجعفر قزاق‌داغی، میرزا آقا تبریزی، عبدالرحیم طالبوف نجار تبریزی، غلامحسین ساعدی، صمد بهرنگی و ده‌ها تن دیگر، سرنوشت آن را رقم زده‌اند و خیزاب‌های فکری و اجتماعی آفریده‌اند، و در کنارشان، پژوهشگرانی مسلح به اندیشه‌های پیش‌تاز روزگار و با دقت نظر و رقت فکر به ژرف‌کاوی‌های دقیق و قابل تحسین ادب‌پژوهی معاصر پرداخته‌اند و همه‌ی دلسوختگان حقیقت‌پژوه را مدیون خود ساخته‌اند.

بی‌گمان مرحوم پروفسور «دکتر حمید محمدزاده یاغچی» یکی از این پیش‌تازان پژوهش‌های ادبی در ایران به شمار می‌روند. من با نام ایشان در دوران دانشجویی در نیمه‌ی دوم دهه‌ی چهل آشنا شدم. مقالات بالارزش و عالمانه‌ی ایشان را در هفته‌نامه‌ی «ادبیات و اینجه‌صنت» و ماهنامه‌ی فرهنگی «آذربایجان» دنبال می‌کردم.^۱ به ویژه تئنگاشت‌های ایشان را پیرامون مسایل زندگی و آفرینش هنری مرحوم استاد حبیب

^۱ - هفته‌نامه‌ی «ادبیات و اینجه‌صنت» به سردبیری «نریمان حسن‌زاده» و ماهنامه‌ی «آذربایجان» به سرپرستی مرحوم

میرزه ابراهیموف انتشار می‌یافت و در رژیم ستمشاهی از طریق روابط فرهنگی در ایران قابل دسترسی بود.

ساهر، نماینده‌ی شکست‌ناپذیر شعر مقاومت آذربایجان در رژیم ستمشاهی با ولع و آفرین‌باد می‌خواندم. یکی از این مقاله‌ها درباره‌ی «کوشن»^۱ شاهکار شعر مردمی معاصر آذربایجان بود و یکی دیگر اختصاص به معرفی کتاب «آثاری از شعرای آذربایجان»^۲ داشت. در این گفتار به بهانه‌ی اینکه این کتاب با نام سترگ حبیب ساهر مفتوح می‌شد، دیگر بار در باب هنروری‌های والای شاعر مقاومت، سخن گفته بود.

در همان سال‌ها مشغول تدوین و نشر کتاب «رساله‌ی اخلاقیه» اثر میرزا آقا تبریزی بودم که گفتاری عالمانه از ایشان در باب نفی انتساب «سه قطعه تئاتر»^۳ به ملک‌خان به دستم افتاد. در این مقاله‌ی بارزش که در یکی از شماره‌های مجله‌ی اخبار علمی دانشگاه نظامی چاپ شده بود^۴، به دلایل متقن و باوربخش توانسته بودند، مؤلف اصلی این سه نمایشنامه را معلوم سازند. از جمله‌ی این دلایل که هنوز هم طراوت اتقان آن حفظ شده، برخی را به زبان خود مرحوم چنین می‌توان برشمرد که برای نخستین بار با وجدان علمی و احساس مسئولیت پژوهشگری تدوین یافته بود:

۱- اؤز پیش‌لرینی مطبوعات‌لا بیرلیکده میرزا فتحعلی آخوندزاده‌یه گؤنده‌رن

مؤالیف، آدی‌نین «میرزا آقا» اولدوغونو بیر نجه یترده قشیده آلمیشدیر.

۲- میرزا فتحعلی آخوندزاده، اؤز مشهور تنقیدینی «عزیز قارداشیم میرزا آقا»

عؤنوانسی ایله یازمیشدیر.

۳- میرزا آقا پیش‌لرینی تهران‌دان تیغلیسه گؤنده‌رمیشدی. بو واخت میرزا

ملک‌خان یتددی ایل ایدی کی، ایستانبول‌دا یاشاییشیردی.

۴- میرزا آقا اؤزۆنۆن تبریزده آنادان اولدوغونو، ترجمه‌سی حالینا دائیر یازدیغی

مکتوب‌دا قشیده اندیر. حالبو کی، میرزا ملک‌خانین ایصفهانین یاخشین لشیقیندا کی جولفا

قصبه‌سینده آنادان اولماسی معلوم‌دور... ۵

و چند ادله‌ی مثبتی دیگر که با اقامه‌ی آنها، تدوین تاریخ نمایشنامه‌نویسی فارسی مدیون این دانشمند وارسته‌ی آذربایجانی شد. در سال‌های اخیر پژوهشگران این موضوع، در سایه‌ی کاوشگری‌های عالمانه و استنتاجات بارزش پروفسور دکتر حمید محمدزاده، توانسته‌اند مجموعه‌های درسی و تحقیقی در این زمینه را سامان بخشند.^۶

۱- حبیب ساهر. کوشن، تهران، ۱۳۴۳.

۲- ح. صدیق. (مترجم) آثاری از شعرای آذربایجان، انتشارات بابک، تهران، ۱۳۴۹.

۳- ملک‌خان. (منسوب) سه قطعه تئاتر، مطبعه‌ی کاروانی، برلین ۱۳۴۰ق.

۴- ح. محمدزاده. میرزا ملک‌خان عابد حساب اندیلین پیش‌لرین اصل مؤالیفی حاققیندا، آذربایجان س‌س‌ر عثلم‌لر آکادئمیتاسی آدینا ادبییات و دیل انستیتوتونون اثرلری، ج. ۹، باکی، ۱۹۵۰، ص ۱۶۹-۱۷۱.

۵- حمید محمدزاده. میرزا فتحعلی آخوندزاده و شرق، عثلم نشریاتی، باکی، ۱۹۷۱.

۶- از جمله ر.ک: میرزا آقا تبریزی، چهار تئاتر، به کوشش ح.م. صدیق، انتشارات نمایش، تهران، ۱۳۸۲.



از راست به چپ: استاد بهزاد بهزادی، پرفسور شکور، پرفسور حمید محمدزاده

یکی دیگر از کشف‌های ادبی مهم آن مرحوم، آفتابی کردن «دیوان بهار شیروانی» است که بسیاری از چکامه‌های آن در دیوان محمدتقی بهار وارد شده است. ایشان ضمن کاوش در دست‌نویس‌های به جا مانده از بهار شیروانی، دریافتند که وی هنگام سفر زیارتی خود به مشهد خراسان، در منزل ملک‌الشعرا صبوری پدر «محمدتقی بهار» رحل اقامت افکنده و با او باب مودت باز کرده و ضمن اهدا هدایایی، یک نسخه‌ی دست‌نویس از دیوان فارسی خود را نیز به محمدتقی که در آن روزگار نوجوانی کم‌سال بوده، به ارمغان داده است و محمدتقی بهار سال‌ها بعد، بسیاری از قصاید غزای این دیوان را، به هر دلیلی، وارد دیوان خویش ساخته و به نام خود انتشار داده است.^۱

همت و دقت مرحوم حمید محمدزاده در کشف انتحالی که «بودنش‌د» آلمانی از رباعیات فلسفی «میرزا شفیع واضح» به عمل آورده بود، نیز بسیار قابل تحسین است. ایشان اثبات کرد که «بودنش‌د» چند سالی در تغلیس پیش میرزا شفیع واضح تلمذ کرده و از او ترکی و عربی و فارسی آموخته و با شاخه‌ی فلسفی دانش‌های کلاسیک دوره‌ی اسلامی آشنا شده است. وی هنگام بازگشت به آلمان، نسخه‌ی دست‌نویس رباعیات فلسفی میرزا شفیع را نیز به ارمغان گرفته و با خود به آلمان برده است و چند سال بعد مضامین رباعیات را به آلمانی برگردانده و نظم کرده و بی‌آنکه نامی از سراینده‌ی اصلی آنها ببرد، به نام خود اشتها و انتشار داده است.^۲

^۱- بهار شیروانی. دیوان فارسی، به کوشش حمید محمدزاده، انتشارات آفرینش، تهران، ۱۳۷۹.

^۲- ح. صدیق. قوسی تبریزی و میرزا شفیع واضح، انتشارات سهند، تهران، ۱۳۵۵.



از راست به چپ: پروفسور حمید محمدزاده - خالق شاعیری بالاش آذراوگلو - پروفسور عباس زمان‌اف - دکتر حسین دوزگون (سال ۱۳۵۹ باکو - باغ صابر)

من، در نیمه‌ی اول دهه‌ی پنجاه و پیش از انقلاب شیفته‌ی تحقیقات صمیمانه و فروتنانه‌ی این دانشمند آرام و جدی بودم. مقاله‌های عالمانه و باارزش ایشان را به فارسی برگرداندم و در سه کتاب «مسائل ادبیات نوین ایران»، «مسائل ادبیات دیرین ایران» و «مسائل زبان‌شناسی ایران» وارد کردم و در تهران انتشار دادم.^۱ همچنین زحمتی را که ایشان در تدوین و تنسیق و انتشار مقالات فارسی میرزا فتحعلی آخوندزاده کشیده بود، ارج نهادم و در دو جلد تحت عنوان «مقالات فارسی آخوندزاده» و «مقالات فلسفی آخوندزاده» با ویرایش و پیشگفتار و افزوده‌های بایسته چاپ کردم.^۲

بی‌گمان یکی از کارهای مهم علمی ایشان، بلکه مهمترین کارشان تحقیق در زوایای اندیشه و زندگی آخوندزاده و فراهم آوردن مجلداتی از مقالات ترکی و فارسی و اشعار و مکتوبات وی است، حتی پایان‌نامه‌ی دکترای دانشگاهی خود را نیز به موضوع «میرزا فتحعلی آخوندزاده و مشرق زمین» اختصاص داده و در دهه‌ی چهل از آن دفاع کرده است.

به راستی که میرزا فتحعلی آخوندزاده در خیزابه‌های اصلاح‌طلبانه و ترقی‌خواهانه‌ی یکصد و پنجاه ساله‌ی اخیر ایران، پیوسته در صدر موج‌آفرینان اجتماعی و سیاسی قرار داشته است. گروهی او را اندیشمند و ادیبی دوراندیش می‌دانند که سعادت ملل کشورهای اسلامی را مد نظر داشته است و مظهر کامل روشنفکر کنشگر اجتماعی انقلابی، پیشرو، معنویت‌گرا و خردورز بوده است. وی نظریه‌پرداز فلسفی، اندیشمند اجتماعی، منتقد ادبی و نمایشنامه‌نویس بزرگی است که اغلب زندگی‌گزاران و تحلیل‌گران جریان روشنفکری دو قرن گذشته، درباره‌ی افکار، عقاید و آثار او اظهارنظر کرده‌اند. آخوندزاده آثار خود را به زبان ترکی آذربایجانی (و گاه به فارسی و یا روسی) برجای نهاده است و ترجمه‌ی این آثار به زبان‌های فارسی، ترکی

^۱ - ح. صدیق. *مسائل ادبیات دیرین ایران*، انتشارات پویا، تهران، ۱۳۵۳.

- ح. صدیق. *مسائل ادبیات نوین ایران*، انتشارات دنیا، تهران، ۱۳۵۴.

- ح. صدیق، *مسائل زبان‌شناسی ایران*، انتشارات بامداد، تهران، ۱۳۵۳.

^۲ - حمید محمدزاده، *مقالات فارسی آخوندزاده*، ویرایش ح. صدیق، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۵۵.

استانبولی، انگلیسی، روسی، فرانسه، آلمانی و... امکان نشر تحلیل‌ها و نقّادی‌های فراوان و گاه متضاد را فراهم آورده است. اما مرحوم حمید محمدزاده در مسئله‌ی پژوهشگری و اندیشه‌ورزی او با توجه به آثار خود وی، اظهار نظر کرده است.

پیرامون اندیشه‌های آخوندزاده و نقش اجتماعی- فرهنگی وی در تاریخ معاصر ایران، بی‌گمان در جای دیگری مجال بحثی مستوفی خواهم یافت. مقصدم در این گفتار کوتاه، نشان دادن وجدان علمی و ادب‌کاوی صمیمانه‌ی مرحوم پروفیسور دکتر حمید محمدزاده در کتاب پژوهشی خود تحت عنوان «میرزا فتحعلی آخوندزاده و شرق»^۱ است. این کتاب در یک مقدمه و سه فصل تدوین شده است. مقدمه دارای دو بخش عمده است. بخش نخست عنوان «آخوندزاده‌پژوهی در روسیه و اروپا» و بخش دوم عنوان «جایگاه آخوندزاده در ادب‌پژوهی آذربایجانی» دارد. هر دو بخش به صورتی گسترده‌نگر و دقیق و علمی و با ذکر مستندات و پاورقی‌های لازم از منابع اروپایی، روسی، آذربایجانی و فارسی نگاشته شده است.

فصل اول عنوان «آخوندزاده و کلاسیک‌های شرق» را دارد. در زیر این عنوان دیدگاه‌های آخوندزاده و مناسبات روحی وی با فردوسی، جلال‌الدین رومی، سعدی، حافظ و ابن‌خلدون را با دقت باز نموده، ضمن بهره‌جویی از ابعاد مثبت آفرینش آنها، جهات منفی اندیشه‌های ارتجاعی‌شان را به شلّاقی انتقاد می‌گیرد. مثلاً^۲ در جایی در تحلیل افکار فردوسی گوید:

«ایسلامیتین اولکی ایرانین، فیردوسی طرفیندن بیر نؤوع ایدئال‌لاشدیرلماسینین آخوندزاده تنقید اندیر. بو تنقیدی مؤناسیت، یالنیز بیرجه فیکرین رد اندیلمه‌سی ایله محدودلاشیب قالمیش. «شاهنامه»ده بیر قاندا اولاراق، فیردوسی شاه‌لارین ایدئال‌لاشدیریر. هر جور اؤز باشینالینی اؤنلارلا روا گؤرۆر. بو «چه فرمان یزدان، چه فرمان شاه» کیمی مؤبالیغه‌یه واردیریر. آخوندزاده ایسه ایستیدادا قارشین چیخیشیر، اؤنلارین قانونا تابع اولماسینین تبلیغ اندیر و اؤز باشینا شاه‌لارین «حرامی‌باشی» آدلاندیریر. هم ده بونو فتحعلی شاهین اوغلو جلال‌الدین میرزه‌یه یازدیغی مکتوبوندا آشکار سؤیله‌یر: «بۆتۆن هیجری تاریخی بۆیۆ، بو اولکه‌نین حؤکمدارلارین، هامی‌لیقددا دسپوت (مستبید) و حرامی‌باشی‌لارین تائین اولموشلار»^۳.

در بررسی مناسبات پژوهشی آخوندزاده با جلال‌الدین مولوی رومی نیز، حمید محمدزاده بسیار با دقت و وسواس، نگرش آخوندزاده به عرفان را به محک تحقیق می‌کشد و ایرادات فلسفی وی بر آثار و افکار مولوی را بازمی‌نماید. در جایی می‌گوید:

«آخوندزاده مؤکّسی رومی‌نین ایدئالیزمین، بیر ده اونون «وجود-سی کۆل» اؤچۆن ایراده و اینختیار قاتیل اولماسیندا گؤرۆر و «فناه»یا قاتیل اولماسینین ایکینجی سهوی کیمی گؤستریر و بو سؤزۆن معناسینین ایندینه‌دک، مؤعتین و آندین بیر طرزده هیچ کسه معلوم اولمادیغینین قشید اندیر»^۴.

در بحث از نگرش آخوندزاده به سعدی و حافظ نیز بسیار عالمانه و موشکافانه عمل می‌کند. نشان می‌دهد که آخوندزاده عقاید تربیتی سعدی، از جمله مصراع‌هایی چون

- تربیت نااهل را چون گردکان بر گنبد است.

- که زنگی به شستن نگردد سفید

^۱ - حمید محمدزاده. میرزا فتحعلی آخوندزاده و شرق، عثلم نشریاتی، باکی، ۱۹۷۱.

^۲ - همان، ص ۷۲.

^۳ - همان، ص ۸۸.

را فیلسوفانه مورد نقد قرار داده است.^۱

فصل دوم کتاب مرحوم پروفسور دکتر حمید محمدزاده «آخوندزاده و ترکیه» و فصل سوم «آخوندزاده و ایران» نام دارد که هر کدام به بخش‌های مختلفی تقسیم شده است. در باب ارزیابی علمی این فصول و به ویژه فصل سوم و بررسی علایق و آویزش‌های فرهنگی و علمی آخوندزاده با میرزا یوسف‌خان، ملک‌مخا، جلال‌الدین میرزا، عبدالرحیم طالبوف، زین‌العابدین مراغه‌ای، میرزا آقاخان کرمانی، ملک‌المتکلمین و جز آن فراوان می‌توان سخن گفت که به فرصتی دیگر وامی‌سپارم.

من، او را اولین بار در تیرماه ۱۳۵۹ هنگام سفر علمی خود به شهر باکو زیارت کردم. او را فردی یافتم سرشار از آگاهی‌های علمی، بسیار موقر و متین، فروتن، بذل‌گو، پایبند به اصول اخلاقی و تقوای علمی و مملو از عشق به سعادت توده‌های مردم و مدافع سرسخت حقوق فرهنگی مردم نجیب و آزاده‌ی آذربایجان. چند سال بعد از این دیدار، او را در تهران ملاقات کردم. به وطن بازگشته بود و بنا داشت که باقی عمر خود را وقف فعالیت‌های فرهنگی کشور خود کند. چنین نیز شد و به انتشار بسیاری از آثار علمی خود دست زد.

از جمله‌ی کارهای علمی بسیار مهم ایشان، ترجمه‌ی خط به خط آثار نظامی گنجوی از فارسی به ترکی آذری است. این ترجمه‌های فیلولوژیک با باریک‌بینی خاصی انجام پذیرفته است و در آن وی اصل متون ضرب‌المثل‌های آذربایجانی را که نظامی در آثار خود، آنها را به فارسی برگردانده بوده، یافته است. مجلدات این ترجمه‌ها از سوی آکادمی علوم باکو چاپ شده است.^۲

ترجمه‌ی «سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم‌بیگ» اثر حاج زین‌العابدین مراغه‌ای، کار مهم دیگر آن مرحوم به شمار می‌رود که به گنجینه‌ی ادبیات آذربایجان افزوده شده است.^۳

حمید محمدزاده در کنار کارهای علمی خود، به داستان‌نویسی مدرن نیز اشتغال داشت. چهار مجموعه داستان کوتاه (novel) با عنوان‌های «حشک‌ایله‌ر»، «فوتبالچی»، «ایلک محبت» و «تبریز خاطیره‌لری» از او انتشار یافته است.^۴

شماری از آثار قلمی و مجموعه‌ای از مقالات علمی وی هنوز چاپ نشده است که امید است با همت فرزندان و علاقه‌مندان به هنر و اندیشه‌ی آن مرحوم، به دست مردم رسانیده شود.

حمید محمدزاده یاغچی، فرزند مشهدی رضا عطار تبریزی در روز بیست و هفتم اسفندماه سال ۱۳۱۳ ش. در تبریز چشم به جهان گشوده است. تحصیلات خود را در دبستان «نجات» و دبیرستان «پرورش» به پایان رسانیده در سال ۱۳۱۱ وارد دارالمعلمین (دانشسرا) پسران شده است و پس از اتمام تحصیلات دوساله‌ی خود در عالی‌ترین مرکز تحصیلی تبریز در آن روزگار، برای تدریس در مدارس اردبیل به آن شهر اعزام شده و در مدارس «صفوی»، «پورانده‌خت»، «صنعان» و «انوری» تدریس کرده است. سال بعد به تبریز

^۱- همان، ص ۱۰۱.

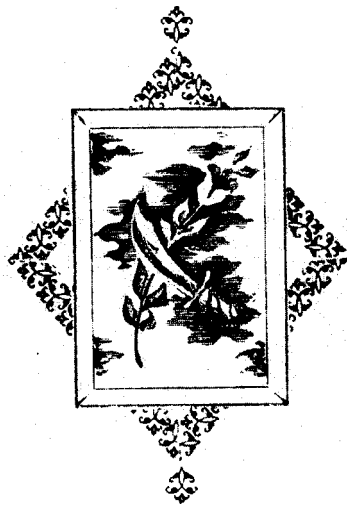
^۲- این ترجمه‌ها در سال ۱۹۸۱ از سوی آکادمی علوم در باکو چاپ شده است: نظامی گنجوی. اثرلری، فیلولوژی ترجمه، ایضاح‌لار و قنیدلر فیلولوژی علم‌لری دوکتورو پروفسور حمید محمدزاده‌نین دیر. علم نشریاتی، باکی، ۱۹۸۱.

^۳- حاج زین‌العابدین مراغه‌ای. ابراهیم‌بیگ سیاحت‌نامه‌سی، فارسجاندان ترجمه‌انده‌ن حمید محمدزاده، علم نشریاتی، باکی، ۱۹۸۲.

^۴- این مجموعه‌ها در سال‌های ۱۹۵۷، ۱۹۵۹، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۸ در باکو انتشار یافته است.

بازگشته و به طور فعالانه وارد فعالیت‌های ادبی و فرهنگی دوران قیام علیه حکومت پهلوی شده و در سال ۱۳۲۵ مجبور به مهاجرت سیاسی گشته است. وی در سال‌های مهاجرت در شهر باکو در دانشکده‌ی روزنامه‌نگاری تحصیل کرده و در سال ۱۹۵۵ (۱۳۳۴ ش.) از انستیتوی زبان و ادبیات آکادمی علوم در آن روزگار درجه‌ی نامزدی علوم فیلولوژی و در سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷ ش.) با دفاع از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود با عنوان «میرزا فتحعلی آخوندزاده و مشرق زمین» درجه‌ی دکترای اخذ کرده است. او بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی بازگشت به کشور و در مؤسسات و مراکز مختلف علمی، از جمله در «مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی» به تحقیق و تألیف و ترجمه مشغول گردید و در کنار آن، به کارهای فرهنگی- اجتماعی نظیر راه‌اندازی مجله‌ی هفتگی «یول»، انتشار «کلیات ترکی شهریار» و جز آن دست زد.

حمید محمدزاده در سال ۱۳۸۰ به دنبال بیماری کلیوی دار فانی را وداع گفت. جنازه‌اش با مراسم باشکوهی در شأن وی، به تبریز انتقال یافت و در «وادی رحمت» در قطعه‌ی «نویسندگان و هنرمندان» به خاک سپرده شد. روانش شاد و راهش پر رهرو باد.



قۇللە چايخاناسى

پروفئسۇر دۇكتور حمىد مۇھەممەدزادە

ھەر شەھىرىن بىر سىئىرانگاھى، گۈزەل تەبىئىي مۇنەزىرى بىر گىزىتى ئىرى ئولۇر. تېرىزىن دە شەرقىدە، تېلەرىن ئۆستۈندەكى باغلار، سارى داغىن دۇشۇندىن ئىتالىنىن قىرئىزى ئىكلىرىدەك ئوزانان باغلار، بۇستانلار اھالىنىن، خۇسۇسىيە جاۋانلارنىن ئازدا، ئايدا سىئىرانگاھىدۇر. بورا قۇللەدەر، تېرىزدىن چۇخ دا آرالى دىئىل، ئونون اوجقار مەللەسى دە سائىلا بىلر. بورا ئا گىلنلر ئىتدى دىيرمان آدانان ھۇندۇرلۇتە چىخماسالار، اورادان شاھگۇلۇنە، پىئىكرىتە، اسپىرىزە باخماسالار، ائىلىپ آياقلارى آلتىندا گىنىش بىر درە دە شەرقىدەن قىرە دۇغرو اوزانمىش تېرىزىن سىئىرىنە دالماسالار، او گۇنۇن گىزىتىسىنى تام حىساب ئىتمىلر. ئىتدى دىيرمان آدى بورا ئا سىبسىز وئىرلەمىشىدۇر. دۇغرودان دا بىر مۇشرە ئاخىن درىنلىشى اولان آرخدا آخان سو گىلىپ آغاچ ئۇلارلا دۇلۇر. بىرىنچى دىيرماننىن آغىر داشىنى فىرلاداندان سۇنرا ايكىنچى دىيرماننىن ئۇنۇن داخىل اولۇر، بورادان چىخىپ ئونون آياغىندا تىكىلمىش اوچۇنچۇ دىيرمانا ئۇكۇلۇر. بىللەلىكلە بىر سو ئىتدى دىيرماننى اىشلەدۇر، نەيات، درەنىن دىيىندىن آخان مىئىدان چائىنا قارۇشۇپ شەھرە دۇغرو آخىر. ھە بۇندان علاۋە، بىر بۇلاق دا وار، او دا داغىن دۇشۇندىن سۇزۇلۇپ داشدان اوئۇلمۇش خىرداچا حۇۋۇضا ئۇكۇلۇر، حۇۋۇزون او بىرى طرفىندىن داشىپ، درەتە آخىر، كۆكرەتەپ شاققىلتى اىلە آخان چاچا دۇغرو جان آتۇر. بۇلاق باشى سحر- آخشام چىنى كۆزەلى قىزلارلا دۇلو اولۇر. بورادا بىر چۇخ جاۋان اۇغلان- قىز ئانا- ئانا سو اچىپ، قانا- قانا بىر- بىرىنە باخمىشىدۇر.

ئازدا قۇللەنىن سىئىرىندىن دۇتماق اولمۇر. ئىتدى دىيرمانا گىلن ئۇلون ساغىندا ايكى مۇرتەلى بىر چايخانا وار. بورا ئا گىلن مۇشترىلر، عادەتن چايخانانىن ئىئوانىندا اوتۇرۇلار. باش- باشا چاتمىش آغاچلارنى سىرىن كۆلگەسى، جەسە ووران بۇلۇللىرىن حىتاش نىشەسى آرئىران سسى، گۇز اىشلەدىكچە اوزانان باغلارنى اۆزەرىنە ئاشىل مەللە كىمى چىكىلمىش چىنلرىن اۆرەك-اچان وۇسەتى آدامدا خۇش دۇغۇلار يارادۇر، دىئىپ گۇلمەك ھەسىنى آرئىرۇر.

ئازىن اىلك ھەتەلرىندىن بىرى اىدى. دۇستلارلا اولكى وەدەمىزە گۇرە، قارى كۇرپۇسۇ ئانىندا سحر تۇردى، ھە گۇن چىخمامىش تۇپلاشۇپ قۇللەتە سارى ئۇلا دۇشۇدۇك. بىز چايخانانا چاتاندا آرئىق گۇن ئايئىلمىشىدۇ. لاكىن قۇللە باغلارنى ھە سحر دوماننىن تۇلۇندىن چىخمامىشىدۇ. گىلىپ بىر قەدەر بۇلاق باشىندا اوتۇرۇپ دىنچەلدىك. ئۇخوش آدامنى تۇرۇر. ال- اۆزۇمۇزۇ يۇدۇق، بۇلاغىن گۇز ئاشى كىمى دورو، بۇز كىمى سۇتۇق سۇيۇندان اۇزۇجلاشۇپ اىچدىك. چىترلىپ چىچىك آچمىش باغلارنى سىئىر ائىدىك، گۇرە- گۇرە گىلىپ چايخانانىن ئىئوانىنا چىخىدۇق. بىزدىن

اول گلنلر بۆتۈن ئىرلىرى توتۇشۇدۇلار. ياخشى كى، چايچى تانىش ايدى. بىزى گۆرەن كىمى خوش- بىش ائلەدى، دندى چايخاننىن ايچىندە اۆتورون، بىر چاي ايچىن، سۇنرا ائىواندا ئىر ائلەرم. راضى لاشدىق، اىستر- اىستەمز ايچرى گىردىك. خلوت گۆشەدە بۆزۈشۈب اۆتورموش اورتا ئاشلىق، آرىق، صىفىتى سۇلغون بىر كىشى دن باشقا ھىچ كس يۇخ ايدى. كىچىب ائىلشدىك. چايچى گلىب گۆلە- گۆلە دندى:

- دئىتەسن عىسگرانلىنى تانىمادىز؟

ھامى ئىز قىش-ى ايختىيارى اۆ كىشى تە طرف دۇنۇب سالام وئردىك، ئىر گۇستىرىب چاي ايچمە تە دعوت ائتدىك. عىسگرانلىنى من اۆ واختادىك گۆزەمىشدىم، لاكىن آدئىنى چۇخ ائىشتمىشدىم. اۆنۈن لطفەلرى، زارافات لارئ شەھردە مشهور ايدى. دۇست لارىمدان بىرى دوروب اونا سارئ گشتىدى، قولۇندان توتۇب بىزە طرف گتىردى:

- عىسگرانلى، بئلە نىيە، خستە- زاد دئىيلىسن كى، نەدن سۇلغون سان؟- دندى.

عىسگرانلى اىستىھزا ايلە دندى:

- خىش، كاش خستە اولادىم، نىچە آى ايدى آغلار ئن قۇناغى ايدىم.

- ھانسى آغلار ئن، قۇناقلىق ھارادا ايدى؟

ماسانى سىلىب سلىقە تە سالان چايچى دندى:

- دوستاق ايدى، زىنداندا ياتىردى، تۈزە چىخىب.

- عىسگرانلى، دوستاق! اينانمارام، - دئىتە دۇستوم تەجۆبلە عىسگرانلىنى باشدان- آياغا

سۆزدۆ.

عىسگرانلى قىلى- قىلى دندى:

- دۇغرو دئىير، بۆتۈن قىشى دوستاقدا ياتىمىشام، اۆزۈ دە بورادان، باخ، بو چايخانادا

سامۇدار ئن دالىندان توتۇب آپارىيلار.

عىسگرانلى ائىلشدى. اولجە آند- آمان ائلەدى، بىزدن سۆز آلدى كى، باشىنا گلن احوالاتى

باشقا ئىردە دانىشمىتاق، چۈنكى ھامى ئا گۆلن عىسگرانلى ايندى اۆزۈ گۆلۈنچ وضعىيتىدە قالماشدى.

عىسگرانلى چايچىنى ئىن گتىردىشى سولو قلىانى داماغىنا سالىب، بىر- ايكى دۈفە اوزون-

اوزادى خۇرولدا تدى، خىرداجا گۆزلىرىنى قىيىب گۆلۈمسەدى، باشىنا گلن احوالاتى سۆيلىمە تە

باشلادى:

- بىزىم ائۇيمىزى تانىتىر سىنىز، شىشگىلاندا اولور، بازارداكى باققال دۇكانى ايلە اۆزبە اۆز

دالاندا دىر. بو بازارداكى باققال دان، قصاب دان، چۆرە كچى دن باشلامىش تا صاحىب-ۆلە امىر مىندانىنا

كىمى ھامى ئا بۇرجلو دۆشمۈشۈدۆم. گۆندە بىرىندىن نىسپە شى- آلىب آئىن باشىنا وعدە وئىردىم.

آئىن باشى دا كى، گۆزۈنۆ يوموب آچان كىمى گلىب چاتىر. ھر گۆن يۇلومو دىشمەلى اولوردوم.

ھانسى كۆچەدن، بازاردان نىسپە شى- آلمىشدىم، اۆزادان كىچە بىلمىردىم. داھا ائلە اولموشدوم كى،

ئۇندىن خاماما گىتىمك ئۈچۈن ئۇ قەدەر دولانباچ يۈل لاردان كىچىردىم كى، ئاز قالا شەھرى دۇۋرە ئورمالى ئولۇردوم.

ئوتۇمىزىن قىياغىنداكى باققالدىن نىسە ئالماز دىم، چۈنكى ئۇندىن قاچماق مۆمكۈن دىيىلدى، ھەر گۈن ئۆز-ئۆزە گىلدىك. ئۇنىڭ گۈزۈنە گۈرۈنمەك ئۈچۈن گرەك نىدىۋان قۇيۇپ قۇشۇ خىطە دۈشەيدىم، ئۇرادان باشقا كۆچەتە چىخايدىم. بۇ دا مۆمكۈن دىيىلدى. ئىم ھەر ئىردىن ئۆزۈلدىن سۇنرا گىلىپ بۇ باققالدىن دا نىسە ئالدىم. ھەر گۈن دۈكانىن قىياغىندا كىچىدە ئۆزۈم گۈرۈمەزلىنە ئورۇردوم، ئامما ئۇ مەنە سالام ئىرىدى. ئالتە سالام لار ئىن مەناسىنى ئانلايدىم. داھا ئادەت ئالەمىشىدەم، سالامدان سۇنرا ھامى ئا دىيىردىم: «سىز دە فېكرىمە سىنىز». بۇ سۆزۈن چۈخ قىيە تائىرى ئار ايدى، ھامىنى ساكىتلىشىدىرىدى. ئامما بىزىم بۇ نىجىپ باققالا سۆز قاندىرماق مۆمكۈن دىيىلدى. بىر گۈن چاغىرىپ دىدى: «مىن سىن دىنەن بۇيۇك سىرمايەم ئۇخىدۇ، بۇرجونۇ ئىرمەسەن ئىنجىيەرم». دىدىم: «قاچمىرام دا، دانمىرام دا. دۇعا ئالە ئىمە پۇل دۈشۈن، گىرىپ بۇرجونۇ ئىرم». دىدى: «دەمەلى، سەن ھەم ئاغ، ھەم دۇيۇ ئىرمەلىم، ھەم دە ئىكى ئىم گۈندە ئولمالى دىر كى، ئالە سەن پۇل ئىتىرسىن، گىرىپ بۇرجونۇ ئىرمەسەن؟». گۈردۈم كىشى قاقلى دىر. دىدىم: «ئىستەيىرسەن دۇعا ئالەمە، ئۆز ئىشىنىدى، ئامما مەن ھەمىشە دۇعا ئالەيىرم كى، ئالە ئۆز مۇسلمان بىندەلرەنە روزى ئىتىرسىن». دىدى: «ئۇ دۇعادان ئۆزۈنە دە ئالە! داھا بىر سۆز دىمەدەم، سۆيۈم سۆزۈلە- سۆزۈلە دۈكاندىن چىخىپ ئۆتە گىتىدەم. ئارۇد ئۆزۈمە باخان كىمى قاننىم قارا ئولۇغۇنۇ دۈيدۇ. دىدى: - كىشى، بۇش- بۇش دۇلانماقدان بىر شى شى چىخماز، ئۆزۈنە بىر ئىش تاپ، بىر پىشەتە قوللۇق ئالە.

دىدىم:

- ئىش- پىشە ئۈچۈن سىرمايە لازىم دىر، ئۇ دا كى، مەنە ئۇخىدۇر.

بىر ئاز فېكىرلىشىپ دىدى:

- چاچىلىق ئۈچۈن سىرمايە- زاد لازىم دىيىل. گۈتۈر ئۇ سامۇئارى، ئىستىكان- نىلبنى،

ئاللاھىن سۈيۈ دا كى، ھەر ئىردە ئار، بىر سىكى دە چاچى دىلە، سات.

دۈشۈندۈم، گۈردۈم ئارۇد مەندىن چۈخ- چۈخ آغىللى دى. ئىلىندە ئالە ئوتى ئۇ دۇلاندىرىدى، ئىندى بۇيۇلۇ ئولۇغۇندىن داھا ئىشلەتە بىلمىدى. مەن دە كى، ئىلمەن بىر ئىش گىلمىدى. دىدىم:

- ئارۇد، سەن دە ئازىر آغلى ئار. شاھ ئولسايدىم سىنى ئۆزۈمە ئازىر ئالدىم. ئامما نە ئالەتەسەن،

فەلەن گۈزۈ كۈردۈر. گۈنۈ ساباھدان چاچىلىق ئالەتەجەم.

گىجە سەھرەجەن گۈزۈمە ئوخو گىلمەدى. دۈشۈندۈم چاچى دىسگائىنى شەھرىن ھاراسىندا ئىشە سالىم. كۆچە- بازارىن ھامىنى بىرچە- بىرچە خىتالىمەن كىچىردىم. ترس كىمى، ھەر كۆچە دە بىرىنە بۇرجۇلۇ ئىدىم. نەھىت، گىلىپ باخ بۇ ئىلشەيىنىز ئىردە دا ئاندىم. بۇ جە- جلال، بۇ مۇشتىرى، بۇ

منظره، بو شىنلىكلار ئادىما دۆشۈدۈ. ھەلە گىجە ئارىسى ئىدى. شۇنىچەك ئارۋادى ئوخودان ئۇتاتتىم، دىندىم:

- ئارۋاد، گۈزۈمە ئوخو گىلمىر، قىيە بىر فېكىر ئالەمىشم. چاچ دىسگائىنىنى قۇللە دە قوراجاغام. شەھردە چاچىنىن ئىستىكانى بىر شاھىدى، قۇللە دە بىر ئابباسىدى، ئۈزۈ دە شەھرىن بۆتۈن پۇل خىرجەلەنلەرى، جاھىللارنى ئوراپا گىلەرلەر. بىرچە ئىش ئىچىندە بۇرچدان چىخاچاغام، شەھرىن بۆتۈن چاچىنىلارنى ئىش ئاللىرىنى تاختاغا باغلاپاچاغام.

ئارۋاد دىندى:

- نە ضررى وار، ئىستەئىرسىن قۇللە دە چاچىنىلىق ئالە.

سحر ئالا- قارائىلىق ئوتۇن چىخىدىم. ئۆكۈم ئاغىر، ئۈلۈم ئوزاق ئۈلدۈغونا گۈرە قۇنشۇلۇغۇمدىكى بىئەسى دا ئۈزۈمە ئۈلدەش ئالەدىم. ئۇ، ئاندا ئىشلەردى، قىشدا ئىش ئۈلمەدىغىنا گۈرە قوشبازلىق ئىلەردى. دىندىم، سىن مەنە شەئىردە ئۈل، گىئەك چاچىنىلىق ئالەدىك. قۇل ئالەدى. بىر قار ئاغىشىدى. باسا- باسا گىلىب بو چاچىخانغا چاتتىق. سۇز ئاخىشقا چاتار، سىلىپ- سۈپۈردۈك، سامۇۋارا ئۈد سالىدىق، چاچىنى دىلەدىك. مەن سامۇۋارنى باشىندا دىئاندىم، شەئىردىم قاپىنى ئاندىن ياندىن دورۇ. گۈزەلەدىك، گىل ئۈلمەدى. تەدەم چاچىدان ئۈزۈمۈز ئىچدىك. چاچا سۇز ئۈلا بىلمەزدى، ئەمما چاچىنى كى، مۇشترى ئۈخ ئىدى. بىر ئاز كىچىدى، بىر دە كۈنلۈمۈز چاچ ئىستەدى. تۈكۈب ئىچدىك. دىلەنمىش چاچ قورتاردى. ئىرىنە سۇ ئىب سامۇۋارنى باشىغا قۇندۇم. گۈن ئورتا ئۈلدۈ، بىر ئادەم گىلمەدى. بىر دە چاچ ئىچدىك. ئۈستۈنە ئىنە دە سۇ ئىب قۇندۇم سامۇۋارنى باشىغا. ئىكىمىزى دە ئوخو باسىردى. بو ئاخى پىللەكنەردەن ئاق سىسى ئىشىدىلدى. كىچىب سامۇۋارنى باشىندا دىئاندىم. شەئىردىمە دىندىم دورا ئاغا. مۇشترىنى قارشىلا، ھاجاندا- ھاجانا بىر كىندىلى، ئاق لارنىدا چارچىق، باشىندا مۇتال پاپاق، ئىندە ئاچا ئىچرى گىردى. بىر گۈمۈش بىش قىرانلىغىنى مەنە ئىش ئۈزۈدە دىندى:

- ئى قارداش، ئالە ئاتاۋا رىھمەت ئالەسىن، بو بىش قىرانلىغىنى خىردالا. ئاپما- كىرە ساتمىيەم، كىشىنى بىر قىرانلىغىنى ئۈزۈنە قاتارمالى ئىش.

- دىندىم:

- ئىش بىر ئۈشۈشۈۋۇ ئال، بو سەئەت خىردالارام.

دىندى:

- ئاخىش ئۈخىدۇ، تەسىرم.

دىندىم:

- ئۈلمەز، ئىش، بو سەئەت خىردالارام.

كىشى ئىلەش كىمى بىر ئىستىكان چاچ تۈكۈب، شەئىردىمە ئىشارە ئالەدىم. شەئىردىم گىلىب بىر چاچا باخىدى، بىر دە مەنە. دۈغۇردان چاچ نە چاچ! لاپ چاچىدان ئاخان سارى سۇئا بىزەئىردى.

پوچالار آچیلئیب یارپاق کیمی اولموشدو. آپاریب کیشی نین قاباغینا چائی قوئاندا یازئق یالوارئیب دندی:

- واللاه چائی ایچن دنئیلیم، هئچ انوده ده چائی ایچمیریک. مؤمکون اولسا او بئش لئیشی خئیردالا، چئیخئیم گئدیم.

کیشی ایستر- ایسته مز یارئیم تیکه قندله چائی ایچدی. شه ئیردیم ایستکانئ قاباغیندان گؤتورؤب گئیرن کیمی تئز دولدوروب وئردیم الینه. اودا آپاریب قوئدو قاباغینداکی ماسانئین اؤستونه. کیشی دوروب گئری چکئلدی. دندیم:

- اولماز، بورا ئا گلن ایکی ایستکان چائی ایچمه میش گئری قائئیدا بیلمز.

مجبور اولوب ائلشدی. ایکنجی ایستکانئ دا چیمچه شه- چیمچه شه ایچدی. دندیم:

- باخ، ایندی اولدو، بوئوروب گئده بیلرسن.

آیاغا دوروب:

- آلااه ندرؤوؤ قبول ائله سین- دندی. یازئق ائله بیلدی کی، چائی نذیری دنمیشم. ایره لی گلدی. چؤتکهنی گؤتورؤب حئساب سالدیم:

- بیر چائی- ایکی قئیران، بیر ده چائی- ایکی قئیران، بو اولدو دؤرد قئیران، بوئور بو دا سنین بیر قئیرانئین، خوش گلدین!- دندیم.

یازئق کیشی نین گؤزلری چئینخدئ کلله سینه:

- آئی کیشی، آلاها باخ، من کی چائی ایچمیردیم، زورلا ایچیردین. ایکی ایستکان چائئین پولو اولار ایکی شاهئ، سن بیر عابباسئ آل، داها دؤرد قئیران کی، اولماز.

دندیم:

- قئیشئین بو واختئیندا، داغئین باشئیندا چائئین بیر ایستکانئ ایکی قئیران دان اسکیک اولماز. اوزون دانئیشما، ایسته ئیرسن باش- قولاغئین ساغ قالئئن، چئیخ گئت!

مؤشتریمیز چئینخئیب گئتدی. شه ئیردیمه دندیم:

- بیر- ایکی مؤشتری ده گلسه، ایشیمیز بیس اولماز.

یارئیم ساعات کئچمه میشدی، ئئننه ده پئلله کن لردن آتاق سسی گلدی. من تئز کئچیب سامووارئین باشئیندا دایانندیم، شه ئیردیم ده قاپئ نئین آغزئیندا اؤز ئیرینه دوردو. گؤردؤم ایکی آزان لا هامان کئندلی ایچری گیردی. منی و شه ئیردیمی گؤسترب دندی:

- بونلاردئ، منی گؤنؤن- گؤن اورتا چاغئ بوردا سؤئدولار.

آزانلارا دندیم:

- ائله شئین، بیر چائی ایچین گؤره ک نه دنئیر. اونو بورادا سؤئان یؤخدور.

آزانلار اؤتوردولار. کیشی گئدیب ایکی سی نین ده قولونان دارتئیب آیاغا قالدیردی. دندی:

- سیز آلااه، چائی ایچمه ئین، منیم باشئما گئیردئیی اویونو سیزین ده باشئئیزا گئیرمک ایسته ئیر. آزانلاردان بیرى دندی:

- نه اوتون باشيميزا گتيرمک ايسته تير؟

کنډلی دندی:

- چای ایچسه نیز هر بیر ایستکانی نی ایکی قشیران حشساب انله ته جک.

آزانلار گۆلدۆلر، تزه دن چای حاضیرلاتدیلار، ایچدیلر، سونرا پشیریمیزه وئرا- وئرا ساموؤلر، ایستکان- نلکی نی دالیمیزا چاتیپ شهره گتیردیلر. ایکی میزی ده قۆلله باشیندا یۆل کسپب آدام سۆیدوغوموزا گۆره داما باسدیلار. ایکی آئی اون گۆن دامدا قالاندان سونرا.....

قایى دان گیرهن کیمی دندیلر: «موشتولوغومو وئر، بیر گۆزل قیشین اولوب». دندیم: «موشتولوق وئره ردیم، اگر بیر چیرکین اوغلوم اولساندی».

گلیب آروادا دندیم:

- آرواد، بس سن بیلمیردین کی، قیشین چیلله سینده قۆلله ته چیشخان کیمدیر کی، گل سین اواردا چای ایچسین؟

آرواد بیر سۆز دئمهدی، هئچ ساموؤلر، ایستکان- نلکی نی ده سؤروشمادی. آنجاق آدامین ویجدانی وار، او منه دئمهمیشدی قۆلله ده چایخانا آچیم، دئمیشدی شهرین ایچینده چای ساتیم.



دى دور كل نازلانا - نازلانا...

كند اوشاغى

«به منظور ایجاد ارتباط مستقیم مردم شریف با... (يكی از نامزدان ریاست جمهوری) ستاد اطلاع رسانی تحت پوشش (؟) «ستاد ارتباط مردمی» تشکیل شده است. از تمام هم‌میهنان عزیز دعوت می‌شود جهت بیان هر گونه انتقاد، پیشنهاد، سؤال، رهنمود با این ستاد تماس حاصل فرمایند». (روزنامه‌ی اطلاعات، ۸۴/۳/۸)

گۆزۆمۆز آیدین! حمد اولسون کی، بیز ده «شریف خالق»-دان بیرری-تیک. البته همیشه دئمک اولماز، آمما هردن- بیر اولور. هنج اولماسا سئچکی لر زامانی «شریف‌الشیریک». نتجه کی، ساواش زامانی «رشید» (قورخماز)، بعضی وخت‌لاردا یثری گلدیکده «غیور» اولوروق. (دیقت: بو سۆنکو حالت داها چوخ اۆزۆمۆز داناندا بیزده حاصل اولارا). هر حالدا سئچکی زامانی داها چوخ «شریف / آیتیک» اولوروق. ایندی داها بو قالیر کی، دوراق گندهک «سیتاد»-ا گۆرهک نه وار، نه یوخ؟!

سیتادین معناسینى ياخشى باشا دۆشمۆرم. تۆركجه كى دئىيل فارسجادا دا «ايستادن» وار، آمما «ستادن» یوخ. هاردان گلیر للهش بيلمیرم. آنجاق اونلارین بیرینه اوخشايتیر، بو دا ییتر. قدیم زامان بو بیر اوردو / نظامی سۆزجوکو ایدی. ایندی ایسه ماشاللا- یئر- گۆی سیتاددیر. هر حالدا بۇيۆك باش‌لار اولان یترین آدینا «سیتاد» دئییرلر. آتالاری رحمت‌ده، زحمت چکیب، هنج دن بیر کلمه چیخارتمیشلار. بونا «یارادیجی‌لیق گۆجو» دئییرلر. بیز ده یوخدور، اولسون. بیز اولسایدیق دئییردیله: یارامازلار، دیله یاد کلمه سۆخورلار. یئنه ده اولسون، چوخ زادلار وار کی بیزه حارام‌دیر، باشقالارینا حالال. نه عشیی وار؟!

گندهک سیتادا، بۇيۆك باش‌لارین یانینا... آلا-ه ساخلاستین. زحمت چکمیشر. گۆزهل‌دیر. ایندی نئیله‌یک؟ «پیشنهاد»؟ ائله بیل باشا دۆشمه‌دیک. ترجومه‌سی «قالباق

قۇيماق؟ يۇخ، جاننىم قىلپ اولار... بىزدە بورادا قاباق / اۋن يىرىنە «اۋرتا» دۇغرو دور. «اۋرتا ئا قۇيماق»، يەنى بىر فېكىر اۋنە سۇيىلەمەك، آغىل وئرمەك!.. يۇخ قارداش، آلاھ ائەلەمەسىن... آغلار ئىن ئانىنىدا بىز نەچى اولوروق؟!

قالدى «ايتتىقاد» اۋكى، بىزە اصلن ياراشمازا آغزىمىزنى آچساق، آغزىمىز اوچوقلار... نىچە كى، بىر عالى جناب نىچە ايل بوندان اول حاقلى اولاراق تنقىدچى لرى تنقىد آتشىنە توتوب بوئورموشدو: «بونلار چىيىن كىمى هارادا بىر موردار وار گىدىب، اۋنو تاپىرلار! دۇغرو دورا قارداش! سن اگر دۆز اوغلانسان، نىيە يالنىز چىركن زادلارنى گۇرۇب، بۇيۇتگىچ (ذەبىن) آلتىنا آلىرسان؟! ماشاللا، بودور بىر بئەلە گۇزەللىك، گۇل-گۇلۇستان... هىنى مىلچىك كىمى موردار دالىسىچا گىزىرسن كى نە اولسون؟! بس سىندە بىر داش آغىرى وار، يا دا الين «ايتتىقار» اليندە دىر. دانىشاندا آغزىندان باشقا قۇخولار گلير...

يۇخ قارداش، ددەن رحمتدە! من «ايتتىقاد» آدمى دىيىلم. بىزىم سولار گۇزەل آخىر، بورالاردا هاۋا خوش دور. حمد اولسون هر زاد قايداسىندادىر. نەدن ايتتىقاد ائەلەيم كى؟! اينىصاف دا ئاخىش زاددىر!

«رەنمود» - مەنمود دا اليمىزدن گلەم. يۇخسا آلاھ ائەلەمەمىشەن آزىب - يۇزان وار كى، بىز اۋنا يۇل گۇستەك؟! بو سۇزلر نەدىر كى، سن دانىشئىرسان؟!

«سۇل» بوئوردون. اۋلا بىلير، آما «حىكمەتە سۇل يۇخ» بس لۇطفن اۋنا دا قلم توت... بىرچە قالار «ھىكارلىق»... ھە، نە دىمىشم! با بونا من نۇكرم. بىندە ھىمىشە ھىكارلىغا حاضىرام. اصليندە نەدن دۇغاندان ھىكارلىق اوچون دۇغولموشام! سىتادا اۋنون اوچون گىتىمەك گرەكدىر. بس باشقالارنى قورو سۇزدور. اينشادىر، گۇزەللىنى اوچون يازىلمىش. سىتادا ھىكارلىق اوچون گىندەرلر. دورون ھامى گىندەك... مۇبارك اولسون!

توفان

(ھىند ھىكايەسى)

اينگىلىس دىلىنە چئۇيرن: ساموئل مانانى

چئۇيرن: م. امين مۇيد

مەبد، شەر خۇرمەسىنىن لاپ اوجا يثرىندە تىكىلمىش ايدى. اوندان بىلە اۇرادا دا ايلاهىيەت ھىيىكلى، بۇنونا قەدەر سو ايچىندە ايدى. سو ھر يثرى بۆرۈمۈشۈد. اۇرادا ياشايانلار قورو يثر آختارماغا گىتمىشىدلىر. ھر انۇدە كى، قايتىق ۋار ايدى، شى- شۆيلىرىنى قۇروماق اۋچۇن بىر كىمسە قايتىقدا قالمايشىدۇ. مەبدىن اۋچ اۋتاقلى اۋست مرتبەسىندە آتمىش يىلدى اوشاق ۋاچ يۈز اللى آلتى قارى، ھابىلە ايتلىر، كىچىلىر، تۇيۇق- خۇروزلار بىر- بىرىنە قارىشىپ قايتاشىدلىر.

«چنان پارنا» بىر گىجە- گۈندۈز سودا قالمايشىدۇ. اۋنون قايتىغى يۇخ ايدى. اربابى اۋچ گۈن بوندان قاباق جانىنى گۈتۈرۈپ قاچمايشىدۇ. سۈيۈن ايلك دامجىلارنى دامان كىمى تىز آغاج بوداقلارنى ايلە نارگىل يارپاقلارنى بىر- بىرىنە چىتتەرك بىر شىروانى آلتى دۈزەلتمىشىدلىر. اۋ، قاسىرغانىن، تىزلىكلە يۈنگۈللىشمەنى اۋمىدىلە، ايكى گۈن بورادا كىچىندى. بورادا بىش سالخىم نارگىل بىر باغ دا يۇنجا ۋار ايدى. قۇرخوردو انوى بۇش گۈرۈپ اۋنلارنى آپارالار.

ايندىسە شىروانى آلتىندا سو دىزە قەدەر يۇخارنى قالخمايشىدۇ. تاۋانا ياپىشمىش ايكى چرگە نارگىل يارپاقلارنى داھا سو باسمايشىدۇ «چنان» كۈمانىن ايچىندە باغىرسا دا آنجاق اۋنون سىسىنى ائشىدن يۇخ ايدى. اۋنون ۋار- يۇخو بۇيلو بىر قادىن، دۇرد كىچىك اوشاق، بىر پىشىك، بىر دە ايت ايدى. اۋ ايانىدۇ كى، اۋن ايكى ساعاتا كىمى سو تاۋانا قالخاجاق. بو اۋ دىمكىدلىر اۋنلارنى آخىرى چاتاجاقدىر. اۋچ گۈنۈن ايچىندە ياغىش كىسمەيشىدلىر.

اۋ، كۈلشەدن قايتىلمىش تاۋانىن بىر آزىنى دىشەرك بىر باجا قايتىرىپ، اۋرادان باشىنى ائشىنە اوزادىپ اۋنانا- بوئانا بۇيلاندى. بۇيۈك بىر قايتىق شىمالا سارى گىدىردى. باجاراجاغى قەدەر اوجا سىسلە قايتىقچىلارنى سىسلەدى. بىخت اۋنا ياردىم اۋلدى. اۋنلار احوالاتنى باشا دۈشۈپ كۈمايا سارى سۈردۈلر. چنان، آروادىنى، اوشاقلارنى، ايتى ۋ پىشىنى بىر- بىر باجادان ائشىنە چكىدى. اوشاقلار دىرماشىپ قايتىغا مېنەندە چنان بىر قىشقىرتى ائشىدى: «آھائى چنان»- دى بىر كىمسە گۈن باتان طرفىندىن اۋنو سىسلەيىردى. چنان، سىسە سارى دۇندۇ. «كونچىيان»نى سىسى ايدى، اۋ

افوین دامیندا قیشقیریردئ، چنان، چوخ تلهسیک حیثات یولداشیینی قاینیغا چاندیردئ، پیشیک ده الوثریشلی فۆرصتده قاینیغا آتیلدی.

كىمىسە ايتىن قىتىدىنە دىنىلدى. او كۇمانىن گۇن باتان طرفىندە شى- شۆي لرى آرا ياراتاق ايتىن چكىردى. قايتىق يۇلا دۆشۈب كۇمادان آرا آچىدى. ايت عايىلەنى گۈزەلە دىنى يىرە قايتىدىب گۇردۇ كى، قايتىق داھا اوزاق لاشىب دىر. سانكى قايتىق اوچوردو. تەلۈكەنى حىس اندەرك ھۆرمە يە باشلادى. ايت، تەلۈكە يە اوغرامىش بىر اينسان كىمى اۋزۇندىن قىرە سىس لر چىخايرىدى. آما اۋنۇن سىنىنى ائشىدە سى بىر كىمىسە يۇخ ايدى. او دامتىن اۋستۇندە دۇرد طرفە يۇيۇرۇك ايتىن چكىب ھۆرۇردۇ. بىر قورباغا كۇماد، ايتىن سىنىنى ائشىدىب، قۇرخوب شاپىلتى ايلە اۋزۇنۇ سۇئا آتدى. ايت قۇرخا- قۇرخا قورباغانىن آتىلدىغى يىردە سۇيۇن يارلىدىغى نۇقطة سىنە باخدى. او يىتمك ايسە يىردى، اۋنا گۇرە دە كۇمانى دۇرۇر وۇروب نەسە آختايرىدى. او ايتىن چكىدىكە بىر قورباغا اۋنۇن بورنونا ايلىشىپ اۋزۇنۇ سۇئا آتدى. ايت وۇرنوخاركن آسقىرىپ، اۋسگۇردۇ. بىر آياغى ايلە اۋزۇنۇ تەمىزلەدى. بىر داھا ياغىش ياغماغا باشلادى، ايت اۋز تۇكلرىنىن ايجىندە بۇزۇشۇدۇ. بو زامان اۋنۇن صاحىبى «آستالامپوز» دا ساغ- سالامات قايتىق دان ائندى.

گنج ایدی، بیر هوندور تیمساح آستا- آستا اوزنده کومايا تۇخوندو. ایت وحشتله هوردو قویروغو ساللاندی. آما سانکی تیمساحین اونونلا ایشی یوخ ایدی. یازیق حنیوان کومانشین لاپ اوجا یئرینده اوتوردو، قارانلیق گۆته باخیپ هوردو، اونون قعلی هورمهسی اوزاقلاردا انشیدیلیدی.

سسلرین مئھریبان تانری سئ نالەنین سسینی باشقا ساحیل لره آپاردی. بیر عیدده اونو انشیدیب و اولاییلەسین کی، یاش جاسینا اوزلریله دانیشدی لار: «وای، بیر یازیق ایتی دامدا قوئوب اونو ترک استدی لر. لاپ رۆسوچیللیق دیر». بلکه ده ایندی اونون صاحیبی قورولوقدا شام یئیدیردی؛ بلکه ده یتمک یئیه رک حئیوانی دا یاد ائله ییر. ایتین اوزون اولاشمالاری ضعیف نالەیه چئویریلدی. کیمسه «رامایانا» دان بیر نئچه بئیت اوخوئوردو. ایت او سسه قولاق شاخلاقاراق بیر موددت ساکیت دایاندى. سونرا ائله بیل کی، اوره یی سینان کیمی اولوب سئزملدادی قارانلیق گئجه نین سۆکوتوندا «رامایانا» ماهنی سئ هاوانی دولدوردو. ایت یتنه قولاق لارینی شاخلاق یئیب قولاق آسدى، حرکت سیز دایاندى. ماهنی نئین شیرین لحنی، داوام ائله یین سۆیوق یئل ایله قاریشیدى. باشقا بیر سسلر نئیز یئل سسی ایدی. ایت حیس استدی کی، یوشاق بورنو قئزاریب شیشیب دیر.

ايكىندى چاغى- ايكى كىشى بىر كىچىك قايشىدا اوردان كىچىدېلر. ايت ھۆرۈب اۆمىدلە قوزوغونو تېرىدى. چالشيىردى، اۈزۈنۈن پىس وضعىتىنى مۆمكۈن قەدەر اينسان باشا دۈشە بىلەجەنى يۈل،لارلا بىلدىرسىن. سۈيۈن ايچىندە دال آياق لارنى نىئىن اۈستۈنە قالدخارق قايشىغا آتيلماق حالتى توتدو.

اۋنلارنىڭ بىرى قىشقىرىدى: «باخ، اۋرادا بىر ايت وار. او قوتىروغونو بوللا تاراق، اۋزەل بىر سس چىخارماقدا سانكى قدير بىلنلىك ائىدىب ۋ شىقت دىلە تىردى».

ايكىنچى كىشى دىدى: «قۇي اۋلسون». ايت گۈزلىرى ايله يالۋاريدى. ايكى دۈنە چالشىدى قايتىغىن ايجىنە آتلىسۇن، آنجا قايىق گىت بەگىت اوزاقلاندى. ايت بىر داھا سىزىلتى تا باشلادى؛ قايىقچىلارنىڭ بىرى دۇنۇب دالىي تا باخدى. او، اۋز يانلىشىنى باشا دۈشدى. سس قايىقچى سسى ئۈخ، بلكە ايتىن اينسان ساياغى نالە چكىدىنى ايدى. ئۈرغون، نىتاران سىزىلتى كۈلەين سسى ايله قارىشىش، سۇتوق دالغالار ايجىندە بىر داھا ائشىدىلدى.

قايىق گۈزدن ايتەنە قەدەر اۋنا گۈز زىللەدى. سانكى دۇنيادان زەلەسى گىدىر ۋ اۋندان ويدالاشماق اۋچۇن كۈمانىن لاپ اوجا تىرىنە قالخىدى. بلكە اۋز- اۋزۈنە دىيىرىش كى، بىر داھا اينسانى سۈمەتەچكىدىر. سۇتوق سودان يالايىب ايجىدى. باشى اۋستە اوجان قوشلار ۋ سۇنرا دا دالغالارنىڭ اۋزەرىندە اۋناتان بىر ايلان بالىغىنا باخدى. ايلان بالىغى «چنان» آچىدىغى باجادان ايجرى گىردى. ايت گۈز- قولاق دا ايدى. آچلىق تحرىكىندن ۋ اۋلۇم قۇرخوسونون تائىرىندن اوجادان ھۆردۈ. ھامى اۋ سسى باشا دۈشە بىلردى. اۋنا گۈرە كى، اۋ سس بۈتۈن دۇنيا آنلايدىغى بىر دىلدە ايدى.

توفان ايله ياغىش ئىنە دە باشلادى. دالغالارنىڭ اۋغرايشىش نىجەسىندە تاۋان داھا داۋامىنى الدن وشمىشىدى. ايت ئىنە دە اينسان سسى ائشىدى: «ايت سسى ھاردان گلىر؟ اۋلماي كۈمانىن ئىنەلىرى ئۈخدور؟» ايت، قۇز آغاجىنىن ياخشىلىغىنىدا آغاچا باغلانمىش بىر قايىق گۈردۈ. قايتىغىن ايجرىسى مۇز، قامىش ۋ نارگىل بوداغلارنى ايله دۈلو ايدى.

ايت قايىقچىلار سارى دۇنۇب، ھۆرە- ھۆرە سۈيا ياخشىلاشدى، آدمالارنىڭ بىرى مۇز آغاجىنا چاتدى. باشقا بىرىسى تەلۈكەنى آندىرراق دىدى: «گۈزلە، ايت ائەل بىل جوماققدىر».

ايت جوموب آتلىدى ۋ كىشى اليندەكىلىرى بوراخاراق سۈيا دۈشدى. ايكىنچى يۈلدەشنىن ياردىمى ايله قايتىغا چاتىپ مىندى. ايت دە اۋزەرك سودان چىخىدى. كۈما باشىنا چاتىدى اۋغرولا، بۈتۈن مۇز سالخىم لارنى كىيىپ قارات ائىدىلر.

ايتىن آچى ھۆرمەسىنى ائشىدەرك دىدىلر: «دايان سە گۈستەرەيك» سۇنرا قايتىغا خىشلىك كۈلش ئىغدىلار. آخىردا اۋنلارنىڭ بىرى كۈمانىن دامىنا دىرماشدى. ايتىن نە گۈجۈ وار ايدى دىشلىرىنى اۋنون قىچىنا باسۇپ ۋ آغزى دۈلوسو اۋنون قىچىنىن ايتىندن قۇپارتىدى. كىشى آغزىدان قىشقىرىپ اۋزۈنۈ قايتىغا سالىدى. باشقا بىرىسى بىلە گۈردۈكە آغىر ضرە ائندىردى. ايت بىر نالە سسى چىخارىپ، سۇنرا دا سسى كىيىلدى. يارالانمىش كىشى قايتىقدا اوزانىپ، اوجا سسلە ھاراي چكىردى. ايكىنچى كىشى اۋندان ايتە تىردى كى سسىنى كىسىن، ئۈخسا تانىنارلار. اۋزون زامان ايت، اوزاقلان قايىغا سارى ھۆردۈ.

داھا گىجە ئارىسى ئايدى. دالغالاردا ھىلەن ھۆندۈر بىر اۋكۆزۈن اۋلۇسۇ كۇمانىن ئاخىنلىغىنىدا ايلىشىپ داياندى. ايت، اۋكۆزۈن اۋلۇسۇنە ئاخىنلاشاراق، اونا باخدى. آتريلىپ آشاغى ئا سۆرۈلدى. ايت اونا سارى داشلاندى. قوړوغونو شاخلاپاراق ديشلرېنى جمده يە باتىردى و اۋونون بۇل اتېنى چۇخ لڈتله یتدی.

بىردن- بىرە اۋكۆزۈن جمده ئى سو آلتىنا گىدەرك ايت دە گۇزدن ايتدى. اۋندان سۇنرا آنجاق توفانىن گۇرۇلتۇسۇ، قورباغالارېن قورولتوسو و بىر دە چايتىن اۋزەرىندە تۇرەن دالغالارېن سسى اشىدىلىردى. ايت ساكيت ايدى.

اۋنون، اۋرەك سىخىچى نالەلىرى، ئانىقلى سىزىلتىلارې داھا كسىلمىشىدى. اپرىشىپ شىشمىش جمدهكلر چايتىن دالغالارې ايله اۋزۈ آشاغى گىدىردىلر. قارغالار آرخايتىنلىقلا اۋنلارې دىمدىكلەتيردىلر. كىمسە يۇخ ايدى. اوغرولا مانئەسىز اولاراق راحتجاسىنا اۋز ايشلرېنى گۇرۇردۇلر.

بىر آز سۇنرا كۇما اوچوب داغىلدى. اوجو- بوجاغى گۇرۇنمەن سودا ھىچ بىر شىئ گۇرسىمىردى. ايت اۋلنەك اۋز صاحابىنن وەر- يۇخونو گۇزتلەدى. ايندى ايسە او تىمساحلار ايتىتپارېندا ايدى و كۇما ايسە اوچوب آرادان گىتمىشىدىر.

سو چكىلمك دە ايدى. چنان، اۋزە- اۋزە كۇماتا چاتدى. ايتىن باشىنا نە گلدېيىنى بىلدى. نارگىل آغاجىنن آلتىندا دالغالانان سۈيون اۋزەرىندە بىر ايتىن اۋلۇسۇ ھىلنردى. چنان بارماقلارې ايله ايتىن اۋلۇسۇنۇ چئۇتريپ باخدى. ايتى گۇرن كىمى حىثىرتلندى. اۋنون قولاغى قۇبارىلمىش درىسى سۇيولموشدو. رنگى چۇخ چتېن بللنيردى.



تۆزلو پىئانو

اۆرتۆكلر سۆكۆلسۆن، بولوت چكىلسين
قاينالار اۆزۆلسۆن گۆي ئاماجلاردان
قۆي، آپارسين آغ ئىل قارانلىق لارى.

سازاقلئ بىر سحر پارچالاياقلار
ماتم سىز اۆلۆمدن برى باغلانان
جۆيز تاختاسيندان اسكى قاپىلار.

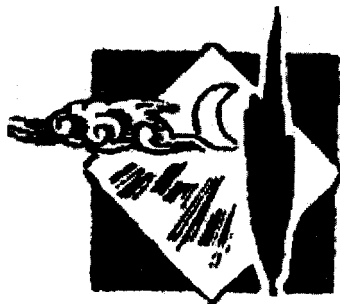
سازاقلئ بىر سحر پارچالاياجاق
قارا سس سىزلىئى تۆزلو پىئانو
قىز قىئن بارماقلاردان آخاجاق اۆ گۆن
سهندين بوزلانمىش آغجا گۆللىرى
قۇرخولو بىر رقصه باشلايىرلار، باخ!
داغلارين آچمامىش سۆلان گۆللىرى.
جالانىر دهنىزلر، قىوزىلىر چۆللىرى
قاچىرلار اولدوزلار، قانلى گۆللىرى.
اولدوزلار، گىجه نىن بهادىرلارى...

اوشاقلار اليزى منيم قلىمىن
ايسىلىئى ايله قىزدىرئىن گىشىن.
ئوخسا سۆيۇق اللىر نه ائده بىلر؟



على رضا نابدل (اوختاى)

على رضا نابدل (اوختاى)، گۆزكملى بىر
ادبى سىما اولاراق، موعاصىر آذربايجان
شعرينده، اۆزۆنۆن خوصوصى يارادىجىلىق
اۆسلوبى ايله اونودولماز ايز بوراخمىشدير.
نه يازىق كى بو بۆيۇك اىستعداد،
گىنج ياشيندا يارادىجىلىقنىن چىچىك لىلن
دۆزۆرئنده، پهلوى جىللادارى ئىن
ايشىكجه سى آلتيندا شهيد اولدو.



بیانوی گرده آلود

ترجمه:
مفتون امینی

بگذار پرده‌ها و ابرها پاره شوند
صخره‌ها از تپه‌های سبز، سرازیر آیند
و باد سپید، سایه‌ها را ببرد
لاجرم
از درون دره‌های کهنه‌ی چوب گردو
که سالهاست از پس مرگی بی‌ماتم بسته‌مانده‌اند
فلقی گشوده خواهد شد؛ با باد سوزناک.
و همانگاه
برکه‌های سپید و یخ بسته‌ی سهند
همانند رگبار انگشتانی گرم
برسکوت سیاه بیانوی گرد آلود، جاری خواهد شد.
بنگر
رقص مخوف گل‌های میرنده را
دریای لبریز و دشت به خود پیچیده را
و فرار ستارگان را از آسمانهای خونین
ستارگان، بهاران شبانگاه!
بچه‌ها بیایید
و دستان خود را با حرارت قلب من گرم کنید
که بر درگاه خلق فردا
باد سوزناکی ماسیده است.



◆ بىردن - بىرە

عمران صلاحى

باھارى قارشى لاما

خىردا، گۈزەل بىر بۆلبۆل، ئىككە ۋە تۆكلۈ بىر قوريل ايله بايراملىق ألماغا چىخمىشىدىلار. جاماعات تەجۋبەلە دۇنۇب اۇنلار باخىب كىچىردىلر. جاماعاتىن بايراملىق ألماشىندان، تىلۋىزىيۇنا گۈزارىش حاضىرلايان، بىر مۇخبۇر اۇنلارنىن قاباغىنى كىيىپ دندى: «گۈزچىن لە گۈزچىن اۈچماسىنىنى انشىتمىشىدىك، آمما بۆلبۆل ايله قوريلى گۈرمەمىشىدىك». بۆلبۆل دندى: «تەجۋبە يئرى يۇخدور، ايشدى اولۇدا دا». قوريل مۇخبۇرە دندى: «گندىسن ايشيۋىن دالىنجا يۇخسا مىكرافونۇو آلىب عصا يئرىنە چىيرىم تپەۋە».

مۇخبۇر دندى: «منىم ايشىم بودور، ائلە ايشىمىن دالىنجانام».

بۆلبۆل قوريله دندى: «ھىرس لىنمە عزيزىم قۇي من تۇۋىشىچ وئرىم».

سۇنرا دۇنۇب، مۇخبۇرە دندى: «بودا شەردە ياشاماغىن نتيجه سىندىن دىر. اوللر شەردن انشىك دە ياشايشىر دىم، ياخشى سىم وئار ايدى، چۇخ ياخشى آواز اۈخوتاردىم. بونو دۇستلارىم دئىرلر. اۇندا من شلالەلرین يازلارین سرىن يئلى نىن سىنىنى تامىلايا بىلىردىم. سىم چۇخ گۈزەل ايدى. موسيقى تكىن نۇت ايله دۇلو ايدى. رىساملار منىم اۈخوماغىمى رىسم ائندىنە دىمىدىشىمىن اۈستۈندە بىر نىچە نۇت علامتى چكىردىلر. چىخارلى ۋە كىيىشلى اۈخوماغىم وئار ايدى».

ائەلە اۇنا گۈرە دە شەرىن تالارىندا اۈخوماق اۈچۈن مىندن دعوت انىدىلر. البتە ھەم جىنس لىرىم اۈچۈن اۈخومالى ايدىم. ائەلە يۇمۇشاق ۋە اۈرەتە ياتىملى سىم وئار ايدى كى، ھەر بىر اثر كك بۆلبۆل سىمى اۈزاق دان شىچىپ مە سارى اۈچۈب گلردى. منىم دە ايلك آرزوم بىر بۆلبۆل ايله ائولمىك ايدى. آنىاق شەره گلدىن سۇنرا سىم دىيىلدى.

تيرافىكىن ھاي- كۆيۈ، ماشىنلارنىن ايفرۇزلارىندان چىخان تۇستۇ منىم سىمىدە چۇخ پىس اثر بوراخدى. بۇغازىم خاراب لاشدى اۈخوماغىمىن نۇتلارنى آزالدى. گۈزەل لىشىمى دە الدن وئردىم. شلالەلرین ۋە يازلارنى سرىن يئلى نىن سىنىنى يئرىنە قاز مۇتورلارنى نىن ايفرۇزلارىندان چىخان سىرلى ۋە كامىيۇنلارنى بور سىقنال سىنىنى تامىلايا بىلدىم.

بو سسرلر باعيت اولدو، گۈزەل بير بۆلبۆل عوضينه منيم اتلچى ليئيمه يئكه و تۆكلۆ بير قوريل
 گلسين. بونو دئمهلىيم كى، من ايندى ده اؤز حيايتيئيدان ناراضى دئييلم. گۈردۆيۆنۆز كيمي اؤز
 اريم له بيرليكه باهاري قارشى لا ماغا گلئيشم.



رحيم پتال اصغرى

سيلاخ لا ويدالاشماق

احمد آغا دئدى:

- بيزيم بو گۆنكۆ ياشايشيئيميز اوتورماقدان اوزانماغا چئوريلىب.

دۆز اوتوروب ايرى باخماق يئرینه، ايرى اوتوروب دۆز باخيرئى. ائوئيميزه تئلوزيئون گلندن
 برى بيزيم ياشايشيئيميزدان، اوتورماقدان اوزانماغا چئوريلىدى. اوللر صندل يا مۇبول اۆستۆنده
 اوتوروب برنامهلره باخاردئىق، سؤنرا ياواش - ياواش ديوارين ديبينه بير مۆتككه قۇيوب اونا
 سؤتكه نيب برنامهلره باخاردئىق، گۆن به گۆن مۆتككه دن سۆرۆشۆب قاباغا گشدبرديك. بير گۆن
 گۆردۆك كى، اوتورماغيئيميز ياواش - ياواش ايئيلب اوزانماغا چئوريلىب. دئمك تئلوزيئونا باخاندا
 مۆتككهنى باشيئيميزين آلتينا قۇيوب، آرخاسى اۆسته اوزانئيب قئيج لاريميزى آچاردئىق. ائو دا دئييم
 كى، برنامهلرين هامى سئندا بو وضعيئت اؤز وئريردى. دئمك اولار، فوتبال مۆسابيقه لرى، هيئجانلى

فیلملر و ستریتالار بیزی چاش - باش سالاردی. اونا گوره تلویزیون فیلیم وئرنده عایله عوضولریندن سؤروشاردیم. بو برنامه یه مۆتککه ایله باخاجاییق؟ دئمک بو برنامه یه باخاندا یتره سر یله جه تیک یا یوخ؟

میسراع:

یتره سر یلیب باخییان، حظ آلاق.

اؤ قدەر اوزاناقلی یاشامیشدیق کی، یواش - یواش بئله بیر فیکره دؤشمؤشدؤک کی، تلویزیونو اونین تاوانشینا نصب ائده کی، بلکه بۆیونوموز آرتروز تاپماسین. خوش بخت لیکدن ایل لر بۆیودور کی، تلویزیون برنامه لرینین تاثیریندن اوزانما وضعیتیندن، اوتوروما حالینا گلمیشدیک. بو چوخ یاخشی بیر زاددیر، اونا گوره کی، قاباقلار اوزاناقلی وضعیتده اولاندا چوخ چتین لیک چکیردیک. میثال اؤچون بیر گنجه سینما یا گئندنه جاماعاتین صفینده بیر کیشی گؤردؤک. اونون قولتوغوندا بیر مۆتککه وار ایدی. سینمانین ایچینده ده فیلم باشلانجا، کیشی مۆتککه سینا باشینین آلتینا قویوب و اونا سۆتکه نرک فیلمه باخیردی.

یوخاری مرتبه ده کی قونشوموز ائولرینین انشینیندا ماهواره آنتننی قویوب تۆرکیه نین برنامه لرینه تاماشا ائله نندن بیزیم ده وضعیتیمیز دیشیلیب دیر. اولار مرحمت ائله ییب اوزون بیر سیم ده بیزه وئریلر؛ بلکه بیز ده تۆرکیه نین برنامه لرینه تاماشا ائده بیلک. اوندان سؤنرا یتنه ده بیز مۆتککه لیک اولدوق. اؤ قدەر اؤز تلویزیونوموزدا جلب ائدیجی برنامه لر گؤرمؤشدوک کی، تۆرکیه تلویزیونو هر نه گؤستریردیه بیزه چوخ یاییشردی. بونو دا دئییم کی، بو برنامه لر تاماشا ائتمک یاریمچیق سکنه ائله مه یه بنزه ییردی. دئمک بیر مۆتککه نین اؤستونه باش قویوب یتره سر یلیب برنامه تاماشا ائله ن کیمین، ماهواره صاحیبی باشقا کانالا گئتمه یه هوس لئیردی. بیزیم گؤزلریمیز برنامه ده کی نورستی

یئرلره خومارلانا کیمی بیردن گؤردؤک، کانال دیشیلیب کئچدی تۆرکیه نین راز - ی بقاسی نین اؤستونه.

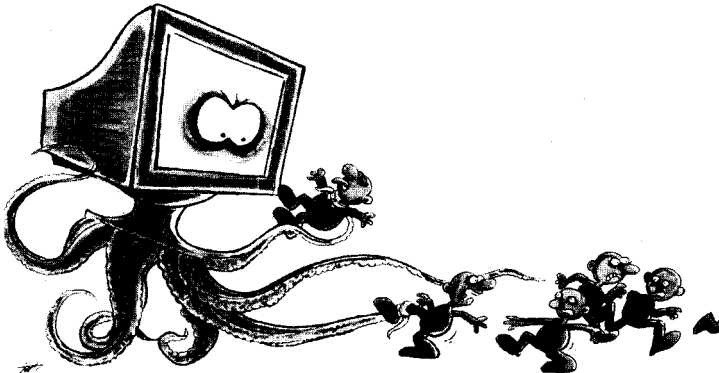
آخی حایشف دئیل، اؤزومؤزون راز - ی بقا برنامه میز اول - اولادام پول خرجه له یه، گیزلینجه ماهواره آنتننی قورا و سؤنرا دا اوتوروب قورخا - قورخا ایچینده تۆرکیه نین راز - ی بقا برنامه سینا باخا.

بونلارین هامی سینی اودماق اولار. ائعتیراض ائتمه یه ده حاققئیمیز یوخ. آخی اولار اؤز مرحمت لریندن بیزه بیر سیم وئرمیشدیلر، بیز ده اولاردا چوخ ممنون قالمالی ییق. دئمک راز - ی

بقانى باشقا بىر دىلدە گۆرمەين بىزە آيرى بىر خىستىرى دە وارىدى. اۆز دىلىمىزدە چۇخ يالان
ئىشتىدېيىمىزە گۆرە باشقا دىلى ئىشتىمەك بىزى دىنچەلدېردى.

بىزىم قۇنشوموزون بىر عىشىي واز: اۆ اىستەيىر، بىر آندا ايكى گۆزۆ ايله تىلۇيزىيۇنون نىچە
كانالىنا بىر ئىردە باخشىن. اونا گۆرە دە دالبادال كانال دىيشىر. بىلە بىر وضعىيت يىاواش - يىاواش
بىزى مۆتكەلىكەن چىخاريدى. دىمەك بىردىن گۆرۆردۆك تىلۇيزىيۇنون برنامەسىندە قان سو ئىرىنە
آخىر، ابراهيم تاتلى سىس دە «ماوى، ماوى، ماس ماوى» اۆخوئور، يا دا كى، مايكنىل جىكسۇنون
سىسى آشىق مەين اۆغلونون آغزىندان چىخىر. دىمەلى سىسلرە قىيافەلرىن بىر - بىرىنە اۆيغون لوغو
يۇخودور.

اۆ واختدان برى بىز ئىنە دە اۆتوروما وضعىيتىنە گلىب و مۆتكەكە ايله وىدالاشدىق. اۆزۆمۆزلە قارار
گلدىك كى، اگر قىيافەلرە اۆيغون اۆلمايان سىسلرى ئىشتىمەلى ئىك نەيىمىزە گرەك دى اۆزگە
كانال لارى تاماشا ائەلىك.



رحيم بقال اسلىرى

ابدى كىشىك

(آلمان خىكايەسى)

تۆتۈز ايشتوزم
چئۆيرن: يوسيف ساوالان
كۆچۈرن: اكبر صالحى

اۋستۈنە اكلىل قۇيولموش كىچىك تابوتو آلتى نفر آپارىردى.
ساكىت ئاي سحرى ايدى، قىبرىستانلىغىن چۇخ حىصەسىنە ەلە گۈن دۆشمۈردۈ. تزهجه قازىلمىش مزارىن تۇرپاغىنى گۆنش آرام- آرام قىزدۇيرىردى.
تابوت مزارا انىدىرىلدى؛ كىشىلر پاپاقلارنى چىخارتدىلار، باشلارنى آشاغى دىكدىلر. سۇنرا اۇنلار قالان ايشلرى قىبرى قازانلارنى عۇھدەسىنە بوراخىب دردلشە- دردلشە گئرى قاتىتىدىلار. مزار تۇرپاقلا دولدورولدى، آراپا ساكىتلىك چۇكدۇ. بو ساكىتلىك سانكى دۇرد يانى اۋسۇنلامىشدى. ئالنىز خاچلارنى، خايطىرە لۇوحەلرىنى، بىر دە ەنىكللرىن كۆلگەلرى ياشىل اۋرتۇپە بۆرۈنمۈش تۇرپاغىن اۋستۈنە ايلە اوزانىب گئدىردى.
مزار، قىبرىستانلىغىن كاسىبلارا مخصوص حىصەسىندە ايدى. بو مزارىن دا اۋستۈندە تۇرپاقدان كىچىك بىر تېجىك ئاراندى. سۇنرا قفيل كۆلك اسدى ۋ يوشاق تۇرپاغى خىردا- خىردا ئۇلا سېلەدى؛ داھا سۇنرا ياغىش تۇكدۇ ۋ قىبرىن اطرافىنى تامام ئويۇب آپاردى. نھايت، قىش گلدى، قار ياغدى مزارىن اۋستۈنە. قىشنىن دا عۇمرۇ اوزون چكەدى؛ ئىنە باھار گلدى. مزارلاىن بعضىلرىنىن اۋستۈندە نۇرۇز گۈلۈ تۇرپاغى ئارىب اۋزە چىخىدى، چىچىكلر آچدى، قىزىل گۈللر دۆنمە باغلادى. بو مزارىن دا اۋستۈنۈ اۋت باسدى. ظريف چىچىكلرلە ئاناشى، آلاق اۋتلارنى دا باش قالدۇردى. اىستى ئاي گۈنلرىندە ايسە جىرجىرامالارنى جىرىلتىسى اطرافى باشىنا گۇتۇردۇ. سۇنرا ئىنە بىر سحر قىبرىن اۋستۈندەكى اۋتلار ئۇخا چىخىدى، تىكجە ظريف چىچىكلر قالدى. بىر نىچە گۈن دە كىچىدى. مزارىن باش طرفىندە عادى بىر خاچ پىشدا اولدى؛ خاچىن ئۇلا باخماپان حىصەسىندە كىچىك حرفلرلە رىنگسىز، ئالنىز ئاخىن مسافەدن اۋخونا بىلن بىر قىز آدى حىك اولۇندۇ...

گىنچە ايدى. شەردە ائولرىن پنجرەلرىندن ايشىق گلىمىردى. آرتىق ھامى ئاتىمىشدى؛ تىكجە ئوخارنى مەللەلردەكى بۇيۇك ائوزىن اۋتاقلارنىدا بىر كىشى اۋتاق ايدى. اۋ، شاملارنى سۇندۇرۇپ يوشاق بىر اۋستۇلدا اۋتوردۇ، گۈزلىرىنى ئوموب آشاغىدا سس- سىمىر گلىب- گلىمەدىيىنە خلوپتجە قولاق آسدى. اىندە آغ مامىردان اكلىل توتۇموشىدۇ. ئىلەجە چۇخ اۋتوردۇ.
بايشىدا شەرىن كئارنىدا باشقا عالم ۋار ايدى. گىنچە، گىنچە حىشراتلارنى اۋرا- بورا وورنوخوردۇ؛ اۋ، دىۋارلارداكى شكىللرى بىر- بىرىندن آيشىرا بىلمەدى. پنجرەدن بايشىرا باخاندۇ

قارشى داکى بېنانىن پارلاق آي ايشيغىنا قارق اولدوغونو گۆردۆ. اونون فيكىلىرى آرتىق قىبرىستان ليغا گئدن يولدا ايدى. «قىرىن يىرى كۆلگه ليكدى»، - او اۆز- اۆزۆنه فيكىرلشدى، - «آي اونو ايشىق لاندېرىم». سونرا آياغا قالخدى، اثحتىاطلا قاپىنى آچىب اكليل الينده پىللەكن لرله آشاغى دۆشدۆ. انون دهلېزىنده دايانىپ بىر ده قولاق وئردى، قاپىنى سىس- سىسيز اورتوب كۆچەيه چىخدى و انولترىن كۆلگه لرله شېرىن كنارنىا طرف اېرەلىدى. شېردن قىبرىستان ليغا قەدر اولان قىسا مسافەنى ايسە او، آي ايشيغىندا گىتمەلى اولدو. او نىجە فيكىرلشمىش ديسە، انلە دە اولدو؛ مزار قىبرىستان ليغىن حاصارلارنى نىن كۆلگەسىندە ايدى. اكليلى قارا خاچدان آسدى، سونرا باشىنى اونون اۆزەرىنە ايدى قىبرىستان ليغىن گۆزىچىسى بايئىردا و- گل اندىردى، آما اونو گۆرمەدى.

آيلى بىر گىجە ايدى، اوتلارنى يىچىلتىسى بىر- بىرىنە قارىشمىشىدى. او ايسە بۆتون بونلارنى اثشىتمىر، دويموردو؛ او، بىر داھا قايىتمىتايلاق ساعاتلارنى ياشايتىردى، او ساعاتلارنى كى، بىر جۆت قىز قولو اونون بۆتون سارلىمىشىدى، اوقوللار كى، ايندى آرتىق چۇخدان اويۇتان ساكىت بىر اۆرەين اۆزەرىندە ابدى اولاراق چارپاز قاپانمىشىدى؛ سولغون بىر قىز چۆھرەسى اونون صىفىتىنە طرف ايتىلدى؛ اوشاق گۆزلىرىنە اۇخشايتان بىر جۆت ماوى گۆز اونون گۆزلىرىنە باخىردى. او وخت قىز اۆلۆمۆ آرتىق اۆزۆندە كىزدىردى، آما او، هله دە گىج و گۆزەل ايدى؛ او، هله دە جذب اندىجى ايدى. هله دە كىمەسە لازىم ايدى. او قىز ھىمىن بو آدمى سونىر، اونون چۆن ھر شى اندىردى. اونون اۆستۆندە اۆزۆ دانلانئىردى؛ بو زامان او، سوسور، اوتاندىغىندىن آز قالئىردى كى، يىرە گىرسىن، آما فيكىرى دىيشىلمىردى. گىجەلر باھارنى اثركن چاغىندا او كۆھنەلىپ اۆزۆلمۆش پالتاردا باغا، اۇغلانئىن يانئىنا گلردى. اۇغلان اونو باشقا جۆر گۆرمەيە عادت انلەمىشىدى. او، قىزى سۆمىردى، يالنىز اونونلا سادەجە اولاراق گۆرۆشۆر و اونون دوداقلارنىداكى اۆلكك اثحتىراسلىقى آتئى چىلغىنلىقلا سۇندۇرۆردۆ. او اۆز- اۆزۆنە دئىيىردى: «بۆش بۇغازلئىق انتسەنىدىم، صاباخ ھر يىردە دئىيەردىم كى، شېرىن ان گۆزەل قىزى منى اۇپۆب».

اونلارنى گۆرۆش يىرىنى كۆچەدن آلچاق بىر چېر آيئىردىغىندىن، ياخىنلاردا آياق سىرلى آن- آيئىن اثشىدىلىردى. او، قىزىن قولوندىن چىكىپ بورادان اوزاقلاشماق ايسەدېسە دە، قىز اونو توتوب ساخلايدى.

- گۆرۆرلر گۆروسۆنلر دە، نىئەلەيك- دئدى.

او، قىزىن قوللارنى آراسىندىن چىخىپ چېرىن يانئىندىن آرالانئى. قىز ايسە يىرىندىن تىرىنمەدى، اللرلە اۆزۆنۆ اۇپۆد. آدمالار كىچىپ گىئەنەدك و آدېم سىرلى كىسەلەنەدك بىلەجە دايانئى. اۇغلانئىن يىنىدن ياخىنلاشىپ قوللارنىنى اونون بۆتون نىجە دۆلادىغىنى گۆرمەدى، آما بونو ھىس اندىنە باشىنى داھا دا آشاغى دىكدى و يىچىلتىنىلا دئدى:



نقش فرماندهی نظامی ستارخان

در برقراری مشروطه

میرهادیت حصاری

در تاریخ مشروطه، دوره‌ای که با به توپ بستن مجلس شورای ملی (در دوم تیرماه ۱۲۸۷) از جانب محمدعلی‌شاه و به فرماندهی سرهنگ لیاخوف افسر روسی و برافتادن مشروطه از همه‌ی شهرهای ایران و حتی از بسیاری از محلات تبریز به جز محله‌ی امیرخیز آغاز و با تسلیم مجلّه‌ محمدعلی‌شاه به خواسته‌های آزادی‌خواهان تبریز و پذیرفتن دوباره‌ی مشروطه از سوی او پایان یافت، به دوره‌ی «استبداد صغیر» مشهور شده است.

طی این دوره که کمابیش یازده ماه به طول کشید، مجاهدان مشروطه که در بخشی از تبریز از سوی قوای دولتی محصور بوده و در شرایط بسیار سختی با سماجت و رشادت عجیبی از آزادی و مشروطه دفاع می‌کردند، حماسه‌ها آفریدند. عاقبت نیز مشروطه‌ی برافتاده از همه‌ی شهرهای ایران را به آن بازگرداندند. در حالی که دولت مستبد محمدعلی‌شاه و عشایر و خان‌های مرتجع طرفدار دولت او با همه‌ی امکانات و همه‌ی قوای خود آن قسمت از شهر تبریز را مانند نگین انگشتی در میان گرفته و راه ورود اسلحه و مهمات و آذوقه را به روی آنها بسته بودند و مجاهدان در محاصره با همه‌ی قلت قوا و کمبود غذا و نبود اسلحه و مهمات کافی همچنان مقاومت کرده و در جنگ‌هایی که تقریباً همه روزه رخ می‌داد، نه تنها نیروهای مهاجم دولتی را به عقب می‌راندند و تلفات زیادی بر آنها وارد می‌ساختند، حملات آنها را با شکست نیز مواجه می‌کردند.

بارها نیروهای دولتی تا پای دیوار کمیته‌ی حقیقت (ستاد ستارخان) پیش آمده و کار را یکسره یافته می‌پنداشتند، ولی در اثر مقاومت سرسختانه و دقت تیر و شجاعت مجاهدان، به ویژه ستارخان شکست یافته و پای به گریز می‌نهادند. در همه‌ی این پیروزی‌ها فرماندهی ستارخان و بی‌باکی و حسن تدبیر و سرعت عمل او و تشویق و تشجیع مجاهدان از جانب وی عامل اصلی موفقیت آنان بوده است. برای درک صحیح آن

شرایط و اثبات این مدعا بد نیست نمونه‌های چندی را به عنوان شاهد نقل کنیم. آغاز یورش نیروهای دولتی به پایگاه‌های آزادی‌خواهان تبریز در همان روز به توپ بستن مجلس در تهران نشانگر این بود که طرح این حمله از پیش تنظیم شده بود. آنها فکر می‌کردند همان‌طور که مجلس شورای ملی را در تهران در عرض چند ساعت مضمحل و حتی مشروطه را در همان روز در سرتاسر ایران برانداختند، کار تبریز را نیز با یک حمله یکسره خواهند کرد. ولی به زودی به اشتباه خود پی بردند. دیدیم که تا پایان کار نیز با این‌که از همه‌ی شهرها نیرو بر سر تبریز ریخته بودند، کوچک‌ترین مؤقیقتی به دست نیاوردند و حتی سرانجام شکست نیز خوردند.

با رسیدن خبر به توپ بستن مجلس در تهران و برافتادن مشروطه در آنجا و حمله‌ی نیروهای دولتی به تبریز، نمایندگان انجمن ایالتی تبریز نیز دست و پای خود را گم کرده و عده‌ای مخفی و تنی چند در سفارت‌خانه‌ها بست نشستند، ولی مجاهدان بی‌باکانه در مقابل نیروهای استبداد ایستادند و قدمی عقب ننهادند و به هر سختی که بود ماندند تا شاهد پیروزی را در آغوش کشیدند.

از همان روز بود که ستارخان و باقرخان مانند دو گوهر تابناک درخشیدند و با حماسه‌های خود دنیا را در حیرت فروبردند. در این میان پاخیتانوف کنسول روس در تبریز نیز ظاهراً به عنوان میانجی‌گری و دلسوزی به فعالیت پرداخته و مجاهدان را تشویق می‌کرد که دست از جنگ برداشته و از پادشاه ایران طلب بخشش نموده و امنیت خود را به دست آورند.

همین موضوع موجب اختلاف بین آزادی‌خواهان شد و عده‌ای اسلحه‌ی خود را تسلیم کردند و دایره‌ی آزادی‌خواهان محدودتر شد و تنها محلات امیرخیز و خیابان و دوگرد آزادی، ستارخان و باقرخان باقی ماندند.

مجاهدان نوبر و مارالان نیز مرعوب شده، تصمیم به تسلیم اسلحه‌ی خود گرفتند و راه خیابان را به روی نیروهای دولتی به سرکردگی رحیم‌خان چلبیانی قره‌داغی باز کردند و او با دبدبه و کبکبه وارد شهر شده در باغ شمال اقامت گزید (۲۲ تیرماه ۱۲۸۷) و به جمع‌آوری سلاح پرداخت. مردم از ترس غارت شدن خانه و مغازه‌هایشان به دست سواران رحیم‌خان و نیروهای دولتی به سفارش آنان بیرق سفید بر سر درها زدند. رحیم‌خان خبر فتح تبریز را به محمدعلی‌شاه تلگراف زد. بدین ترتیب محله‌ی امیرخیز تنها نقطه‌ای بود که هرگز حاضر به تسلیم نشد. ستارخان که از سال‌ها پیش در تبریز به دلیری معروف شده بود، در این جنگ‌ها مردانگی و قهرمانی زیادی از خود نشان داد. هیچ کس گمان نمی‌کرد که ستارخان با آن عده‌ی کم در مقابل آن همه نیروی دولتی تاب مقاومت داشته باشد و همه فکر می‌کردند که یکی دو روزه او نیز یا تسلیم خواهد شد و یا فرار کرده جان خود را به در خواهد برد؛ ولی چنین نشد. ستارخان با دلیری و کاردانی خود در مقابل آن همه نیرو ایستاده و تسلیم نشد. دولتیان که گمان می‌کردند گرفتن یک محله‌ی کوچک و پیروزی به چند مجاهد محصور و با کمترین امکانات کار سختی نخواهد بود، با تمام نیرو به امیرخیز حمله‌ور شدند، ولی پس از یک روز جنگ شدید، کاری نکرده و عقب نشستند.

فردای آن روز پاخیتانوف که از این همه سماجت متعجب شده بود، به محله‌ی امیرخیز آمده و به نصیحت ستار پرداخت و گفت بیرق از کنسول‌خانه فرستاده‌ام، به بالای در خانه‌ی خود بزن و در زینهار دولت روس باش و حتی قره‌سورانی تمام آذربایجان را وعده داد که از شاه به نام او بگیرد. در این جا بود که ستارخان آن جمله‌ی معروف خود را خطاب به کنسول روس گفت:

«آقای جنرال کنسول! من می‌خواهم هفت دولت به زیر بیرق ایران بیایند، من زیر بیرق بیگانه نروم». فردای آن روز (۲۵ تیرماه ۱۲۸۷) بود که ستارخان به یک شاهکار دیگر دست زد که نشانگر دلیری و مردانگی و در عین حال کاردانی او بود. آن کار پراچ این بود که او بدون ترس از این که سواران قره‌داغ تحت فرماندهی رحیم‌خان در شهر بودند، قدم به کوچه‌ها گذاشته، بیرق‌های سفیدی را که اکثر مردم از ترس بر در خانه‌هایشان زده بودند با تفنگ خود یکی یکی زده و پایین انداخت. (این بیرق‌ها را انجمن اسلامی که در دوه‌چی تشکیل شده بود به مردم می‌فرستاد) این اقدام مدبرانه و جسورانه او مردم تبریز را به شور آورده، «زنده‌باد ستارخان» گویان به سوی او آمدند و بیرق‌های سفید را برداشته، دوباره سلاح به دست گرفته و به حرکت درآمدند.^۱



سنگر توپ

از همان جا ستارخان پیامی به باقرخان فرستاده و رسالت تاریخی او را خاطرنشان کرد. در نتیجه مردم خیابان نیز دوباره تفنگ برداشته و آماده‌ی جنگ شدند. فردای آن روز عده‌ای از مردم که از کارهای دیروز ستارخان دلیر گردیده بودند، روی به باغ شمال گذاشتند. رحیم‌خان و سرکردگانش تاب تحمل نیاورده از پشت باغ که به بیابان می‌خورد، گریختند. در نتیجه خیابانی‌ها و نویری‌ها کار ننگین چند روز قبل خود را جبران کرده و آبروی رفته را باز گردانیدند. رحیم‌خان که از این شکست مفتضحانه‌ی خود خشمگین شده بود، دو روز بعد (۲۹ تیرماه ۱۲۸۷) با تمام قوا به سوی محله‌ی امیرخیز حمله برد و عده‌ای را نیز به سر خیابانی‌ها فرستاد که نتوانند به کمک ستارخان بیایند. با این همه نتوانست کاری از پیش ببرد. ستارخان

^۱ - سنگر توپ اثر سفر بقال اصفری از مجموعه کارت پستالهای آرسوی.

شکست‌ناپذیر شده بود. هدف اصلی حمله‌های دولتیان به دست آوردن ستارخان بود. محمدعلی‌شاه صریحاً به عین‌الدوله نوشت که هر طوری هست ستارخان را گرفته و دست بسته به نزد او بفرستند. ولی این یک خیال خام بود. دولت ایران علاوه بر قشون دولتی به سران عشایر هم فشار می‌آورد که به یاری دولتیان بشتابند تا مگر این غائله را زودتر تمام کنند. حتی قزاقان تهران را نیز به سوی تبریز روانه ساختند، ولی آنها از این مأموریت وحشت داشتند. می‌گفتند به تفنگ‌های مجاهدین دعای خیر کرده‌اند و از نجف به آنها اسم اعظم فرستاده‌اند. اگر یک کروور قشون هم به آنجا فرستاده شود، هیچ کدام جان سالم به در نخواهند برد.

محمدعلی‌شاه که از این دیرکرد خشمناک بود و می‌گفت این همه قشون و عشایر و توپ و حتی مسلسل به آنجا ریخته شده، چگونه است که از عهده‌ی عده‌ی معدودی مجاهد محصور و گرسنه برنمی‌آیند. دولتیان حتی مسیر آب‌هایی را که از دوه‌چی و... به امیرخیز می‌رفت، برگرداندند، در نتیجه آسیاب‌ها از کار افتادند و نان در شهر نایاب گشت و خود مزید بر علت شد. هدف اصلی دولتیان همان‌طور که گفتیم دستیابی به ستارخان بود و از این که با این همه قوا موفق به این کار نمی‌شوند متعجب بودند. به همان سبب در هر چند روز یک بار جنگ بزرگی تدارک می‌دیدند. یکی از این جنگ‌ها در روز سوم مرداد ۱۲۸۷ بود که با شلیک توپ‌ها و با سوراخ کردن دیوار خانه‌ها که ساکنان آنها در اثر وقوع مکرر جنگ‌ها گذاشته و فرار کرده بودند، خود را به دیوارهای انجمن حقیقت رساندند. از هر طرف آتش بر سر معدودی مجاهد که در آن خانه و پشت بامش سنگر گرفته بودند، فرو ریختند. قصدشان این بود که کار امیرخیز و ستارخان را آن روز یکسره کنند و به همان سبب هم بی‌باکی می‌نمودند. ستارخان خود از سنگر به سنگر رفته و یاران خود را تشویق به پایداری می‌کرد. تیر ستارخان هرگز به خطا نمی‌رفت. با هر تیر نفری از دشمن را به خاک می‌انداخت. طبق نوشته‌ی «بلوای تبریز» در آن روز از نیروهای استبداد ۸۰ نفر و از مجاهدان فقط ۴ نفر کشته شده بودند. بدین ترتیب آن روز به شام رسید و دولتیان با استفاده از تاریکی، زخمی‌ها و کشته‌ها را گرفته و از معرکه در رفتند. نظیر این حادثه بارها اتفاق افتاد. روز هفدهم مرداد یکی دیگر از آن جنگ‌های شدید بود. نیروهای دولتی گروهی را برای سرگرم کردن خیابانی‌ها به آنجا فرستادند و بقیه‌ی قوای خود را با پشتیبانی توپ‌ها بر سر امیرخیز ریختند و با سوراخ کردن دیوارها از پشت سر مجاهدان درآمدند و از هر سو به آتش‌بازی پرداختند. گمان می‌رفت که کار ستارخان دیگر به پایان رسیده است. زیرا تنها ۱۲ نفر مجاهد برایش مانده و مهماتشان در شرف اتمام بود. ولی دقت تیر ستار مانع از این بود که دولتیان پیش بیایند، زیرا هر جنبنده‌ای را به خاک می‌انداخت. در این گیر و دار ستارخان از مجاهدان جبهه‌ی بازار به وسیله‌ی تلفن که در هر وضعیتی آن را دایر نگاه می‌داشتند، کمک خواست. نیروهای بازار از پشت سر دولتیان درآمده و آنها را مجبور به فرار کرده، انجمن حقیقت را نجات دادند. پایداری و کاردانی ستارخان در این جا نیز باعث موفقیت مجاهدان شد.

نمونه‌ی دیگری از شجاعت و دلآوری‌های ستارخان در جنگی بود که در ششم اسفند ۱۲۸۷ رخ داد. قشون عظیمی از دولتیان که به تازگی تقویت شده بودند، به فرماندهی ارشدالدوله سواره و پیاده همراه با آتش توپخانه شلیک‌کنان از سوی «خطیب» تاختند. مجاهدان در مقابل آن همه آتش دوام نیاورده به سوی شهر پس کشیدند. بسیاری از آنها به خاک افتادند. سواران صمدخان گلوله‌باران تا باغ‌های خطیب پیش آمدند. مجاهدان که تعدادشان نسبت به آنها بسیار کم بود دست و پای خود را گم کردند و نمی‌دانستند چه کار کنند. زیرا گلوله از هر طرف ریخته می‌شد و سواران همچنان پیش می‌آمدند. مجاهدان چاره‌ای جز عقب نشستن

نداشتند. بسیاری در خاک و خون در غلتیدند. در حین گیر و دار ناگهان ستار را دیدند که با یک تن سوار «آردل» خود اسب تازان خود را به آنجا رسانده، بی آنکه به گریختگان بپردازد یا در جایی درنگ کند، همچنان پیش رفت. با آن که گلوله پای پی می ریخت، خود را به باغی که دولتیان پدیدار شدند، رسانده و دیواری را سنگر کرده یک تنه به جنگ پرداخت. چنان گلوله بر سر دشمن می ریخت که گویی سپاهی به جنگ درآمده است. در اندک زمانی جلوی تاخت سواران دشمن را بست. یکه تازانی از دولتیان را که راه شهر را باز دیده و پیش می آمدند یکی-یکی بر زمین انداخت. سواران که کار را سخت دیدند هر چند تن پشت دیواری پناه گرفته و به تیراندازی پرداختند.

در این میان کسانی از دلیران مجاهد که سردار را در راه جبهه دیده بودند از پشت سر او به رزم برگشتند و گرجیان نیز رسیده به بمب اندازی پرداختند. همچنین از سوی خیابان یک دسته به یاری شتافتند و سواران خواه ناخواه مجبور به عقب نشینی شدند. حاج محمدعلی بادامچی که خود از دلاوران مشروطه است، چنین می گوید: «آن روز من پیش ستارخان بودم. چون جنگ برخاست ستارخان با دوربین خطیب را می باید. یک بار دیدم بانگ برآورد «اوشاق لاری قشردیلار» (بچه ها را کشتند). این را گفت و داد زد «رشید! زود باش، اسب را بیاور». پرسیدم چه روی داده؟ پاسخ داد: مجاهدان شکست خورده و می گریزند و دولتیان از پشت سر به آنان گلوله می بارانند.

ستارخان سوار شده و «رشید» را به روی اسب دیگری پشت سر انداخته و به تاخت روانه گردید. چنان که ما دیدیم در سخت ترین گیر و دار خود را به رزمگاه رسانیده و جلوی تاخت و تاز دشمن را گرفت و دولتیان را با آن پریشانی بازگردانید. بادامچی می گوید: آن روز من در خطیب نبودم، ولی اگر بودم، من نیز می گریختم! این است با خود اندیشیدم که ستارخان شدن کار آسانی نیست. آری، از این دلاوری ها ستار بسیار کرده و شکست ها را به پیروزی مبدل ساخته بود.

منابع

- تاریخ مشروطه، سیداحمد کسروی، تهران، ۱۳۱۹.
- بلوای تبریز، حاج محمدباقر ویجویه ای، ۱۱۸۷.
- مشروطیت در آذربایجان، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۷۰.
- گزارش هایی از انقلاب مشروطیت ایران، محمدامین رسولزاده، ترجمه ی رئیس نیا، ۱۳۷۷.
- یادداشت های شخصی و منابع مختلفی دیگر.

آذربایجان ادبی دیلی گوئی آذربایجاندا

(آذربایجان ادبی دیلی نین جنوب تظاہور)

دوکتور فیروز رفاهی

firuzrefahi@yahoo.com

کنچن مقاله لردہ گوردوک کی، ادبی دیلین یارانماسیندا معیار ثابت لشمه سی و آوسلوبلارین مثیداندا اولماسی اساسلی شرطلردن سائیلیر. بوندان باشقا ادبی دیلی نین میللی سوتیه ده ایشلنمه سی اوچون ده آوسلوبلارین یارانماسی اساس شرط سائیلیر. دیلچیلریمیزین فیکرینجه ادبی دیلین تام شکیلده مثیدانا گلهمه سی اوچون پدیعی آوسلوب (نثر و شعر قولو)، عثلمی آوسلوب، دینی آوسلوب، پوبلیسیست (مطبوعات دیلی) آوسلوب، رسمی آوسلوب، سیئاسی - مدنی آوسلوب و مثیدا (ارتباطات دیلی) آوسلوبو فورمالاشمالی دیر. بوتون آوسلوبلارین یارانماسی دیلین بین الخالق سوتیه ده ایشلنمه سینه ایمکان یارادیر.

آوسلوبلارین هامیسی بیردن - بیر یارانما یئر. بو تاریخی بیر جریان دیر. دیلیمیزین یازیلی قولونون یارانماسیندان سونرا، آوسلوبلار، ایجتیماعی شرایطه گوره بیر - بیر اورتایا گلیبلر. آذربایجان یازی دیلی نین اورتایا، گلهمه سی ایله، ادبی دیل ده فعالیتیه باشلا یئر. بو او دنمک دیر کی، ادبی دیل و یازی ایله بیر باشا علاقه واردیر. بیز ادبی دیلین یارانماسیندا ایکی دؤره نظر سالمالی یئق. عومومی ادبی دیل مرحله سی و میللی ادبی دیل مرحله سی.

عومومی ادبی دیل مرحله سی چوخ قدیم تاریخه مالیک دیر. بو دیل کنچمیشده مؤختلیف تاریخی اینکیشاف دؤرلریندن کنچب جیلانسیب، شیفاهی و یازیلی بیچیم لردہ ایشلنیلیدیر. شیفاهی مرحله ده، ادبی دیلین ان پارلاق نومونه لرینی شیفاهی خالق یارادیجیلریندا گورمک اولور. شیفاهی ادبی دیل مرحله سینده دیل سس قورولوشو، سوز قورولوشو، و صرف جهتدن تام ثابت اولماسا دا نحو جهتدن ثابت و مؤحکم قلیبلره و متغیازلارا مالیک دیر. شیفاهی ادبی دیل مرحله سینده آپار یجی آوسلوب و قایناق، خالق یارادیجیلرینی اولوبدور. بو مرحله ده بوتون یارادیجیلیق ریتیمیک، قیسیسا جومله لر شکیلده اولوبدور. بورایا لایلا لار، بایاتیلار، آلفیشلار، قارقیشلار، ضرب مثلر، آتا سؤزلری و سائر خالق شیفاهی یارادیجیلرینی داخیل اولور. «کیتاب دده قورقود» یازی دؤرده ایلیک

يازىلى آيىدەلرېمىزدن بېرى كىمى مئىئانا گلەدە ، اونون شىفاهى ادبى دىل دۇرۇندە ئارانماسىنا ھىچ شۆبە اولايىلمز. بو آيىدەدە سادە جۆملەلردە رېتىم مۇۋجۇددور. ئالە بونا گۆرە دىر كى، بەعضى تەدقىقاتچىلار ئىن فېكرىنچە بو آيىدە اصلىندە شئەر فورماسىندا اولۇبدور. باشقا مىللەتلەرنى دە ان اسكى آيىدەلرى، ھانسىلار كى، دىنى دوعالار ۋ اونا بىنر يارادىجى لىققلاردان عىبارتدىر، قىسسا شئەر پارچالارىندا عىبارت اولۇبدور. «كىتاب ددە قورقۇد»دا سس قورۇلۇش، سۆز قورۇلۇش، مئىئارلار، صرف جەھتدن ايكى لىك گۆرۇنەدە بورادا جۆملەلەرنى قورۇلۇشوندا ۋ سادە جۆملەنەنن آپارىجى اولدۇغوندا ايكى لىك يۇخدور. تەدقىقاتچىلار ئىن فېكرىنچە سادە جۆملەنەنن حاكىم مۇۋعەشەتە مالىك اولماسى ان اسكى تۆرك دىلەنن اساس علامەلەرنىدن بېرىدىر. ئالە بونا گۆرە «كىتاب ددە قورقۇد»ون دىلەندىن دانىشاركن اونون جۆملە قورۇلۇشونا خصوصى اھمىت ۋ ئىرمەلىك . بورادا سادە سۆزلەرنى سىراسى تام ادبى دىلەن قانۇنلار ئىنا اوئۇغۇندور.

آذربايجان اىستاندارد دىلى اىلكىن عوض ائتمە ۋ سىنچە مەرحلەسىنى شىفاهى مەرحلەدە باشلاش، باشا چاتدۇرۇيدۇر. بونون نەتىجەسىندە ادبى دىلەن اىستاندارد صورتى ئايىتلىشىيدۇر. شىفاهى مەرحلەدە ادبى دىلەن مۇحكەم لىمەسى نىچە يۆز ايل عرضىندە باش ۋ ئرىيدۇر.

يازى مەرحلەسىندە دە ئىنە ادبى دىل اۆز سىنچە ۋ عوض ائتمە ايشىنە داۋام ائىدىر ۋ ادبى دىلەن داھا زىنگىشلىمە سىندە عوض سىز رۇل اوئىناشۇر. يازىلى دۇرۇر ادبى دىلەمىزى، دىلچىلرېمىز ھر باخىمىدان آراشۇرۇپ ۋ بونون نەتىجەسىندە مۇعەن اۆسلوبلار آشكار ائىدىلر.

يازى دۇرۇرۇندە اساس آپارىجى اۆسلوب بدىعى دىل اۆسلوبو اولمۇشۇدور. بدىعى دىل اۆسلوبونون بۆتۆن شاخەلرى بو گىدىش دە اىشتىراك ائتمەدە نثر ۋ شئەر دىلەندە مضمون جەھتدن اىشتىراك ائىدىب، اۆزۆنۆ بدىعى دىلەن مضمونوندا بېرە ۋ ئرىيدۇر. يازى ادبى دىل مەرحلەسىندە اوزون مۇددەت شئەر ساياغى اساس ۋ آپارىجى اولۇبدور. بو ايش اۆن ئىدىنچى عصىرە قەدەر داۋام ائىدىر. ايش اۆ ئىرە چاتىر كى، باشقا ساحەلرە عايدە اولان مۇۋضوعلار دا شئەر دىلەندە تەقدىم اولۇنور. بونون ان ماراقلىق ۋ پارلاق نۆمۇنەسى اۆن دۇققوزونجو عصىردە قزوين دە باسلىمىش آذربايجان دىلەنن «صرف و نحوى» دىر كى، قانۇنلار ۋ مىثاللار شئەر دىلى ايلە ايفادە اولۇنور. مىثال اۆچۆن:

ماق مصدر حذف كن عوض بجايش لفظ دى

مثل وردى يعنى زد يك شخص غايب مطلقا

باز جمع تشبه هر فعل را با لفظ لر

نحو قولك ورديلر يعنى زدند كال بقا

بر مخاطب ده تو نون الساكنه وردين بگو

معنيش يعنى زدى تو در زمان ماضيا

آذربايجان يازىلى ادبى دىل مەرحلەسىندە مئىئانا گلەن ۋ بىر اۆسلوب كىمى ھم شئەر دىلەندە، ھم دە نثر دىلەندە ادبى دىلەن زىنگىن لىمەسىندە رۇلو اولان تەرجۆمە اۆسلوبۇدور. دۇنيا ادبىياتى تەجرۇبەسىندە مىثىل سىز ۋ نادىر اۆسلوب اصلىندە آذربايجانلىلار ئىن اىسلام دىنىنى قبول ائىندىن سۇنرا باشلاشۇيدۇر. دىنى رواتىرلر ۋ مۇقدەس احوالاتلار ئىن شئەر ۋ نثر دىلەندە ھمىن دىلەن داشىشۇجىلار ئىنا چاتدۇرماق بو ايشى اورتا ئايتىيدۇر. تەرجۆمە ايشى ۋ تەرجۆمە اۆسلوبو يۆكسك ۋ عالى سۈيىئەلى بىر

مثیل کیمی بۆتۆن دیللرده یئنی بیر جریان و مرحله دیر. باشقا میللتلرین تجروبه سی ده گؤستریر کی، دینی دوعالار و دینی کیتابلاری باشقا دیللره ترجمه ائتمه یه چؤخ گؤجلو مثیل اولمائیپ و بۆتۆن دوعالار همین دینین اصلی دیلینده یئرینه یئتیریلیر. آنجاق روایتلر و دینی احوالاتی آنا دیله ترجمه ائتمه یین اونوند قارشئ دورما تشبوتو اولمائیپ دیر.

ترجمه ایشی نین بیر گؤزل یؤن ده بدیی تفکورون ترجمه سی دیر. آذربایجان ادبیاتیندا ییز بیر چؤخ نئجه دیلی شاعیریمیزه راست گلیریک: فضولی، نسیمی، خطایی، امانی، حقیقی کیمی کلاسیک شاعیرلریمیزدن توش توش معاصیر چاغیمیزا قدر نئجه دیلی شاعیرلریمیزین یارادیجیلیغیندا بدیی تفکورون ترجمه سینی ساده ترجمه نین یانیندا گوره ییلیریک. بئله ترجمه ایشلری ایستر ایستمز ایکی دیلین تجروبه مثیلانیندا ترجمه اولونان دیله چؤخ فایدالی تجروبه لر و ثریر. بو دا یازیلی ادبی دیلین گؤجلنمه سی اوچون عوض سیز بیر جریان اولور. یوخاریدا آذربایجان دیلینی اؤیرتمک مقصد ایله حاضیرلانمیش کیتابدان ترجمه اولونموش آنا سؤزلریندن بیر نئجه نمونه گؤستمک بو ایشین اهمیتییه داها قاباریق گؤستره ییلر:

اولی سوزونه باخمیان اولیه - اولیه غالور. (شخص دانا بحرشف کسی نگاه نکند فریادکنان میماند)

قونشوی ایکی انکلی استه دک اوزون بر انکلی اوله سن. (همسایه خودت را دو گاوی بخواه تا خودت یک گاوی باشی)

اوز کزنده اوخی کرمز اوزکه کزنده توکی کرر. (در چشم خودش تیر را نمی بیند در چشم دیگری موی می بیند)

یاخشیلنغ ایله ات دنیزه بالغ بلمسه تاری بلور. (خوبی کن بینداز بدريا ماهی نداند خدا میداند) چؤخ تاسوف اولسون کی، بو گؤنه قدر بیزیم مدنیت تاریخیمیزده بؤیوک رولو اولان بو ترجمه لر موختلیف یؤندن آراشدیریرلما میش قالیدیر. نئجه دیلی شاعیرلریمیزین موقایسه لی شکیلده شئعرلرینی بو باخشیمدان آراشدیرماق ادبی دیلیمیزه بؤیوک پایلار و ثرچکدیر.

یازئ دؤور ادبی دیلیمیزین ان یوکسک سوته ده اینکیشاف ائتمیش چاغئ اونون میلی ادبی دیل گئیمینی گئیمکدیر. میلی ادبی دیل آرتیق هر بیر دیله دؤنیا دا یئنی معنا هدییه اندیر. میلی ادبی دیلین یارانماسئ او زامان باش و ثره ییلر کی، همین دیلین مستقیل اؤسولوبلاری یارانمیش اولسون. آذربایجان ادبی دیلی ۱۹-نجو عصرین باشلانغیجیندان بو کشیفیسته مالیک اولوب و اونون بۆتۆن اؤسولوبلاری ایشلک فورمادا یارانمیش دیر.

آذربایجان میلی ادبی دیلی ایلک اونجه شیمالی آذربایجاندا یارانمیشدیر. بونون اساس سببی ده شیمالی آذربایجانین روسلار طرفیندن ایشغال اولونماسئ اولودور. همین دؤورده روسیتادا روس دیلی میلی ادبی دیل شکلینده ایشله نیردی. روس حؤکومتی مؤسلمان آذربایجان کؤنترول ائتمک اوچون تیرلی موختصیصلر و تیرلری ایزارلارا احتیاجی واریدی. بونا گوره، تیفلیسده آذربایجان دیلینده قوشت (تیفلیس خبرلری)، دارالفنون (قوری سیمناز یاسی) و سایرینی یؤلا سالدی. بو چاغدان آذربایجان دیلی نین مطبوعات اؤسلوبو، رسمی اؤسلوبو، عئلمی اؤسلوبو، دینی اؤسلوبو رسمی صورتده فعالیت

گۆسترمه نه ناييل اولدو. سونرالار ايلک قزنت و ژورناللار شيمالي آذربايجاندا ياراندي و آذربايجان ديلينده تحصيل آلان مۆتخصيص لر آذربايجان تورپاغيندا فعاليتته باشلاديلار.

بو ايش جنوبدا داها لنگيدي. دؤزدؤر جنوبدا سونرالار قزنت و ژورناللار نشر اولوندو، موعين دؤزده آذربايجان ديلي رسمي شكيلده ايشلениلدی آنجاق ايجتماعی شرایط آذربايجان میلی ادبی ديلی نين بو تايدا فعاليت دائيره سینی دارالتدی و بونون نتیجه سینده اؤسلوبلاریمیزدا موعین جیزگیلر- جنوبا عاید اولان خصوصیتلر، اورتایا گلدی. سؤز بوردادیر کی، بو جیزگیلر او قدر قباریق و گؤجلؤ دئییلدیلرکی، اکینجی بیر ادبی دیل یاراداییلسین لر. بونون ان اساس و اهمیتلی سببی بودور کی، آذربايجان میلی ادبی ديلی نين بينؤرسی نچه مين ایل بوندان قاباق، ایکی آذربايجان اولمادیغی زامان قۇيولموشدو. ادبی دیل اؤچون بۆتون لازیم اولان شرایط و ایمکانلار همین نچه مين ایللرده یارانیب اینکیشاف ائتمیشدیر. بو نچه مين ایلده ایستر جنوبدا، ایسترسه ده شیمالدا واحد بیر دیل ایشلنیردی. همین چاغلاردا بۆتون اؤسلوبلار موعین بیچیمده مۆوجود ایدی. ۱۰-نجو عصرده یالنیز آذربايجان میلی ادبی ديلی اوز واریغینینی ثبوت ائده بیلدی. بو گۆن ادبی دیلیمیز همین عنعنه نین داوامچیسى کیمی دۇنيا دا فعالیت ائدیر.

جنوبی آذربايجاندا سیناسی - ايجتماعی شرایطه گۆره ، ادبی دیلیمیزده موعین چالارلار اورتایا گلدی. بو چالارلارین اساس قایناغی کلاسیک ادبی دیله سۆیکنمک و شیفاهی ادبی دیلدن داها چؤخ فایدهالانماق ایدی. بو دا هر بیر ادبی دیل اؤچون طبیعی بیر یۆلدور. بو گۆن آذربايجان دیل چیلیشینده ییز ادبی دیلین شیمال تظاهؤرؤ و جنوب تظاهؤرؤندن سؤز ائدیریک. بو ایکی تظاهؤرؤن دایناغی و قایناغی واحد آذربايجان ادبی دیلیدیر. بس تظاهؤرؤن اورتادا اولماسی و یارانماسی نین سببی نه کیمی ششی لر اولاییلر؟

شیمالی آذربايجان ۱۹-نجو عصریدن روسییا حؤکۆمتی الینه دؤشندن بورادا فارس دیلینین نؤفؤدؤ و حاکیم لیلی سؤنا چاتدی. بونون نتیجه سینده جنوبدا داوام ائدن حرکت شیمالدا تام دایاندیریلدی. نتیجه ده آرتیق شیمالدا فارس ديلی بیر آلینما دیل قایناغی کیمی فعالیت گؤستره بیلمه دی. جنوبدا بو ایش داوام ائتدی و فارس ديلی گؤجۆ تضییغی ایله بیر چؤخ سؤزلری جنوب قولونا تحمیل ائتدی. بو ایش بو گۆنده داوام ائدیر.

شیمالی آذربايجاندا ۱۹-نجو عصریدن روس ديلی آذربايجان ديلی ایله یاناشی رسمی بیر دیل کیمی فعالیتته باشلادی. ائله همین چاغدان آذربايجان ادبی دیلینه روس سؤزلرین آخینسی باشلاندی. روس دیلینین آذربايجان خالقینا یاخشی و یامان تاثیرلری اولدو. بیر یاندان بو دیلین واسیطه سیله اؤرپادا اولان یئنی تفکؤر آذربايجانا یول تاپدی، باشقا یۆندن همین دیلین واسیطه سیله آذربايجان دیلینه بیر چؤخ ترجؤمه لر اولوندو.

بو گۆن اؤتایدا روس دیلیندن آلینان سؤزلر و بو تايدا فارس دیلیندن کسچن سؤزلر آذربايجان میلی ادبی ديلی نين بۆيۆک یاراسیدیر. درد و یارا اوخشار اولسا دا درمان تاپماق بیر او قدر چتین دیر. بو ایش یۆز اللی ایلدن آرتیق باش وئریب و بو دردی ساغالتماق اؤچون یۆز اللی گئریشه دؤنمک اولماز. آنجاق یۆز اللی ایل مرهم تاپماق اؤچون لازیمدیر. چاغداش اینتئرنت و ایطیلاعات دؤرؤنده بو ایشه ال آتمالی یئق.

ايسلام ايقىنلايىندان سونرا جوريجور قزىست و ژوزناللارىن نشر اولونماسى و ادبى - علمى كىتابلارنى يايىلماسى بيزه ايمكان وثيرير كى، جنوب و شىمال مىللى ادبى دىل تظاھۇرلىرىنى بىر-بىرىنە ياخىنلاشدۇرۇق. بىز جنوبدا ھلە دە كىچىمىشە ادبى دىلیمىزە قايسناق اولان شىوہلردن يارارلانۇرۇق. شىفاھى ادبى دىلى و داھا چۇخ لەجە خصوصىيەتلىرى مۇعاصىر ادبى دىلیمىزە اينكىشاف قايناغى كىمى فعالىيەت اندىر. باشقا طرفدن كلاسىك ايرىننن حۇۇصلەسىز نشرى و اورادا اولان اۆسلوب مۇعيارلارنى دا بىزىم قايتاقلاریمىز چۇوريلىب دىر.

بو گۇن جنوب آذربايجانلى لار اۆچۇن بىر سۇيىندىرىجى حال بودور كى، مىللى ادبى دىلیمىزە ھر جۇرە اثر اورتادا وار. بىز آرتىق شىمالدا كىچىرىلن تجرۇبەلىرى ىنى دن سىناق ائىتمەلىشىك. او ايشلردن و اثرلردن ئىرلى پىرىندە فايدالانماق و مۇعاصىر مىللى ادبى دىلى نىمىسەمك ھر كىسین بۇرجودور. بو دىل بىزىم دىر. بو دىلى آرتىلاماق و اونا اۆز گۇزلىنىنى قايتارماق، خالق دىلىندن يارارلانماق، خالق مدنىيىتى ندىن فايدالانماق واجىب بىر مسله دىر. آذربايجان ادبى دىلىننن گۇزەل تدقیقاتچىسى و ھلەلىك شىمالى آذربايجاندا جنوب ادبى دىل تظاھۇرۇ حاققىندا تدقیق اندن عالیم توفیق حاجى ىشف حاقلى اۇلاراق دئىير: «۸۰-۷۰ نجى ایللردە جنوبى آذربايجاننىن مطبوعات اورقانلارنىدا شىمال نۇرماسى نىشین علامەتلىرىنە خىشلى پىر وثيرىلیر. بو، شىمالدا ادبى نۇرمانىن جىلالىغىنىنى، صافلىغىنىنى، مىللى لىشىنى گۇرن جنوبلو محررلرىن شۇعورلو حركىنى نىن نتيجه سىدیر.»*

پروفىسۇر توفیق حاجى ىشف تدقیقات آپاردىغى ايشلرىندە و مۇلاحيظهلرىندە بىلە بىر نتيجه ىه گلیر كى، «مۇوافىق مدنى سىتاسى شرايط ھمىن وارئانتلارنى آسانلىقلا سىلە [بىلر] و عۇمۇمى لىشدیره بىلر».

جنوبى آذربايجان ادبى دىلىندە مۇوجود اولان تظاھۇرلىرى خصوصى آراشدىرماق اۆچۇن بدىعى، مطبوعات، دىنى، علمى و ساير اۆسلوبلاردا تىك- تىك باخماق و مىثاللار ایلە آيدىنلاشدىرماق لازىمدىر. سۇنراكى يازىلاردا بو ايشە جان آتاجايشىق.

* - (حاجى ىشف ت، آذربايجان ادبى دىلى تاريخى، ۱۹۸۷، ص. ۱۰۶)

قول يابانى

جمال ميرصادقى

چئۇيرن: ع. آغ گۆنئىلى

«آغا وثاقى» داڭانئىر ۋە دۆۋرە - ۋەرنە باخئىر؛ حئىۋان يۇخىدۇ. ۋەرە كىدن سئۇينىر. آددىم لارى ئۈنگۈل لىشېر، انئى نىن قاباغىندا كى اقاقىنا آغاجى نئىن يانئىندان كىچىر. اقاقىنا آغاجى نئىن تومورجوق لارى آچىب ۋە بۆتۈن بوداق لارنى، خىردا ۋە پارلاق يارپاق لار بۆرۈۋىدۇر. سانكى آغاج، ياشىل يانان چىراق لارلا بىزەنىب دىر.

«آغا وثاقى» ماشىنىنا سارى گىدىر. رۇلون دالىسىنىدا ۋتورور ۋە گۆزگۈدە ۋز سىر - صىفئىنە باخئىر. ۋەرە ئىندە كى سئۇينىچى ۋە شادلىغى بىردىن - بىرە يۇخ اولۇر. ماشىنى نئىن قابى سىنى باغلا يانادىك، حئىۋان چاغرىلمامىش بىر قۇناق كىمى ماشىنا آتئىلىر ۋە دال سىندى دە ئىرلىشېر.

«آغا وثاقى» عصى لىكلە ئىللىر. اىختىيارسىز اولاراق، الى، آتاغى نئىن آلتىندا كى اولان دىمىر مىلە ۋە سارى گىدىر؛ آنچاق اونون باخئىشى، انئى نىن قاباغىندا كى چىلچىراق كىمى يانان اقاقىنا آغاجىنا ساتاشئىر. ان، النى دالى چكىر، دۆزەلىر ئىرىندە ۋتورور. ماشىنى اىشلەدىر، يۇلا دۆشۈر.

«آغا وثاقى» گۆزگۈدە حئىۋاننى گۆرۈر. ان، ازگىن ۋە خۇۋىلەسىز ماشىنىنىن دال سىندى سىندە سىرەلىنىب، يۇرغون ۋە يۇخولو باخئىشى نئى انئىتە تىكىب دىر. ال - آتاغى تىترە ئىر، خىستەلىك اىزلىرى، اونون بۆتۈن بدىنىندە گۆرۈنۈر.

«آغا وثاقى» شەردن انئىتە گىندەن يۇلا دۆشۈر. ان دۆشۈنۈر كى، «ۋتن جوما گۆنۈ عىجب ياخشى ھاۋا ئىدى، گۆن چىخىمىشدى، ھاۋا اىستى اىدى. ياخشى ئاپئىشئىردى. ياخشى اولار اوشاق لارنىن ھامىسى گىلە. ۋتن ھفتە، نىچە نفرى گىلمە مىشئىلر. آدام اولارلا اولاندا راحات خىس ئالىر ۋە ۋزۈندە دىرىلىك خىس اندىر. قىرىبە پۇ... ياشا ئىشئىمىز ۋاردىر. گىجەلر چاخئىر اىچمىك دىن، قومار اونناماقدان لاپ داي چۆرۈمۈشۈم. نە بىر زاد اوخۇرۇردۇم، نە بىر ئىرە گىدىردىم، نە كىمسەنى گۆرۈردۇم؛ آلاھ كىسىن...»

«آغا وثاقى» حئىۋاننىن خۇرولتوسونو انئىدىر، بىزىمىجە سىنە گۆزگۈدەن اونان باخئىر. پۇ... - پۇسۇر، باش دان - آتاغا حئىۋاننى باس دىر. ان خۇرولدا تاركن يۇخودا ۋزۈنۈ قاشئىئىر. بىرىنچى دۇنە دئىل كى، ان ماشىندا يۇخلا ئىشېر. «آغا وثاقى» بىر ھفتە نىن اىچىندە، ۋچ - دۇرد دۇنە اونون يۇخولا ماغىنىنى گۆرۈپ دۇر. آنچاق حئىۋاننىن خۇرولتوسو، بو دۇنە ھەر دىفە كىندىن اوجادىر؛ سانكى

آغىر بىر ئوخۇئا گىدىب دىر. اۇتاق اولان وختدا اۇزۇندىن شىددەتلى بىر كۆنچكاولىق كۆستىر. خىردا گۆزلىرىنى قىرىپ بىر حالت وثرەرك، خىرەلىر و «آغا وئاقى» نى شاشقىن لاشدىراركن، بىر ماقا چاتدىرۇر كى، «آغا وئاقى» چىغىرماق و كۆھنە، مۇندار بىر پارچا كىمى، اۇنو ماشىن دان انشىئە آتماق اىستەير.

نەچە آى اول، «آغا وئاقى» كى، سحر انۇدەن چىخىر، حىئون اۇنون دالىشىجا آتلىر ماشىنا مېنىر دال سىندلى دە يىرىنى راھات لايىر. «آغا وئاقى» ھەر نە قەدەر چالىشىرسا، حىئونى ماشىن دان انشىئە چىخارا بىلمىر. اۇ چارەسىز قالاراق رۇلون دالىشىندا اۇتورۇپ و ايدارەتە گىدىر. ايدارەن بىر پاركىنگىندە ماشىنىن قابى سىنى آچىق قۇيۇر، بلكە حىئون چىخىب گىدە و اۇنون شىرى كىسلە. آنجاق، آخىشام اۇستۇ ايدارەدن قايتىتماق اىستەندە حىئون تاپلىب گىر. اۇ ماشىنىن دال سىندلى سىندە اول كى يىرىندە اۇتورو. «آغا وئاقى» اۇنو ماشىن دان انشىئە چىخارماقا چالىشىر. آنجاق حىئون چىغىر- باغىر سالىر. «آغا وئاقى» قۇرخوسۇندان اۇنو بوراخىر، ماشىنا مېنىپ و سۆرەتە پاركىنگەن چىخىر. ساىخاش بىر يىرە گىدىر. ماشىنى ساخلاىر، دۆشۆر. حىئونى، دۆمكەلە ماشىن دان چىخارسىن دىئە، آغاج دان بىر شۆكۆ قىرۇر. حىئون ھى- بىدىرىق سالاراق مۇقاوىمەت كۆستىر.

«آغا وئاقى» حىئونى ماشىن دان انشىئە چكىر، آنجاق حىئون اۇنا سوووشىپ و بوراخماق اىستەمىر. زوزە چكە- چكە «آغا وئاقى» نىن دۆۋرەسىنە دۇلاناراق، ھى- كۆى سالىر. «آغا وئاقى» يىردەن بىر داش گۆتۈرۈپ و اۇنون باشىنا چىرىماق اىستەير. حىئون سىچراىر و جلد «آغا وئاقى» نىن كۆرەيىنە قالخىر. جايناق لايىلا اۇنون بۇيۇنو سىخاركن كۆرەيىنە موھكم بىر ضىرە وورور. «آغا وئاقى» يە بۇغولماق حىسى ال وثرىر. قۇل لارى يانىنا دۆشۆر، داشى آتىر دىزلىرى اۈستە اۇتورور، نالەسى اوجالىر.

قورددان دۇنمە ايت يىكەلىكە بىر حىئون دىر. خىركەلىرى جلد و يۇنگۇل بىنىن غۇسۇلرى موھكم و قۇدەرتلى دىر. «آغا وئاقى» اىلك گۆنلر ائەلە دۆشۆنۈردۆ كى، حىئون ايتىن مۇختىلف نىژادلارنىن بىرىندە بىر حىئون شۇناسلىق سۆزلۈيۈندە ايت نىژادىندان اللى يە قەدەر آد آپارىپلار و ھەر نۇوعۇندە بۆتۈن خۇصوصىياتىنى گىنىش شكىلدە اىضاح اندىبلر. «آغا وئاقى» حىئونىن خۇصوصىياتىنى بۆتۈن اللى نۇوعۇن خۇصوصىياتى اىلە توتۇشۇرور و باشا دۆشۆر كى، حىئونىن ايتلرە اۇخشارلىغى دانىلمازدىر آنجاق بو اۇخشارلىق اۈزدەن كىچمە اۇخشارلىق دىر. حىئونىن دۆزگۈن خۇصوصىياتى، ايتىن مۇختىلف نىژادلارنىن ھىچ بىرىندە يۇخۇدر. حىئونىن داورانىشىندا، ايتىن داورانىشىنا قىرىپ بىر اۇخشارلىق وار؛ خۇصوصىلە تە پالتالى،

فۆكول باغلانان آدم لار ئىن قارشى سىندا يالتاق لانماسى. حىئونىن باشقا خوصوصىيىت لىرىندىن بىرى دە
ايكى آياغى ئىن اۆستۈندە يۈل گىتمەسى دىر. ايرى- بوروق قىچ لار ئىن اۆستۈندە يۈل گىندەندە
باشىنى ئوخارنى قالدۇرۇر، سىنەسىنى قاباغا وتۇرۇر. سانكى يۈل ئىرىمەسىنى تاماشا ئا قۇتماق اىستەيىر.
باشقا خوصوصىيىت لىرىن بىرى دە بودور كى، اۆزۈندىن جۆر بە جۆر گۆركم لىر نۆمايشە قۇيۇر. جۆر
بە جۆر مۇوقىت لىردە اۆزۈندىن بىر سفىل وضعىيىت لىر گۆستىرۇر. وضعىيىت لىرە اوتغون اولاراق، بۇغاز ئىندان
انائىن بىر سىل لىر چىخارۇر. بو سىل لىر، بعضى واخت ئومشاق ئ اىلتىماس انديجى ئ بعضى
واخت لار دا كۆيۈد ئ زۇربالىغىنى ايفا اندەن سىل لىر ايدى.

«آغا وثاقى» چاش باش وورراق باشىنى ايتىرۇر، نە اندە جەينى بىلىم. نە ايسە اونون چاش باش
اولماغىنا حىئونىن قىيە بىر حساسلىغى وار. «آغا وثاقى» نە قەدەر چاش باش وورۇر،
عصى لىرىسە حىئونىن كۆنچكاو لىغىنى بىر او قەدەر شىددەت لىر. سىمىتانلىقچا هر ئىردىن اونون
دالىنا دۆشۈر. دىققەت لە، اونون سۆز لىرىنە قولاق آسۇر ئ ايش لىرىنە دە قارىشىر. سانكى انشىتدىك لىرىنى
ئ گۆردۈك لىرىنى ئايدىنا ساخلاماق اىستەيىر.

«آغا وثاقى» بىر- ايكى دۇنە اۆزۈندىن چىخاراق چىغىرتىسى اوجالغۇر، آنچاق بو
چىغىرتىسى فايدا سىز دۇر، گىت- گىندە حىئون جىسارت لىر ئ اونون ايش لىرىن قارشى سىندا
كۆنچكاو لىق گۆستەرەك، مۇزاحىمى چۇخالغۇر. ھردىن بىر نىچە ساعات «آغا وثاقى»نى اۆز حالىنا
بوراخىر، اۆزۈ دە گۆزدىن ايتىر. آنچاق، «آغا وثاقى» بو آزادلىغىن تامىنى دادىپ- دادامىش ئىنىدىن
تاپىلىپ كلىر. ماشىن دا اۆز ئىرىندە اوتۇرۇپ تام كۆنچكاو لىقلا، اونون داوانىشىنا دىققەت ئىتىرۇر.
اونون گل- گىت لىرىنە باشقا لارنى ايله اوتۇرۇپ دوروشوغونا، نىظارت اندەركن اونون ايدارەسىنى
ايسە اۆز اىنە كىچىرۇر.

«آغا وثاقى» ئاواش- ئاواش باشا دۆشۈر كى، جاماعاتىن دا چۇنخو اونون دىرىنە دۆشۈرلر.
آنچاق حىس اندىر كى، چۇخلارنى اۆز دىرلىرىنى آغىر بىر خىستەلىك كىمى، خۇزا خىستەلىنى كىمى
بىر- بىرىندىن گىزەپ دىرلر. ئ ھانسى سىب لىرە گۆرە ايسە خۇشلامۇرلار كىمسە اونلارنى دىرىندىن باش
چىخارسىن. بىر دىفە، تانىش لارنى بىرىنىن ائويندە اۆزۈنۈن قۇرۇچوسو حىئونانا بىزەر بىر
حىئون گۆرۈر. آنچاق اونون حاققىندا دانىشماق اىستەندە تانىشىن رىنگى آتۇر. اۆزۈنۈ
بىلمە مۇلىيە وورراق، ائويندەكى حىئونىن ئارلىغىنى ئى ئىرلى- دىبلى دانىر.

بىر دۇنە دە، ايش ئىرىندە ايدىن سىز اولاراق باش مۇدىرلىرىنى ايش اوتاغىنا كىرۇر. بىلە گۇمان
اندىر كى، تىلفونلا دانىشان باش مۇدىر جىناب لارنى ئىن ئىرىندە اۆزۈنۈن قۇرۇچوسو اولان
حىئونانا بىزەر بىر حىئون اوتۇرۇپ دور. خوصوصى ايله اونون گۆز لىرىندە اولان حالت لىردە ئ

گۆركمى نىن حركىتىدە ئونون قۇرۇتۇچوسو اولان-حىيوانىن گۆزلىرىدەكى ھالەتە ۋ گۆركمىدەكى ھەركەت قىيە بىر اۇخشارلىق ۋار. آنجا، «آغا ۋئاقى»نى گۆرەن كىمى ئونون گۆزلىرى نىن ۋ سىر-صىفىتى نىن ھالىتى دىيىشلىر. حىيوان، باش مۇدىر جناب لارنىن ۋارلىغىغا ھۇپۇر ۋ ايتىر. باش مۇدىر جناب لارنى ال-آياغىنى ايتىرەرك تىلفونون دىستەينى يىرىنە قۇتاركن چۇخ عىبانىتەلە «آغا ۋئاقى» نىن باشىغا چىغىر ۋ دىئىر نە اۋچۇن ايجازەسىز ئونون اۋتاغىغا گىرىب دىر؟

«آغا ۋئاقى» ئاۋاش-ئاۋاش اۇخشارلىقلارنى سىچە بىلىر. ئونون ظنىچە امكداش لارنىن ۋ ائەلجە دە اۋرادا- بورادا گۆردۈنۈ جاماعاتىن بىر عىددەسى نىن داۋرانىش لارنىن ۋ گۆزلىرى نىن ھالەتلىرى، ئونون قۇرۇتۇچوسو اولان حىيوانىن، گۆزلىرى نىن ۋ داۋرانىش لارنىن ھالەتە بىزەيىر. سانكى اۋنلارنى ۋارلىغىغا بىر حىيوان گىرىب دىر. لاپ قىيەسى بوراسىندا ئىر كى، «آغا ۋئاقى» گۆزگۆدە اۋزۇنۇ گۆرەندە، حىيوانىن بەضى ھالەتلىرىنى، گۆركمىنى اۋز-اۋزۇندە دە گۆرۈر. «آغا ۋئاقى» تە يۈتۈلمۈش كۈتەينىدە بۇيۇك ۋ كىفەر بىر بىت گۆرەن كىمىسە كىمى بىردن-بىرە دىكىسەنەرك گۆزلىرى خىرەلنىر.

حىيوانىن اينادى ۋ جسورلۇغو گۆن بە گۆن آرتىر ۋ اۋزۇنۇ «آغا ۋئاقى» نىن ايش لىرىنە قاتىر. «آغا ۋئاقى» اينسانلىق سىستىمىنى الدن ۋ ئىزدەينە گۆرە، ائەلجە دە اۋرەنى اىستە دىشى كىمى ايش لىرە ال ۋورا بىلمە دىيىنە گۆرە داھا اۋزۇنە فخر ائە بىلىمىر.

ازەل گۆنلردە، چۇخ ھىتەلە ۋ فندىلە ئونون شىرىندىن قاچماق اىستەيىر. آنجا حىيوانىن مۇزاھىمىتى آرتىر ۋ حىيوان داھا آرتىق اۋزۇنۇ اۋنا ئاخىن لاشدۇرۇر. «آغا ۋئاقى» حىيوانىن شىرىندىن قورتارىش دىيە، ھەر بىر زادا ال آتسىدا آنجا مۇتۇق اولايلىمىر. نەھائەتدە اۋمىدى اۋزۇلركن حىيواننى اۋنوماق اۋچۇن ايجىگى تە اۋز گىتىر. آنجا دىھشتلىر. بىر گىچە «آغا ۋئاقى» تىرىك ۋ قومار مجلسىندىن قايتىداركن، حىيوان اۋندىن آسلاناراق ۋار گۆجۈ ايلە ئونون جانىغا گىرىپ ۋ اۋنولاي بىرلەشمە چالاشىر. «آغا ۋئاقى» ۋاختىلە حىيوانىن باش مۇدىرىن جانىغا گىرمەسىنى خاپىرلايتىر. جانىغا تىترەتمە دۈشۈر. اۋ ۋار گۆجۈ ايلە حىيواننى ئىرە چىرۇر ۋ تېشى نىن آلتىغا سالىر، حىيوان قاچىر ۋ نىچە ساعات اۋنۇ راحات بوراخىر.

اثرەسى گۆن، «آغا ۋئاقى» كىتاب خانانا گىتىر. اۋرادا باشا دۈشۈر كى، حىيوان كىتاب اۋخوماغى خۇشلامىر. «آغا ۋئاقى» كىتاب اۋخودوغۇ ۋاختدا حىيوانىن داۋرانىشىدا ھۇۋىلە سىزلىك دۈيۈلۈر.

نىچە گۆندىن سۇنرا، «آغا ۋئاقى» سۈيىملى قىدىم يۇلداش لارنى ايلە چۇلە چىخاندا، ئىنە دە اۋ ھالەتلىر، حىيوانىن داۋرانىشىدا تاپىلىر. «آغا ۋئاقى» دە سۇنۇپ يادىرغامىش شادلىق ۋ سۈيىنچلىر،

بیر داها باش قالدیریب اوتانیئر. او کیتاب اوخوئور، اۆرهیی ایسته دیتی قدیم یولداش لاری ایله اۆتوروب- دورماغا باشلائیئر. داها، اولکی لر کیمی ایداره امکداس لاری نئین ائوینه گئتمه یه اؤرادا تیریاک چکیب، قومار اؤنماغا مارق لانمئر.

تعطیل گۆنلرینده ماشینیئى ئى گۆتۆرۆر، ییغینیجاق یئرلرینه گئدیر. ییغینیجاق یئرلری، شهردن ائشیکده، ساینخاش بیر یئردی. یۆلداشلارئ اوارا ییغیتلارکن شانلى و طنطنهلى کئچهجکلرینی خاطیرلایاراق، چۆخ اۆمیدوارلیقلا آیدین گلجهیین حاققیندا دانیشیرلار. هم ده هردن-بیر اؤنلارئین اۆرهکلرینده تزه آرزو-دیلکلرینی اوتادان بیر ماهنى اؤخویوردولار.

«آغا وثاقى» بىر درەنن قىراغىنىدا اۆتۈرۈپ. اۇ، آشاقىدا آخان سۈيۈن، اۆرەتى اۈخشايان شىرىلتىسىنى قۇلاق آسماغى سۈيۈر. حنىۋان بىر قىراقدا بۆزۈشۈپ، مۆرگۈلەيىر. ياخۇد اۈيان-بۇيانا ۈزۈنخۇر، اولايىر. كىچىمىشە اولدۇغۇ كىمى، داھا اۈنۈن داۈزانىشىنىدا كۆبۈدلۇق قالمايىشىدى. دىنەلى، اۈ زەمىنى ۈگۈجۈنۈ الدن ۈترىش قۇجا بىر ايتە بىزەيىردى.

«آغا وثاقي» بىر قىراقدا، ماشىنىنىڭ ساخلايتىر، دۆشۈر. ياۋاش - ياۋاش درەيە سارى گىندىر. ھەلە يۇلداش لارنى گىلمەيىبار. آخى چۇخ تىزدىر. دىنمەلى، يۇلداش لارنىڭ گۇرمەك ھەسەسى «آغا وثاقي»نى نىچە سەات تىز اۋرانا چكىب دىر. ھەمىشەكى نە مۇغايىر اۋلاراق، «آغا وثاقي» داھا حىيۋاننىڭ آياق سىسىنى ۋە اۋنون دىن نەسلىرىنى اۋز آرخاسىندا انىشەيمىر. آرخايتا دۇنور، حىيۋان ماشىندا قالىپ ۋە انىشە چىخماغا رەبەت گۇستىمىر. سانكى، درەلەن طراۋتى، آخار چايشىن گورولتوسو ھىچ بىرى اۋنون رەبەتىنى ۋە سۈيىنجىنى اۋيادا بىلىمىر. «آغا وثاقي» گىندىر درەنەن قىراغىنىدا بىر داشىن اۋستۇندە اۋتورور.

ھەر يىتر سايغاش دىير. «آغا وئاقى» دن باشقا بىر كىمىسە دۈۋرەدە يۈخدور. گۆنش، اۆرەتە ناتىملىق، اىستى سىلە اونون اۆز- گۆزۈنۈ اوخشايتىر. اۆرەنى اوخشايدان بىر شىنلىك دە بۆتۈن جانينا ھۇپور. بىر داشا دايتاناركن آياق لارنىنى اوزادير و طبعيتين اۆرەك اوخشايدان گۆزەللىيىنە دالىير. بو گۆزەللىك اونون جانيندا درين بىر دىنچەلمىش حىسى يارادىردى. حىثوانىن زارلىتىلارنى، «آغا وئاقى» نى بىردن اۆزۈنە كىتىر. حىثواننى گۆرۈر. حىثوان تاب سىزلىشقا اوتان- بوئانا كىتىر، اۆزۈنۈ يىترە چىرىش و قىرە بىر سىرلر چىخارمى. سانكى شاشقىنلىق و سىرلىك توتويدور؛ پۇزغون و يۇرغون بىر گۆركەم «آغا وئاقى» نە سارنى گلىر. اىلتىماس اندىجى گۆزلىرى ايله «آغا وئاقى» نە باخىر، بورنونا اونون باشماق لارنى سۆرتۈر و اونو يىرىدن قالدىرىپ شەرە آپارماغا چالىشىر. اونون پالتارىندان چكىر. تۇرپاق دا اوۋەيتىرەكن اينىلدەيىر. اۆمىدىنى الدن وئەرەك اوتان- بوئانا قاچماغا باشلايشىر.

حئیوان داماق سیزدیر، قریبە سسلر چىخاریر. درەنى اوزو آشاغى گئدير، چائىن قىراغىندا دولانىر. سۆرعتلە يىنى دن يوخارئ قايىدیر. تورپاق دا اۋەديتە ركن قىۋرئلىر.

يازدى. درە باش دان- آياغا ياشىل لىقلا بۆرۈنۆب. چائىن قىراق لارئ گۈل- چىچكەلە بۆزەنىب دیر. چائى سوايلە دۈپ- دولودور. كۈپۈكلۈ سو تپەنن دالىنا دۈنۆب گئدير.

«آغا وثاقى» درەنن قىراغىندا اۋتوروب دور. اۋنون، دۆشۈنجه سىنن آخارئ طبعيتن سايخاش لىغى ايلە اۋيغون دور. دردلى بير زۆ- زۆۋزە سسىندن، بيردن اۋزۈنە گلیر. اۋنون گۈزلىرى، داشىن اۋستۈندن زۆرۈشۈب، ھاۋادا ال- آياق چالا- چالا آشاغى تا سارئ دىغىرلانان حئیۋانا ساتاشیر. حئیۋان بۆتون آغىرلىغى ايلە چائىن ايچينە دۆشۈر. چائىن داشلانان سۈيۈ اۋنو گۈتۈرۈب آپاریر.

«آغا وثاقى» دورور ۋ درەنى اوزو آشاغى گئدير، چائىن قىراغىندا داينانیر. داھا حئیۋان دان بير ايز يۈخدور. سو اۋنو گۈتۈرۈب اۋزو ايلە آپارېب دیر.

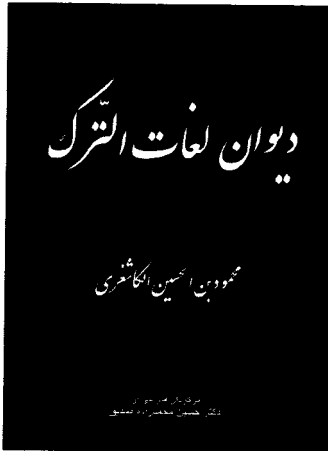
ھاۋانىن صافلىغى گۈز قاماشدیرىجى دیر. گۈى، گۈزگۈ كىمى پارلايىر. «آغا وثاقى» نىن شكىلى چائىن قىراغىندا كۈلمچە يە دۆشۈر. گۈلمچە صاف ۋ زۈلال دیر. گۈنشىن ايستى لىنى ۋ سارئ تىل لرى گۈلمچە نىن سۈيۈندا عكس اولونور.

«آغا وثاقى» اۋوسونلانىش كىمى گۈلمچە نىن قارشى سىندا ديزلى اۋستە چۈكركن سۈيۈن ايچيندە، اۋز سىماسىنا گۈزۈنۈ زىللە يیر.

اۋ، سۈيا ھۈپموش سىماسى نىن دىنج لىنىنى، آيدىن لىغىنىنى اينديتە جك ھىچ بير گۈزگۈ دە گۈرمە يىب دیر.



واژه‌پژوهی سخت‌باور



گفت و شنود با دکتر حسین
محمدزاده صدیق
به بهانه‌ی انتشار ترجمه‌ی فارسی
کتاب
«دیوان لغات‌الترک»

مرتضی مجدفر *

اشاره: شیخ محمود بن الحسین کاشغری (۴۷۷-۳۸۰ قمری) یکی از بزرگان علم و ادب ایرانی است که بیشتر عمر خود را در بغداد سپری کرده است. محققان، مقام علمی او را مانند ابن‌سینا، و فارابی ارزیابی می‌کنند. وی، آثار خود را به عربی نگاشته است. اخیراً یکی از آثار مهم وی تحت نام «دیوان لغات‌الترک» به ترجمه‌ی دکتر حسین محمدزاده صدیق، استاد دانشگاه، محقق و مترجم انتشار یافته است. انتشار ترجمه‌ی کتاب «دیوان لغات‌الترک» بهانه‌ای شد تا گفت و گویی را درباره‌ی اهمیت ترجمه‌ی این کتاب به زبان فارسی با مترجم آن انجام دهیم. حاصل گفت و گوی ما را از نظر می‌گذرانید:

* آقای دکتر صدیق! در سخنرانی‌هایتان شنیده‌ایم، در کتاب‌هایتان خوانده‌ایم و می‌دانیم که جناب‌عالی از پژوهشگران پیگیر ادبیات تطبیقی سه زبان فارسی، عربی و ترکی هستید و عمر خود را وقف این کار کرده‌اید و اخیراً ترجمه‌ی «دیوان لغات‌الترک» اثر محمود کاشغری از شما انتشار یافته است. مایل هستیم بدانیم چه انگیزه و احساس ضرورتی در انجام این کار وجود داشته است؟

□ در تاریخ اسلام، عصر خلفای عباسی به لحاظ برپایی مدارس و کتابخانه‌ها و شکوفایی علوم و ادبیات و رقابت شعرا و علما در بلاد گوناگون اسلامی و شکسته شدن انحصار شهرت بغداد و گسترش زمینه‌های ارتزاق اهل علم در تمامی شهرها مشهور است. در این دوره، اهل اندیشه و قلم با تفکر اسلامی نهضت عظیمی برپا کردند و با آن که برخی دولت‌های مستقل مانند سامانیان، غزنویان و قراخانیان اصالتاً غیرعرب بودند، به قصد حراست از زبان قرآن و به خاطر حاکمیت دینی و معنوی این زبان، آن را زبان رسمی خود در مدارس و مساجد و دیوان‌ها قرار دادند. آثاری که در این دوره در گستره فرهنگ و علوم بشری تألیف گردید، جزو پایه‌های اصلی، مجموعه آثار علمی جمعیت مسلمان را تشکیل می‌دهد. «دیوان لغات الترک یکی از این آثار است که من توانستم آن را به گنجینه کتاب‌های فارسی بیفزایم و برگردانی نسبتاً بهنجار و بسامان از آن بیرون دهم.

*** دوره‌ای را که شما آن را «عصر عباسی» می‌نامید، مشحون از تحرکات فلسفی، کلامی و علمی در میان مسلمانان است. به نظر شما این اثر، همسنگ کدام یک از آثار آن عهد به شمار می‌رود؟**

□ در این دوره، «فارابی» و «ابن سینا» ظهور کردند. «ابن رشد» پیدا شد. «جارالله زمخشری» دو کتاب «مقدمه‌الادب» و «تفسیر کشاف» را نوشت، شهرستانی «ملل و نحل» را تألیف کرد. جوهری در صرف و نحو لغت عرب اثر ماندگار خود «صاحح اللغه» را تألیف کرد. همه‌ی اینها از اعجوبه‌های تاریخ اندیشه هستند و خلاقیت علمی- فلسفی و ادبی آنها چندوجهی و مختلف‌الجهات بوده است. کاشغری نیز در این دوره ظهور می‌کند و در شناخت از گویش‌ها و لهجه‌های ترکی، کتابی تألیف می‌کند که نمی‌توان به آن فقط نام «لغت‌نامه» و یا «دستور زبان» داد، بلکه کتابی است با صبغه‌ی دانش‌نامه‌ای که مؤلف با طرح‌ریزی عجیب و سخت‌باوری، توانسته است مخزن واژگان این گویش‌ها را طبق قواعد صرف عربی و با نگرش سیستمی به مسئله‌ی لغت‌پژوهی و با شرح دقایق فرهنگ عامه، نمونه‌های ادبیات شفاهی، حماسه‌ها و اساطیر کهن مردمی سازه‌بندی کند و نزدیک هفت هزار و پانصد تکواژ این زبان‌ها را در قالب باب‌های عربی ریخته و در بخش‌های مختلف با هنجارهای صرف زبان عربی تدوین نماید.

*** علاقه‌مند هستیم درباره‌ی موضوع این کتاب بیشتر از زبان شما بشنویم.**

□ ببینید، باید گفت که این کتاب در میان گونه‌های «لغت‌نامه»ها و مجموعه‌های واژه‌پژوهی گونه‌ی فرهنگ‌نامه‌ای (Encyclopedia) آن است که گستره‌ی «دانش‌شناسی» و «علم‌پژوهی» بر آن سایه افکنده است. با این ویژگی که لغت‌پژوهی بر همه‌ی مباحث دیگر در آن سبقت می‌جوید. از

میان دانش‌نامه‌های فارسی می‌توان مثلاً کتاب «دره‌التاج لغره‌الدباج» اثر خواجه مسعود شیرازی و یا «نقایس الفنون فی عرایس العیون» اثر شمس‌الدین آملی را مثال بزنم که دانش‌های روزگار خود را با اشراف در بر گرفته‌اند. اما مثلاً لغت‌نامه‌های «برهان قاطع» و یا «فرهنگ آندراج» فقط ساختار «لغت-معنی‌نگاری» دارند و فرسنگ‌ها از دانش‌نامه‌هایی نظیر آنچه یاد کردم، دور هستند. ولی «دیوان لغات‌التُرك» ضمن آن که یک لغت‌نامه‌ی گسترده است، ماهیت فرهنگ‌نامه‌ای و دانش‌نامه‌ای با تکیه بر همه‌ی وجوه «ادب‌پژوهی» از «ریخت‌شناسی واژگانی، تاریخ ادبیات، فولکلور، گونه‌شناسی ادبی، واژه‌پژوهی و فن» اشتقاق، ادبیات تطبیقی، دستور زبان توصیفی و مقایسه‌ای، اسطوره‌شناسی، جغرافیا، تاریخ و جز آن» دارد بی‌جهت نیست که بسیاری از پژوهندگان آن را «قاموس» نامیده‌اند. اما، همین عنوان نیز، کافی برای تعریف آن در جهت در بر گرفتن همه‌ی وجوه و جوانب بی‌حد و حصر محتوای آن نیست.

آثاری نظیر «قاموس‌المحیط مجدالدین فیروزآبادی» و یا «قاموس‌الاعلام» و یا حتی «قاموس قرآن» گستره‌ی پژوهشی محدودی دارند که نمی‌توانند از آن بیرون بیایند.

*** با توجه به این که کلمه‌ی «دیوان» به مجموعه‌های شعر اطلاق می‌شود، چرا این کتاب با**

توجه به توضیحاتی که بیان کردید، «دیوان» نامیده شده است؟

کلمه‌ی «دیوان» در آن روزگار در ترکیباتی مانند دیوان انشا، دیوان استیفا، دیوان زمام، دیوان عرض، دیوان داور، دیوان مظالم و... به کار می‌رفت. خود لغت «دیوان» در معنای «مجلس عالی فراهم آمدن اعیان» به کار می‌رفته است. کاشغری در گزینش این عنوان برای نامیدن اثر بی‌نظیر خود، بی‌گمان به دو دیدگاه نظر داشته است: نخست آن که: گنجینه‌ای از مباحث و احکام بسیار پیچیده و دشوار واژه‌پژوهی فراهم آورد، به گونه‌ای که مثلاً به حد «مقدمه‌الادب» اثر جلاله زمخشری قابل تنزل نباشد و دوم آن که خواننده را به مجلس‌اعلای محاکمات لغوی و ادبی فراخواند و مثلاً بیش از حد یک مجموعه مثل «صحاح‌اللغه» اثر حماد الجوهری باشد. می‌توانیم بگوییم که کاشغری این لفظ را آگاهانه برای نامیدن اثر خود برگزیده و با این تصنیف نشان داده است که در روزگار خود، تسلط کافی و سخت‌باوری به همه‌ی شاخه‌های دانش فقه‌اللغه داشته است و نخستین مجموعه‌ی کم‌نظیری را در آنچه که امروز به آن «فیلولوژی» گفته می‌شود، آفریده است که تاکنون در نوع خود غیرقابل تکرار بوده است. کاشغری «گسترده‌نگاری» دقیق و عالمانه‌ای را شروع کرد و هم از این روی، حاصل کار خود را «دیوان» نامید. پس از او، تا دوره‌ی نوزایی اندیشه‌نگاری و اندیشه‌پژوهی، تا روزگار بازپسین، شمس قیس رازی و حتی شمس‌الدین سامی و دیگران هیچ‌گاه به خود اجازه ندادند، گسترده‌پژوهی‌های خویش را «دیوان» بنامند و با فروتنی در برابر کاشغری، معنایی ثانوی و محدود یافت و شاعران مجموعه‌ی اشعار خود از هر نوع را چنین نامیدند.

*** با توجه به این که کتاب به زبان عربی نگاشته شده است، آیا در منابع فارسی ذکرى از آن رفته است و اساساً نقشی در تاریخ ادبیات فارسی داشته است؟**

در تاریخ ادبی فارسی، ظاهراً نخستین استناد به این کتاب، در کتاب نصیب ابوالفضل بیهقی (متوفی ۴۷۰ هـ) هم‌روزگار خود کاشغری شده است که در کتاب «تاریخ بیهقی» در اشاره به ازدواج سلطان محمود غزنوی با «شاه خاتون» دختر یوف قدر خان، مستند آن را نقل می‌کند. کاشغری در کتاب خود ذیل تکواژ «قسراق» به این حادثه اشاره دارد. بسیاری از کتب تاریخ فارسی از «جامع التواریخ» و «جهانگشای جوینی» تا «ناسخ التواریخ» دوره‌ی ناصری، نقل قول‌های فراوانی از دیوان دارند. در کتاب «عقد الجهان فی تاریخ اهل زمان» اثر بدرالدین عینی و «کشف الظنون» از حاج خلیفه نیز از کاشغری و اثر او یاد شده است. شاید بتوان ادعا کرد که در دوره‌ی های بعد، نزدیک یک‌صد کتاب با دنباله‌روی از کتاب کاشغری و به تقلید از آن تألیف شد.

*** منظوران کتاب‌های لغت است؟**

بله، اما کتاب‌هایی که اغلب به عربی تألیف شده و اکنون هم به فارسی درنیامده‌اند. مانند، «بلغه المشتاق فی لغة الترك و القفجاق» و یا کتاب «حلیه اللسان و حلیه البیان» و یا کتاب «الشذور الذهبیه و القطع الاحمدیه» و یا «التحفه الزکیه» و یا «میسر العلوم» و...

*** آیا در زبان فارسی هم نظیره‌هایی بر آن نوشته شده است؟**

در زبان فارسی کتاب بسیار مهم «سنگ‌لاخ» اثر میرزامهدی خان استرآبادی، منشی نادرشاه افشار و مؤلف دو کتاب «دره نادره» و «جهانگشای نادری» در اقتضای از این نوشته شده است. نسخه‌های خطی نفیس آن در تهران موجود است و یک بار در سال ۱۹۶۵ به صورت چاپ عکسی یکی از نسخه‌ها از سوی کلاوزن به طریق فاکسمیله در بیش از یک هزار صفحه تکثیر شده است و این جانب در حال حاضر مشغول آماده‌سازی آن برای چاپ انتقادی و علمی هستم. کتاب‌های «بدایع اللغه»، «اللغه النوائیه»، «التمغای ناصری» و «لغت فتحعلی قاجار» نیز به تقلید از اثر کاشغری به فارسی نگاشته شده‌اند.

*** آیا شما اولین مترجم این کتاب به فارسی هستید؟**

در سال ۱۳۷۵ ترجمه‌ی فارسی بخش ناچیزی از کتاب شامل اسم‌گونه‌ها، حاصل کار کارل بروکلمان، در تهران انتشار یافت. من تمامی کتاب را با معاضدت ترجمه‌ی انگلیسی و ترجمه‌ی ترکی استانبولی از متن عربی ترجمه کرده‌ام و حاصل کار خود را لفظ به لفظ به همراهی دو تن از همکاران عربی‌پژوه خود، دیگر بار با متن مقابله کرده‌ام و از فرجامین پژوهش‌های غربیان و دانشمندان دانشگاه‌های ترکیه نیز بهره برده‌ام.

با توجه به این که عربی کاربردی کاشغری مانند لهجه به کار رفته در «شفا» ابن سینا، گونه‌ای عربی‌نگاری خاص و تکرارناپذیری کلاسیک است، کار برگردان خیلی ساده نیست، همان‌گونه که در مقدمه هم گفته‌ام، مترجمان زبان‌های انگلیسی و ترکی استانبولی و آلمانی، بارها درماندگی خود را در انتقال دقیق مفاهیم بر زبان آورده‌اند. این جانب تا آنجا که در توان داشتم، سعی کرده‌ام با توجه به اهمیت زبان فارسی در تحقیقات زبان‌شناسی، برگردانی نسبتاً رضایت‌بخش بیرون بدهم.

*** با توجه به این که، زمینه‌ی تخصص جناب عالی ادبیات تطبیقی است، در این مورد و نیز جایگاه این اثر در جامعه‌ی ایرانی توضیح دهید.**

درس ادبیات تطبیقی (Comparative Literature) در دانشگاه‌های ما خیلی جدی نیست و برخی مدرّسان این رشته اغلب به کلیات ادبیات مقایسه‌ای غربی و اغلب انگلیسی و فرانسه با ادب یونان باستان می‌پردازند. به نظر این جانب، با توجه به این که در جهان اسلام چهار زبان عربی، فارسی، ترکی و اردو پیوسته در تعامل با هم بوده‌اند، در پژوهش‌های مربوط به آثار ادبی هر یک از این زبان‌ها، باید تأثیر و تأثر با سه زبان دیگر مورد توجه و دقت فراوان قرار گیرد. ما هنوز در این زمینه که عطار نیشابوری از خواجه احمد یسوی شاعر ترکستانی چه تأثیری گرفته و در شیخ غالب عثمانی چه تأثیری بر جای نهاده است، مطالعه‌ای نکرده‌ایم، از کیفیت تأثیر حافظ بر فضولی و تأثیر فضولی بر صائب بی‌خبریم و همین‌گونه مخزن واژگان این زبان‌ها را که قرن‌ها در همدیگر تأثیر گذاشته‌اند، تحت بررسی درنیاورده‌ایم.

کاشغری در این زمینه هم پیش‌تاز است. او، به ویژه از تأثیر متقابل ترکی و فارسی در هم، در موارد گوناگون، مثلاً در ذکر اسطوره‌ها، شأن نزول ضرب‌المثل‌ها، معانی اسامی جغرافیایی و... موشکافانه سخن می‌گوید. فکر می‌کنم اکنون در دسترس بودن برگردان فارسی این اثر، کمک شایانی به دوستان من در پژوهش‌های ریشه‌شناسی لغات و نمونه‌های کهن ادب فارسی و ترکی خواهد کرد.

*** به عنوان آخرین سؤال بفرمایید که با این کتاب کمی و چگونه آشنا شدید؟**

آشنایی من با «دیوان لغات‌الترک» به سال‌ها پیش برمی‌گردد؛ به روزگار جوانی، دوران دانشجویی در نیمه‌ی اوّل دهه‌ی چهل که به امر و ارشاد مرحوم «عبدالصمد امیرشقاقی» نحوی و لغوی معروف تبریز، بسیاری از معانی لغات آن را برای ایشان استخراج می‌کردم و به آراستن آن می‌پرداختم. اما به طور جدی در دهه‌ی گذشته، به کار برگردان آن پرداختم و پس از تدوین، تنقیح و آرایش کار، ترجمه‌ی خود را در سال ۱۳۸۲ به فرجام رساندم و چاپ و نشر آن نزدیک به یک سال طول کشید و اکنون خواننده‌ی فارسی‌زبان می‌تواند بی‌هیچ رنج و تعب، از حاصل کار عجیب و سخت‌باور شیخ محمود کاشغری در قرن پنجم هجری، بهره جوید

عمران صلاحی

دالغا

سازښ سيم لری
 دالغلار داشا دښیر
 جالانښیر
 ایندی منیم اوره یم
 یشلکن سیز بیر گمی کیمی
 دالغلارښ ایچینده.

آینا کیمی

پارچالاندیق، سینمادیق!
 داش آتان لاریلمه دیلر، پارچالانمیش آینادا
 بیر آی دان مین آی چښخار
 بیر گونش دن مین گونش
 بیر اولدوز دان مین اولدوز
 پارچالاندیق آینا کیمی
 چوخالاریق
 چوخالداریق ایشیغی.

پای

کوچه لری دولانښیر
 قاپی لاری دویور
 پیلله لر دن چښخښیر
 قم
 بیر یشکه مجمعه ده
 آی، منه پای گتیریر.



حبيب فرشاف

اۆميد

دومان باسمىش
گۆزدن ايتميش آرزولار
اۆميد گۆدهك
يوللار اوزون،
ايتتظاردا-
آرخامداكى اوچولماميش كۆرپولر
قايتىتماغا الله مين بير باهانا
...
هاوۋادا دومان
حاليم يامان
آغلين اوزۇ انىشه دير
آمان دلى گۆندن!
اۆره ييمده بير چىرىشتى
بولاشما بير گومان
يشنه اۆميد منى چكىر
اۆزۇ يۇخوش دومان.



سفر

سفرده يم:
گۆندن- گۆنه
آيدان- آيا
ايل دن- ايله.
سفرده يم
كۆره ييمده ديله ييمين آغىرليغي
اۆره ييمده دۆل- بوشالدا
قمله- سئوئنج.
گۆزلريمده-
هيجران بۇندا كدهر.
اۆشنمه ديم هنج سفرده
فيكىرلردن- فيكره
سفر يم قدهر!

يولچو يولدا گرەك

ھارا چاتدئيراجاق منى بو جيغئير!
بلكه
اوجاق لارى ئين كۆلۇ بۇم- بۇز بير كنده
بلكه ده
گۆنشين ايلك شفقلىرى قونان بير زيروءيه؟
ھر گتتمك
يتمك اۆچۆن يۇخ دوستلارا
ھايدى! يولچو يولدا گرەك.

خوش بخت ایت

صبح الدین عالی



تۆركيئه نين گوزكملى يازيچى سى صبح الدین عالی ۱۹۰۷-نجى ایلده آنادان اولموش. عالی تحصیلینى آلمانیا دا بیتیرمیش و تۆركيئه ده بیر مؤعلیم، یازيچى و ترجمه چى و مطبوعات چى کیمى شوهرت تاپمیشدير. صبح الدین عالی اوزونون دیره لی حیکایه، رومان لاری، ادبی- تنقیدى مقاله لری ایله برابر دۇنيا ادبیاتى نین گوزكملى نۇماینده لری نین اثرلری نی تۆركيئه دیلینه چتۇیرمیشدير. بۇيۆک یازيچى ۱۹۶۸-نجى ایلده خایینه جه سینه قتله ییتیریلدی.

نه اوچون همیشه کدهرلی ششیلردن یازیرام؟ دوستلار خوصوصی ایله یاخود اۆره کلی دوستلار بونو خوش لامیرلار. «- سن همیشه کؤبود، شیکست، نۇقصانلی ششیلری گؤستره جکسن؟- دئییه سؤروشورلار. ائله هئی آج لاردان، چیلپاق لاردان، دردلی لرن دانیشاجاق سان؟ گئجه لر قزست ساتیب کۆچه لره پاپروس کؤتوک لری تۇپلایان سفیل اوشاق لاردان، بیر قاریش تۇپاق، بیر پارچا سو اوچون بیر- بیرینی اولدورن آدام لاردان، حبس خانالاردا اۆره ک لری دیدیله- دیدیله اریشیپ گئندن لردن، مؤعالیجه سی اوچون حکیم تاپمایان لاردان، حاققینی آلا بیلمه ین لردن یازیرسان! حیاتدا باشقا یاخشى، گۆزەل ششیلر قحط دیمى؟ نه اوچون یازى لارینداكى

بۆتۈن اینسانلارین بنیزی سۇلوق، اۆرەكلری دردلی دیر؟ اۆلكهده اۆزۈ گۆلن خوش بخت اینسان یۆخدور؟

نه اۆچۈن ده اولماسین؟ آختارماق، تاپماق لازیم دیر. بونون اۆچۈن هئچ ده کۆنچ- بوجاغی آختارماق لازیم دئییل. هر شئی آپ- آشکار، هر شئی گۆز قاباغیندادیر. یالنیز گۆلر اۆزلۈ خوش بخت آدمالار یۇخ، خوش بخت ایتلر بئله واردیر. من ده قارار گلدیم کی، بو دفة آجلیقدان، عذابدان، نیفرتدن یۇخ، راحتلیقدان، تۇخلوقدان، سئوگیدن بحث اندیم. یاشادیغیم محللهنین کۆچهلری گئیش و آسفالتلا دۆشهنمیش دیر. هر بیرى بیر یۇخسول اوشاغین اورتا مکتبی قورتارماسینا کیفایت انده جک خرج قۇیولموش سیسقا و آلقاق شام آغاچلاری بورالارا کۆلگه سالماسی دا گۆزەللیک وثریر.

سحرلر سکی لرده شیق گئیشنمیش گنج آنالار رنگ به رنگ اوشاق آرابالاریندا آل یاناقلی توتوق یاخشى بسله مکدن اۆزلرینده خوش بختلیک ایفادهلری پاریلدايان اوشاقلارین گردیریر. جۆربه جۆر اونیونجاغیشی اییک اۆرتۈلرین اۆستۈنه تۆکمۈش بیر الی ایله چئق- چئغیشی اوتنادارکن اۆ بیرى الی ایله اوزون بیر دۆدۆۆ آغزینا آپاران کۆرپهلرین یانیشندا هۆرۈکلۈ ساچلارینی اوتنادا- اوتنادا آنالارینا نه حاقدا ایسه دانیشان بالاجا اوشاقلار دا گئدیر. آرا- سئرا بو گنج آنالار بیر یثره تۇپلاشیر، شیرین- شیرین صۇحبت اندیر و اوشاقلار نظارتی دۆرد- بئش آددیم آرخادا گلن تمیز گئیشملی دایهلرین عۆدهه سینه بوراخیرلار. یۆلون کنارینداکی کچیک پارکین باغچاسیندا بالاجا بالالار چالۆۆ و کۆره کلری ایله قوم اۆستۈنده سارایلار تیکیر، چایلار یارادیر، سۇنرا بیر یوموروقلا اونلاری یۇخ اندیرلر. بیر قدهر کناردا اوتوران آغ باشلیقلی بیر مۆزئییه خاریجی دیلده کیتاب اوخویور. باشینا اۆرتۈک سالمیش بیر خانیم آغلایان نوه سینى ساکیتلشدیرمه یه چالیشیر. باشقا طرفده اوتورموش اۆچ- دۆرد تاراشیقلى آنا یون ساپلا نه ایسه هۆرۈب قئشیتله مشغول اولورلار. هر شئی اۆز قانداشیندا، هر شئی راحت و اۆز یۆلۈندادیر.

بونولا بیرلیکده اونلارین هامیسنین اۆزۈنده کی ایفادهه قریبه بیر جان شیخیشتیسی حیس اولونور. الله توتولما یاچاق قدهر اینجه، هئچ واخت پارچالانما یاچاق مۇحکم بیر تۆز کیمی، اونلارین وارلیغیشی بۆرۈمۈش بو جان شیخیشتیسی، بیر آز دیقت اندیلرسه، قهقهه لرده، بیر چیلغینلیق باخیشلاردا و سۇتوق بیر علاقه سیزلیک شکینده اۆزۈنۈ بۆروزه وثریر. آیدین گۆرمک اولور کی، دانیشان دا، قولاق آسان دا باشقا شئی حاققیندا دۆشۈنۆر. اصلینده ایسه اونلار هئچ بیر شئی دۆشۈنمۈرلر. آما بوندان شیکایت ده ائتمیرلر و جانلارینین شیخیلماسینی بئله دۆمۈرلار. بۇش- بۇشونا دا اولسا گۆلۈرلر، وضعییتلریندن راضی اولماسالار دا حیثلاریندا بیر دیشیکلیک عمله گلمه سینى ایسته میرلر.

ياخاسى دۆيمەلى قەۋەبى ماھوت پالتار گىتىمىش بىر ائۇ نۆكرى بىر قاپى چى، ياخود كوبار بىر عايىلە دە خىدمەتچى اولدوغو آشيكار حىس اندىلن بىر گىنج يىكەپر و ياراشىقلى بىر آدم بو كۆچە دە هر سحر كىچىك بىر ايت گزديرير. آچىق قەۋە رنگلى قولاق لارى لاپ يترە قەدر ساللانا و ھۆندۆرلۆيۆ بىر قارىش دان آرتىق اولمايان بو ايت بۆتوندا مۇشىن بىر خالتا، باشىندا يىتە مۇشىن دن ھۆرۆلمۆش بىر نوختا، اۇنو آپاران آدمىن آرخاسىنجا سىس سىزجە گىدیر. اۇنو آپاران آدم ايسە اۆز آدېم لارىنى ايتىن آدېم لارىنا اويغون لاشدىرير. ايت بىر آز دا ئانمالى اولاندا آدم دا دورور. ايتىن كىفى ايسە يىب يىتە يىرەمە يە باشلاياندا او دا يىرىشیر.

ھاوالار سىرین اولاندا بو ایتە، كنارلاریندا لاجوردی لىنت اولان قەۋە رنگلى ماھوت دان ياراشىقلى و سىرمالى بىر جانلىق گىتىدیريرلر. حىئونىن دۇرد آياغىندان كىچىر يىلب قارىنى نىن آلتىندا دۆيمەلەنن و بىلینە قلیە چكىلمىش كىمى ياپشان، اوستاد بىر درزى الیندن چىخىمىش بو جانلىغىن اۆستۆ ھىمىشە تر- تمیز اولور، ایشىلدايىر. ايتىن تر- تمیز تۆكلىرى دە گۆن ایشىغى آلتىندا پارىلدايىر.

حىئون كىچىك ائحتىياجىنى يىرىنە يىتىرمك اۆچۆن يۆلون كنارىنداكى آغاج لاردان بىرى نىن دىيىنە ئاناشاندا، اۆن دونوم^۱ تۇرپاغى بىر نەفسە قازا بىلەجك قەدر گۆجلۆ گۆرۆنن بو نۆكر، خىدمەتچى و ياخود قاپى چى، آغانىن ايتى اۆز ایشىنى قورتارانا قەدر اۋرادا دایانايىب گۆزلەيىرلر. سۇنرا ايتىن سۆرعتىنە اويغون اولاراق يۆل لارىنا داۋام اندیرلر. جانلىق گىتىمىش بو ايت يۆل دان كىچن باشقا ايت لرىن مۇرىلدا ماسىنا جاۋاب وثرمیر، حتا صاحىبى طرفىندن نوختاسى آچىلمىش ھىئوۋەرە بىر ايت بۇغوشماق اۆچۆن ھۆرە- ھۆرە يانىنا سۇخولاندا و يا اۆستۆنە آتلىماق ايسە يىندە بو بالاجا ايت اونا ھىچ اھمىيت بىلە وثرمە يرك يۆلونا داۋام اندیر. اۆنون عوضىنە نۆكر ایشىنە قارىشىر، باغىریر، تېپىن ایشە سالىر. ھۆجوما كىچن ايتىن سايى بىر نىچە دنە اولاندا ايتى قوجاغىنا گۆتۆرۆر. جانلىغىنداكى تۆكلىرىندەكى تۆزۈ چىرك لىمىش يىرلىرى دېققەتلە سىلیر و بو زامان ايت تھلۆكەدن قۇرۇندوغونا امین اولاندا آشاغى باخىب دۇداغىنى و بورنونو ئالايارق اوزون تۆكلى قۇرۇغونو اۋئاداندا نۆكر جىددى تلاش اىچىندە بىر شىئ اولوب- اولمادىغىنىنى اۆپرەنمك اۆچۆن درحال اۆنون هر يىرىنى يۇخلايىر.

ايت گزديرن بو آدمى بىر گۆن قىصاب دۆكانىندا گۆردۆم. سىرا ایلە آسلىمىش قۇيۇن اىچاللات لارىنا باخىردى. او نھايت بىر جىتەر بىتە نرك:

- بونو چك- دندى.

بولو وثرەندن سۇنرا قىصاب لا محرم جەسىنە دانىشماغا باشلادى:

^۱ - دونوم- تۆركىيە دە ۹۱۹/۳ كىۋادىراق مئترە برابر اولان تۇرپاق اولچۇسۇ.

- ھىچ باشا دۆشە بىلىمىم - نە ئۆچۈن سىز قارا جىيەرى آيرىجا ساتمىرسىنىز؟ بىزىم ايت آغ جىيەرى، اۆرەيى - زادى ئىمىر. قارا جىيەرى دە ياخشى جا بىشىرىندىن سۇنرا قاباغىنا قۇيۇرۇق. ايجىنە بىر تىكە آغ جىيە قاتساق ھىچ آغزىنى اۈرا اوزاتماز. معدەسى آغ جىيەرى گۇتۇرمۇر. بونو بايتار حكىم سۇئەدى. حىيوان دا اولسا آغلى كسىر. اوندان اۈترۇ بىشىردىشىمىز كۆفتەيە بىر آز مال اتى قارىشسا اۈنو درحال باشا دۆشر...

قصاب شاگىردى ايجالانى كاغىندا بۆكمەك اىستەدى. نۇكر اۈنا:

- دندىكلرىمى باشا دۆشمەدىن مى؟ - دندى - قارا جىيەرى آيرى بۆك. ايجالانىن قالان حىصەسىنى كئارا آت!

اۈ تزدەن بۇلۇنمۇش قارا جىيەرى گۇتۇرۇب چۆلە چىخىدى.

باشقا بىر گۇن من ھەمىن نۇكرە چىچكىلى بىر باغچانىن قابىسى آغزىندا راست گلدىم. اۈ قوجاغىنىدا اىستى ۈ يۇمشاق بىر يۇرغان تۇتمۇشۇدۇ، بۇيۇك بىر اۈتۈمۈبىلە مەنمەيە حاضىرلاشۇردى. قوجاغىنىداكى شىيىن قىيىلدايدىغىنىنى گۇردۇم ۈ ايرەلى لەيىرك:

- اۈ نەدىر؟ - دئىئە سۇرۇشۇدۇم. - اولمايئا ايتە بىر شىنى اولۇب؟
نۇكر مە دىققەتلە باخدى:

- يۇخ - دندى - آلاھا چۇخ شۇكۇر كى، انلە بىر شىنى يۇخدۇر. بو گۇن بىر نىچە دفە اۈسكۇردۇ. خانىم يامان نارحات اولدۇ. ايندى حكىمە گۇستىرمەك اۈچۈن اۈنو حىيوان خستە خاناسىنا آپارۇرام.

بونو دئىيىپ اۈ، ايتى بىر ئىرە تۇخۇندۇرماق اۈچۈن ائىتتىياتلا اۈتۈمۈبىلە مەندى. ايرى ماشىن سۇرەتلە اۈرادان اۈزاقلاشۇدى. كئىچن گۇن من بو نۇكرى ئىنە ھەمىن بۇيۇك باغچاغا گىرەندە گۇردۇم. بو سفر اۈ، اينچە بورونۇلو، اۈزۈن آغ تۈكلۈ بىر ايتىن ايتىنى تۇتمۇشۇدۇ. ئانىندا دا قىيافت دە اۈزۈنە اۈخشايتان باشقا بىرىسى ۈاردى. ئىنە ماراقلاندىم:

- نە اولدۇ، ايتى دىشىدىرمىسىنىز، نەدىر؟ - دئىئە سۇرۇشۇدۇم.

اۈ ئىنە مە دىققەتلە باخدى. كئىچن لردە ايتىن احوالىنى سۇرۇشان آدام اولدۇغۇمو يقىن كى، خايطىرلايما بىلىمەدى. آما مەنى جاۋاب سىز بوراخمايدى:

- يۇخ جانىم، ھىچ انلە ايتى دىشىرلرمى؟ ايجرى دە اۈز داخماستىنداير. باخ، سسى دە گلير!..

بۇيۇك ائۇدەن بىر آز كئاردا، باغبانىن اۈتاغى حەمىندە پۇستە رنگلى، تامئاراقلى داخمادان

دوغرۇدان دا ايتىن كىيىك - كىيىك سسى گليردى.

- نه اولوب؟ - دندیم - سیزین ایت اوللر هنج هۆرمزدی.
- هنج - دئییه او جاواب وئردی. - ایندی قیزغینلیق دؤورودور. دیشی ایستهیر.
او یانینداکی ایتیه باخیب گۆلۆمسهدی.

- گۆزل ایتدیر. نه ائتمک اولار؟ حئیوان دا اولسا اۆزۆنۆ ساخلاپا بیلیمیر. چوخ شولوقلوق
ائدیر. خانیم افندی ایسه درحال بایتار حکیمین آردینجا ماشین گۆندهرتدی. آما دزدی دندیم
ایمیش، بیزیم ایتیه لایق اولان بیر شئی تاپماق او قدهر ده آسان اولمادی. خانیم افندی «یاخشى»
جینس اولمايان ایت لازیم دئیل. ایتیمیزین خاصیتینی خارابلاپار» دندی. من ده بۆتۆن آدلى-
سانلى آداملارین ائوتیه باش وورمالی اولدوم. اونا لایق اولانی تاپانا قدهر لاپ الدن دۆشدۆم.
او، ایپندن توتدوغو اوزون آغ تۆکلۆ، اینجه بورونلو ایتی یانیشنا چکه رک سۆزۆنه داوام ائتدی:
- بیر باخین، اونا نجه ده لایق، نجه ده یاخشى جینسلى حئیواندیر! دوروشو بئله
آغایانی دیر. بیزیم آغا، دوستمون آغاسى ایله بو مسله باره ده دانیشدی. اونلار بئله مۆناسیب
گۆردۆلر کی، بیر دفة من ایتیمیزی بونون یانیشنا آپارام، بیر دفة ده بونو بیزیم ایتین یانیشنا گتیرسینلر.
او بارماق لیقلى باغچا قابى سینی دیرسه یی ایله ایتله دی و یۆلدایشنا:
- گل گۆره ک بیر- بیرلرینی خوشلاپاچاق لارمی؟ - دندی.

نازلى بیر گلین کیمی ساچاقلى آغ ایتلر بیرلیکده ایچری گیردیلر.
آه، من حئیوانلاری چوخ سۆیزیم. بۆتۆن جانلى مخلوقاتى، حیاتى، گۆزللی، سعادتى سۆیزیم.
خوش بخت بیر ایت بئله قلبیمی سۆینچله دۆلدورور. من دۆنیایا قارانیق شئیلردن یازماق،
دانیشماق اۆچۆن گلمه میشم. اۆره ییم خوشا گلن، سۆیملى و سۆینچلى شئیلردن دانیشماق
آرزوسو ایله یانیش. جۆمله عالم بو ایت اۆچۆن یارادیلیمیش راحت لیغین اۇندا بیرینه قۇوشسا،
گۆرۆن، من بیر داها کدهرلى شئیلردن بحث ائده رمی؟



یادمانده‌هایی در باره فریدون ابراهیمی

(قهرمان ملی و آزادی آذربایجان و ایران،
سمبل و پیشگام مبارزین سیاسی که قهرمانان در
دوره‌ی سلطنت شوم محمدرضا جان خود را در
راه آزادی و حقوق خلق فدا کردند)

آستارا، شهر زیبا، با فرهنگی پیشرفته و اقتصادی شکوفا پس از سلطنت رضاخان رو به افول گذاشت. کشتی‌ها به هنگام عبور از برابر آن به علامت درود سوت می‌نواختند و به ندرت اتفاق می‌افتاد که برای تخلیه و بارگیری بار در بندر آستارا توقف کنند. در این موقع سوت ممتد همه‌ی اهالی را دعوت می‌کرد. گروه کثیری زن و مرد و بزرگ و کوچک به سوی کنار دریا سرازی می‌شدند. من هم که خردسال بودم و هنوز به مدرسه نمی‌رفتم به اتفاق برادر بزرگم برای تماشا رفتم. کشتی در فاصله‌ی دوری از ساحل لنگر انداخته بود. کرجی‌ها بارهای صادراتی را به کشتی می‌بردند و بارهای کشتی را تخلیه کرده به اسکله می‌آوردند.

خط آهن از محوطه‌ی داخل گمرک را تا به اسکله‌ی چوبی امتداد داشت. واگن‌های حمل بار به وسیله‌ی اسب کشیده می‌شد. مأمور کوتاه‌قد و چابک گمرک سوار بر اسب فاتحانه مانور می‌داد و نرسیده به اسکله‌ی چوبی با حرکت ماهرانه‌ای مال‌بند اسب را از واگن جدا می‌کرد و با یک جهش خود و اسب به کناری می‌پریدند و واگن‌ها به تدریج سرعت کم می‌کردند و به انتهای اسکله می‌رسیدند.

همزمان با پرش مأمور گمرک تماشاچی‌ها کف می‌زدند و هلهله می‌کردند و بچه‌ها ذوق‌زده فریاد می‌کردند و ادا و اطوار مأمور را تقلید می‌کردند.

نوجوان سفیدرو، متوسط‌القامه، خوش‌رُست دوربینی در دست داشت و مشاهداتش را خبر می‌داد و توجه همه را به خود جلب کرده بود. شاید این تنها دوربین در شهر بود. نمی‌دانم نگاه کنجکاوانه‌ی من چگونه بود که نوجوان به ما نزدیک شد و پرسید که می‌خواهی با دوربین تماشا کنی؟

من ملتسمانه به برادرم نگاه کردم و او اجازه داد. نوجوان دوربین را در برابر چشمانم قرار داد. کشتی خیلی بزرگ بود و در چند قدمی من دیده می‌شد. کارکنان کشتی را دیدم. فعالیت جرثقیل و کرجی‌بان‌ها را دیدم. دیدم که عده‌ای از جوانان آستارا شناکنان به طرف کشتی می‌رفتند... از همان روز، نام و سیمای مهربان این نوجوان، فریدون را به یاد دارم و همواره با سپاس و احترام عمیق به عنوان اولین کسی که دوربینی را به من آموخت به یاد می‌آورم.

xxx

ما کلاس اول ابتدایی بودیم و فریدون در کلاس نهم (سوم دبیرستان) از شاگردان ممتاز بود. هر گاه متوجه می‌شدیم که فریدون و چند تن از همشاگردی‌هایش در گوشه‌ای از حیاط دبیرستان چمباتمه زده و قطعه زمینی را محدود کرده و روی شن‌ها چیزی می‌نوشتند، به تماشا می‌ایستادیم. آنها با تکه چوبی و یا پاره‌سنگی در روی شن‌ها چیزهایی می‌نوشتند که بعدها فهمیدیم تمرین دیکته‌ی درس فرانسه و یا مسایل جبر و قضایای هندسه بود. چهقدر شورانگیز بود کار جدی آنها! آرزو می‌کردیم روزی برسد که ما نیز به تقلید از آنها دروس دبیرستان را در روی شن‌ها تمرین کنیم. تلاش برای پیشرفت در تحصیل و یادگیری، سنت دیرپای دبیرستان کهنسال حکیم نظامی آستارا بود. کسب امتیازات تحصیلی یک هدف مقدس شمرده می‌شد. چنان که از دوازده دوره‌ی فارغ‌التحصیلان دانشسرای تهران، تا آنجا که من می‌دانم، چهار دوره شاگرد اول و ممتاز جوانان آستارایی بودند.

فریدون‌ها سنت تلاش برای تحصیل را به ما انتقال دادند و به ویژه من تحت تأثیر برخورد مهربانانه‌ی او آموختم که تلاش برای آموختن و کسب علم هدفی است که باید برای نیل به آن کوشش کرد.

فریدون ابراهیمی برای ادامه‌ی تحصیل به بندر انزلی و تهران رفت و هر سال تابستان به آستارا می‌آمد. به ماهی‌گیری علاقه‌ای خاص داشت. به اتفاق چند تن از دوستانش برای شنا در دریا و ماهی‌گیری با قلاب در مصب رودخانه می‌پرداختند.

قلاب‌های ماهی‌گیری محلی دست‌ساز بود، ولی قلابی که فریدون از تهران آورده بود ساخت کارخانه، زیبا و تماشایی بود.

xxx

شهریور ۱۳۲۲ برای ادامه‌ی تحصیل به تهران رفتم. فیروز ابراهیمی دوست نه‌ساله‌ی تحصیلی‌ام هم به تهران آمد و بنا به سفارش فریدون ابراهیمی در دفتر وکالت شهیدزاده به کار مشغول شد. در همان دفتر اتاقی هم در اختیار داشت که در آنجا زندگی می‌کرد. فیروز دوستی مهربان و شوخ‌طبع بود. محل کار او در اول خیابان فردوسی نزدیک توپخانه (مرکز شهر) قرار داشت. ساختمان در طبقه دوم قرار داشت. از پله‌ها که بالا می‌رفتی دست راست دفتر وکالت شهیدزاده بود و دست چپ دفتر

روزنامه‌ی آذیر (روزنامه‌ی زنده‌یاد پیشه‌وری) قرار داشت. فیروز کلید دفتر آذیر را هم داشت و به کارهای دفتری آن هم می‌رسید.

ما گهگاه برای ملاقات فیروز می‌رفتیم. دو بار فریدون را ملاقات کردیم. با گشاده‌رویی و مهربانی با ما احوال‌پرسی کرد. عجله داشت. این روزها فریدون فعالیت گسترده‌ای داشت. از دانشکده‌ی حقوق سیاسی فارغ‌التحصیل شده بود. در روزنامه‌های آن زمان (مردم، آذیر، سیاست، رهبر، داریا و...) تفسیرهای سیاسی می‌نوشت. در یک روز در چند روزنامه مقالات او درج می‌شد. در کوچه‌ی شمالی توپخانه پشت شهرداری آن زمان، دو دهنه مغازه اختصاص به روزنامه‌ها داشت. روزنامه‌ها را به دیوار و یا تابلوهایی نصب می‌کردند که همه‌ی صفحات آن قابل خواندن بود. مراجعه به این محل مجانی بود. ما هر وقت آنجا می‌رفتیم پیش از همه مقالات «فریدون ابراهیمی» را می‌خواندیم. و از اینکه همشهری ما شهرت درخشانی به دست آورده، احساس غرور می‌کردیم.

تیرماه ۱۳۲۵ نخستین کنگره‌ی جوانان دموکرات آذربایجان در سالن دبیرستان فردوسی تبریز تشکیل یافت. من هم شرکت داشتم. ردیف اول صندلی‌ها به مهمانان اختصاص داشت و نمایندگان کنگره از ردیف دوم به بعد نشسته بودند. من در ردیف دوم بودم و صندلی جلوی من خالی بود. پس از رسمیت جلسه من اجازه‌ی صحبت خواستم و ضمن تبریک به کنگره نطق انتقادآمیز و احساساتی ایراد کردم که مورد استقبال پرشور نمایندگان قرار گرفت و وقتی به جای خودم برگشتم، فریدون ابراهیمی در صندلی مقابل من نشسته بود. بپا خاست و به طرف من برگشت، به گرمی دست داد. لبخند رضایت‌آمیز او و تشویق من و تصدیق سخنانم پاداش پرارزشی بود که از او دریافت کردم. من او را رهبری جوان، دانشمند، تیزبین و کاردانی می‌دانستم و سخنان تشویق‌آمیز او پاداش گران‌بهایی بود.

به ویژه احترام جوانان به فریدون ابراهیمی به مناسبت رساله‌ای بود که ایشان با استناد به اسناد و مدارک تاریخی درباره‌ی هویت قومی و ملی آذربایجان انتشار داده بود. این نخستین رساله در این زمینه بود و من شاهد بودم که بعضی از جوانان تمام مطالب آن را ازبر کرده بودند.

در بیستم آذر ماه ۱۳۲۵ که معدودی اوپاش شاهنشاهی در تبریز دست به غارت، کشتار زده بودند، من به اتفاق صبحی دانشجوی دانشگاه آذربایجان برای کسب اطلاع به طرف ساختمان کمیته‌ی مرکزی فرقه‌ی دموکرات آذربایجان رفتم. در بسته بود. گفتند که فریدون ابراهیمی با گروهی هم‌زمان مسلحانه از خود دفاع می‌کنند.

پس از ورود ارتش شاهنشاهی به تبریز فریدون ابراهیمی و یارانش بازداشت و محاکمه شدند!

در تهران از طریق فیروز ابراهیمی و هم‌زندانان فریدون ابراهیمی درباره‌ی رفتار قهرمانانه‌ی فریدون آگاهی می‌یافتیم. دفاع پرصلابت و مستدل او در دادگاه نظامی فرمایشی، رفتار و منش دلاورانه و رفیقانه‌ی او در زندان، افتخارآفرین بود.

محمدرضا شاه فاتح مستعمره‌ی آذربایجان برای فخرفروشی به تبریز می‌رفت. چون در نظر داشت فرمان عفو عمومی کذایی را صادر کند، برای اینکه فریدون ابراهیمی مشمول آن عفو نشود دستور داد که با عجله حکم اعدام او اجرا شود. پیش از آنکه به تقاضای تمیز او ترتیب اثر بدهند، روز جمعه اول خرداد ماه ۱۳۲۶ او را در مقابل باغ گلستان و در برابر مجسمه‌ی واژگون‌شده‌ی ستارخان، سردار ملی، به دار آویختند.

صحنه‌ی آخرین خداحافظی قهرمان با هم‌زمان خود در زندان حماسه‌ی تاریخی است. با لباس و سر و روی آراسته، گلی بر سینه، با لبخند مهربانانه، دست دوستان را فشرد. با گام‌های محکم، سری برافراشته به سوی چوبه‌ی دار رفت. با سخنان شجاعانه‌ی خود در پای چوبه‌ی دار عمق اعتقاد خود به منافع خلق و آزادی ملی، و درستی راهی را که طی کرده بود صحنه گذاشت و آخرین درس خود را به نسل آینده داد.

فریدون در اشعار شعرای ما، در کتاب‌های حماسی که درباره‌ی او نوشته‌اند، در بزرگداشت او که همه ساله جوانان بر سر مزارش برپا می‌کنند، برای همیشه در خاطره‌ی خلق ما زنده است و مرگ قهرمانانه سرمشقی است فراموش‌نشدنی.

فریدون ابراهیمی سمبل و پیشگام تمام قهرمانان مبارز ملی و آزادی‌خواه است که در دوره‌ی سلطنت محمدرضا به دار آویخته شدند و یا در برابر جوخه‌ی اعدام سرافرازانه قرار گرفتند. درود بی‌پایان به مبارزین سرافرازی که با فدا کردن جان خود در راه دفاع از حقوق ملی و آزادی خلق قهرمانانه شهید شدند.

بهزاد بهزادی

بابك*

«بابك فيلنامه سىنى نىن سون صحنه لرى»



كۆچۆرن: فریدون محمدی «آرچان»

ساميره شهرى. اوزون كۆچه، باش خىتابان.

اوزون كۆچه، ياخود باش خىتابان ايزديحام لا دولموشدو.

ۋ بو ايزديحام قارشى سىندا خليفه نىن آتلى قوشون لارى، كۆچه نىن ساغىندا ۋ سولوندا ايكي سىرا ئا دۆزۆلمۆشدۆلر ۋ هامى سى نىن ال لرىندە اوزون نيزه لر واردى ۋ بۆتۆن نيزه لرىن اوج لارىندا كيچىك قارا بايراق لار دالغالانىردى.

بىرىنچى اولاراق بو قوشون آراسىتىلا آفشىن-ىن بزه نىمىش آغ بىر آت اۆستۆندە گلدىنى كۆرۆندۆ، باشىندا قىيرمىزى ياقوت ۋ ياشىل زۆمروڧلرلە ناخىش لانمىش قىزىل بىر تاج واردى، بۆتۆندەن بىر- بىرى نىن اۆستۆندەن ايكي حمائىل آسىلمىشىدى، قولاق لارىندا ابرى سىرغالار، ائىنىندە اۆستۆ قىزىل تىل لرلە ايشلەنمىش گىشىمى وارىدى.

سۇنرا بو قوشون آراسىتىلا چۆخ بۇيۆك گۆدەلى بىر فىل اۆستۆندە بابكىن حرىكت ائتدىنى كۆرۆندۆ. فىلىن اۆستۆنە ياشىل ۋ قىيرمىزى قوماش دان چول سالىنىمىشىدى ۋ بۆتۆن گۆدەسى اىپىك پارچالارلا بزه نىمىشىدى ۋ فىل اۆستۆندە اۆتورموش بابك دە ايندى شاهانە بىر قىتافە دە ايدى، باشىندا

میرۆزاری و اینجی لوله ایشلەنمیش خز حاشیئەلی شیش بیر پاپاق، اینیندە ایسە زرلی - زیبائی بیر لیباس واریدی...

داها سونرا قوشون آراسیئلا ایرەلی لەدیکجە دینگیلدەن، تائی تیان، آتیلیب - دۆشن بیر دستە ایش - اویۆش آدام گۆرۆندۆ، بونلار هامیسی، بز قالاسی نئین حاصارلارینا دیرماشارکن، خۆرمی قیزلاری و گلین لری طرفیندن شیکست اندیلمیش فدائی لری ایدی کی، ایندی فیلین آرخاسینجا دۆشۆب ال چالیر، رقص اندیر و هامیسی بیر آغیزدان آواز ایله اوخودوقلاری شەعرین هر بندیندن سونرا باغیر ئیردیلا:

آی آذربایجان قاپلانی! ائی خۆراسان شەیتانی!
و قیرمیزی فیل، آرخاسینجا باغیریشانلارا مەحل قویمادان، آغیر - آغیر قارا بائراقلار آراسیئلا آددیم لایئیردی.

خليفة مؤتصمین سارایی

خليفة قۇجا کاتیبه فتح نامه دیکته اندیر، کاتیب یازیردی.

- یاز! فتح نامه. امیرالمؤمنین دن، کائیناتین بۆتۆن ایسلام حۆکمدارلارینا بیلین و آگاه اولون کی، بیز بیر اولان آللاھین کۆمەئی ایله شیمال ایقلىمى نین حۆکمدارینى، روم ایمپراتورونون خەلف لریندن، تانری دۆشمەنى بابک خۆرمەدینى مغلوبیتتە دۇچار ائەلەدیک، اسیر آلدیق و انەدام اوچۆن قۇلو باغلى حۆضوروموزا گتیردیک!

- نەجە دندین، یا امیرالمؤمنین! - دئتە کاتیب تەجۆبلە مؤتصیمە باخدی - روم ایمپراتورونون خەلف لریندن؟

مؤتصیم: دۆز ائشیتیمسن قۇجا - دندی - داها باشقا جۆر دۆنیا یا جار چکیب دئتە بیلەریک کی، ایییرمی ایل دن زینادە داوام ائەنە قانلى مۇحاریبەدن سونرا دۆن کی داغ چۆبانیشی، کاروان قاتیرچی سینی، چیلپاق لارین و دین سیزلرین باشچی سینی مغلوبیتتە اوغراتمیشیق. سونرا خلیفه «جئیران گۆز» پردەنى کنارا آتیب بۆیۆک سالوناً کەشچدی، اعیانلار درحال یتەر دۆشەنەب یتری اوپدۆلر.

خليفة مؤتصمین سارایی، بۆیۆک سالون.

سارائین ان زینتلی سالونوندا خلیفه مؤتصیم تاخت اۆستۆندە، بارداش قوروب اۆتورموشدو. ساغیندا آفشین، سولوندا خیلافین باش قاضی سی، قۇجا ابوداؤد آتاق اۆستۆندە دایانمیشدیلار. داها آشاغی دا بۆتۆن سارای آغلاری و اعیانلاری ساغدا و سولدا بیر - بیرى نین یانینا دۆزۆلمۆشدۆلر.

بابك ايسە سالۇنون اورتاسىندا، خەلىفە تاختىنىڭ ئۈستىدە بۆتۈن ئاداملارنى قارشى سىندا ئاتاق
اۋستە، تەك - تەنھا داۋاملىشىدى. قۇللارنى ئارخاسىدا باغلانمىشىدى، گۈزلىرى بېلىنمىز بىر نۇقتەگە
دېكىلىمىشىدى ۋە سانكى بۇ دېقە ئۈزۈ، ئۈز ئىچىرى سىندە قىرقلۇمىشۇ...

ھىچ كىس دىنىپ - دانىشمىردى، ھامى سۈكۈت ئىچىرى سىندە بابكە باخىردى. ۋە نەھىت،
گۈزلىرىنى بابكدن چىكمەن خەلىفە دىندى:

- ئاتى كەفەر! مەن ئىستەيمىز كى، سەن ئۈزۈن تەسدىق ئىدە سەن كى، دۈغرىدان دا بابك ئادلى
تەنرى دۈشمەن سەن!

بابك جاۋاب ۋەتەمدى. خەلىفە گۈزلىدى، سۈنرا دىندى:

- ئاتى شىتەن كۈلگەسى، ئىدە ئاللاھىن كۈلگەسى اولان، امىرالمۇمىن سەندە سۈز
سۈرۈشورا!

بابكدەن سەس چىخمايدى. خەلىفە گۈزلىدى، سۈنرا دىندى:

- سەن ئىلەيم، ئاتى ملەون! جاۋاب ۋەتەنە، بابك دىرمى سەن ئادىن؟

بابك دىنەمدى. خەلىفە گۈزلىدى ۋە ئاشىن داۋام كىرمەن كىر ئادەندى:

- ۋائى اولسون سەن، ئاتى بابك! ئىشەتمىز سەن كى، امىرالمۇمىن سەندە سۈز سۈرۈشورا!

بابك سانكى بۆتۈن ھىتەن ئىشكۈن ۋەتەرراق دىندى:

- مەن بابك ئىدىم، ۋە ئىشە بابكەم، ۋە بابك دە قالاچاق!

خەلىفە دىندى:

- ئاتى ئاللاھىن بىلەس، سەن بىر ئىش گۈردۈن كى، بۇ ۋەتەن قەدەر ھىچ كىس ئۇ ئىش گۈرە

بىلمەمىشىدى، ئىندى ئالە بىر ئىدە ۋەتەنە سەن كى، ئىندى قەدەر ئۇنا دۈزەك ھىچ كىسەن ئىندەن

گەلمەمىشىدى. ۋە بونۇلدا سەن دەشتلى داستانىنا سۈن قۇيۇلچاق!

بابك دىندى: ئاتى كۈر ئاپالاق، بۆتۈن مۆستىدىلەر كىمى سەن دە سەھ ئىدىرەن، چۈنكى مەن

داستانىم ئالە بىر داستان دىر كى، نە بابكە باشلانمىشىدىر، نە دە بابكە قورتارچاق.

سۈنرا بابك ئىشە دىندى:

- ئاتى ئازىقلار، سەز ھىچ ۋەتەن دىر ئىشەنچ سەن كى، ئازادلىق ئاتى سەن نە

دەنكە دىر. ئۇ دەشتلى ئاتى كى، ئۆرەننى ئاندىرەن كۈلە دۈندەرىر. «ئازادلىق» ئىستەن ئۇ شىرەن

اولسون، ئىستەن ئاجى - ئالەن ئۇ ئىدى مەن سەھ گەھىم! ۋە بۇ مۆستىد كى، مەن ئۇلدۇرۇر، ئۇ دا

ھىچ ۋەتەن ئالمايچاق كى، ئۇلۇمۇ ئىلە ئازادلىق فەتەن سە بۆسۈتۈن مەن ئۇلۇم.

خەلىفە شىچرا ئىشە ئاتىغا قالغىدى ۋە باغىردى:

- ائى جاماعات، نەتى گۈزلەيتىرسىنىز؟ دېدىن اۋنون ايتىندەكى بو زر- زىيانى ۋ قوۋى بو
بالدىرى چىلىپاق يىشنە اۋز جىر- جىرىندا قالسىن! ۋ بۆتۆن سارائى اعىنان لارئ يىثرلرىندن قۇبۇب
ھامىسئ بىردن بابكىن اۆستۆنە ھۆجوم ائتدىلر...

سۆنرا بو آدمالار بابكین اۆستۆندەكى بۆتۆن زىلى-زىيانلىق لىياس آرتىق جىرئىلىب-دېدىلىپ
 آياقلاىرى ئالتىنا تۆكۈلمۈشۈپ، باشى آچىق قالمىشىدۇ ۋە ئېنىندەكى ئۆز كۆيىنى دە دېدىك-دېدىك
 ئاندىلمىشىدۇ...

خليفة الينى- الينه ووردو و درحال سؤل طرفده كى «جئيران كؤز» پرده سيئربلدى و بو پرده آرخاسئندان قئيرمئزى پالتارلى جلالدينه قئيلئنج، بابكه دؤغرو گلدى.

خليفة اليني قالديردي و دئدي:

- دایانا! بیر جلااد آزدیر اونون اوچون. و اونون کی، اؤز جلاادی بوردا اسیرلر اچینده دیر؛ الینه قیلینج وثرین، او دا ایچری گل سین.

قاپی آغزیندا دایانمیش حاجیب دۆنۆب گمتمدی و بیر آزدان الینه قیلینچ و ثریلمیش ایکینجی جیلاد ایچری گلدی. سونرا جیلادلاردان بیرى بابکین ساغیتندا، دیگرى سولوندا دایاندی.

و خليفه تاختيشندان دوشوب بابکين قارشى سينا گلدی و هر ايکى جلادا تعليمات و ثمره نيه باشلا تاراق دندى:

- بىرىنچى سەن - ساغ الەن، بىر ئاز بىلەينىدىن ئوخايدان! ئىككىنچى سەن - سۆل قۇلۇن، بىر ئاز دىرسەينىدىن ئاشاغىدان! سۆنرا ئىنە سەن - ساغ ئاغاغىن، تۇپۇغۇندەن بىر قارىش ئوخايدان! ۋە دۇبارە سەن سۆل ئاغاغىن، دىزىندەن بىر قارىش ئاشاغىدان! ۋە ئىنە سەن كافىر دىلەن! سۆنرا ئىنە سەن - بوردەن، سۆلدەككى ۋە ئاشاغىدەككى ئىككى قۇيرىغا ئالتىندەن قىلىنچى بوردە - بورجودا ئوخايدان! دۇغۇرۇ ئالە ئىترىتمەلى سەن كى، قىلىنچىن ئوجۇ دۇز ئۆزەينىدە ئوئىناسىن! ۋە نەھەت سەن - قارشىمدا ئىلەمەن بۇ جۇرەتكار باشىن!

خليفة بير آن سوسدو، فيكره گشتدی، سونرا اوز جلالدين دئدی:

- انسى كيشى، يادىندا دىرمى، ابوئور يانى قتل ائدەندە، او خېيىت نە جوړ فریاد ائەلەدى؟

جلال: ھىچ ئاڧىمدان چىخارمى، يا اميرالمؤمنين، چۈنكى او ملعونون باغىرتى سىندان بىر ايل قولاق لارىم كار اولدو و گىنجە جمعى شھرەدە ئوخودان او ئانامىش بىر نفر مۆسلمان قالمامىشدۇ.

خليفة: بس ائله ايسه، منه يئنه ابوئورئا فرئادئ لازم دئر.

جلاد: و اینشالا، سن یتنه ابو ثوریا فریادی ائشیده جکسن، یا امیر المؤمنین!

جللادلار، بابکین ساغ و سول قولوندان تاپیشدیلار، بابک چینی ایل هر ایک سینی کنار آتدی و اوزو کچدی، «جشیران گوز» پرده آرخاسیندا یثره سریمیش ائعدام خالچاسی اوستونده دایاندی. جللادلار بابکین آرخاسینجا گشتدیلر و «جشیران گوز» پرده قاپاندی...

ایندی پرده نین هر ایک طرفینده ائله بیر سس سیزلیک واریدی کی، هامی سالوندا وورنوخان یاشیل بیر میلجه نین ویزیلتی سینی انشیدیدی و بو یتک نسق ویزیلتی دان خلیفه قشیر-ی ایختیارئ اولاراق دال بادال اسنهدی و نهایت موزگولمه یه باشلادی...

بیردن پرده سانکی دیکسیندی، ایپک پارچا اوستوندن خفیف بیر تیره یش کچدی و آشاغی دا پرده نین آغ ساچاقلی اتکلری، توند قشیرمیزی یا بوتاندی.

و ایندی خلیفه دن ساولئی ایسه یانیردی و آغ ساچاقلار زیللنمیشدی و قارا- قشیرمیزی خالار ساغا و سولا یاییلاراق، پرده اته یینی ناخیش لاییردی...

آقشین گوزلری ایسه یانیردی و آغ ساچاقلار قشیرمیزی یا بوتاندیقجا، اسن دوداقلاری ایختیارسیز اولاراق پشچیلدا ییردی:

- لاچینیم، ایییدیم و قارداشیم... سن گندیرسن، من تک قالیرام... ال اوزاتدیم سنه، قبول ائله مده دین، امان آلدیم خلیفه دن سنه، رد ائله دین. نه اوزون اوزون اوزونده گیزلمه دین؟

و قان قوخوسوندان مست اولان یاشیل میلچک، هاوادا چیرینیب خلیفه نین آلتینا قوندو. خلیفه دیکسیندی، موزگودن اوتاندی، میلجه یی قوودو و اوزون پرده یه طرف توتوب اوجا بیر سسله:

- نه اولدو، ائی جهنم زیانه لری، باشلامادینیز؟

درحال هر ایک جللاد لرینده قشیرمیزی قیلینچ لار، پرده قارشئینا چیخدیلار، خلیفه یه باش اییدیلر و بیرنجی جللاد دندی:

- قورتاردیق، یا امیرالمومنین و آلاه سنین عومرونوز اوزون ائله سین!

خلیفه آیاغا سیچرادی:

- اولایلمز، من چیین ویزیلتی سی انشیتدیم، ابوئوریا فریادی انشیتمه دیم.

هر ایک جللاد باش لارینی آشاغی سالدیلار و خلیفه نین جللادی دندی:

- باشیمیز آشاغی، اوزوموز قارادیر، یا امیرالمومنین، چونکی کافیر بند- بند دوغراندی، آمما

کیپ قاپانمیش دوداقلاریندان نه جو چیخدی، نه انین...

موتعصیم باغیردی:

- اینانمیرام، ائی حاجیب پرده نی قالدیر!

.....

یشر آلتی زیندان. گنجه

دېۋارداكى تاخچادا، چۇخ يۇخارىدا قارا چىراق تۇستۇلەيىردى.

ساقچى- ساقچى بىر- بىرىنە قارىشىش، اۋوردلارنى بانمىش، گۈزلىرى چۇخورا دۇشمۇش
آفشىن بىردن دىكىسىندى ۋ اوزاتدىغى كۆلش اۋستۇندن دىك آتىلدى ۋ دلى بىر ايفادە آلمىش
گۈزلىرى، زىندانىن كىلە دىۋارىنا زىللندى...

اۋردا ئىشە بابكىن خىتالى ظاهىر اولمۇش...

ۋ آفشىن اۋردا دىزىن- دىزىن او خىتالا دۇغرو سۇرۇنمەيە باشلادى ۋ قارا قىزدىرماي

توتولمۇش كىمى گاه ئىچىلدى، گاه سىنى اوجالتى:

- ئىشە گلدىن ۋ ھەر گىجە گلدىن ۋ بىر نىكە چۆرەك گىرەمىس ۋ بىلىرسىن كى، بۇتۇن
گۈنۈمۈن جىرەسى بىر قىزىق چاد اپەنى دىر ۋ گۈرۈرسىن كى، او الجەنن دە ھەر گۈن بىر آز
قىزىغاندىن كىرەر ۋ ھەر گۈن مەنمىم آلقاق ئالۋارمىش لارمىم آرتىر ۋ ھەر گىجە اۋز نالەمدن اۋز
قۇلاق لارمىم باتىر ۋ جۇجۇرل رحىمە گىلب مەننى ضىيافىتە چاغىتىر، آما جىلادىم بو جۇجۇ
ضىيافىتى دە مەن چۇخ گۈرۈر ۋ ھەر آخشام، ھەر سحر اليندە يۇلۇق بىر سۇپۇرگە گلر ۋ قارىقۇلار
يان- يۈرەمە قايناشاندا او روزىمى قايتىپ الەمدن آلىر ۋ ايان كى، مەن دلى اولمامىشام ۋ بىلىرم، سەن
دە يۇخ اولمامىسان ۋ او زامان كى، سەن اۋلۇم باتاقلىغىنا قەد قۇندون، دىرىلمىش آياق لارمىن،
آلتىندىن قالىشىپ خۇشوروندا دورو ۋ سەن كى، روھون، جىسمىن اوغروندا آلىش- وئرىش
ائىمەدى ۋ مەنمىم كى، روھون اۋزۇنۇ مۇزائىدە قۇيۇمۇشور كى، جىسمىمى خىلاص ائەلسەن ۋ مەن
كى، گىجەلى- گۈندۈزلۈ بو بارەدە چۇخ دۇشۇنمۇش نەھەت، بو گىجە ائەلەن ائىدىپ بىلدىرىم كى،
مەن شىرە اوخشايتىردىم، آما شىر دىشىلدىم. مەن چۇخ قەلبە چالدىم، آما قەرمان دىشىلدىم، مەن
بۇيۇك عۆصىيان حاضىرلادىم، آما عۆصىيانكار دىشىلدىم ۋ ائىدى، ائى بۇيۇك كۆلگە، مەن كى،
اۋلەك ائىستەمىرم، آما چۇخدان اۋلۇمۇش، نىيە گىلمىس ۋ نە ائىستەمىرسىن كى، مەن آرتىق اۋزۇم
ايشەنمىش اۋز اۋلۇمۇمدن...

ۋ آفشىننى باشى زىندانىن داش دىۋارىنا دىدى، آفشىن دىرەن دىن ائىچىنى چكىدى، باشىنى
گىرى آتدى، ايرى گۈزلىرى بىر آن گىنىش آچىلدى، يۇخارىدا تاخچاداكى قارا چىراق قىزمىزى بىر
تۇستۇ ائىچىندە بۇغۇلدو ۋ سۇنرا آفشىن آرخاسى اۋستە ئىشە سىرلىرىكن، سۇن شۇغوروندىن سۇن
صەنەلەر سۆزدۇ:

بابك قىزمىزى چوللو بىر فىل اۋستۇندە، قارا بايراق لار آراسىنىلا يۇل گىدىردى...

هایکو

باشونون هایکولاری

حسن ایلدیریم



هایکو، ژاپون ادبیئاتیندا، ان کیچیک حجملی، قیسا و یتیفجام شعر نوؤلریندن بیریدیر. بو شعر اۆچ میصرع دان عیبارتدیر: بیرینجی میصرع ۵ هنجالی، ایکینجی میصرع ۷ و اۆچونجو میصرع ۵ هنجادا عیبارتدیر. هایکو میصرع لار قافیته لنمیر؛ آنجاق سؤزلرین آراسیندا اولان بدیعی اوتارلیق و سس لنمه لردن دوغان آهنگدارلیق، شعرین موسیقی سینی یارادیر*.

۱۶-نجی عصر دن ائعتبارن هایکو شعر نوؤ؛ «تانقا» آدلانان و (۷-۷-۵-۷-۵) هنجا بۆلگۆلۆ، ۵ میصرالی، ۳۱ هنجالی شعر نوؤؤندن تۆرنیب. باشقا سۆزله «تانقا» شعر نوؤؤنون «۵-۷-۵» بۆلمه سی، اۆزۆ- اۆزۆلۆنۆنده اوندان آیریلیب و اینکشاف اندیب و ژاپون ادبیئاتینین ان دوغما و ایشلک و شعر بیچیم لریندن اولویدور.

۱۹۰۵-نجی ایلده ایلک دفه اولاراق هایکو فرانسئیز جاپا چئویریلیب دیر. سؤنرالار آلمان، اینگیلیس، ایسپانیئا، روس، فارس و باشقا خالقلارین دیل لرینه ترجۆمه اولونویدور. ایزراپاند مشهور آمریکا شاعیری هایکونون بدیعی خصوصیت لریندن، ایماژیست (تصویرچیلیک) شعر مکتبینی قورماقد، چوخ فایده لاندیر. هایکو دۆنیا دیل لرینده، چوخ ترجۆمه اولونان و اوخوجولارین، شاعیرلرین ماراغینئ قازانان بیر شعر بیچیمی اولولار. ایندی اینگیلیس، فرانس، تۆرک خالقلارین دیل لرینده ده هایکو سائاغئ بیر چوخ شعر یازیلیر*.

* - عزیز میر احمداؤن، ادبیئات شؤناسلیق اینسیکلوپئدیک لؤغت. باکی، ۱۹۹۸.

* - متینعت میرصادقی (ذوقلدر)، واژنامه هنر شاعری، کتاب مهنار، ۱۳۷۳، تهران.

هایکو بدیعی قورولوش انعتیباریله، دئمک اولار کی، ایکی حیصه‌دن عیبارتدیر: بیرینجی میصرع‌دا (بیرینجی حیصه‌ده) نه‌یه‌سه، هانسئ بیر وضعیته‌سه ایشاره اولونور؛ ایکنجی و اوچونجو میصرع‌لار (ایکنجی حیصه) آردیجیل اولاراق ایشاره اولونان وضعیته اوئغون اولان احوال-روحیته‌نی جانلاندیریر، منظره‌نی جیزیر بو ایکی پارچا آراسیندا چوخ گوجلؤ بیر اوئوشما، سس‌لشمه، چاغیریشما وار. و بو قارشئ لئق‌لئق دئمک اولار کی هایکونون تام‌لئغئ‌نئ تأمین اندیر. باشقا سؤزله، بو سس‌لشمه، چاغیریشما نه قدهر مؤحکم و طبیعی دیرسه، گوجلؤدؤر. ان گؤزل و کامل هایکودا هنج بیر سؤز، ایشاره آرتئق دئئیل. سؤزلری آرتئیرماق و اسکیلمک اولماز هایکونون قورولوشو، تۆخونوشو بئله بیر سجه‌یه داشئئیر.

بوئۆک شاعیر احمد شاملو دئمیشکن، هایکو شعرئ‌نین ان باشلى‌جا خصوصئیتئ، اونداکئ، ساده‌لیک‌دیر. هایکو شاعیرئ، کنچیردییئ حیس و هنجانلارئئ، ئالئن و ساده اولاراق، هنج بیر بزک-دۆزک‌دن یارارلانمادان ایفاده ائتمه‌یه چالئئیر. هایکودا دیلین، بدیعی ایفاده‌لر واسطه‌لرئ‌نین ئاخود سؤز اوئونلارئئ‌نین رؤلؤ اولدوقجا آزدیر.* هایکودا ائئالار، طبیعت عۆنصۆرلری، اولدوغو کیمئ، شاعیرین اوچونجو گؤزؤ ايله گۆردۆئۆ کیمئ میصراعلاردا جالانئیر جیلوه‌لئر، گۆرۆملۆ اولور.

هایکو ساده‌جه بیر شعر بیجیمئ، بیر درک ائتمه واسطه‌سئ، بیر یۆزوم ایفاده‌سئ دئئیل، بلکه او بیر نۆز گۆرمه بیجیمئ دیر. بیرجه «آن‌ئ،» «آن‌لار ایچئندن،» حادئهلر سئیراسئئندان سئچئب، اونون ماهئیتئنه وارئب، ایچ عالمئنه نۆفوذ ائده‌رک بیر باخئئش لا او «آن‌ئ قالئجئ‌ئندئر،» ابدئ‌لشدئریر. بو ائشده، عئلئ، فلسفئ اۆصوللاردان ایستئفاده اندئر، او تصوئر و ترئۆم اۆصولوندان فائدالانمئر، حادئهنئ روائت ائتمئر، سؤئله‌مئر بلکه اونو بیر باشا گۆستئریر. هایکو شاعیرئ‌نین ایچئندن، معنۆی دۆنئاسئ‌ئنئ ان درین قاتلارئئندان ساچان دورولما، آئیدئئلانما، احوال روحئیه‌سئنی اصلئنده اولدوغو کیمئ باشقالارئنا چاتدئرماق ایسته‌ئر.

هایکو شاعیرئ‌نین قئیدا منبئ «ذئن» ZEN آئینئ دیر. هایکو «ذئن» مکتبئندن سو ایچئر. بو شعر نۆوعۆ ايله، اوزاق شرق خالقلارئئ، ابناندئغئ و اونونلا تربئته‌لندئئ ذئن آئینئ آدلانان بیر دۆنئا گۆرۆشۆ، دۆنئا دویومونون آراسئئندا سئخ باغلئ‌لئق وار. هایکونو زئن‌سئز تصوۆر ائتمک مۆمکۆن دئئیل.

«بودا» آئینئ «آئیدئئلانما» «باخئئش» اۆصوللارئئ منئمسه‌ئیب وائولارئ چئین «دا-او» (dao) (یۆل) فلسفه‌سئ‌نین عملئ تجرۆبه‌سئنده یوغروب بئشئیرب و ئئنئ بیر دۆشۆنجه، داوارائئئش، قاورائئئش طرزئ کیمئ «چئن‌لئ»‌نین جانئئندان سۆزۆلۆب ساچان بیر ائشئق‌دئر چئین

* - احمد شاملو. ع. پلئائئ هایکو شعر زائبنئ انتشارات چشمه ۱۳۷۶ تهرآن

یولو ایله بو گوروش ژاپونا یول تاپیب و ژاپون خالقین حیاتیندا ان موهوم رول اوینامیش و او خالقین اینانجینا چئویریلیمشدیر. هر شئی اولدوغو کیمی گورمک، طبیعتله، اینسان آراسینداکی اولان عشتی لینی دوئماق، سنچمک، اوچونجو گوزله، دوتیایا، حادیهلره، طبیعت، اینسان معنویتاتینا باخماق، اونلارین آراسیندا اولان یاخین لیغی، ماهیتلرینده کی عشتی لینی دوئماق؛ و بئلهجه، بو حیسلرله حیات سؤرمک، یاراتماق دئمک دیر. هایکو ایسه «ذئن» آیینین گوزلریمیز قارشیندا یارانان منظره سی، اونون ماددی تجسؤمودور.*

ژاپونلو شاعیر اوچون هر بیر شئی ایلهام منبعی دیر. خووصوصی ایله طبیعت، ژاپون طبیعتینه خاص اولان نه وارسا، هایکودا اؤز جیلوه سیننی تاپمیشدیر. هایکولاردا ترنؤم اولان مؤوضولار ایسه ژاپون خالقین داها چؤخ مارقا لاندیغی مؤوضولاردیر: اینسان و طبیعت گوزهللیی، قوشلار، آغاجلار، چیچکلر، فصللر، کؤلکلر و... بونلار اوئغون احوال- روحیهلر، منظره لر، دویغو- دوشونجهلر، هایکودا ییغجام و توتارلی شکیلده گوزلریمیز اونونده جانلانیر و روحوموزدا یشنی بیر عالم اوتادیر و اؤزایا ایشیق ساچیر.

ماتسو باشو (Matsuo Basho) - (۱۶۹۴-۱۶۴۶)

ماتسو باشو، اورتا عصرلر ژاپون شعرینین ان بؤیوک نوامینده لریندن بیریدیر. باشو هایکو شعر نووعونده چؤخلو اثرلر یازمیش دیر. عشتی حالدا او بو شعر نووعونو اؤز یارادیجیلیغی ایله ان یوکسک مرتبه لره چاتدیرمیش دیر. باشو. هایکونو ساده سؤز اؤتونوندان، تکرار مؤوضولاردان، دایازلایق دان و... آزاد اتمیش و اونا یشنی بیر آب و هوا گتیرمیش دیر. باشو. هایکو صنعتینده بؤیوک بیر اینقیلاب یاراتمیش و اونون تأثیر دایره سیننی داها دا گئنیشلندیرمیش دیر. باشونون هایکولاری، ایستهر مضمون گوزهللیی، ایستهر ایفاده طرزی، ایستهرسه ده ساده لینی ایله تکجه ژاپون ادبیاتیندا دئییل، ائلهجه ده دوتیا ادبیاتیندا بؤیوک مارقا دؤغورموشدور. ایندی دوتیادا هایکونو باشونون آدی ایله تانیییلرلار، البته بو او دئمک دئییل کی، باشودان قاباق یاخود سؤنرا یاخشئی هایکو یازان شاعیر اولما یثیب، اولوب، (او جؤمله دن بوسون، ایسا و...)، آنجاق باشو ذیره سی هله ده اؤز اوجالیغی ایله سنچیلیمکده دیر. اونون هایکولاری دوتیانین بیر چؤخ دیلیرنه چئویریلرک او بؤیوک بیر شاعیر کیمی دوتیایا دا مشهور اتمیشدیر.

باشونون حیاتئی ساده لیکده، سفرده، یوخسول لوقدا کئچمیشدیر. او سفرنامه لرینین بیرینده یازیر: «آیلا، گؤنش دوتیانین ابدی موفیرلری دیرلر. فصللر ده ائلهجه، بیرسیرینی عوض ائدیرلر.

بیر چوخ آدم‌لار دا واردیر کی اونلار دا عومور بوئو سفرده اولوبلار، ایستهر قایئیق‌دا، ایستهر آت بئلینده، اونلار اوچون سفر گونده‌لیک ایش‌دیر.

بیلمیرم هاچانسا، اوز ایچیمده بیر حیس باش قالدیردئ. گوجلو بیر آواره‌لیک احوال-روحیه‌سی یاراندئ منده. او دورکی، من ده اوز طالعیمی یئل‌لرین قانادیندا اوچان یالقیز بیر بولودون طالعینه باغلادیم.

بیر موددت دیز کناریندا، سونرا چای قیراغیندا، یاشاردیم. او حیس منی هارالارا کی سورکله‌مه‌دی... بو دفه یارالاریمی ساریدیم، حصیر بۆرکۆمۆ، خییتران ال آغاجیمی گۆتۆردۆم. شیمالا ساری یولا دۆشدۆم، ماتسوزلادا دوغان و منی قارشلاماغا تله‌سن آئی ایشیغی اۆره‌ییمی بۆرۆمۆشدۆ...*

باش، طبیعت وورغونو، طبیعت عاشیقی ایدی. عومور بوئو داغلاری، چوللری دولاشان، بیتکی‌لرین، داش‌لارین، قوش‌لارین، آغاج‌لارین عطیرلرین، بۆجۆکلرین، یئل‌لرین دیلین بیلن شاعیر ایدی... او بو سفرلرده اوز اۆره‌یی ایله باش-باشا قاتیر، دۆشۆنجه‌لره دالیر، حیاتیئن ان درین قات‌لاریندان، وارثیغین آچیلماز سییرلریندن سوراق توتان بیر شاعیره چۆیریلیر. بو درین دۆشۆنجه‌لرین، حیات تجرۆبه‌لرین، دۆنیا گۆرۆشۆنۆن، ایشیغیندا، دۆنیایا یئنی نظر سالتیر. شئی‌لرین، دویغولارین، حادیه‌لرین ایچیندن یئنی-یئنی بدیی تاپشتی‌لار تاپیر و هایکۆلار یارادیر: باشونون دۆنیاچا مشهور اولان هایکۆلاریندان بیر نجه‌سی اوز آنا دیلیمیزده اوخوتاق. بیر یول یوخ، دۆنه-دۆنه اوخوتاق و اونلارین ایشیغیندا دۆنیایا یئنی نظر سالاق:

باشو دئییر: «هایکۆ قوشماق اوچون اوشاق اولمالی» «منه ائله گلیر کی هایکۆ اوخویوب، اونو آنلاماق اوچون بۆتون حیس‌کردن دۆشۆنجه‌لردن سوینمالی، جانیئیزین جانی ایله یئنی دن گۆرملی‌ئیک دۆنیائی!»

تارلانئىن اۆستۆندە
اوخوتور تۇراغانئى
هېچنەدن آسىلمادان

داغ باشىندا آئى
ياماجدا دومان
تۆستۆلەيىر دۆزلر

ناقوس سوسوب
آنجاق آخشام اۆستۆ چىچكلرين عطرىندە
يىشنە دە سىلىنر ناقوس

قوققو قوشو
اوخوتور، اوچور، اوخوتور
آخ گۆر نىجە دولقون ياشايئىر او

سۆسرىنىن قورو قابىغىئى--
يازىق جانئىنى سىسىندە ارىدىب
اوخوتئا- اوخوتئا سىيرىلىپ چىخىئىپ قايىقدان

پايئىز آخشامى
يالقئىز بىر قارقا
قۇنوب قورو، چىلپاق بوداغا

سوكوت..

جىر- جىراملارئين جىيرىلتىئى
هۆپور داشلارا

آينانئىن آرخاسىندا
اينسانلارئين گۆرە بىلمەدىئى، باھار
چىچكلنن بىر ارىك آغاجئى

باھار ويداع لاشىر
قوشلار آغلايشىر
بالئىق لارئين گۆزۆ ياشارئىر

شىمشىك
قارانئىغئى، شىغئىشئىپ كىچىر
گىجەدە دورنانئىن باغئىرتىئى سئى تىك

اسكى بىر گۆل، آه.-
قورباغا شىچر آماسئى
سو شاپىشلتىئى سئى.

باشئىنى يىترە دىكىب. ياتئىر سۆيۆد
بوداغىندا كئى بۆلبۆل
قلىبى دىر اونون

قىشئىن خلوتىندە.-
قىزئىلى پىردە اۆزەرىندە كئى
شام آغاجئى قۇجائىر

آنامدان قالما بىر دىستە آغ ساچ
الىمە آلسام ارىتەجىك ايسىتى گۆز ياشلارئىمدان
پايئىزئىن قىيروۆو ارئىن كىمى.

محمد خلیلی

باخیش

آی باخار

رنگ توتار آلما

سن باخاندا

یتیش.

باخ! اوره یتیم یتیشین

داش دوشوم آلو ولاششین.

سس

سس گلیر:

بلکه بیر قوش

قارانلیق لاردا

اوچور؟

بلکه ده:

بیر اولدوز

شاختالاردا

اوخوئور؟

سس گلیر...

آغاج لار

آغاج لار

ال-اله وئریب هارا گئدیرلر؟

یوخسا سوسوز قالیب چای

آختاریرلار؟

ساج لاری آلیشمیش

دوشلری یانمیش

یالقیز دره لرده

هارای چکیرلر.



محمدعلی نھاوندی (موغان)

گۈزەللىك سۆز

ان گۈزەللىك سۆزلىرى

باغلى دىلېمىن

اوجوندا اكىمىش

آچىلسا بىر گۈن!

اۈنچە

دائىشاجاق نەلر چكىمىشم؟!

ھىروشىما

باشىندان كىچىدىنى سىئودالارنى

نەئىلەدى ئىش، بىر آن

ھىروشىمادا؟!

اۈنلار، ھاردا دۇندۇ قىغىلجىم لارا

آتىلىپ، ئايىلىدى طبعلر آرا

مىندە - سىندە - اۈندا،

اىستر - اىستەمز

بىلدىن مى؟

«پاز»، اۈنلا انىلەدى انىجاز!

آلدىن مى؟

نەئىلەدى «پاپلۇ نىرودا»

... بىر قۇرۇ، «ناظىم» دە

بىرى، «نىما» دا!

روحوم

روحوم!

من گۈزەللىك يۈمۈب باش اۈتىناداندا

دۇرۇقۇما، شۇرق اىلە جاۋاب وئىرەندە

سەن نىئە اوچوردون،

پىردەلر اۈستە؟

نەلر آرا ئىشردىن

مىندن و اۈندان



رحیم بقال اصغری

رحیم بقال اصغری

کاریکاتوریستی

با

روح شاعرانه

ح. ریاضی

رحیم بقال اصغری از کاریکاتوریست های بنام سرزمینمان و یکی از سیماهای دوست داشتنی و صاحب سبک عرصه هنر کاریکاتور است. او با تلاش پیگیر و عاشقانه سعی کرده هنر کاریکاتور را به جایگاه شایسته اش بنشانند و در مبارزه با پلیدی ها و پلشتی های اجتماعی و سیاسی آنرا بمنابّه حربۀ نیرومندی به کار گیرد. کاریکا تورهای او تفکر بر انگیز و آگاهاننده است. آثار آوازخوشمزمگی ها و لودگی ها به دور است. این آثار که از اعماق روحی درد کشیده می تراود، صورتی تراژیک دارند. از یک سو تو را با فاجعه ای آشنا می کنند و از سوی دیگر خنده تلخ از جانست برمی انگیزند. ساخت آثار او ساختی شعر گونه و نمایشی دارند، و این دو ویژگی بیننده آثار او را در چنبره تأثیر خویش می گیرند و رها نمی سازند. این از ویژگیهای هنر اصیل و مردمی است.

رحیم بقال اصغری در ۱۳۵۳ در شهر تبریز متولد شده و تحصیلات عالی را در رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی ادامه داده و در مناصبی همچون: مسئول سازمان فکر در ایران، رئیس انجمن کاریکاتوریستهای تبریز، سردبیر نشریه کاریکاتور، مدیر آموزشگاه کاریکاتور آرسوی انجام وظیفه کرده و بعنوان دبیر نمایشگاه بین المللی کاریکاتور (پیشگیری اعتیاد)، تبریز و دبیر نمایشگاه بین المللی کاریکاتور (عبید زاکانی) در برپائی این نمایشگاه ها فوق، زحمات زیادی را متحمل شده است.

آقای اصغری علاوه بر وظایف فوق کار بسیار سنگین و پر مسئولیت آموزش را نیز دنبال کرده و در اداره ارشاد اسلامی، انجمن کاریکاتوریستهای تبریز، آموزشگاه آرسوی، حوزه هنری دانشکده فنی دانشگاه تبریز، دانشگاه غیر انتفاعی نبی اکرم، مجله جوالدوز، کانون کاکتوس، کانون فلق، بنیاد جانبازان، مدیریت فرهنگی دانشگاه تبریز، دانشکده علوم پزشکی، تدریس کرده اند.

ایشان به دلیل داشتن صلاحیت علمی و اخلاقی زیانزد هنرجویان و هنرمندان هستند به همین دلیل ۲۰ مسابقه استانی، دو مسابقه کشوری، مسابقه منطقه ای، دو مسابقه جهانی کاریکاتور را داوری کرده اند.

رحیم بقال اصغری در گفتگو با خبرنگار هنرهای تجسمی ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران) با تأکید بر اینکه: «هنر کاریکاتور زبان جهانی دارد و باید به دور از ایرانی یا غربی بودن آن، ظرفیت

استفاده از این هنر را بالا برد. وی همچنین درباره تاریخچه و جایگاه کاریکاتور در ایران و تبریز می گوید: «این هنر را با توجه به نظریات صاحبان نظر کاریکاتور، می توان هنر هشتم تلقی کرد، که در قرن ۱۶ توسط یک روزنامه نگار فرانسوی که از نقاشی های اغراق آمیز و موضوع دار در روزنامه خود بهره می برد، رایج شد.

ایشان تأکید می کنند که: «خاستگاه کاریکاتور در ایران به نظر می رسد شهر تبریز باشد که از طریق قفقاز و روسیه دز این شهر رواج یافته است. کما این که نخستین روزنامه ای که به طور رسمی از این هنر بهره جست، روزنامه ملا نصرالدین در سال ۱۹۰۶ بود.

و در این گفتگو تصریح می کند که: «رابطه مردم با کاریکاتور در این شرایط گسسته شده و روندی که کاریکاتور از ابتدا تاکنون پیموده در کشور ما مسخ شده است، لذا این زمینه چندان مساعد نیست، انتظارات مردم از کاریکاتور به دلیل وجود ویژه گی های نهفته در آن مانند جسارت، کوبندگی و صراحت، از سوی هنرمندان باید پاسخ داده شود.^۱»

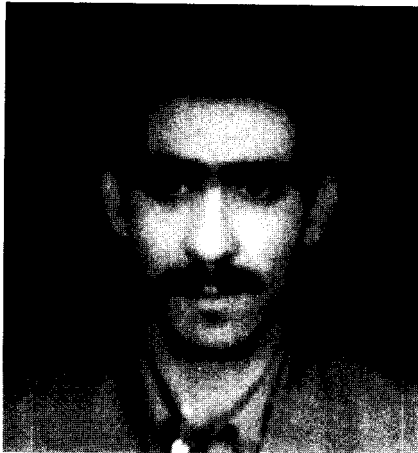
کتاب کوچکی (جیبی) از رحیم بقال اصغری چاپ شده به اسم برداشتهای شخصی. که از قطعات کوچک تشکیل شده هر کدام از این قطعات گوشه ای زوایای روحی او را بر ایمان می گشایند:

اولین دنیای کوچک نمایشگاه انفرادی ام در ۲۷ سالگی برگزار کردم و آن را به خانم مشرفی، معلم اول ابتدائی ام تقدیم کردم. آن روز علی رغم کارهای زیاد، گشتم و مدرسه به مدرسه جستجو کرده نشانی اش را یافتم. عصر در میان ازدحام جمعیت گفتند خانمی با شما کار دارد پس از ۱۰ سال معلم اول ابتدائی ام را شناخته و خیلی خوشحال شدم. شب به خاطر کوچکی دنیا و اضمحلال خاطرها و زمانها و یادها خیلی گریستم.^۲

هنرمند گرانقدر آقای رحیم بقال اصغری مجموعه ای از آثارش را با امضاء خود توسط حبیب فرشایف به مجله آذری هدیه کرده و انحصار چاپ و نشر آنها را به مجله واگذار کرده اند، ضمن تشکر صمیمانه از ایشان، دستان هنرمندش را به گرمی می فشاریم و از اعتمادشان به مجله آذری سپاسگزاریم. در شماره های بعدی از آثار کاریکاتوریست پرآوازه کشورمان استفاده خواهیم کرد. کاریکاتورهای این شماره آذری جمله گی از آثار آقای رحیم بقال اصغری است. برای ایشان موفقیت آرزو مندیم

^۱ - رحیم بقال اصغری، مصاحبه با ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران)، ۱۱ مهر ۱۳۸۱.

^۲ - رحیم بقال اصغری: برداشتهای شخصی (جلد اول) انتشارات منشور تبریز، ۱۳۸۳، تبریز.



منظوم و بدیعی قوشما

همت شهبازی

قوشما شعرى، آذربايجان شعرى نين ان دوغما و ايشلك قليب‌لريندن بيرى سايئيلئير. صميميت، ساده‌ليک و ليريزم اونون اساس خصوصيت‌لريندن حساب اولونور. قوشما، وزن جه ۱۱ هنجالى شعردير. آنجاق اونون بدیعی لئی شاعیرین خیال قووه‌سیندن آسئیلی دیر. اؤراداکی شاعیرین خیالی چوخ ساده و گونده‌لیک تصویرلره دولور، بیر منظوم قوشمانین شاهیدی اولوروق. عکس حالدا ایسه، بدیعی قوشما ایله اؤزلیشیریک. بورادا شعریمیز هتجان‌سیز و قشیر-ی بدیعی اؤسلوب‌لارا دایانديغینا گؤره، بیز ده منظوم قوشما اؤزه‌رینده دایاناجا‌ئیشیق. البته آذربايجان قوشماسی مؤختلیف شاعیرلر طرفیندن اینکیشاف اندیلمیشدیر، آنجاق بو اینکیشاف او شاعیرین اؤز و ایله باغلی اولاراق داوامچی‌سی اولما‌ئیشدیر. مثلن، چاغداش قوشما‌ئیز "سهند"ین شعريله، فلسفی - ایجتما‌ئی و "ساهیرین" شعريله ایجتما‌ئی - لیریزم صورتینی داشیناراق ائله بو نؤوع قوشمالار خاص اولارلار عاید اولور و داوامچی‌لاری اولما‌ئیشیر. ایندیکی قوشما‌ئیز ایسه حقیقتن ده گرگین بیر وضعیت ده یاشا‌ئیشیر. هله بیز قوشما‌ئیا، موللا پناه واقیفین و حتا اوندان آشاغی درجه یاراتدیغی اؤسلوب‌لارلا یاناشیریق.

"منظوم قوشما" تصویرسیز شعرلر سیرا‌ئینا داخل‌دیر. بورادا دلیلن، دانیشیق جیهازلاری‌ئیتلا نثر عؤنصورلری اویغون‌لا‌ئیشیر. بو نؤوع شعرده، دئشیم طرزى عؤمومی‌ئیتله ساده و قشیر-ی بدیعی اولما‌قلا، شاعیرین تکجه میصرع‌لارین سؤنونا یعنی قافیته‌یه فیکیرلشمه‌سینی دویوروق و اؤخوجو درحال دویورکی، شاعیر هم قافیته کلمه‌لرین سییاهی‌سینی اؤز هنده‌وهرینه ییغما‌قلا، شعرین مؤنظم آنلا‌ئیشینا باخما‌ئیتاراق تکجه میصرع‌لارین سؤنونا هم قافیته کلمه‌لرین ایش‌لمه‌سینه فیکیرلشیر. داها دؤغروسو بورادا، شعرین قورولوشونون ثابت تملی ده ائله قافیته‌یه‌دیر. بونا گؤره ده ائله قوشما‌ئیزین میصرع‌لاری آراسیندا آنلا‌ئیش جا منطیقی باغلانتی‌ی تاپا بیلیمیریک. بو کیمی شعرلر و

اۋتون بىندلىرى، ئاداملار ئىنسانلاردا دۆزەن سىز ئىشلىشىنى بىز ئىشلىرى. منظوم قوشما دىل ۋە دىئىم باخىمىندىن بىر طرفلى ۋە ئادەت ئولونموش بىر دىل ئۆزەرىندە يارانئىش. بىلە كى شاعىر، فېكىرلىرىنى بىلا واسىپە ئولاراق جەمئىيەتتىن ئايرى ۋە ئونو ئۆتەم سىز ۋە قىش-ى شاعىرانە ۋە دۈيۈمسوز جاسىنا كاغىز ئۆزەرىنە گىتەرەك، گۆندەلىك سۆزلەردىن ساي-سىز- حىساب سىز ايشلەدەرك، ھىچ بىر بىدىيلىنى عكس ئىتتىرىمىز. بو ايشى، ئىلە بىز عادى دانىشلىغىمىزدا دا گۆرە بىلەرىك. دىلدن بو كىمى آچىق- آشىكار ۋە چىلخا يارارلانماق ايسە شىئەرنىن ان اساسى ئولان دۈيۈنۈ اينكار ائىدەر. بىدىي دىلىن ۋە دۈيۈنۈن ئۆزىلغۇ، تىجۈرەنەن قابىلىيەتلىرىنى دە سۆزىلەيىش. چۈنكى تىجۈرە، سىتتىن ايلكىن قىداسى ئولاراق، سىتكارىن دىئىم ئۆزۈم لارنى ئۆزىلەيىش ۋە اير تىجۈرە ئۆزۈلماسا، شاعىرىن دىئىمىنىن عاجىزلىنى ئۆزۈن چۈش ۋە گۆستىمكە شاعىرىن اىچ ۋە دىش دۈنياسىنىلا ھىچ بىر اوئوشوما ۋە ايلىشكى يارانماي تاقىدەر. بونون نىجەسىندە، بىز مىصرىلارنى ھەر بىرىسىنى بىر- بىرىندىن باشقا ئانلام داشىئان مىصرىلار كىمى گۆرە جەئىك، چۈنكى شاعىر بورادا قىش-ى طىبىي ۋە زۇراكى ئىقلا قافىيە دۆزەلتمەك فېكىرىندەدەر. باشقا سۆزلە دىسك، شىئە بىر ئۇنۈع ايسىتاندردلاشمىش بىر دىلدن يارارلانماق، ايشى، طىبىي ۋە ايسىنسانلارنى اىچ ۋە دىش دۈنياسىنى بىدىي تىسۈير واسىپەسىلە دىئىل بىلا واسىپە ۋە دۈيۈمسوز بىر دىل ايلە سۆزلەيەجك:

ۋەتەن عىسگرى تىم سىگر قورموشام
دۈشمەننى ئۆتەدە سىنە گىرىمىش
ياشاين دۈشمەننى قۇۋان ائىللىم
سەھنىزىمىن سىسەن بۇغان ائىللىم

بورادا شىئەرنى دىلى، آچىق- آشىكار ئولماقلا برابر، قورولوشقا دا جۈملەلەرنى دىل قورولوشو باغلانئىلارنى دا قارىئىش. شاعىر ئۇنچە بىرىنجى شىخس دىلى ايلە ئونو ئۆزۈن ئۆتۈر، ئىچاق بو مىسلە ئۆچۈنچۈ مىصرىلاردا ئۆچۈنچۈ شىخس دىلى ايلە سۆزلەيىش، دۈردۈنچۈ مىصرىلاردا ايسە، قوشمايا بىر مضمون داخىل ئولور كى، ئونون شىئەرنە ھىچ بىر باغلانئىسى ئۆخىدور.

منظوم قوشما يازان شاعىرلەر، دىلىن ۋە مضمونون گۆندەلىك ايشلەن جەتلىرىنى سىتچىرلەر. بىلە كى، ئۇنلار قىلچەقچادان ئۆلكۈرلاشمىش دىل ۋە مضموندىن يارارلانماغا حاضىرلاشقىلار. عاۋام ۋە سادە جاماعاتىن دىلى ۋە فېكىرلىرى سادە ۋە قىش-ى بىدىي ئولاراق ئۇنلارنى ئانئىلايان شاعىرلىرىن دە فېكىر، دۈيۈ ۋە دىئىملىرى سادە ۋە قىش-ى بىدىي ۋە نصىحت ئامىز ئولور:

ازل گۆندىن ايسىن دىئىلىرى سەنە،
اونوتما ئۆزۈن، ھەتتىن ئولسون.
ئۆز كىرە دىئىمىش دىئىم ئىشە،
خالىقا مەجىتتىن، ئولفتىن ئولسون.

آلنىڭ آچىق ياشا، وۇقارلا دولان،
قوردو قۇيۇن سانما، تۆلكۈنۈڭ آسلان.
سۇزۇندە صادىق اول، دانىشما يالان،
اىللار يىن بېچىندە خۇرمىتىن اولسون.

گۇرۇندۇقۇ كىمى، دىنىمى طرۇزى قىتىرى-ى بىدىيى ۋ سادە اولماقلا بىر بىر مضمون جا دا ائله تىكرارلىنى ۋ تانىش تىجىرۇبەلردىر. جىمىيىتدە اولان داۋرانىش ۋ آنلايشىلار اۋز قىتىرى-ى مۇرگىبلىنىنى، شىئىرىن پۇختەلشمەيش مضمونلارنىڭ كۇچۇرۇلۇر. بو باخىمدان آذربايجان قۇشماسى اۋز اينكىشاش گىدىشاتىندا «مۇلاپناھ ۋاقىفېن» شىئىرىندە غىنەنى ۋى ايتىظاما يىتىشەرك سونرالار اۋز يۇلۇنو ايتىرىر. چۈنكى بىغىن دۇيولور كى، ۋاقىفېن شاعىرەنە ۋ بىدىيى لىرىزمى، چۇخ چىتىنلىكلەر ۋ ائله جە دە بىدىيى اينجەلىكلەر قاناماقلا «آشۇق» قۇشمالارنىمىزدا بىدىيى بېچىم بېچىمىشدىر؛ آنچاق بىزىم چاغداش قۇشمالارنىمىزىن اكرىنى، آشۇق قۇشمالارنىمىزىن مۇنظۇملىنىنى اونوداراق، كىلاسىك قۇشماىمىزىن الدە ائىتدىنى اۋسولوبونو ۋ اۋندا اولان مۇئىت تىجىرۇبە، دۇيغو ۋ ھىجانلارنى دا آدسىز ائىدىر. چاغداش منظمۇم قۇشمادا حىسا غىنەنى ۋى تىصۋىر ۋاسىپىلەلرى ۋ تىركىبلىردە بىلە ايشلەنمەيىر. چۈنكى اۋنلاردا غىنەنى ۋى بىدىيى تىصۋىر ۋاسىپىلەلرى مۇنظۇملىنى دە بىلە گۇرۇنمەيىر. چاغداش قۇشماىمىزدا آچۇق- آشۇكار ۋ قىتىرى-ى بىدىيى دىنىمى طرۇزى، شىئىرىمىزى يارارسىز، اۋزۇنچۇ بىر دىنىمى طرۇزىنە اوغراتىمىشدىر:

مظلۇم نەدن ظالىملارا ازىلىسىن،
باش يازىسى فلاكىلە يازىلىسىن،
مىن زىھمتلە قوردوقلارنى پۇزۇلسون؟
ھەر ئىشلىرىم دۇز چىخمايىش ھىسابلار
يۇخسا غىب يازىلىش دۇر كىتابلار.

بىر دۇشۇن گۇرۇلۇم ۋ ظۇلمەت نەدن دۇر
ھەر ايكىسى باخسان بىر رىشەندىر.
اۋدور بىر- بىرىنى ايجاب ائىدەن دۇر
بىرى ۋارسا، اۋ بىرىسى دە گرەك دۇر،
ظالىم اۋچۇن ظۇلمەت بۇتۇك كۇمىك دۇر.

گۇرۇندۇقۇ كىمى منظمۇم قۇشما لىنە چاتان ھەر بىر سۇز، آنلايشىش ۋ تىجىرۇبەنى گۇتۇر- قۇي ائىتمەن شىئىرە داخىل ائىدىر؛ ۋ ائله بونا گۇرە دە اۋنون مىصرىلارنى آراسىندا مضمون باغلاتىسى اۋلمايئاراق «تىكجە قافىيە دۇز گىلىن» دىنە ھەر بىرى، بىر ھاۋا چالسىر. منظمۇم قۇشمادا، دىنىم طرۇزىنىن قورۇلۇشۇندا ھىچ بىر اۋيغۇنلۇق گۇرۇمۇرۇك. شاعىر ھەر مىصرىدا، بوداقدان- بوداغا آيتىلان قۇشلار كىمى، بىر- بىرىندىن فرقىلى اولان فېكىرلەر مضمونلار سۇيىلەيىر؛ بو دا مضمونون

تەدرىجىن يۇخ اولماسىنا سەبب اولور. بىلەكى، ھەر مىصرەننىڭ بىر مۇۋەزۇن ۋە ئانلايشا تۇخونماسى نەتىجەسىدە، شەئەرىن مەزمۇن بۇتۇلۇۋېتىپتۇر. بىلەلىكلە بىز مەزۇن قوشمادا، مەزمۇن «مىصرە»لەر بىلە يۇخ بىلكە «مىصرە» بىلە تەننەشەتتۇر. ئۇرۇنك اولاراق آشاغىداكى شەئەرىن، دىنىزى تۇۋەسەفەتتۇر. بورادا دىنىزىن ھەسەتتەن ۋە گۈزەللىك ھەسەتتە دالغالار باخماسىندىن شەئەرىن ئارانئەت:

دالغالەن ھەسەت دۇلۇ
دىنىز سەندە گۈزەل قالدۇ.
قارىش - قارىش سەھىل يۇلۇ
لەلەردە بىزىم قالدۇ.

قان قىرەمىزى ئۇفۇقۇندە
شەن لىھەلەر، قەم چاغىندە.
شەھىدلىرىن سۇراغىندە
ئۇرۇگ دۇلۇ سۇزۇم قالدۇ.

گەنىش ماۋى سەندە،
ئاشىل رۇھلۇ بىقا سەندە،
سەنكى مەن بىر دۇئا سەندە،
سەندە ئۇزۇم گۈزەل قالدۇ.

بورادا بىلەنمەن سەبەل نەتىجەسىدە، شەئەرىن دىنىزىن قىرەمىزى ئۇفۇقۇندە «شەھىدلىر» سۇراغىنە گەتتۇر ۋە سۇنۇنچە بىندە ئىشە دە دىنىزدە دانىشەتتۇر. ئەنە ئۇرۇتا بىندە دىرنەق ئۇرۇش اولاراق بىر مەزمۇنە كىمى بىشەلە دىلىپ دىر. بىندلىرىن بىر-بىرىلە باغلەنئەتتۇر سۇ يۇخدۇر، ھالە بۇكى، بىدىيە قۇشما ئۇدۇر كى، مەزمۇن ۋە شەئەرىن قۇرۇلۇش ۋە بىدىيە تەسۋىرلىرى مىصرەلەرىن بۇسۇتۇن جەننىدە ۋە داۋامىندە بىشەنمەلى دىر. بۇ مەقسەدە ئىشەشەك ئۇچۇن ئۇرۇش بىجاز ۋە قىسەسەلەغىنى ئاساس ئەمەل بىلىرىك. ۱۱ ھىجەلى قۇشما ھەجەم ئۇ قەدەر گەنىش دىر كى، ئۇنۇن بۇتۇلۇۋېتىندە مەزمۇن ئىشەنچەمەلەغىنە ئىشەشەك اولار، ئىچەق بىر چۇخ زامان بۇ ۱۱ ھىجەلى شەئەردە دە، ئۇزۇنلۇغۇن شەھىدى ئۇلۇرۇق.

آذربەيجان قۇشەسە ۷۰-جى ئۇن اىلەلەن بىر سەئەرا شەئەرىلەرىمىز تەرىندەن اىستاندارلەشەش قۇشەمەزەدان بىر ئۇزۇقلاشەق ئىشە مەھەلە قەد قۇندۇ. مەظەرى سەئەدىن «ئاراتماق ئاشەمەقەدەر»، ئىلەلەر مۇغانلەن ئىشە «ئىتەت ئۇلارەندە»، سەپەلەغىن «مەن گۇنش وورۇنۇم» كىمى ئىلەلەرنە اىشارە ائەتەك اولار. ئەمە نەدەنە بۇ ئىشە مەھەلەنەن ئۇرۇ كەسەلە ۋە ئىخۇد ئۇنۇن ئىشەرىنى سەسەت شەئەرىلەلەلە.

«بەدىئى قۇشما» شئەرىمىزىن بو دۇۋردە ايلكىن قابىلىيەتلى نۆمۇنەلەردىن بىرىنى ئالە «حىيات يۇللارنىڭدا» اثرىنى گۈستەركە اولار. منجە بو كىتابىن كەچمەش قۇشماىزدا اولان بەئزى دىنىيىم عادەتلىرىنە گۈز يۇمارىقسا اۇندا بىز منظوم قۇشمادان اوزاقلاشىپ، يەنى مەرحەلەيە قەدەم قۇتۇرۇق. بو اولور، آنجاق لازىمى قەدە يەنى لىشىپ قۇرۇمالاشمايۇر؛ ۋە بىر دە كى، داۋامى اۇلمايۇر. بو كىتابى كەچمەش قۇشماىمىزىن عادەتلىرىنە باغلانان اساس عامىلەردىن بىرى، قۇشمانىن تەرەپ مۇقابىلى اولاراق ۋە اۇنا خىتابىن يازىلماسى ۋە بىر دە كى، شئەرلىرى چۇنخ زامان تەلىمى خۇسۇسىيەتلەر تاپماسى دۇر:

اۋرە يەن آلىشىشىن سۇگى اۋدۇيلا،
حىياتىن لىتى مەحبەتدە دۇر.
چىركىن نىيەتلەر اىنام بىلەمە،
اينسانىن خۇرمىتى مەحبەتدە دۇر.

جەھالەت يۇردۇندا چۇنخ گەزىپ، تۇمما،
بو گۈزەل دۇنيادان گۇزۇنۇ يۇمما.
ھەر قەلبى قارادان نىجات اۇمما
نەجىبلىك ئۇرۇتى مەحبەتدە دۇر.

بىلە مەزمونلو شئەرلەر، تاپماجايا بىزەر شئەرلەردىر كى، تاپماجا كىمى بەئزى خۇسۇسىيەتلىرىنە ايشارە ائىتمەكە، نەتىجەدە شئەرىن سۇنۇندا بىر عۇمۇمى ۋە تەلىمى فەكىرلە تاپماجا آنلاشۇلۇر ۋە شئەر اۋرادا قۇرۇتۇر ۋە داھا دۇغۇرسو شاعىر ھەم تاپماجانى ۋە ھەم دە اۋنۇن جاۋابىنى بىر شئەردە دۇشۇر. حال بو كى، شاعىر اۋز شئەرىندە، اۋخۇجۇئا يۇر آيۇر مالى دۇر ۋە اۋنۇن فەكىرىندە ۋە مەبىراۋلارنى نىيەن مەزمونو ھاقدا سۇرغۇ ياراتماي دۇر ۋە بو سۇرغۇ ياراتماق اىنچە ۋە بەدىئى لىكلە اۇلماي دۇر. نەبى خەزرى نەبى شئەرى كىمى:

... بىر جىئىران گۇرۇندۇ
يەشۇل تارلادا.
اۋرەككە باخىش لارلا
داياندى، باخدى.

بارىت قۇخۇيۇردۇ
يۇردە، ھارادا
سانكى قەيىل گۈللە
آچىلاجاقدۇ.

- ھاراداسان؟ ...

آي اۋۇچۇ!

ال ساخلا

دايان!

... اوڭاندىم.

بدنيم تىر - تىر اسيردى.

غۇمۇر - گۆن يۇلداشيم

باخدى ئىتاران:

- نېتە قىشقىردىن؟

نە اولوب؟ - دندى.

- بىر جىئران گۆرۆردۆم...

آلا گۆز جىئران...

- جىئران؟ چۇخ ياخشى دىر او، يوخودا كى...

- بىلىرسن؟...

تۇفنگى چىكىشىدى اينسان...

گۆرەسن او گۆللە

آچىلمادى كى؟...

گۆرۆندۆيۆ كىمى شاعىر بورادا كىلمەلرین وارلىغىنىندان، اۆزۆنۆن بدىعى سىچىمى ايله تارارلانئىر. حال بو كى، منظوم قوشمادا شاعىر كىلمەلرى سىچمەيىر، عكسىنە كىلمەلر اۆزۆ واردير و او، اونلارنى سادەجە دۆزنەلئىر.

دىمك اولار كى، منظوم قوشمادا شاعىر اۇخوجونون اۆزەرىنە قۇتولان آنلايئىش لارنى اۆزۆ آچىقلايئىر و بونونلا اۇخوجونو شئىر باغلانتىئىنىندان چىخارئىر. چۈنكى اۇخوجو او زامان بىر بدىعى سىتىن اۆزەرىندە داتانئىر كى، اۇندا بدىعى لىك اولسون. داها دۇغروسو، قوشمانئىن اۆزۆنچۆ آچىقلايئىجى دىئىم طرزىندە، اۇخوجو آرخايا دۇنمەدن مىصرع لارنى ايزلەيىر؛ حال بو كى، بدىعى اثر او قەدر سىتكارلىقلا اولمالى دىر كى، اۇخوجو مىصرع لارنى اۇخودوقجا آرخادا قۇيىدوغو مضمون و بدىعى لىنى دىقتلە ايزلەيىر كى درىندن فېكىرلشمەلى دىر. «كامىل قهرمان اۇغلونون»، «شمس تبرىز» هفته لىشىندە چاپ اولموش قوشماسى بىزىم بدىعى قوشما حاقدى فېكىرىمىزى دوغرولدىن ان مۇكمل، ئىشغىجام و بدىعى نۆمونه سى دىر و بىز ئىنى نىسىل و چاغداش قوشمامىزىن بىللە بدىعى و درىن مضمونلو قوشما تاراتماق، آرزوسوندايئىق:

داش لارا سوواشان اولدوز ايشىغى

ساغىر بىنۇشەدن قارانلىق اچئىر.

آچئىر گۆزلرىمدە قان سارماشئىغى

گىجەنن قاتارئ اۆستۆمدن كىچىر.

آلۇتۇ خىيىمەدە گىزلەنىپ كۆلك،
 اوجاقلار اوشۇيۇر آغىر شاختادا
 يىتىم ماھنىلار اوجور كېنەك
 دورنالار چكىلىپ دارا آيتادا.

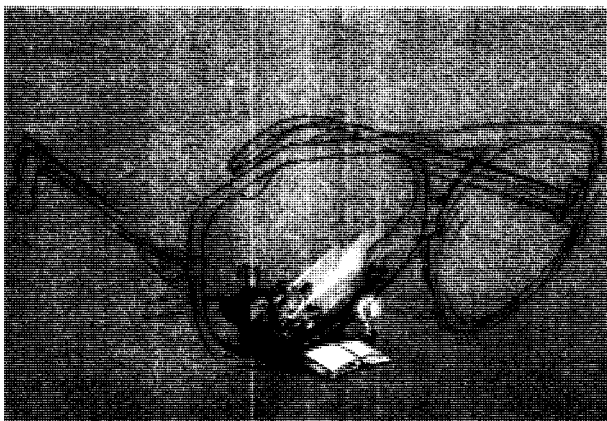
اۆرەيىمدە يىتە بىر خارابالىق
 اوجوق دىۋارلارنى، داخمالار واردىر.
 ۋ پايىز ائىمە سالىب آرخالىق
 قىش يۇلو اليمە ھامار- ھاماردىر.

ياخامدان ياشىش سارى ماھنىلار،
 لىشلىرىن اۆستۈنە تۇنقىم قوسور.
 بىتىنمە اولۇيۇر يالقىز جانائار،
 اۋزۇندە آغلايىر، اۋزۇندە سوسور.

ماۋىلر بۆرۈنۈپ ماۋى اۋرپەيىنى
 كۆتۈلدە قارغالار گلېن آپارىر.
 قانلى اۆقۇلرە دۆشەن دىدەرگىن
 تۇرپاقدا كسىلمىش الە يالۋارىر.

دوڭغودان دۇغولان پىتى پىلمەر،
 ياز كۆلۈشۈ كىمى مندە اسىردىر.
 قارا سىللولوندا دۇنان كىلمەر،
 اينان، دۇداغىمدا قىر- قىردىر.

بو شىئەردە اۋخوجو ھر بىندى اۋخودوقجا، اۋ بىندىن مضمونجا كامىل اولمايدىغىنى دۇيۇر؛ چۈنكى
 بىندىلر مضمونجا بىر- بىرىلە باغلىلىغى واردىر ۋ اۋنون ھر بىر مىصراعى بىر- بىرىندىن فرقىلى
 مەنلار داشىمىر. عكسىنە مىصراخلار بىرى- بىرىنىن مضمونونو كامىل لىشدىرەك سۇنوجلانىر. حەتتا
 تام جىسارتلە دىمك اولار كى، بورادا ھر بىر مىصراع نىش باشقا مىصراخلارلا دىنىم ۋ مضمون
 باغلىلىغى واردىر. بونا كۆرە دە اۋخوجو مضمون ۋ يا بىدىيى تىۋىرلى كامىل لىشدىرەك اۋچۇن
 اۋخودوغو يىتنى مىصراع نىش، كىچىشىنە قايىدىر ۋ ياخود دا ھىمان مىصراعدان سۇنرا گلەن
 مىصراخلارلا فېكىرلەشەك، فېكىر ۋ تىۋىر چاتىشمازالىغىنى كامىل لىشدىرەك. بونا كۆرە دە اۋنون
 اۋسۇلو ۋ مضمونو عادت اۋزىرە يارانان قۇشمالار يىزدان تام فرقىلى ۋ داھا بىدىيى دىر.



گۆلگۆ

روایت: رضا نوەسی

پارێشما

ایکی نفر طیارە دە ڤاناشی ئایلشمیشدیلر. اوزون مۆددت هنج بیرى دانیشمادى. نهایت بیرسى دئدى:

- هنج دانیشمیرسان؟ گل بیر- بیرمیزه سوآل وئرهک، کیم جاواب وئرمهسه یۆز تۆمن وئرسین.

- یۆخ، سیز ساوادلى آدمسیز، من ساوادسیز کئدلى. گلین بئله شرط کسهک: سوآلا سیز جاواب وئره بیلمهسز منه یۆز تۆمن وئرىن، من جاواب وئره بیلمهسم سیزه اللى تۆمن وئرىم.

- یاخشى، سن باشلا.

کئدلى سوآل وئردى:

- او هانسى قوش دور کى، گۆیده اوچاندا ایکی آیاقلى اولور، ئتره ائنهنده بیر آیاقلى؟
یانیشدکى کیشى بیر آز فیکیرلشندن سونرا الینى جیبینه سالیئر بیر یۆز تۆمن لیک چیخاریب کئدلى یه ساری توتور:

- بیلیمیرم، بوئور بو دا منیم یۆز تۆمنیم.

سونرا اوزون کئدلى یه توتوب دئشیر:

- یاخشى، سن دىء گۆرهک او هانسى قوش دور؟

- من ده بیلیمیرم، بوئور بو دا سنین اللى تۆمنین!

□ بالىق ساتانن لۇۋىچە

بىر بالىق ساتان دۇكانىن قاباغىنىداكى لۇۋىچە يازىر: «بورادا تىزە بالىق ساتىلىش». مۇشتىرىلاردىن بىرى دىيىر:

– آي قارداش «بورادا» سۆزۈڭ ئارتىق دىر. ھامى گۇرۇر كى، بالىقلار بورادادىر.

بالىق ساتان «بورادا» سۆزۈڭ پۇزور.

ايكىنچى بىر مۇشتىرى:

– «ساتىلىش» سۆزۈڭ ئارتىق دىر. ھامى بىلىر كى، بو بالىقلار سانىماق ئۈچۈن بوراغا قۇيۇلۇپ.

بالىقچى «ساتىلىش» سۆزۈڭ دە پۇزور.

ئۈچۈنچۈ مۇشتىرى دىيىر:

– «بالىق» سۆزۈڭ دە ئارتىق دىر. چۈنكى بورادا بالىق دان باشقا شىئە يۇخىدور. ھامى گۇرۇر كى، بو بالىق دىر.

بالىق ساتان ئۇ سۆزۈ دە لۇۋىچەدىن سىلىر. لۇۋىچەدە يالغىز بىرچە «تىزە» سۆزۈ قالىش، ئۇنى دا بالىقچى ئۇزۇ پۇزور كى: مەن ھىچ ۋاقت كۆھنە بالىق ساتمايمىشام!

□ يار ياراڭىز كەندە

بىرى ۋارىمىش، بىرى ئۇخايمىش، بىر-بىرىگە تاي ئۇلانار-ارۋاد ۋارىمىش. بونلار ئۆزلىكىدە، سادە لۇۋىچەدە بىر-بىرىدىن كىرى قالان دىيىلدىلەر. ئانچاق بىرىنىڭ گۇرۇدۇيۇش ئۇ بىرىنىڭ خوشونا گەلدىنىگە گۇرە ھەمىشە بىر-بىرلىگە مەھرەپان ايدىلەر.

بىر گۈن بىلە ئۇلۇر كى، باشقا شىئە ئۇرۇلماق ئۈچۈن پەندە كى اينەنى ساتماقلىق ئۇلۇرلار. كىشى اينەنى بۇتۇنغا چاتىنىش سالىش، سۆرۈر بازارا. گۇرۇر كى، بازاردا كىچى ساتىشلار، كىچى خوشونا گىلەر. اينەنى كىچى ايلە باش-باشا دىيىش. كىچىنى قاتتىق قاباغىغا سۆرۈر تۇيۇق-جۈجە ساتىلان ئىرە. اورادا بىر بېيىش قىزمەتلىك خۇرۇز گۇرۇر، چۈش خوشونا گىلەر. كىچىنى ئۇرۇپ خۇرۇزۇ ئىش، دۆشۈر ئۇلا. ھارادا بىر شىئە خوشونا گىلەر اينە كىنى ئۇرۇپ ئۇنى ئىش. ئىلە بو جۈر ئىش-ئىش اندە-اندە ئۇ بىر تۇرپا تۇرۇش ئۇچا ايلە قايتىدۇر.

ارۋاد كىشىنىڭ گەلدىنى دۇيان كىمى سۈيىنە-سۈيىنە كىشىنى قارشىلاش. كىشىنى چىيىنىدە كى تۇرپاننى ئىرە قۇتۇماقدا ئۇنا كۆمك ئىلەيىر. تۇرپاننى ئىرە قۇتا-قۇتا دىيىر:

– ھە، كىشى دىء گۇرەك نەنى ساتىش، نەنى ئالدىن، نە قەدەر قالدۇ؟

كېشى چكىنە- چكىنە دئىئىر:

- آرواد بېلىرسن نە ۋار؟ بازارا تەزەجە گىرمىشىدىم كى، گۇردۆم ئاخشى بۇتۇزۇلو بىر كىچى ساتىرلار، خۇشوما گىلدى اينەتيلە باش- باشا دىيىشىدىم.

آرواد دئىئىر:

- نە اولار، كىچى ئاخشى حىيوان دىر. لاپ ئاخشى ئالەتتە بىس.

كېشى دئىئىر:

- ھەلە بىر داڭان، بو ھاراسى دىر. تۇتۇق- جۇجە ساتان يىرىن ئانىئىدان كىچىدە بىر مەخمل تۇكلۇ خۇروز گۇردۆم، خۇروز نە خۇروز! كىچىنى ۋىرىپ خۇروزو آلدىم.

- خۇروز لاپ ئاخشى، نە عەب سىنىن ئادىنا دۆشۈپ بىزىم تۇتۇقلارا ئالە بىر دنە خۇروز لازىم ايدى، ساغ اول كىشى!

كېشى دئىئىر:

- ھەلە بو ھاراسى دىر، بىر داڭان. تاخىل ساتىلان يىردن كىچىدە آراپا گۇردۆم. خۇروزو ۋىرىپ

آراپا آلدىم.

آرواد ئىننە سۇنىئىر:

- كىشى، ئاخشى ئالەمىسن، عەب ئالەمىسن. بو بۇندا حىيىمىز بۇش- بۇشونا قالىپ. آراپانى سىپ عۇضىنە نە قەدەر تاخىل بېجەرىك. ئۇزۇمۇز دە اون ئالەتتە بىشېرىپ ئىشەرىك. تۇتۇق- جۇجەتە دە ۋىرەرىك.

كېشى دئىئىر:

- آرواد ھەلە داڭان، آراپانى دا بىر تۇرپا تورش آچا ايلە دىيىشىدىم. بودور گىتىرمىش.

آرواد سۇنىئىلە دئىئىر:

- نەجە، تورش آچا؟ من نە ۋاخت داندۇ يىرىكەلەيرىم تورش آچا. سىن نە آغىللى كىشى ايمىش سىن. مېم ئۆرەيمىدن كىچەنى نەجە ئاخشى بېلىپ سىن. آى سىنىن قاداتى آلىم، آى سىنىن باشىنا دۇلانىم.

آرواد سۇنىئىچىدىن قۇللارنى ئارىنىن بۇتۇنونا سالىپ اونون ئۇزۇندىن- گۇزۇندىن ئۇيۇر. كىشى دە راضى قالىر كى، ئالەدىنى بازارلىق آروادىنىن خۇشونا گىلىپ. ھال بو كى، بازاردان تورش آچا ايلە قايتىداندە قۇرخوردو كى، آرواد اونو اۋ كى، ۋار دانلاپار.

آرواد اريەلە كۇمكلىشپ تورش آچا تۇرباسىنى ان قىيمىتلى بىر نىعمەت كىمى ئوۋە آپارىر.

دۆز دىيىرلى كى، بار ئارا تىن گىلدە سۇزلىرى دە، ئالەدىكلىرى دە ايشلىرى دە بىر- بىرىنە خۇش

گىلىر ۋاۋزلىرىنى دۇنيانىن خۇش بخت آداملارنى ھىساب اندىرلىر.

□ یوخوم قاچیب دیر، آختاریرام

موللانصرلدين گنجه یاریسی گزمه په چيخمیشدی. گنجه قاراوتول لاری اونی یاخالاییب

اوغرودور دښه توتورلار:

- گنجه یاریسی بورالاردا نه گزیرسن؟

موللانصرلدين:

- یوخوم قاچیب دیر، اونی آختاریرام!

□ کیم دیر گوناهاکار؟

بیر گنجه اوغرو گلیب موللانصرلدينین انششه یینی اوغورلاییر. موللا اوزا قاچیر، بورا قاچیر،

اوندان سؤروشور، بوندان سؤروشور، آنجاق انششک تاپلمیر.

موللانصرلدينین دوست لاری پیغیشیب اونی دانلاییرلار. بیرى دښیر:

- سن پته نین قاپی سینی قیفل لاسایدین اوغرو گلیب انششه یی آپارا بیلمزدی.

بیری دښیر:

- سن انششک دن یاخشی میغایات اولسایدین، اونی اوغورلایا بیلمزدیلر.

بیری دښیر:

- نه اوچون گرهک سنین یوخون بو قدهر آغیر اولسون کی، اوغرو گلیب سنین انششه یینی

آپارا، آما سن بیلمه په سن؟

آخیردا موللانصرلدينین جانیسی بوغازینا پیغیرلار. او آجیقلی- آجیقلی دښیر:

- دښه لی گوناها لارین هامی سی منده دیر، اوغرونون بو ایش ده هنج بیر گوناها یوخدور، هه؟!

قىش دان سۇنرا بىزىم كىندە

سىياوش كىسرايى

چىنۇيرن: داود اھرى

بىر گۆن، گۆن باتان چاغى، نۆۋروزىمى ايشىدن قايتىدىردى كى، كىندىن اوشاق لارنى اۋنو دۈۋرەلەيىپ، دىندىلر:

- نۆۋروزىمى، بىزە بىر ناغىل سۇنلە.

نۆۋروزىمى كى، اوشاق لارنى سۇزۇنۇش شە سالماغى شۇمىزدى بىر آغاچ كۆتۈرۈنۈن اۋستۈندە اۋتورۇب، دىنجىنى آلا- آلا دىندى:

- ئادىما گلىر چۇخ ايل لىر بوندان قاباق، اۋ زامان كى، سىزىن آتا ۋ آنالارنىش اوشاق ايدىلر ئادا كى دۇنيايا گىلمەيشىدلر- بىر ايل بىر قىرە ايش اۋز وئردى:

كىندىمىزىن قىشى قورتاردى، آما ھەر نە قەدەر گۈزلەدىك، ئاز گىلمەدى.

قىزىل گۈل دارىخىردى، آما قۇنچەسىندىن چىخا بىلمىردى تا اۋز گۈزەل پالتارنىنى ھامىئا گۈستەرە.

بولاق درەلرە تۈكۈلۈپ اۋخۇئا بىلمەيىردى.

داغلار اىستەيىردىلر قارلى بۇرك لىرىن گۈتۈرسۈنلر، آما ائەلەتە بىلمەيىردىلر.

اينىكلر بىزۈولارنى ايلە، قۇتونلار قوزولارنى ايلە، ۋ كىچىلر چىپىش لىرى ايلە

دار- قارائلىق تۈنلەلردە ئۇنجالارنى گۈتمەسىنى ۋ ئاشىل چىنلىكلەردە گۈمەنى گۈزلەيىردىلر.

كىند اھالىسى پىچرەلردىن گۈتە باخىردىلار، آما ئاز مۇشتولۇقچوسو كىرىن قاراقوش دان بىر خىر ئۇخ ايدى. ھامىئا دان آرتىق ناراحات چۇبان اومودىلى ايدى.

اومودىلى كىند اھالىسىندىن داھا آرتىق ئازىن ئۇلۇنۇ گۈزلەيىردى. آرزولايىردى كى،

سۈرۈسۈنۈ داغىن ئاشىل ائىكلرىنە ئايتا ۋ تۈتەنىنىن موسىقىسى ايلە قىرمىزى لالەلرى داش لارنى كىنارنىدا بىتيرە:

آخىردا بىر گۆن اومودىلى قىش دان بىئردى. بىرىندىن قالغىب، پالتارلارنىنى كىيىندى،

تاخچادان گۈلاب شۈشەسىنى گۈتۈردۈ ۋ داغا سارى اۋز قۇيدۇ...

گىشتى، گىشتى ۋ گىشتى... ئىشتىشىدى داغىن دالىشا، اۋ بىرە كى، ئىش لىرىن ئۇواسى

ايدى. گۈلاب شۈشەسىنى تىرتىدى، گۈلابى سەلەدى ھاۋا ۋ ئىش لىرە دىندى:

- كىندىن داغا، چۇلە باخىن گۈرۈن، بىلكە ئازىن مۇشتولۇغونو كىرىن قاراقوشو گۈرە بىلدىنىز.

اۋنا دىنىن چۇخ كىچىكىپ.

ئىشلەر كى، گۆلار ئىن قۇخوسوندا جانلانمىشىدىلار، سئۇنچىك يۇلا دۆشەلەر. بولودلار ئى گۆيۈن اۆزۈدن كئارا چكىپ، گىتىدىلەر، گىتىدىلەر بىر مۆددەت اۇنلاردان بىر خىر اۆلمەدى. ئىشە ھەر بىر شىئى تىرىش سىز قالدىلار. داغلار ئىن، آغاچلار ئىن و آداملار ئىن قولاقلار ئى سىدە ايدى.

بىر گۆن سحر آلا تۇرلندا، اومودەلى نىن پىنجرەسى آچىلدى. اومودەلى ئىرىندىن سىچىرادى، گۆردۆ سحر ئىشلى يۇرغون و نەفس تۇشۇتە - تۇشۇتە گىلىپ كى: - نە اۆتۈرۈپ سوز، ئازىن خىرىنى گىتىن قاراقوش يۇلدا قالىپدى. - نە اۆلۈيدۇر؟

- بىر نادىنچ اوشاق اۇخونان و تۈرۈپ اۇنون قانادىنى يارالا ئىپ دىر. اومودەلى دوردو، چاتتاسىنى گۆتۈرۈپ. گىتىدى كىند اھالى سى نىن ئانىنا و دندى: - گىتەك، گىتەمە سىك نە قاراقوش گلر، نە دە ئاز.

اومودەلى قاپاقدا و يۇلداسلار ئى اۇنون دالىسىغا يۇلا دۆشەلەر. آز گىتىدىلەر، چۇخ گىتىدىلەر... ئىتتىشىدىلەر، سحر ئىشلى دىن ئىشە گۆردۆلر قاراقوش بىر داشىن اۆستۈندە يار ئى جان، يۇرغون - آرغىن دۆشۈپ و سۇتوقدان دۇنماق حالىنىدادىر. اومودەلى قاراقوشو گۆتۈردۆ، يارالار ئىنى چىپىش لىرىن يارالار ئىنى باغلان كىمى، اۇنون يارالانمىش قانادىنى باغلادى.

سۇنرا بۆيۈن شالىنى قاراقوشا سارىدى و اۇنو قىزدىردى. گىتەدەن سحرەك اومودەلى ايلە دۆستلار ئى اۇدون كئارىندا نۆۈبە ايلە قاراقوشدان مۇغاتات اۆلدولار. صاباخ صۇچ قاراقوشون ياراسى بىتتىدى و تۇختادى. قاراقوش قانادلار ئىنى آچدى و اۈچدو:

بىر - ايكى دۇنە اۇنلار ئىن باشى ئىن اۆستۈندە قىرلاندى.

آداملار قىشقىرا - قىشقىرا دىئىردىلر:

- قاراقوش! داھا گىت ئازى كىدىمىزە آھار.

قاراقوش كىندە سارى اۈچدو. اومودەلى ايلە يۇلداسلار ئى كىندە چاتاندا، قىشدان داھا بىر اثر يۇخ ايدى. ھامى سئۇنىردى و ھرىان بىھىشت كىمى ئام ياشىل ايدى. بولاق ماھىنى اۇخوتۇردو. قىزىل گۆل كۆنەنىنى گۆستىردى. آغاچلار اۆتلا ئىردىلار. آياق تۇتان قوزولار ياشىل درەلردە چىمنلردە اۆتلا ئىردىلار.

كىند اھالى سى قوللار ئىنى چىرمالا ئىپ اىشلە ئىردىلر.

ھامى چالىشىردى. ئاز ايدى و ايش فصلى ايدى.

اومودەلى اۆز - اۆزۈنە دندى:

- ئاز گىلدى، اىندى داھا واخىتىدى.

سۆرۈنۈق قاباغىنا قاتىپ ۈ يۈللەندى. بىل باغىندان تۆتەيىنى چىخارىپ باشلادى ئاز
نغمەسىنى چالماغا.

هر بير داشىن كئارىندان بير لاله، ياۋاش - ياۋاش باش قازايتىردى. ائله بىل چمن لىر چىراغان
اولموشدو ۈ هر لاله بير چىراق ايدى.

گۈن باتان چاغى ايدى كى، اۈ بيرى قاراقوش لار دا يۈلدان يىتىشىدىلر. جۈت - جۈت كىدىن
ائولترىنه سارى گىتىدىلر تا اۈزلىرىنه بير يۈۈ قورسونلار.

منىم اوشاق لارىم! اومودوم ۈر قاراقوشون قانادىنى سىندىران اۈ نادىنج اوشاغىن آدىنى مندىن
سۈرۈشمايتاسىز. نه ائله تىم من ده قۇجالىشام، يادىمدان چىخىپ!

نۈۈروز عمى نىن ناغىلى باشا چاتدى.

اوشاق لار سىۈنچىك بير به بير نۈۈروز عمى دن وىدالاشىپ ۈ مۇسافىر قاراقوش لار كىمى كىدىن
ائولترىنه گىتىدىلر



«بشير آينده»

۵۵۱ يىللىق

آدەتلىك يازما

بشير آينده

شماره ۱ پنجشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۴۰

حسین آیدین یاشار

ادبیاتیمیز ۋە مىللى مدنیتیمیز بىر چۇخ ساحەلىرى كىمى، ۲۰- نىجى عصر مطبوعات تارىخىمىزىن دە چۇخ قاتلارنى ھەلدە آچىلمايش قالير. حال بو كى، اعتىبارن مشروطە حرکاتىندان باشلاپ تارقاق گۆنۆمۆزە قەدر، انىشلى- يۇخوشلو يۇللاردان كىچىن خالقىمىزنى آزادلىق، ايجتىماعى عدالت، مدنيت ۋە مىللى وازلىغىنى اوغروندا آپاردىغى مۇبارىزەنى، آنادىللى مطبوعاتىن طاللىغىندىن آيىرماق اولماز. مطبوعاتىمىز ھمىشە بو يۆكسك ايدەآللارنى ۋە جمعىيەتدە كىچىن ايجتىماعى- سىياسى حرکاتىن گۆزگۆسۇ اولاراق، اونلارنى زنگىنلشمەسىندە ۋە خالقا چاتدىرىلماشىندا بۇيۇك رول اوينايمىشدير. باشقا بىر سۆزلە، آنا دىللى مطبوعات، عدالت جارچىلار ايله خالق آراسىندا قارشىلىقلى مۇناسىبتىن يارانماشىندا بۇيۇك رول اوينايمىشدير. اودور كى، مطبوعات تارىخىمىزى اۇزىنمىك، اونلارنى تارىخى اهمىيىتىنى بىلمىك ۋە بوگۆنكۆ مطبوعاتىن دۆنكى كۆكلىرى ايله تاتىش اولماق، مطبوعات ساحەسىندە فعاليت گۆسترنەن يازىچىلارنى قارشىشىندا دوران ان مۆھۆم وظيفەلردندىر.

۱۳۲۵- نىجى ايلين آذر آيتىندا، شاه قوشونلارنى نىن آذربايجان خالقىنا قارشى تۆرەتدىنى فاجىيە، تىكجە مىللى- دىموكراتىك حرکاتىن، سىياسى قورولوش ۋە تشكىلاتلارنى داغىلماشنى ايله قورتارمىز؛ باسقۇنچىلارنى قارشى ساقىنلارنى ايله آذربايجان مدنيتىنى، ادبىياتىنى، اينجە صىتىنى دە اودا چكىرلىر. آنا دىللى كىتابلار قالات- قالات ياندىرىلىش، آذربايجان دىلى ۋە ادبىياتى بۆتۆن دۆلەتنى دائىرەلدە، مەكتەپلەردە قاداغان اندىلىر، اونلارغا روزنامە، مەجلە باغلانىش، آنا دىلىندە يازىپ- يارادان شاعىر ۋە يازىچىلار مەجلىسلەر سالىنىش، سۆزگۆنە گۆندەرىلىر ۋە سەدى يۆزىندى، مەحمەدباقر نىكىنام ۋە كاشف كىمى شاعىرلار غدارجاسىنا اۇلدۇرۇلۇر. آنچاق بو جىنايتلەر باخماپ تارقاق پەلۋى

رئیزی و اونلارین یئرلی نوکرلری اوزون موددت ده اوز شوم هدفلرینه، چاتابیلیمیر. هله نجه ایل بو فاجیعه دن کتجه میش، کول آلتیندا قالان کوزلر یئنی دن کوزه ریر و بیر چوخ اوجاقلار شوعله نیب، گور یانماغا باشلائیئر.



روزنامه چی
آذربایجان دیر



جرايد اطلاع داده اند كه دولت در صدد است سبهد شاه پختی
را بجای دیگر اقال باستانداری آذربایجان فرستد!

«بشیر آینه» روزنامه سی گور یانماغا باشلایان بو اوجاقلارین بیرسی کیمی ۱۳۳۰-نجی ایلین شهر یوز آیتیندا مئیدانا چیخیر. او ایلک آدیمدا دونه نی سایشلان «آذربایجان» روزنامه سی کیمی آنا دیلیمیزین، مدنیتیمیزین دیرچلمه سین، خالق ایله ادبیاتیمیز آراسیندا کورپو اولماغی و خالقین طالع گوزگوسونه چئوریلمه سی نی آماجلارینی اوزونه مقصد گوتورور. اونون صحیفه لرینده ایلک گوندن آنا دیلینده یازیلان شعر، حی، کایه و باشقا ادبی نوعولر درج اولونور؛ دوزون وضعیتی ایله باغلی سیاسی و ایجتیماعی تحلیل لر و ثریلیر. بئله لیکله خالقین آجیناجاقلی و عذابلی یشایشی اوز عکس صداسینی تاثیر^۱.

«بشیر آینه» نین اطرافیندا توپلاشان یازچی و شاعرلر او گونون ان آدلیم و یورولماز قلم صاحب لری ایدیلر. اولار اوز اثرلری ایله یئنده آذربایجان ادبیاتینین یوکسه لیشی اوغروندا یورولمادان چالیشیردیلار. «حبیب ساهر»، «گنجعلی صباحی»، «بهزاد بهزادی»، «سهند»، «آلاو»، «صدر حقیقی»، «هاشیم ترلان»، «مظفر درفشی»، «علیقلی کاتبی»، و «باقر دیانت» (روزنامه نین ایتمیتاز صاحبی و مسول مودی

اوستاد بهزاد بهزادى - «بشير آينده» نين باش كاتىبى - او دؤور مطبوعاتين اهميتى حاقدا بير موصاحيه سينده بئله سؤيله ئير:

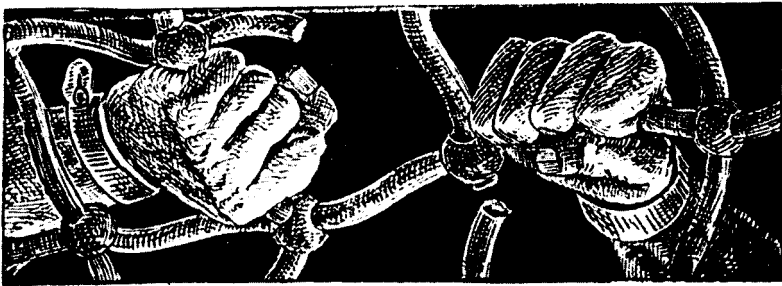
«شاهلىق اوردوسونون آذربايجانا يوروشوندىن سونرا، آذربايجان ديلينده روزنامه نشر ائتديرمه نين سىياسى و تاريخى جهتدن چوخ بؤيوك اهميتى اولدوغو حالدا، آذربايجان دىلى نين اينكىشافى، يازيچى و شاعيرلىرى نين بو بؤيوك ايشه قاتىلماسى چوخ اوغورلو اولدو. او دؤور آذربايجان ديلينده كى مطبوعات، ايستعدادلار نين تاپىلماسى و يىنى - يىنى شاعير و يازيچى لار نين تربيه لنمه سينده بؤيوك بير مكتبه چئوزيلدى. او دؤوردن قالان قلم صاحىبلرى بوگونده ايختيارلىق چاغلار نىنى ياشاماق لار نىنا باخمائاراق يىئنده سئوينچ و محبتله آنا ديلمى زىن چيچكلنمه سى اوغروندا يوزولمادان چالشيئيرلار.*

آذربايجان دشمنلىرى، آذربايجاندا حكومت سوركه دن كئاره توپولما ليديرلار .
 آذربايجان صلح سه ولىرى، نوزشبر دوستانه فعاليت لر ينده آزاد اولما ليديرلار .
 كرك آذربايجان نين مدنيتى و آنا دىلى آزاد اولسون .
 آذربايجان نى قانى ايله سويلش دموكراتيك آزادليقلار : دىل قلم، اجتماعات، عزبلر و سئيكالار آزاد
 آذربايجان نو ككه سينده برقرار اولما ليدير .
 آذربايجان زحشكش لرى عالمه لر نى سفا ليه سوق ايتديره ن ايش سيزلگين ريشه سى يانديرلما ليدير .
 كرك آذربايجان نين زحشكش كندىلىرى، اور تا عصر لرا ناريذان قورتمار سينلار .
 آذربايجان نين صنعت و تجار تى رونق و ترقى تاپما ليدير .
 آذربايجان نوز سر نوشتنده دخالت اتمكه حلى اولما ليدير .

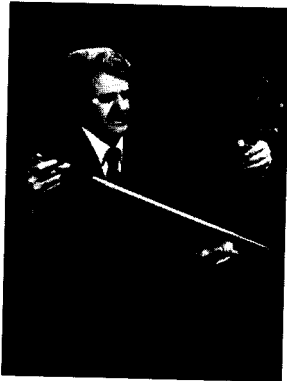
«بشير آينده» تكهجه تهراندا دنئيل، آذربايجان نين بير چوخ شهر و كندلرينده يايئيلمغا باشلائيئر و آذربايجانلى ئىئندهه اؤز آنا ديلينده حاق سسى نين اوجالماسينا شاheid اولور. روزنامه نين بئله گئنىش صورتده يايئيلماسى، آذربايجان خالقينا دايئر فاجيعه لر توره دن حاكيم دايئرهلر و حشسته سالىئر. قارائلىق سئوه ن پهلوى بايقوشلار ئى، اونلار نين يئرلى و تابانجى نوكر و اربابلار ئى شوعله لر

ساچان و هر بير آذربايجانلى نئين اۆره يينه حرارت بخش ائدن بوگۆر اوجاغى سۇندورمك ايسته يئرلر. روزنامه نين ساتيش يئرلىرى مۆختليف هۆجوملار معروض قالىر، اونون اطرافيندا فعاليت گۆسترلر تعقيب ائدليلر. امما «بشير اينده» نين تجروبه لى كادرلارنى يىنى شرايطى نظره آلاراق، بۆيۆك بير فداكارلىق و مهارت له ان آغير و دهشت لى شرايطده روزنامه نين اوجاغينى گۆر ساخلا يئرلار...

بيز آرتيق «بشير اينده» نين آغير و قارانلىق گۆنلرده قالديرديغى مشعلين ايشيغينى گۆنومۆزده نشر اولان آنا ديللى مطبوعاتين صحيفه لرينده ساچيلماسينى گۆرۆر و اونون حرارتى نى حيس ائديرىك. دنمه لى بو گۆن «بشير اينده» (كله جه نين مۆزده سى) ۵۵ ايللى يينه دؤغرو آديم لايىئر....



اسارت زنجيرلرينى قيران آذربايجانا عشق اولسون!



کامانچا اوستادی علی فرششاف

ایله

موصاحیبه

مجید تیموری فر (صفا)

• مؤعلیم، بسته کار، کامانچا اوستادی شرقی آذربایجان تلوویزیون ایداره‌سی‌نین موسیقی بیرینجی بشین‌الخالق آذربایجان موسیقی شمشیناری‌نین دبیری. شرقی آذربایجانین موسیقی انجمنی‌نین سنجیلیمیش مؤدیرلر قروپونون عوضو و علمی مؤدیری کامانچا، ناغارا، رقص و آشتیق موسیقی صستی‌نین علمی‌لشمه‌سینده چالیشان. بیر صنعتکار دیر اثرلر: «گنجه‌دیر، باخ گنجه‌دیر»: بو ماهنی‌نین شمری «نیما یوشیج»- دن دیر و «صمد بهرنگی» واسیطه‌سیله آذربایجان دیلینه چتوریلیمیشدیر. «صوبع نامازی»: شمری د قبه‌زین جناب‌لاریندان دیر (ایلک دغه کاظم ارسی و سونرا ایسه یعقوب ظروفچی واسیطه‌سیله ربوب). «صوبع ماهنی‌سی»: شمری اوستاد حبیب فرششاف-ین دیر. «سهنده‌یه»: شمری اوستاد شهریار-ین دیر. «گوزدن آتدیم بو جهان‌سی»: شمری اوستاد شیدا و «آمان آئی ناخوده» شمری هاشیم ترلان جناب‌لاری‌نین دیر و نتیجه- نتیجه گوزله ماهنی‌لار کی، اونلارین بیر حیصه‌سی اوشاق‌لارا عاییددیر. «کامانچا مکتبی» آدلی ایکی جیلده اثرین مؤاللیفی دیر کی، بو گونلرده چاپا حاضرلانتیر.

تیموری فر: اوستاد لوطفن یزه اوز حیاتینیز وایشینیز حاققیندا قیسا بیر معلومات وئیرین.

۱۳۳۰-نجی گونش ایلی تبریزین باغ‌میشه آدلانان محله‌سی‌نین حاج هاشیم کۆچه‌سینده بیر هونر سئوهر عائيله ده دؤغولوب و ۵ یاشیندان توتک چالماق ایله هونر دؤنیاسینا داخل اولوب و کۆچه‌میزده عؤموم اوچون قویولان سو شیرینی‌نین چئوره‌سینه سو قاب‌لارین دؤلدورماق اوچون توبلاناتان هونر سئوهر قادن‌لارین ایسته‌ینه گۆره اونلارا بیلدیریم قدره چالیب و آلقیش‌لاندیریم. ۱۱ یاشیندا تبریزین آدلیم اینجه‌صنت اورتا مکتبینه داخل اولوب و تحصیله باشلادیم، علمی موسیقيله تانیش اولدوم. بو گونکۆ تانیتمیش موسیقی اوستادلاری‌نین بیر نتیجه‌سی، او جؤمله‌دن سیمفونیک اورکستری رهبرلیک ائدن اوستاد «وحید‌آذر» ایله بیر صنیف‌ده اوخویاردیق. او دؤورده اوستاد خیرخواه-ین فلوت کیلاس‌لاریندا، هابئله ترومپست و ستور کیلاس‌لاریندا دا ایشتیراک ائدیب و ۹

ياشيمدان اوستاد بيججه خانى ايله راديؤ وثريليش لرينده فلوت چالارديم. سونرا ويناالون سائى ايله تانئش اولوب، عئلمى و كيلاسيك شكيلده اؤيزه نمه ته باشلاديم. هابئله رقص اوصول لارئينى فيلم لردن چتين ليكله گؤتورؤب و يولداش لارئما اؤيزه ديرديم. عئينى زاماندا سولفتزى و نظريته سىنى عئلم لرين اوستادى على محمد رشيدى دن اؤيزه ندیم. او دؤزؤن موسيقى مجلس لرينده ايشتيراك ائديب و تانئيمئش اوستادلار: او جؤمله دن عزيز روتق زاده، عبدالحسين يزدانى، جواد الوندى، قاسم پور، خانئيم زرگرى، ميمى بيججه خانى و باشقالارئ ايله تانئش اولدوم. ۱۳۴۵-نجى ايلده ناخچيوان شهرينده كؤنشرت اؤچون گئدهن اورتا مکتبين قروپوندا ايشتيراك ائديب و بير گنج ويناالون چالان كيمى چيخئش ائتديم.

تيمورى فر: دئمك، سيز بؤيؤك هؤمت و گؤجلؤ ايستعمدا ماليك اولان بير اينجه صنت خاديمي تك، چؤخ گنج ياش لاريندان گؤزه چارپان و ديرلى ايش لرله مشغول اولوب سونوز. ايسترديم بو حاقدا داها دا آرتئق معلومات وئره سينيز.

«خانه پيشاهنگى»، «خانه جوانان» و «كاخ جوانان» اؤركنستر و رقص قروپونون (۱۳۵۴-۱۳۴۴)-نجى ايل لرده باشچى سئ كيمى ايشله ميشم و او دؤزؤن «موسيقى ايران» فئستيوالى و دؤشركه يارئش لارئ نئين بيرينجى مقامئنى اله گئيرمئش و اورمئيه تئلؤيزيؤن ايداره سى نين آچئيلئش مراسيمينده رقص قروپ لارئ ايله ايشتيراك ائتمئشم. ۱۳۵۴-نجى ايلده خؤصوصى موسيقى مکتبى قورماق اؤچون «فرهنگ و هنر» ايداره سينه مۆراجيعت له كيلاس لار اؤچون يئر ايجاره ائتمئشم. لاکين اونلار چؤخلو مانيعه لر توره ديب، قؤنمادئلار، چؤنكى آذربايجان موسيقى سى نين يائئيلماسئنا راضئ دئئيلىدلر و بيز ايسلامى اينقيلاب دان سونرا ۱۳۶۸-نجى ايلده بو ايسته ته نائيل اولدوق. ۱۳۷۱-نجى ايل دن بير بؤيؤك اؤركنستر قورماق اؤچون چالئشئيب، ۱۳۷۳-نجى ايل «۲۹ بهمن» سينما سالؤنوندا اون گؤنلؤك كؤنشرت قؤندوق.

تيمورى فر: اوستاد، آذربايجان موسيقى سى نين كؤكؤ آدلانان موغام لاريمئز و اونلارئن ديرلى و اينسانليق مکتبئنه عاييد اولان معنوى ديرلريندن و سجيئه لريندن اثرلريندن دانئشئين.

موغام لاريمئزئن تاريخى چؤخ اسكى زامان لارا قايتئدير. تأسؤف كى، بيزيم اؤلكه ده بو حاقدا تدقيقات ايشى ابارئلمائئيب. يالنئز ۱۳۸۱-نجى ايلده چاپ اولونموش پروفئسؤر رافيق ايمرانى-نئن ديرلى كيتائيندا كى، سئين [تيمورى فر] هيئتئن له بيزيم اليغباتا كؤچؤرؤلؤب، بير پارا ديرلى معلومات لار و اردئر. من بو حاقدا دا بير امكداش كيمى اؤز ميتئدارليغئيمئ سيزه بيلديريرم.

موغام لار اؤزله ليكلر باخئميندان بير-بيرى ايله فرق لنئر. مثئن، «چارگاه» دا اولان جنگاؤزليك روحيته سى، «شور» دا يؤخدور. هر بير موغام اؤزؤ سجيئه داشئيشئر و اونا گؤره ده اونلارئن بيچيم دئيشديرمك يئرلى اولماز. لاکين هر كيم اؤز اؤره ئى و دويغولارئنا گؤره موغامئ ايجرا ائدهن و اخت يئنئ خال و بزه كرله چالئيب-اؤخوئا بيلير. دئمك اولار كى، اونلارئ وارئانت لاشدئيرماق؛ مثئن، ايكى

ایفاچی-نشین اوخونوب- چالدىغى «راست» موغامى اۇنلار ئىن احساس لار ئىشنى عشقنى اولمادىقلار ئىنا گۆره فرقلی دیر.

حتا موغام لار ئىمىز ئىن «ايرانى» دستگاه لار ئى ايله فرقى لحن لردن آسلىلى دیر، لاکین آذربايجان موغام لار ئى چۇخ قديم زامان لاردان اوخونوب و اينکشاف اندیب، خالیص لشیب دیر. هر موغام ئىن سلسیله سینه داخل اولموش و اویغون سوز شۇعه و گۆشه لر آزاد اولوب و اۇنلار زامانلا اویغونلاشماق اولماق اوچۇن و اخت باخیمیندان دا قیسالمیشلار.

آذربايجان موسیقی سى اۇزۇنه مخصوص سئکانسیئالار مالیک اولدوغونا گۆره ده باشقا موسیقی لردن فرق لیر و بو خصوصیتته گۆره ده راحت لیقلا اؤیره نیلیر. مثن، بیزیم موغام لار ئىن متنیده جۆر به جۆر «رنگ لر»، «دیرنگی لر» و «تصنیف لر» واردیر. بونلار موغام سئوه لر اوچۇن دیرلی تأثیر لر بوراخیر و یورغونلوغا ایمکان وثر میر.

تیموری فر: بیر نچه ایل اۇنجه رحمت لیک اوستاد سلیمی-نن تار ايله ایفا ائتدی و ضبط ائتدی آذربايجان موغام لار ئى - کى، سیزین یاردیمینیز ايله نوتا کۆچۆرۆلمۆش و چاپا حاضیر لانمیشدیر- چۇخ تأسؤف کى، بو گونه قدير الله اولماييب؛ سببی نه دیر؟

من اوزون مۆددت ایشله ییب و نوت یازى لار ئىنى حاضیر لایانندان سؤنرا کاسئت لرله بیر لیکده تهران داکى «سروش» نشریاتینا تاپشیردیم. اۇنلار چاپ ائتمک اوچۇن بیزیمله قارار گلدی لر، لاکین بیلیمز عیلت لرله گۆره بو گونه قدير هئچ ایش گۆرۆنمه ییب و اوستاد سلیمی و منیم ایکی ایل دن آرتیق بو حاقدا حصر اولونموش امک لریمیزین حاصلی «سروش» مؤسسیسه سى-نن آرشویینده ساخلانیش لیب دیر.

تیموری فر: اوستاد، سیز بیر قایغى کشش موسیقی مؤعللیمى کیمی یورولمادان چالیشیب و چۇخلو صئجی لر یشتیدیر یب سیزین. اۇنلار ئىن بیر نچه سى بو گۆن یولونوزون داوامچى سى دیر و یا دۇنيا سؤیته سینده تانیتمیش بیر موسیقی اوستاسینا چۆر یلمیشدیر. بو حاقدا سؤزۆنۆز وار.

۱۳۶۸-نجى ایل موسیقی مکتبى نى قوران زامان، طلبه لر اوچۇن سیستما تیک شکیل ده اؤیره تمک اوچۇن قارار گلیب و سولفتز کیلاس لار ئىنى برپا ائتدیم. ۱۲۰ نفره یاخشین اؤیرنجى ايله قارشى لاشدیم. اۇ جۆمله دن: حسن انعامی، یاشار شادپور، افشین علوی، صابر مهارتی، محمد طراح، آیدین کاشف، دورنا و سونا مارال و باشقا لار ئى بو درس لری کئچیر میشلر.

تیموری فر: سیزجه بیر موسیقی خادیمی نه خصوصیت لرله مالیک اولمالی دیر؟

اۇنلار موسیقی فلسفه سینى بیلیب و موسیقی ایفاسى-نشین دۆز یول لار ئىنى اؤیره نیب، یورولمادان چالیشیب و گۆزله اخلاق اۇزه لیک لرینه مالیک اولماقلار ئى چۇخ اۇنملی دیر. موسیقی هۆنرستانى تبریز شهرینده یئنى دن قورولماسى ان و اجیب مسله دیر، چۆنکی حاجى بی-اؤن، قارا قارا ئیو، فیکرت امیرؤن، نیازى، ا. کیمی داهى بسته کارلار ئىن یارانماشینا گۆجلۆ مکتب لر اولمالی دیر.

تیموری فر: اوستاد، سیز ایلک دفه اولاراق، کامانچا اوچون انتودو، آشیق موسیقی سینه نوت یازی لاری و رقص هونری اوچون عثلی مشودلار حاضیرلاییش سینیز. ایستردیم بو حاقدا و رحمت لیک قارداشینیز محمد و اونون موسیقی یولوندا چالیشمالاریندان صؤجت انده سینیز.

کامانچا انتودو حاضیرلاماق اوچون باشقا سازلار حاققیندا مؤوجود اولان مشودلاری تدقیق اندیب، هابئله قارداشیم محمد، صمد نیک نفس و مراد آقایی نین یاردیمی ایله رقص و ناغارا اوصول لارینسی حاضیرلاییش، آشیق موسیقی سی نین عثلی لشمه سینه چالیشدیق، چونکی من آشیق لارین سازینا چوخ وورغونام.

تیموری فر: بیرنجی بین الخالق آذربایجان عثلی - بدیمی موسیقی سمنیاریتاسی کی، ۱۳۸۱-نجی ایل سیزین باشقانلیق و بیر چوخ گؤرکملی اوستالارین هومت لری و بیر سیرا دؤلت اورقان لارینین یاردیمی ایله تهران شهرینده کنجیریلدی، آذربایجان موسیقی تاریخینده بؤیوک و دیرلی بیر حادیه ساییلیش. اونون بارسینده نه دینه ییلسینیز.

نشه کی، اوزونوزه معلوم دور، ایرانین چوخلو شهرلری، هابئله آذربایجان جمهوریتی و خاربیجی اولکهلردن ایشتیراكچی لار اولموش و بو تویلومدا ایجرا اولونان موسیقی و دیرلی مقاله لر، گؤرؤشلر موسیقی اینکیشافیندا بؤیوک رولو اولموشدور. من بو یولدا چالیشان امکداش لارین هامی سینا اوز میتداریغیممی بیلدیرمک ایسته ییرم و ایکینجی موسیقی سمنیاریتاسی نین قورولماسی حاقدا مباحیثه لر و چالیشمالارا اوزونوزده شاهید سینیز.

تیموری فر: اوستاد، سیزجه ویتالون، ویتالون سل، آلت، کوتتراباس آلت لری نین کامانچا ایله فرقی نه دیر؟ اونلارین بیر عایله یه منصوب اولماسی دؤزدورموز؟

قدیم یازی لارا گؤره کامانلی آلت لر چین و هیندوستان دان آوزروپایا یول تاپیب، اورادا اینکیشاف ائتمیش «ویتالون» شکلینه دؤشموشدور و اونلار بیر عایله دندیر. یالنیز فرق لری زیر - بم لیکده اولور. کامانچا موغام ساحه سینده چوخ ایشله نیر، لاکین ویتالون دوتیا سوییه سینده تانیتمیش بیر سازدیر و اورکستر آلت لری نین شاهی آدلانیر.

تیموری فر: بؤیوک و هونر سئوه تانری دان سیزین اوچون ساغلاملیق و ناییلیت لر آرزولاییرام، اوره کله اراملیق و ثرمک اوچون کامانچانیزدان سؤزه گؤزه ل نغمه لر داوام و دینله ییجی لرین روحونو یوکسک زیروه لره چاتدیرماق اوچون موسیقی میزه ظفرلر ایسته ییرم. چوخ ساغ اولون.

سیز ده ساغ اولون کی، موسیقی اینجه صتجی لرینی ائل لره تانیئتدیرماق اوچون یوزولمادان چالیشیر سینیز.

ئىلدار موغانلى

اۋلۇمدە ياشاماق

ھاۋا سۇيۇق،
شاختا كىگىن؛
نە اۋد
نە اۋجاق؛
تۈرپاغىمىن باشى قارا
اتەنى آغ...

گۈل سارالدى
سۈلدۈ
اۋلدۈ
ايزسىز، ائرسىز.

سەن
سارالمادىن
سولمادىن؛
اۋلۇ ۋەنلە ياشادىن-
گۈل كىمى تىمىز.



يارىش

دۈن
اۋرە يىمىلە يارىش آپاردىم
سەن چاتماق اۋچۈن،
قۇۋوشماق اۋچۈن؛
يوللار اوزاندىقجا، دالىدا قالدىم؛
سەن ال چاتماز اۋلدۈن،
اۋرە يىمىنى-
چىيىنىدە آپارىر اۋزۈيلە بوگۈن،
سەن چاتماق اۋچۈن،
قۇۋوشماق اۋچۈن.

دوغۇلۇش

سەن
اۋ گۈن گلدەن
اللىرىندە اولدۇز چلنگى،
اۋرە يىنىدە باھار حرارتى.
مەن
گلىشىنىلە دوغۇلدۇم
بىر قىزمار ايتتىظارىن
سۈكۈتۈ ايجىنىدەن.
نەقدەركى،
اللىرىنىن مۇھرىيان چۈلۈندە چىچىك
آچىر اولدۇزلار،
نەقدەركى،
اۋرە يىنىدە باھار حرارتى ۋار،
مەن سەن ايتاناچاغام
مەن سەن داياناچاغام.

زمانە

كۆز اوغلو نون مىصرى سى

قېن دا پاسلاناندا،

نبى نين آينالى سى

ديوارلاردان آسلاناندا،

دارا چكىلدى قۇچولۇق،

گۈللەلەندى قۇچاقلىق.

او-، ئلدى حمزە بۇيۇ،

اوجالدى ايپىش بۇيۇ

قوللوقچولۇق، آلچاقلىق!

يالان

يالان آياق توتوب يىرىش

آتلى، پىئادا.

هر اوّلچۇدە، هر بۇيادا

[آغىللى يالان

آغىللى يالان]

مۇعاصىرلىشىپ، مۇركىبلىشىپ يالانلاردا

گۈرەسن كىمدەدەر بونون گۇناھى؟

ساتانلاردا؟

آلانلاردا

ايستىك

من كى،

اوچماغا قاناد اىستەمىرم.

من كى،

دۇردنالا چاپماغا

يىتل قانادلى بىر آت اىستەمىرم.

نە قاناد

نە آت

يالىز

يالىز غۇمۇز پايىمدا

اينسان شائىنە ياراشان

بىر حىيات اىستەيىرم،

بىر حىيات.



هریسلی

میس گرلیک صنعتی آذربایجاندا

یازان: توغرول افندی یئنف
کوچوره: کاووس نصیری

قافقاز دؤنیاسی میقاسیندا زنگین میس معدنلری اولان چوخ قدیم مدنیت اوجاقلاریندان سائیلیر. الیمیزده اولان دلیل لر اساسیندا جساترله دئییه یلریک کی، بوتون قافقاز، او جومله دن آذربایجان میس ایستحصالینین ایلک مسکنلریندندیر. آکادمیک ب.ب. پافوتو ووسکینین قشیدینه گوره بو اراضیده میس ایستحصالینا بیزیم میلادان قاباق مین ایللیک ده باشلانمیشدیر.

میس باشقا فیلیزله نسبت داها ظریف و یومشاق اولدوغوندا خالق صنعتکارلاری اوندان مهارتله حیات و معیشت ده ایستیفاده ائدیلن مؤختلیف فؤرمالی و بزه کلی قاب-قاجاق و قشیری-انو اولدانیقلاری دؤلدیردیر.

کنچن عصرلرده یوردوموزدا اولموش اجنبی ستاح لار قشید ائدیبلر کی، آذربایجان شهرلری نین اکثریتینده خصوصی میسگرلر کؤچه سی وارایدی. اولارین ایش آلتلرینین مثلودیک سسینی هله شهره گیرمه میشدن اول ائشیتیمک مۆمکوندو. او قدر ده بؤیوک اولماتان بو میسگرلیک انعمالاتخانا لارینین هر بیرینده هم قاب-قاجاق دؤلدیلیر، هم بزه دیلیر، هم ده سائیلیردی. منبع لر گؤستریر کی، کنچن عصرلرده آذربایجانین: باکی، ناخچیوان، اوردوباد، گنجه، شاماخی، شوشا، شکی، قوبا شهرلری و لاهیج قصبه سی میسگرلیک صنعتی ساحه سینده خصوصی ایله گنیش شوهرت تاپمیشدیر.

هله صنعتکارلیغیمیزین تنزول دؤرونده، یعنی ۱۹-نجی عصرین اورتالاریندا تکجه لاهیج قصبه سینده یوز دوخسانا قدر میسگرخانا موجود ایمیش.

آذربایجان میسگرلرینین دؤزه لتدیكلری محصولار تکجه یئرلی طلبانی اؤدمکله کیفایت لنمیردی، بو اشیالارا باشقا یئرلرده ده بؤیوک ائحتیاج وارایدی.

۱۹-نجی عصیرده آذربایجاندا اولموش روس مأمورلارینین (س. بروئوسکی، ن. فلوروفسکی، و. لئفکوفیتس و ب.) وئردییی معلوماتلار گؤره آذربایجان میسگرلرینین دؤزه-لتدیكلری محصولاتلارا نه اینکی اثرمنستان، گؤرجوستان، داغیستان، حتتا بیر چوڭ شرق و قرب اولکهلرینده راست گلنیردی.

میسگرلریمیزین دؤزه-لتدیكلری اشیانین بئله گئیش شؤهرتی هئچ ده عبث یئره دئییلدی. چونکی اونلار عادی معیشت اشیالاری اولماقلا برابر، هم ده بدیعی صنعت عونصوری کیمی دیققتی جلب اندیردی.

دؤزه-لدیلن هر بیر معیشت اشیاسی نین فورماسی، اونلارین بزکلی و بو بزکلرین مضمونو میسگرلریمیزین قایل اوستا اولماقلا برابر، هم ده یوکسک بدیعی ذوقه مالیک اولدوقلارینی گؤستریر.

جمهوریت موزئیلرینده مؤختلیف عئلمی سفرلر زامانی آلئینیب گتیریلیمیش چوخلو میسگرلیک صنعتی نین نؤمونه لری ساخلانیلیر. اکثریتینی ده ائو اؤادانلیقلاری: جام، سرپوش، مجمعی، ساتیل، سرنیچ، آتافالئنه، حمام تاسی و س. تشکیل اندیر.

بونلار گؤزل معیشت اشیالاری اولماقلا برابر، هم ده اؤز دؤورونده آذربایجاندا رسمین، ناخیشین نه وضییتده اولدوغونو بیلدیرن نادیر صنعت نؤمونه لرینده ندر. بونلارین اؤزینده دؤز، اتری، سینیق خطلردن و اونلارین عمله گتیردیسی «اؤچ بوجاق» و «پاخلاوادی» (رومبدان) عیبارت، قدیم هنده سی ناخیشلارلا برابر، تدریجن موزککب «یاریاق»، «چیچک»، مؤختلیف شکیل لی «بوتالار»، قوش، حیوان و اینسان تصویرلرینه تصادوف اندیلیر. بو قاب-قاجاقلارین ترتیباتیندا یازیدان دا مهارتله ایستیفاده اندیلیمشدیر عرب البفاسینین چتین حرفلری آذربایجان اوستالارینی الینده عادی بزک عونصورلرینه چئوریلرک دئمک اولار کی، هر بیر قاین بزه یسینده ایشلنمیشدیر. بزکدن باشقا بو یازیلار هم ده قیمتلی تاریخی مأخذلردير.

ملن، لاهیچ قصبه موزئیسینده ساخلانیلان چوڭ نادیر بیر سیماوار اؤستونده صاحیبی حاجی بابا و ایش: نجف قولو» هیجری ۱۱۳۰-جو ایل (یعنی ۱۷۱۷-جی ایل) سؤزلرینین یازیلشی، تاریخ موزئیسینده مؤحافیظه اندیلن گؤزل بیر نیمچه اؤزینده ایسه ایکی میصراع دان عیبارت بیر شعره راست گلیریک.

«حاققیندا یازیرام، ائی روزیگار،

من اوله رسم، خطیم قالسین یادیگار».

قشید اولونان بو یازیلار میس قابلارین اؤزینده اساسن ایکی تشکیکی اؤصولدا ایجرا اندیلیردی: دؤیمه و جیزما. بئله ایشلرله خوصوصی اوستالار «حکااکلار» مشغول اولوردولار کی، بو دا میسگرلیکده امک بؤلگؤسؤنؤن اینکیشاف ائتدیشینی گؤستریر.

منبع لر گوستریر کی، کتچمیش عصیرلر ده آذربایجان شهرلرینین بعضی لرینده میسگرلرله یناشی
میس قابلارین اؤزه رینده بزک آچان قراوؤر محلله لری ده اولموشدور.

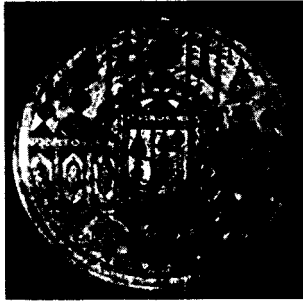


«میس آفتانا»

۱۷۴۵-جی ایلده شاماخیدا اولموش خاریجی اولکه سییاحی م.ئ. لرخین بو حاقدا وئردیشی
معلوماتلار خوصوصیله ماراقلیدیر. او یازیر کی،... «شاماخیدا خوصوصی قراوؤرلر محلله سی
واردیر، اؤزا بیر چوخ یئرلردن حاضیر میس قاب-قاجاق گتیریب اؤزینی بزه دیرلر». قاب-
قاجاق اؤزینده حک اولونان بزکلر اشیانین فورماسینا و حیثات دا نه مقصدده اوغون اولراق
ایشله دیله جه یینه اوغون شکیلده تطبیق اندیلیردی. بیر سؤزله، اشیان اؤزینده کی هر بزک عؤنصور و
ترکیب لری قابین شکیل و مضمونو آچماغا کؤمک اندرک، اونون آیریلماز بیر حیصه سینا تشکیل
اندیردی.

بو باخیمدان ۱۸-نجی عصرین یادیگاری ساییلان یوخاریدا قئید ائتدیشیمیز میس سیمووار
خوصوصیله دیققتی جلب اندیر. هؤندورلویؤ ۵۹ سانت، چئوره سی ۸۴ سانت، دیامتری یس ۱۸
سانت اولان بو سامووارین اؤزه رینده نیسبتن قاباردیویرلیمیش گؤل-چیچک ناخیشلاری ایله یناشی
حئیوان، بالیق، قوش و اینسان تصویرلری حک اولونموشدور. جانلی تصویرلر سیمووارین
گؤوده سینده ائنلی قورشاق آراسیندا وئریلمیش، نباتی و هنده سی ناخیشلار ایسه آشاغی و
یوخاری سطح لری دؤلدورموشدور. قورشاق آراسیندا وئریلمیش شکیل لر خوصوصیله ماراقلیدیر.
بورادا قول-قولا وئریب دایانمیش اوزون بیغلی بیر گنجین صورتی تصویر اندیلیمیشدیر. بوندان
علاوه قورشاق آراسیندا باشینی گئری دؤندریب ایتی حرکت له قاچان جئیران، قاز شکیل و
ساقاقلی دایره ایچهریسینده قادین صیفین آندیران دایره وی گؤنش شکی وئردیر. قئید اولونان
تصویرلری ظریف نباتی ناخیشلارلا حاشیه لنمیش تاغلار ایچهریسینده وئریلمیشدیر. سامووار
اؤزه رینده حک اندیلیمیش ناخیشلارین اکثریتین بیز آذربایجان ائل صنعت لری نین بیر چوخ
نوع لرینده راست گلیریک. بورادا خوصوصیله حاشیه لنمیش تاغلار آراسیندا هؤندور ظریف سرو

آغاچلارنى اۆز بدىعى اۆسلوبو ۋ توكىبلارنى گۆره بۆتۈنلۈكلە شكى خان سارايسىنداكى دىۋار بزه كلرىنى خاڭىرلاڭىر.



«مىس مجمعه»

مىسگرلىك صنعتى نۆمۈنەلرىمىز آراسىندا نادىر حاللاردا دا اولسا مىنا ايله بزه دىلمىش قابلاردا راست گلىنىر. باكىدا آذربايجان دۆولت اينجه صنعت موزئىيىندە ۋاختى ايله لاهىجدا آلئىنىب گتىرىلمىش چۇخ نادىر بىر مىس قازان ساڭلانماقداڭىر. قازانىن گۆۋدسى آغ، فىروزە ئىسى ۋ ياشىل رنگلى شىفاف مىنا ايله بزه دىلمىشىدۇر. بىزكلر گۆل-چىچىك رسمىندە ۋ اۆنلارلا گۆزەل ۋىحدەت داشىئان عرب الڧباسى ئىن نىستعلق خطلى يازىلارنى ايله تشكىل ائدىلمىشىدۇر. مىس قازانىن گۆۋدىندە دالغا ۋارى بىر كۆمۈزىسىنىدا آردىچىل تىكرار اولونان بو رنگارنگ بزه كلر قابى عادىچە بزه ئىب اۇنا گۆزەللىك ۋ تىرمىكەلە كىفايتلىنىر، ھەم دە تاماشاچى ئىن گۆزۈ قارشىسىنىدا دىنامىك ھركەت ايللۇزىيىسى ياراداراق قابىن فۇرماسىنى اۆزە چىخاڭىر.

تصادوفى دئىشلىكى، بو گۆن بىر چۇخ موزئىلردە نۆمايش ائتىدىرىلن بدىعى مىسگرلىك صنعتى نۆمۈنەلرىمىز لاهىج ايله باغلىڭىدۇر. لاهىج ۱۹-ئىچى عصىردە آذربايجاندا ان ايرى مىسگرلىك صنعتى مەركىزلىرىندە اولموشدۇر. ھتتا سۇنرالار باكى، لىكران، گىنجە، قازاخ ۋ س. ئىرلردە فعالىيىت گۆسترن مىسگرلىرىن دە اكترىيىتى لاهىجلىلار ىدى.

لاكىن چۇخ آز آدم بىلىرىكى، موزنىلرىمىز ياراشىغى سايىلان بو بدىعى قاب-قاجاقلار لاهىج صنعتكارلارنى طرفىندە چۇخ آغىر ۋ چتىن شرايط لردە يارادىلىرىدى. بونون سىببلىرىندە بىرى لاهىجدا خاممالىن اولماماسى اىدى.

لاھىجا مىس بۇرچالىدان، گىنجەدن، گەدەبەنى ۋ آلالە ۋ تىردى مىس مەدنلىرىندە گتىرىلىردى. لاهىج قەبەسىنە مىس ۋ دىمرىن باشقا ئىرلردە گتىرىلمىسى ھاققىنىدا خالىق آراسىندا بىر سىرا ماھىتىلار اۋخونۇر. اۆنلاردان بىرىندە بىلە دئىشلىرىدى:

بیز گئدیریک ایکیمیز،
دمیر میسدر یۆکۆمۆز.
گیردمانلا گئده-گئده
یورغون دۆشور آتیمیز.



«سروش»

یئرلی اوستالارین وئریدی شی معلوماتا گۆره تخمین ۷۵-۱۸۷۰ جی ایللرده یاشامیش اوستا مشدی حۆسئن مشدی انیبالئ اوغلو ۴۰ گۆن مۆددتینده هر گۆن ایشدن گلرکن اللرینی انینی بیر تاسدا یوتوردو. سؤنرا ایسه تاشین دیینه چۆکمۆش میس تۆزلارینئ ییغیب یئشیدن ایشلمک اۆچۆن اریدردی. ائله بونون سبب بندن ده یئرلی صنعتکارلار یاشاش-یاواش میس چیخاریلان یئرله کۆچهرک ائله اورادا دا یاشاییب-یارادیلار.

چۆخ اوزاق کئچمیش لردن توتموش ۱۹-نجی عصرین آخیرلارینداک خالقیمیزین حیات و معیشتینده گئیش ایستیفاده اندیلن میسگرلیک صنعتی نۆمونه لری بیر چۆخ تاریخی سببلرله باغلی ۱۹-نجی عصرین اووللرینده اوز اهمیتی نی ایتیره رک، تدریج فابریک و زاوودلاردا دۆزلدیلیمیش کۆتله وی خارا کتر داشتیان بسیط فورمالئ قاب-قاجاقلارلا عوض اولونور.

حاضیردا بیر چۆخ دۆنیا موزئی لرینده و ائله جه ده شخصی کۆللکسییتالاردا صنعت اثری تک مۆحافیظه اندیلن عنعنه وی میسگرلیک صنعتی نۆمونه لریمیز کئچمیش دۆزلرده یاشامیش خالق اوستالاریمیزین مهارتینی آشکارلايان توتارلی دلیل اولماقلا برابر مۆعاصیر صنعت کارلاریمیز اۆچۆن زنگین ایرنه چنوریلیمیشدیر.

حافظ

يوسف گمگشته باز آيد به کنعان غم مخور
ایتمیش اول یوسف گلر کنعانه، کنعان چکمه قم

چنوزیرن: میر صالح حسینی (ص. سولماز)

ایتمیش اول یوسف گلر کنعانه، کنعان چکمه قم
حۆزن انۆین آنجاق اولار بیر گۆن گۆلۆستان، چکمه قم!
قملی کۆنلۆم یاخشى اولار حالین، اۆمیدین اۆزمه گل
کیم تاپار سئوئالی باش آخیردا سامان چکمه قم.
عۆمر-ی یازیندا اونا اولسا چمن اۆزره یئنه،
چتر-ی گۆل آلتیندا انی قوش خوش اوخورسان، چکمه قم!
بیز سئون تک دۆنمه دیسه نئجه گۆن چرخ-ی فلک
بیل کی داییم بونجا قالماس حال-ی دۆوران، چکمه قم.
گیزلی سیر اۆچۆن دئییل سن واقیف، اولما نا اۆمید
پرده ده گیزلین اۆیونلار وار، نۆمایان، چکمه قم.
انی کۆنۆل سئیل-ی فنا یئخسا کۆکۆندن وارلیغین
چۆن سنه نوح اولدو کشتی-بان-ی توفان، چکمه قم.
کعبه شوؤقیله بو چۆللرده آتیرسانسا قدم،
طعنه لر وؤرسا سنه خار-ی مۆغیلا، چکمه قم.
دۆزدۆ منزیل قۇرخولو، مقصد ایسه چۆخدور اوزاق-
یوخ ائله بیر یۆل کیم اولماسین قورتاران، چکمه قم.
یار فراغیندا، رقیب جوؤروندا، نولسا حالیمیز-
جوؤمله سین بیلیمکده دیر خلاق-ی صۆبحان، چکمه قم.
«حافظ»، ظۆلمت گئجه ساینخینلیغی، فقر عۆزلیتی
اولدوسا ویردین دوعا وؤ درس-ی قوران، چکمه قم.

ناصر داوران

پنچیلٹی

دریر قولاغیم
قوزو مله شمه سینه بله نمیش
توتک سسی نی
بوش دوران چول لرده.
جیلئیز بوداقلی بیر قوش اوزومو.
داش اوستونده یابیلیمیش کرتکله یه
پنچیلدا ییشیر:
هنج بو ایل خبر- اثر اولمادی
خان چوبان دان!



نه دئیم؟

یشل اسدی کجه چیریشیر قاپی.
کلیم سیز، گلدیم سیز اوزین
قاپی نه یینه گره ک دیر؟
دیوارلار آغلا ییشیر
اونودولماز، های- هارایلی چاغلارا.
سازمین تئل لرینده جو جره ن نغمه لر
دیواردان آسلیب
توزلو قاب ایچینده.

قوش یشره دوشنده

بیر قوشون قانادیندان
اۆره ییم
داملا
داملا
دامدی تۇریاغا.
قوش یشره دوشنده.
اۆره ییم اولموشدۇ.

حسن ايلديرىم

گۆللەلەنن ايلغىم لار

گىجەلر اوزون
گۆندۆزلر گۆدە
يۇل لار بۇزارىر گۆنۆ- گۆندن
ايچىمە چكىلىپ
بۇتلاشىرام
آرخاينا
اۋنە
بىر عۇمرۆن چىيىنىدىن:
ياخشىن لار اوزاق لاشىر
اوزاق لار ياخشىن لاشىر
كۆز گۆنلرىن ايشىغىنىدا
گۆزلرىم سىچىر
گۆنەرن قوم لارى
گۆللەلەنن ايلغىم لارى.
گۆنلرىن گۆنلۆيۆنۆ
ايل لرىن ايل لىشىنى
يۇل لارنىن يۇل لوغونو
اۋز رنگىنە بۇتايىش
دويفولارىم!



اۆرەيىمدە آرقان گۆنلر

گۆنش دۇغور... گۆنش باتىر...
گىدەر- گىلمز يۇل لارنىدا ايتىر گۆنلر.
اۆرەك دۇيۆر... اۆرەك چارپىر...
حياتىمىن يۇل لارنىدا، ايتمەمىشدىن بىتىر گۆنلر.
گۆنلر كىچىر- باش دان كىچىر
زامان كىچىر- ياش دان كىچىر:
بۇھرەلىر خاطرەلر ايتىن گۆنۆن ايزلرىندە
چىچىك آچىر آرزولارىم آچان گۆنۆن
گۆزلرىندە
باش آغارىر، ياش چۇخالىر
اۆرەيىمدە آرتىر گۆنلر... آرتىر گۆنلر...
هەلە دىر كى...

سن
منە
هانسى گۆزلە باخدىن كى،
بىلە اۋوسونلاندىم!
سن منى
هانسى گۆزلە ياخدىن كى،
بىلە تۆستۆسۆز ياندىم!
يىشل لرى اسدى
ايل لرى كىچىدى
يانان لار سۇندۇ.
اۋوسونلار آيىلدى.
آنچاق

من
هەلە دىر كى، اۋوسونلۇيام
هەلە دىر كى، يانئىرام!

باری؟



(آشیق جونون)

چکیل گۆز اؤنۆمدن انی کیرپیکلریم
قوی گۆزۆمۆن یاشی تۆکۆلسۆن باری!
چاغیر حکیم گل سین، چاغیر آی هارای،
سینه مین یاراسی، تسکیل سین باری!

نه قدهر ای تیظار، نه قدهر آرزی،
نه قدهر گۆز گۆزه قال سین تامارزی،
قاتی قارانلیغین پوزولسون مرزی،
شفق، دان یتیریندن سۆکۆلسۆن باری!

«جنون» تللی ساری آل سینن اۆسته،
نه وار محبتین باغیشلا دوستا،
ویصال هاواسینی چال آستا- آستا،
شادلیق اۆره کلرده اکیل سین باری!

آذربایجان آشیق صنعتی نین ایستعدادلی
نۆماینده لریندن سایشلان، یارادیجی آشیق،
دۆکتۆر اکبر بزرگ امین (آشیق جونون)

جۈيۋان

سالور

اۋ، ادب دە، كامال دا، ھەر ايشى اۋز يۈرۈپ كەتسە، خانىن دۇرد نۇكرى نىن ايچىنە
ھامى سىندان ان اردملى و قۇچاغى ايدى. قەدى - قۇارەسى، ياراشىقلىق ھىيكللى، آلمان گۈزلى دە
اونون خوش اخلاقى كىمى ھامى نىن مەھبەتنى قازانمىشىدۇ. آسلان تىز دۈشۈن، جلد، زىرنگ و
ھامى تا مەھبەت اندەن بىر جاۋان ايدى.

چۆلدە جۈت سۆرەندە، اكىن درەندە، مال اوتاراندا، شارخا داشىناندا اونون يانئىقلىق - يانئىقلىق
گۈزەل سىيەلە قەرباغ شىكەستەسى اۋخوماغىنى ائشىدن مات - مەھبەت قالىب حەتتا يۈلدان كەچەن لىر
دە آتاق ساخلاپ قىيىپ قۇلاق آساردى:

عزىزىم سۇ داپاندى،

گۈل اولوب سۇ داپاندى.

دردىمى سۇتا دندىم،

اۋد تۇتدۇ سۇ دا ياندى.

يۈلداشلارنى دا چۆلدە، يۈرۈلەندەن سۇنرا اۋتوروب دىنچەلەندە اۋندەن اىستىردىلەر كى، اۋنلار
گرايلىق اۋخوسون. اۋ، چۇخ كەردەن، عابباس توفارقانلىق دان اۋخوتاردى:

دومان گل كەچ بىزىم داغدان،

بۇ داغىن لالا واختىدى.

باھار فصلى قار ايلنىمىز

بۇلۇلۇن بالا واختىدى.

□□□

من عابباسام بۇتۇ بىستە،

درد اليندن اولدۇم خىستە.

آل باشىمى دىزىن اۋستە،

آنامىن لايلا واختىدى.

اۋ، چۆلدەن قايتىدىن زامان خان ائۈيە يۇخ، سەردەن آخشامادىك گۈزۈ يۈلدە قالان و اونون
يۈلۈنۈ گۈزەلەين تەكجە آناسى نرگىز خالانىن يانئىنا كەندەردى.

آسلانىن قىشەرتىلە ايشلەمەينى و باشى آشاغىلىغىنى گۈرەن و گۈزەل سىيەنى ائشىدن
مەھبۇب خان دا اۋنا اۋز اوغلو كىمى مەھبەت يىتىرمىشىدۇ. گاهدان ھىرس لەندە اۋزۇنۇ اۋچ نۇكرىنە
توتاراق - اوغول آسلان كىمى اولار، اونون قاداسى سىزىن گۈزۈنۈزە دۈشسۈن - دىيەرەردى.

آسلاننىڭ ئۇ خانىنىڭ ۋە ئايرىلارنىڭ ئىچىنىڭ قازانماغىنى ئۇنۇن يۈلداش لارىنا آغىز گىلىپ،
 ئۇنۇن گىچىكىڭ چىكىپ ۋە ئۇنا سۆز آتىپ لاغا قۇتاردىلار. ئۇ دا ھىچ ئۇنلار باش ۋە ئىرمەيىپ ئۆز
 ايشىنىدە ئۇلاردى. ھەر دىردى دە ئۇلسايدى فقط ئاناسى نىرگىز خالايئا دىئەردى.
 باھارىن ئۇغلان چاغىنىدا باھار يىتلى تاراللارنى داغلايدىراند، بۆلبۆل لىر نىغمەسى ۋە لالەل لىر
 گۆۋى زىمى لىر اىچىنىدە چىقراق كىمى ئانان زامان آسلاننىڭ نازىك طبعىنى جۈشدرۇپ گرايلى
 ئوخوماغا باشلادى.

خودو ئۆزۈن ئوتۇپ قولاما - اىستەيىرم بو گدەيە بىر اىكى سىن چىكم، بو دا بو سسىلە خانىنىڭ
 ئانىنىدا بىزدن قاباغا كىچىدى. ئۇ نىچە دىئەلرلر «گىچ گىلدى، تىز ئۆي رەندى» - دىدى.
 خودو بىھانە آختارىدى آسلان لا ساۋاشسىن. ئۆزۈن ئوتۇپ آسلان - ادە، سىن دە آدىن
 قولايغىنا دىيىپ. چۈنچ ئۆزلىنىپ سىن، قولۇئا نىيە سۆرتۈشۈرسىن؟ ئۇ سىن تايىنىدى؟ ئۇنا پىس نظرىن
 ۋار؟ - دىدىكىدە آسلان بو سۆزدن ناراحات ئۇلۇپ دىدى:

- ادە، خىجالت چىك، ئۇ نە سۆزدۈر!
 خودو مۇحكىم بىر آغاج آسلان ۋوران كىمى آسلان جلد ئۇنۇن آغاچىنى آلىپ اوزاغا توللادى.
 بىر نىچە سىللە خودوئا ايلشدىرىپ ئۇنۇن آغىز - بۆرنۈنۈن قانىنى قاتىدى بىر - بىرىنە. خودو
 قايىدىپ قولام لا نە دانىشدىلار سا ماللارنى ئىغىپ ئۇنە سارنى قايىتىدىلار. خودو آغىز - بۆرنۈ
 قانلى گىلىپ خانىنىڭ ئانىنى - آي آغا ئۇ قەدەر آسلاننى بىزىم باشىمىزدا مېندىردىن، ئۇنۇن مېم كىچىك
 قارداشىمى پىس نظرى ۋارىدى، مېنى دە گۆر نە گۆنە سالىپ - دىدى.

خان باغىرىپ - مۆمكۆن دىيىل، آسلان ئىلە ئۇغلان دىيىل - دىدى. خودو دىدى:

- اگر مېم سۆزۈمە اينانمىرسىز، قولام دان سۆرۈشۈن.

خان قولامنى چاغىرىپ - ادە، خودو نە دىئىر؟ دىدى.

قولام دىدى:

- خان دۆزدۈر، خودو ايله من، بو گۆن چۆلە گىلىش اوشاغى زۇرلا آسلاننىڭ لىندىن آلدىق.

خان بىر آرناراحات حالدا قۇچىلىنى چاغىرىپ دىدى:

- ادە، سىن نە گۆردۈن؟

قۇچىلى بىر بو ئانا باخىپ بىر ئۇ ئانا دىدى:

- مېن بىر زاد گۆرمەدىم. بۇنلار مەن دىدىلر. مېن آسلان دان ايندىيەك پىس بىر ايش گۆرمەيمىش.

نە دىيىم، بشرى تانىماق اولماز.

خان ئىغىلارنى چىيەنە - چىيەنە - آسلاننى چاغىرىپ بۇرا - دىدى.

آسلان ئىتتىشىپ سالام ۋىردى.

خان دىدى:

- زەر سالام، چۆر سالام. ادە، مېم چۆرەيىمى ئىدىن قودوردون، بو نە ايشىدى گۆردۈن؟

آسلان بىلمەدى نە دىيىن. تېرەيە - تېرەيە دىدى:

- آغا نە ئۇلۇپ؟

خان دندى:

- خودو اوزون دى.

اسلان خودونون سوزلىرىنى انشىدەندە دندى:

- آغا، مۆمكۆن دىيىل، بو ايش مندن گلمز. بۇھتاندى.

او گوزلىرىنىن ياشىنى باھار بولودو كىمى الەيرك دندى:

- اينانمىرسىز انامدان سوزوشون.

خان اوزون دالدا دايتانان نرگىز خالايا توتوب دندى: نرگىز گوز اوغلون نە ايشدن چىخىيىب.

منىم چۆرەيم اؤنو قودوردوب. قىنامىرام: «ايت قورساغى ياغ گۆتۆرمز».

نرگىز خالا توموب، اسلان گوزلىرىنىن ياشىنى لىنسان ياغىشى كىمى تۆكن حالدا دندى:

- آنا! ھامى دا يىلمەسە، سن كى، بىلىرسن منىم گۆناھىم يۆخدور.

نرگىز خالا اوزولوب اسلانى باغرىنا باسيپ - بالا، بىلىرم گۆناھسىزسان. گۆناھكار منم.

كاسىپ لىغىن اوزو قارا اولسون- دندى. خان بو سوزلردن ھىچ بىر زاد دۆشۈنمەدى. قالغىشىدى نە

دىيىن. نرگىز خالا اوزون خانا توتوب، اوتانا- اوتانا - آغا، بىر گىزلىن سۆزۈم وار- دندى. خان بىر

از كنارا چكىلىپ - دىء گۆرۈم نرگىز نە دىيىرسن- دندى.

نرگىز خالا اغزىنى گىتيرىپ خانىن قولاغىنا نەسە پىچىلدادى. خان از قالغىردى ھوشدان

گىتسىن - نە دانىشسىران آرواد- دىئە باغىردى.

نرگىز خالا - اينانمىرسان آغادۈستۈ گىلىسن- دندى. خان اوز خانىمىنى چاغىتيرىپ دندى:

- سن، نرگىز، اسلان كىچىن ايچرى.

او قەدر چكەمدى. خانىم گوزلىرى دولموش حالدا چىخىيىپ دندى:

- آى آغا، بو يازىق قىزجىغازى دۇردايل سن اوغلان بىلىپ اونا چىتىن- چىتىن ايشلىرى

گۆردۆرۈپسن. بو قىزدىر. آدى دا جىئىراندى.

خان بىلمەدى گۆلسۆن يا آغلاستىن. - بو نە احوالات دىر قىزىم، سۆنلە گۆرەك- خان

مىھرىبانلىققا دندى.

بو حالدا خودو ايله قولامىن رنگى كاغىت كىمى آغارىپ از قالدى يترە يىخىلىستىنلار. نرگىز

خالا چۆخ كەدرلى بىلە دندى:

- بىز كەندە ياشاردىق، باھالىق دۆشۈد. ۱۳۲۹-نجى ايلىن باھالىقىنىنى ھامى گۆردۆ. آلاھ

آپارسىن. گىتيرمەسىن. اونوموز، چۆرەيمىز قورتاردى. بىر ياندىن دا خستەلىك جاماعاتى سىنسىدىپ،

ازىم، اۆن آلتى ياشىندا بىر اوغلو اۆلدۈرلەر. منىم اۆمىدىم ھر ياندىن كسىلىپ ناچار قالدىم. تامام

كەندلردە آغىر وضعىت واريدى. منلە جىئىران بىر دامدا قالدىق. ھىچ بىر كىمەسەدن بىزە ياردىم

اولمادى. ھر كىسەن باشى اۆز عايىلەسىنە قارىشىشىدى. دۆۋلەت دە بىزە ھىچ بىر كۆمك ائلمەمدى.

كەندلردن چۆخلارنى ايش آختارماغا شەرلەر طرف گىدىردىلەر

خاقانی

چنۆیرن: م. سلطان

مرا تا جان بود جانان تو باشی
 زجان خوشتر چه باشد آن تو باشی
 دل دل هم تو بودی تا به امروز
 وزین پس نیز جان جان تو باشی
 به هر زخمی مرا مرهم تو سازی
 به هر دردی مرا درمان تو باشی
 بده فرمان به هر موجب که خواهی
 که تا باشم، مرا سلطان تو باشی
 اگر گیرم شمار، کفر و ایمان
 نخستین حرف سردیوان تو باشی
 به دین و کفر مفریم کزین پس
 مرا هم کفر و هم ایمان تو باشی
 ز خاقانی مزین دم، چون تو آیی
 چه خاقانی، که خود خاقان تو باشی

جائیم نه قدهر وار منه جانان سن اولارسان
 جانان دا عزیز اولسا بیر اینسان سن اولارسان
 سن ایندیته دک قلییم اوچون قلب ایدین ائی یار
 بوندان سؤرا دا جائیم اوچون جان سن اولارسان
 هر یاره م اگر وارسا اونون ملهمی سن سن
 هر دردیم اولارسا اونا درمان سن اولارسان
 کونلون نجه ایسترسه، انله وئر منه فرمان
 عؤمرؤم نه قدهر وار منه سولطان سن اولارسان
 ائیلرسم اگر شرحینی ایمان ایله کؤفرؤن
 باش حرف ایله سرلؤوچه سی دیوان سن اولارسان
 بوندان بئله آلداتما منی کؤفریله، دین له
 خاقانی یا هم کؤفر، هم ایمان سن اولارسان
 خاقانی ندیر؟ گلسن اگر ائی گؤزؤ شهلا
 البته کی، خاقانی یا خاقان سن اولارسان

بسمه تعالی

اهدای کتاب به قرائتخانه‌های عمومی شهرهای آذربایجان

با کمک مالی گروهی از دوستداران زبان و ادبیات آذربایجان (مقیم کشور خارج) و با مشارکت فصلنامه آذری اهدای کتاب به قرائتخانه‌های عمومی شهرستانهای آذربایجان و مناطق ترک زبان، در صد مکان انجام خواهد شد.^۱ در نخستین گام برای هر یک از قرائتخانه‌های نامبرده در زیر، یک دوره سه جلدی «آذربایجان دلیلین ایضاحلی»^۲ لغتی ارسال گردید.

زنجان - کتابخانه سهروردی - ح سعدی / خرم دره - کتابخانه سید جمال الدین اسدآبادی / خداپنده - کتابخانه شیخ اشراق / ابهر - کتابخانه علامه طباطبائی / ساین قلعه - کتابخانه شهید مطهری / سلطانیه - کتابخانه ولیمصر / هیدج - کتابخانه حکیم هیدجی / سجاس - کتابخانه سجاس / قره بوطنه - کتابخانه اندیشه / طارم - آب بر - کتاب خانه شهید بهشتی / ماهنشان - کتابخانه شهید رجایی / سراب - کتابخانه عمومی سراب - خیابان بهشتی / مهربان - کتابخانه مهران - خیابان طالقانی / شندآباد - کتابخانه شندآباد - خ شهرداری / شبستور - کتابخانه شستر - خ بهشتی / صوفیان - کتابخانه صوفیان - خیابان امام - خیابان ولیمصر / خامنه - کتابخانه خامنه - خیابان شهدا / کلیسر - کتابخانه کلیسر (۲) - برادران - خیابان امام / خداآفرین - کتابخانه خداآفرین - شهر خارلو / مولان - کتابخانه مولان / موآغه - کتابخانه امام رضا (ع) - خیابان معلم شمالی / مرفد - کتابخانه مرفد (۱) - پارک شهر - بلوار شهید کسائی / زنوز - کتابخانه زنوز - خیابان شهرداری / یکان کهریز - کتابخانه یکان کهریز / ملکان - کتابخانه ملکان - خیابان امام خمینی / میانه - کتابخانه میانه - خیابان امام خمینی / هریس - کتابخانه هریس - جنب دبیرستان شهید مدنی / خواجه - کتابخانه خواجه - خیابان امام خمینی / هشتروود - کتابخانه هشتروود (۱) - برادران - خیابان امام خمینی / آذرشهر - کتابخانه آذرشهر - خیابان امام خمینی / اسکو - کتابخانه اسکو - خیابان امام خمینی - میدان مرکزی / ایلخچی - کتابخانه ایلخچی - خیابان ۱۷ شهریور / اهر - کتابخانه شیخ شهاب الدین خیابان حزب الله / بستان آباد - کتابخانه بستان آباد - خیابان طالقانی / یناب - کتابخانه یناب - خیابان باهنر / تبریز - کتابخانه ملی (مرکزی) - پشت باغ گلستان - خیابان خرمشهر / تبریز - کتابخانه تربیت - خیابان خاقانی - میدان دانشسرا / تبریز - کتابخانه باباباگی - جاده مرفد - مرکز درمانی باباباگی / تبریز - کتابخانه تبریز - دروازه تهران / سردروود - کتابخانه سردروود - خیابان امام خمینی / باسمنج - کتابخانه باسمنج - خیابان امام خمینی / خسروشهر - کتابخانه خسروشهر - خیابان امام خمینی / جلفا - کتابخانه جلفا - بخش مرکزی / پارک شهر جلفا / همدان - کتابخانه آزادی - میدان فرودسی / همدان - کتابخانه شاهد - میدان شاهد / اسدآباد - کتابخانه عمومی شهید رجایی اسدآباد - خیابان امام خمینی / بهار - کتابخانه عمومی آیت الله بهاری - خیابان شهید مدنی / تویسرکان -

^۱ - توضیح: چون لیست قرائتخانه‌های عمومی استان آذربایجان غربی در دسترس نبود، متأسفانه نتوانستیم به کتابخانه‌های آن استان کتاب بفرستیم، لذا از مسئولین محترم ارشاد استان درخواست می‌شود لیست مورد نظر را به دفتر مجله ارسال نمایند تا نسبت به فرستادن کتاب فوق اقدام شود.

کتابخانه رضی الدین آرتیمانی / اوزن - کتابخانه عمومی ملا حسینقلی شوندی - خیابان شهید مفتاح / کیودر آهنگ - کتابخانه عمومی شهید اشرفی - خیابان شهید باهنر / هلاو - کتابخانه عمومی علامه امینی ملایر - بلوار ۱۵ خرداد / اردبیل - کتابخانه شماره یک اردبیل - چهارراه امام خمینی / سرعین - کتابخانه عمومی سرعین / نهمین - کتابخانه عمومی نمین / نیسو - کتابخانه شماره یک نیر - خیابان امام خمینی / خلخال - کتابخانه شماره یک خلخال - روبروی فرمانداری / هشتچین - کتابخانه عمومی هشتچین / کلور - کتابخانه عمومی کلور / مشکین شهر - کتابخانه شماره یک مشکین - خیابان امام خمینی / گرمی - کتابخانه شماره یک گرمی / انگوت - کتابخانه عمومی انگوت / پارس آباد - کتابخانه عمومی پارس آباد - خیابان امام خمینی / اجیرلو - کتابخانه عمومی اجیرلو / ییله سوار - کتابخانه عمومی ییله سوار

۱- علاقمندان می توانند به قرائتخانه های مذکور مراجعه و از کتاب اهدایی استفاده فرمایند.

۲- از مؤلفین، ناشرین و علاقمندان دعوت می گردد که نسبت به اهدای کتاب به قرائتخانه های عمومی دریغ نفرمایند.

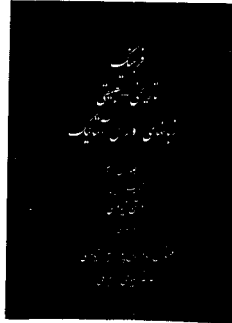
شرکت گروه طراحان آیتک با کادری مجرب و متخصص توانایی های هنری - فنی خود را جهت ارائه مشاوره و خدمات در زمینه های ذیل اعلام میدارد.

- ☒ طراحی و اجرای لوگو و آرم
- ☒ طراحی و تنظیم اوراق اداری (کارت ویزیت، سربرگ، پاکت نامه و ...)
- ☒ طراحی بروشور، کاتالوگ و فلدر
- ☒ طراحی پوسترها، آگهی ها، کارت دعوت، تراکها و هدایای تبلیغاتی
- جهت ارائه در همایش ها، نمایشگاه ها، کنسرت ها و ...
- ☒ طراحی جلد کتب، مجلات، نوار کاست، CD و ...
- ☒ طراحی انواع تقویم، سالنامه، کارت تبریک و ...
- ☒ مشاوره در امور تبلیغاتی همایش ها، نمایشگاه ها و کنسرت ها
- ☒ دکوراسیون داخلی، غرفه آرایشی و ...
- ☒ طراحی و چاپ کارت دعوت، کارت تبریک و ...

تلفکس: ۰۲۱-۶۶۷۴۳۸۰۵

تلفن: ۰۹۳۲-۹۱۷۷۴۳۴

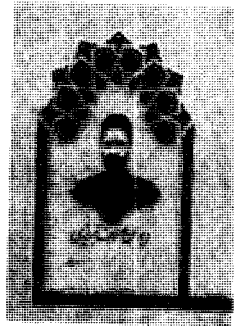
فرهنگ تاریخی-تطبیقی
زبانهای اورال، آلتایک
(جلد اول)
تألیف و تدوین روشن
خیای (با همکاری
مهندسی ساوالان
پورا کبر خیای- عاکفه
صیامی اردبیلی)
ناشر: انتشارات بخشایش
چاپ اول ۱۳۸۳ قم



میانہ
پیرامون جغرافیا، تاریخ،
آثار باستانی، اطلاعات
آبادیہا، مردم شناسی،
مشاہیر، اقتصاد،
آموزش، فرهنگ و ادب
شہرستان میانہ
تألیف: محمد صادق
نائبی
موسسہ انتشاراتی جہان
جام جم
چاپ اول ۱۳۸۴، تہران



دیوان صراف تبریزی
تصحیح، ویرایش و
مقدمہ: مصطفی قلی
زادہ علیار
ناشر: انتشارات فخرآذر
تبریز
چاپ اول ۱۳۸۳
بہ مناسبت بزرگداشت
یکصدمین سال وفات
صراف تبریزی



جیقیلی باغچا
ویژہ نامہ کودکان -
دوہفتہ نامہ باغچہ بان
با طرح و اجرای محمد
عابدین پور
۱۲ نجی سایی ۱۳۸۴
مروند



صراف سخن
مجموعہ مقالات ہمایش
بزرگداشت یکصدمین
سال وفات حاج رضا
صراف تبریزی
تدوین کنندہ: مصطفی
قلیزادہ
انتشارات: حوزه هنری
تبریز
چاپ اول ۱۳۸۳ تبریز



دلیمیزین سادہ
قترامری
پازان: حسن راشدی
ناشر: مولف
محل پخش: انتشارات
اندیشہ نو
چاپ اول ۱۳۸۳ تہران



یئنی ادبی انجۆمن

آذربایجان ادبی انجۆمن لری نین سیراسیندا یئنی بیر ادبی انجۆمن ده فعالیتته باشلادی. "قاراداغ ادبی انجۆمنی" تهراندایاشانلار قاراداغلی یازیچی، شاعیر، اینجه سنت و مدنیت خادیم لری طرفیندن ایجاد اولوندو. قاراداغ ادبی انجۆمنی نین آچیلش مراسیمینده بیر چوْخ یازیچی و شاعیر ایشتیراک ائتدی. باشقا ادبی انجمن لری نین پیغام لاری اوخوندو. بیز حؤرمتلی قلم داشلاریمیزا توتدوغو بو گۆزهل ایشلرینده، اوغورلار آرزولاییریق!

«ساوالان» درگی سی

اؤزۆنه سچدییی آدالایق اولان بو گۆزهل، آغیر، بارلی، وقارلی درگی نین بیرینجی سائی الیمیزه چاتدی. علامه طباطبائی دانشگاهی نین حوقوق دانشکده سینده، آذربایجانلی اؤیرهنجی لر طرفیندن بوراخیلان بو درگی نین، بیر نئجه وخت اؤنجه سیناق سائی سئی نین دا اوخوجوسو اولموشدوق. ساوالان دا فارسجا- آذربایجانجا دیرلی تحلیلی- تدقیقی مقاله لر، عرب، تۆرک و باشقا خالق لارین ادبیاتیندان ترجمه لر گۆزه چارییر.

آذربایجانین میلی، تاریخی، ادبی، سیاسی و... مسله لرینه عثلمی باخیمدان یاناشان یوخاری سؤنیه ده معلوماتلی اؤیرهنجی لیمیزه «ساغ اولون» دئییر، دقیق، دؤلغون، مونسجیم و مؤختلیف بؤلوملره آیریلیمش ساوالان درگی سی نین مسول مؤدیری حؤرمتلی دوستوموز پیمان شهبازی جناب لارینی، هابئله ساوالانین باشقا ایشچی لری و امکداش لارینی تبریک اندیریک. آذربایجان گلهجه یی نین قوروجولاری اولان بو چالیشقان اؤیرهنجی لرین بیزیمله علاقه لری نین گئیش لیمه سی آرزوسوندا ییق.

اندیشه ۴

شبسترده فعالیت گؤسترن "شیخ محمود شبستری" آدینا ادبی انجۆمنی نین "اندیشه" آدلی نشریته سی بوراخیلدی. بو سائی "باهار" سائی دیر و گۆزهل-گۆزهل شعرلری، ترجمه لری، ادبی، بدیعی یازیلاری احتیوا اندیر. نشریته نین سون صحیفه سی "انجۆمنین" بیر ایللیک فعالیت نی نؤماییش ائتدیریر.

"انجمن ادبی در سالی که گذشت" آدلی یازیسی انجۆمنین مؤدیره هئیت سی طرفیندن، عوضولری اوچون، حسابات کیمی آلیثیر و هر بیر ادبیات و مدنیت هوسکارینی مارق لاندیریر. بیز "شیخ محمود شبستری" ادبی انجۆمنی نین عوضولرینه و مدیره هیأتینه اوغورلار آرزولاییریق.

سۆز اينجى لرى:

خودپسندلىك حاققىندا

پژمان ائلغىمى

دنىز اوزۇڭ اۆچۈن دالغانلىرى، چۆپە ايسە ائله گلىركى، دنىز اۈنۈن اۆچۈن دالغانلىشىدۇر.

عباسقىلى خان باكى خان اۈۈ

يالىنىز اۈزۈنە ياراتانلار ھىچ نە يە يارامازلار.

ف. ۈۈلتر

شخصى خود پسندلىك آلچاقلىغىن دۇغما آتاسىدۇر

م. قۇركى

ھىچ كسىن سئۈمىنى، ھىچ كس سئۈمز.

دئموكرىت

لۇۋغا عىنادكار آدام ھر شىنى اۈز بىلدىنى كىمى اندىر، ھىچ كسىن مصلحتىنە قولاق آسمىر ۈ

تزلېكەلە اۈز سھۈى نىن قۇربانى اولۇر.

ايزۇپ

كىم اۈنۈ تانىتان آدام قارشىسىندا لۇۋغالانىرسا، اۈزۈنۈ گۈلۈش ھدفىنە چنۇيرىر.

ايزۇپ

اۈزۈنە پرستىش اندەنلر حقيقىتى درك اندە بىلمز.

عين القضاة

يالىنىز نە دئموكرىت؟ ھر شىنى دە نۇفۇز آختارىر.

قۇتە

يالىنىز اۈزۈنۈ دۈشۈنن ھىچ ۈخت كامىل اينسان اولاي بىلمز.

ك. ماركس

قشزىل سۈيۈنا چكىلمش سىلاح كىمى، لۇۋغا آداملارنى دا داخىلىسى عالمى، خارىجىنە اۈيغۈن

گلىمىر.

اىپىقۇر

لۇۋغالىق ائله قۇۋۋىلى زھردىر كى اينسانىن قلىبىندەكى بۇتۇن ياخشىلىقلارنى يۇخ اندىر.

پلوتارخ

لۇڭغا ھر شىئە ئۇزۇن ئۆچۈن طلب ئاندىي، غۇشىندە ھىچ شىئە ئۆتمىر.
ۋ.ۋ. رۇسۇ

ئۆز ھايتىنا قالاندا ھۆنر اولماز
ھۆنرى ئولمايدان رھبەر چىنخماز.

سعدى

ئۆزۈن ئۆزىن ئادامىن دۇنمۇش ئۆرەيتىندە، باشلا آياغىن فرقى يۇخدور.

صائب تبریزی

اينسان ئۆزۈن ئۆزىدە كچە لۇڭغالاندىقچا ئونون ايستىدەد و باجارىغى دا آزالىر.

ل. تولستوى

خۇدېسند آنچاق ئۆزۈن سۆيىندىرە ئۆزۈن قاتىلى دىر، ئونون حىياتى صحرادا تىك قالىپ
قورويان و مھۇر ئۇلان مەشھۇر سىز آغاچىن حىياتىنا بىزەيىر.

تورگىنيوف

اولسان بو دۇنيادا شۆھرت دۆشكۈن

بارلاماز غۇمروۋن، بىختى نىن گۈن

عمر خيام

بدبخت آدم اولماق ياخشى دىر، شۆھرت پىرست آدم آلچاق اولار.

ه. ھامپتە

خۇد پىرستلىك - جانلى وارلىغىنىن ان بۇيۇك يۇخسوللۇغودور.

شىللىر

ھر كس ئۆزۈن آغىللى حىساب اتتسە، خالق ئون نادان سايار.

عرب آتالار سۆزۈ

طبل گۆرۈلدەيىر آمما بىلمىركى بۇشودور.

اندونىزىيا آتالار سۆزۈ

بۇش آرابا بىر كىس سالار.

كورىيا آتالار سۆزۈ

شىلدېر مېتىن باشىندا آغاج اولماز لۇڭغانىن باشىندا آغىل.

كورىيا آتالار سۆزۈ

شۆھرت پىرستلىك يالانچىلىغىن اناسىدېر.

فىرانسىز آتالار سۆزۈ

ئۆزگەلرى پىسلەيىپ، ئۆزۈن تەرىف لەين لىر آلچاق آدم لاردېر.

ھىند آتالار سۆزۈ

چنۇيرن: اى. ولىيۇن
كۆچۈرن: اتل اوغلو



يىلقامىس

هر شىئە يىلن آدامىن داستانى

شاماش يالوارىرام من،
منە قنىم كسىلن
اۋۇچو - بالىق چىئ اىنسان طالئەيمىن اوجوندان،
منە ايمكان وئرمەدى دۈستوم تەك شۇھرت لەنىم،
قۇي اۋۇچو دۈستلارنى تەك شۇھرت تاپا بىلمەسەن.
قۇي سەنن قاباغىنىدا اونون پائىنى آزالسىن.
قۇي قۇللارنى بوشالسىن اۋۇو ياخشى اولماسىن.
قۇي قوردوغو تەلدە بىر حىيۋان دا اولماسىن.
اۋۇچونون آرزولارنى قۇي قالسىن اۋرەيىندە!
اۋ ھىرس لىنىپ شامخا تالەنتلەر ياغدۇردى.
«گل، آياۋا، گزنتە، سەنە دىلەك دىلەيىم،
دۇنيا ۋارەكن ۋار اولسون، قۇي سەنە قارغىش دىيىم،
سەنە نىفرت ياغدۇرۇپ، اۋ كى، ۋار لەنت لەنىم،
قۇي مەنە قارغىش لارنى سەنە تەزلىكە توتسون.

اٹوئندہ کی شادلیغی، راحت لیغی سوئوتسون،
 کۆکلمیش قشزلارینئ سئوہ بیلیمه یه سن سن.
 اونلارلا توی- دویۆنه، شن لییه گیرمه یه سن.
 سنین گۆزل قوینونا پیوه تۆکۆب عیاشلار
 بایرام گۆنۆ دۆنۆنۆ موردار ائله سین اونلار
 قشنگ مونجوق لارینئ الیندن دارتیب آلسین،
 دولوسوجولار دالینا گیل آتیب اله سالسینلار
 بو دۆنیادان دویونجا کام آلا بیلیمه یه سن.

اینسانا شوخلوق، سئوینچ، طراوت وثریر گۆلۆش
 اٹوئندہ هنج بیر زامان سئوینیب گۆلمه یه سن.
 ذؤوقۆ ده، صفائی دا آلسینلار ال لریندن
 دۆرد یولون آیریمچیندا سفیل دولاناسان سن
 چۆل لردہ گئجه لمک سنین قییمتین اولسون،
 دیوارلارین دییینده یاتماق عادتین اولسون.
 دینچ لیک نه دیر بیلیمه یه سن، خار اولاسان،
 اوستا دامان ائوی نین اۆستۆنۆ دۆزه لتمه سین.
 اوچوق دیوارلارینا چۆل یاراساسی دولسون
 اوچاغیتندا قوناق لیق، نه ده بیر شن لیک اولسون
 (.....)

(.....)

قوی بوغازین توتولسون، باغرین ایرین له دولسون،
 نه آتسالار قارشینا دیلنجی پایی اولسون.
 سن تمیز لیک آدیله منه زۆوجه اولموسان،
 من تمیزین اۆستۆنه یالان- بۆهتان آتمیسان!
 اونون دئدیکلرینی شامخات ائشیتدی، بیلدی،
 گۆنۆن درین لیئیندن بئله بیر صدا گلدی:
 نییه ائنکیدۆ، نییه شامخاتسی لعنت له دین،
 او کی، تانری یا لاییق چۆره ک گتیردی، یئدین.

اۇ سەنە ايچمەك اۆچۈن شاھالايىق سۈيۈر،
 سەنە بۇيۇنلار لايىق پالتارلار دا كىيىدىرىپ
 سەنە يىلقامىش كىمى ياخشى سىلاھ داش وئىرىپ
 ايندى سەنەن ھەم دۈستۈن، ھەم قارداشىن يىلقامىش
 سەنە قۇتجاچاق اوجا، چۈنچۈر اولۇ بىر پاتاغا
 چۇرمت، ئاھتىرامىلە ھاق يۇلۇ بىر پاتاغا،
 دائىم راحاتلىق اۆچۈن بىر آز سۇلا چەكەچەك؛
 دۇنيا ھۈكمدارلار ئاغاغىنىنى اۋپەچەك
 دىيەچەك، اۆرەك اھلى اغلاستىن سەنە زار-زار
 شەن آداملار داشىن ئاستىنى ساخلاستىنلار
 اۋزۇ دە سەندە سۇنرا چىقراق چىقىدىر كىيەچەك،
 شىر دىرىسى كىيىنىپ چۇل دە كىيەلەيەچەك.

اٹنکيدو ائشيدەندە شاماش ئىن سۆزلىرىنى
قۇبلى اۆرەيتىنە بىر آز سىرىن لىك ياغدۇ،
چىلغىن لاشمىش كۆكسۈنە خىيلى ساكىت لىك آخدى.
دندى: شامخات، قۇئى سەنە باشقا بىر قىسىم كسىم،

(آردی و تار)

یئنی کیتابلارین سیاهیسی

ترتیب اندهن: یوسف قوسی (فرزانه)

- ۱- یالقیز آغاج دوستلوغوندا، بهروز صدیقی، نشر اختر.
- ۲- گونش سسین دیر باتیر، محمدرضا لوانی.
- ۳- دوازده قرن سکوت جلد اول بخش سوم ساسانیان، پورپیرار.
- ۴- فرزندان استر تاریخ زندگی یهودیان، هومن سرشار، ترجمه مهرناز.
- ۵- تذکره‌ی ساقی‌نامه‌ی سرایان آذربایجان، میرهدایت حصاری، ناشر. مؤلف.
- ۶- قوتسال دویغولار، صمد ابراهیم پور، انلشن نوغدریار.
- ۷- بیر چانتا امید، مارال تبریزی، مؤلف.
- ۸- سن گولنده محمد کشگیلانی، اندیشه نو.
- ۹- طاریم سازلار سوزونده، دکتر یونس قاسمی، اندیشه نو.
- ۱۰- دیغو چیچکلری آقایمحمدمزاده ساوالان، ناشر مؤلف.
- ۱۱- منیم رنجبر آتام، علی آچاک.
- ۱۲- سیمای تبریز در دوره‌ی ناصرالدین شاه، مهدی عطارزاده، نشر اختر.
- ۱۳- فیرانگیز ایله قیرمیزی دون، اکبر آزاد، اندیشه نو.
- ۱۴- منی آپار او یئرلره، حکیمه بلوری، ماهنی زنجانلی، اندیشه نو.
- ۱۵- دیوان مسکین قیلینج، محمد عطاگزلی، گنبدکاووس، اندیشه نو.
- ۱۶- گلستان سعدی نین تۆرک اثری، رحیم ضیائی‌فر، اندیشه نو.
- ۱۷- گنج‌ه‌لر (ترکمن تۆرکجه‌سی)، ستار سوقی، ابراهیم بدخشان، گنبدکاووس اندیشه نو.
- ۱۸- ترکمنها در عصر امپریالیسم، پروفیسور دکتر محمت سارای، ناشر اندیشه نو.
- ۱۹- حقیقت گۆنشی، حسین نجفی، نشر اختر.

اُئل دیلی و ادبیاتی

۱۵

همکاران ثابت:

سرپرست تحریریه	بهزاد بهزادی
مسئول بخش ادبیات شفاهی مردم	علیرضا صرافی
مسئول بخش واژه‌های محلی و لهجه‌ها	اسماعیل هادی
مسئول ادبیات آشینی	جواد دربندی
مسئول بخش قصه‌ها و افسانه‌ها	محمد رضا کریمی
مسئول بخش امثال و حکم (آتالارسوزو)	ائل اوغلو (صدیاری وظیفه)

ویراستار: م. رزاقی

حروف‌نگار: کاوس نصیری

بوسایی ئین ایچینه کی لر

صحیفه

۱۳۱	بهزاد بهزادی	توپلانمیش یترلی سۆزلرین اسکیک لیکلری
۱۳۳	حسین مسلمی	یترلی سۆزلر
۱۳۵	ابوالفضل ملکی زنجانی	یترلی سۆزلر
۱۳۸	فریدون محمدی (آرچان)	یترلی سۆزلر
۱۴۱	رضا علی کریمی	یترلی سۆزلر
۱۴۲	رضا کاظمی	آتالار سۆزۆ
۱۴۵	ثریا بخشی (آیلار)	آتالار سۆزۆ
۱۴۷	****	بایاتیلار
۱۴۹	****	لایلایلار
۱۵۱	رضا علی کریمی	بایاتیلار
۱۵۲	کمال حسن اوو	آذربایجان قدیم فولکلور رقص لری (۱)
۱۵۷	علیرضا ذیحق	احمد ایله ایراهیم داستانی
۱۶۲	اسماعیل ممدلی	هولاولارلار
۱۶۵	محمد رزاقی	ایبی تارچی (ایبراهیم مورادی)
۱۷۰	رضا علی کریمی	موللا فرض الله
۱۷۶	م. نقابی	«معجز» - ون سچیلیمیش اثرلرینده یتیه جک آدلاری
۱۸۰	جواد دربندی	فولکلور خزینه میزدن: ادب ارکان
۱۸۹	اروجعلی دوزنانی	قارا قوچ افسانه سی

توپلانمىش يىرلى سۆزلىرىن اسكىكلىكلرى

«ئىل دىلى ۋە ادبىياتى» بۆلۈمۈندە چاپ اولان «يىرلى سۆزلىر»-ە اۋترى بىر باخىش،
گۆستىرىر كى، بو ساحەدە چاللىشمالارنى گر ك آر تىرماق.

زىنگىن يىرلى سۆزلىرى توپلاماقدان مقصد بو دوركى، اونودولماق تهلۆكەسىندە
اولان بو لۆغتلىرى يازى ئا آلىب، آراشدىرىپ، سۆزلۆك ترتىب اندىپ، چاپ اتمكلە بو
سۆز خزىنەسىنى دىلچى عاليم ۋە آراشدىرىجىلار چاتدىراق. اولسون كى، يالئىز
عربى/فارسى دىللىرىندىن آلىنما لۆغتلر ايشلەدىلن ۋە ادبى دىلىمىزدە يىرى بوش اولان
سۆزلىرىنى كۆكۈ ۋە قورولوشو تۆركى ۋە اولدوقچا چۆخ ايشلىك اولان اوئغون سۆزلىرىدىن
فايدالانا بىلسىنلر.

هەلەلىك، توپلادىغىمىز يىرلى سۆزلىردە آشاغىداكى اسكىكلىكلر گۆزە چارپىر.

۱- توپلانمىش يىرلى سۆزلىر، آنچاق بىر نىچە بۆلگەدن گلىپ چاتمىشدىر.

۲- «ئىل دىلى ۋە ادبىياتى»- نا گۆندەرىلن يىرلى سۆزلىرىن چۆخو اشنا آدلارنى دىر.
بو اشىنانىن بىر قىسمى تارىخە قۇتوشموشدور. البتە بىللە اشىنا آدلارنىنى يىرلى سۆزلىر
سىراسىندا يازىپ قۇرومالى ئىق.

آذربايجان دىلى، اۋزلىكلە، فئعللرلە زىنگىن دىر. نە ياخشى اولار كى، شىفاھى
ادبىياتىمىزدا ايشلەنن فئعللرىن مصدرلىرىنى ۋە اۋنلارنى تۆرەمەلىرىنى (فئعللى اسم، فئعللى

صیفت و، فعلی ظرف و...) تۈپلاماقلا، یتیری گلدیکده اۋنلارین ادبی دیلده ایشلنیلمه سینه یۈل آراتاق.

۳- چۈخ معنالی سۈزلرین بۈتۈن آنلام لاریننی یازئی یا آلمالی یتیق. دئیم لر و سۈز بیرلشمه لری یتنی آنلام یاراتماقدا اۋنملی رۈل اۋینا یتیر و سۈزلرین معنا اینجه لیکلری و چالارلاریننی گوستریر.

اۋمید اندیریک کی، بو ساحه لرده چائیشمالار آردیجیل داۋام تاپشین.
۴- یترلی سۈزلری، اۋزل لیکله، فعل لر و سۈز بیرلشمه لری و دئیم لرین آنلامیننی خالق دانیشیغیندا ایشله نن میثال لارلا، آیدینلاشدیرماق لازیم دیر.

باشقا- باشقا کندلر و ائل لردن اۋلان اۋیرنجی لر، یای تعطیل لرینی اۋز دۈغما یوردلاریندا کتچیریرلر. یترلی سۈزلر و فۈلکلۈریک اثرلری تۈپلاماق اۋچۈن بو فۈرست دن فایدا لانماق اۋلار.

بو ایشلرله مارقلانان محلی ساۋادلی لار و مۈعلیم لری ده امکداشلیغا چاغیرماق ایشین ان سۈرکلی و آردیجیل داۋام تاپاسینا یاردیم ائده بیلر.

بھزاد بھزادی



يثرلى سۆزلەر

فریدن-گوئی کرچمبوداکی تیرکرت کندی

توپلاتان: حسین مسلمی

ب حرفی نین داوامی:

باددمه baddeme یئل ایله یاغان

یۆنگۆل قار . بو قار ایله دۆزلن شکیلره

ده باددمه دئییلیر. [قار یاغی(ر)، باددمه

ده ائلیی(ر).]

بشن başn حیط، اطراف. [عجب نا

اهل آدام دۆشۆب بشنیمه!]

بغدادی bağdadi پالاتین بیر

حیصه سی.

بلغو-و-لگوو bəlgov-vəlgov

زمی لره سو دۆندرهمه نین یثری. [وار

بلغوولاردان سوئو سالمیشدئ آشاغی.]

بندال bəndal مۆزاحیم، انگل،

یایشیب بوراخماتان آدام. [بو دا ائله

ایندی گلیب بندال اولوب بیزه.]

بنوۋ bənov برک و ایستیقاملتی بیر

نوۋ آغاج.

بوئونک bubunək بوئو قوشو،

هۆدهود.

بوئونک لوواسی bubunək luvası

چوخ پیس قۇخان بیر یثره تمثیل دیر.

[نجه بوئونک لوواسی (لوواسی دیر).]

بوگن bögən قیغ، داوار قیغی.

جۈككۈلى cükküli دىز اۆستۈندە

آماده حالدا اۆتوروم .

جولچىن colçin تاخچا، دولاب

يثرى.

جۈللەت cüllət خورما ظرفى كى

سۈنرالار اۆلچۈ و احيدىنە دۈنۈمۈش.

[ايكى جۈللەت خورما گتيرمىشىدى].

جىتت citt ايكى قات اولما. [جىتت

اۆلمۈشۈ شالوارىنى دا سيۋيرمىشىدى

آشاغى ھىچ اوتانجى دا يۈخ ايدى].

جىرر cirt دوروملو و گۈرشدن واز

كۈچمەين آدم.

جىررە cırgə چۈخ آز، بىر دامچى.

جىرناق cırnaq جىناق، كۆركە

دۈش قفسىنى بىرلشدىرن سۆمۈك.

جىندىق cındıq كۈھنە يىرتىق

قوماش. (جىر جىندىق: جىندىق)

بىررە birkə بىر آز، بىر نىچە. [بىررە

سو توك ايچىم. بىررە آلمان وئردىم

آباردى].

بىقە biqə يۈنجا سامانى.

بىنجىلى bincinli قارىشىق و

دارانامىش ساج. [ساجلارنى باخ گۈر

نە بىنجىلى اولوب. باشى بىنجىلى (başı

bincinli) باشى كلىكەلى].

ج

جاقوق cacuq عۆمۈمىيەتلىك داغدا

گۈيرەن آش بىتگىلىرى.

ججىگ cəcıg قىچلارنى آراسى.

[قىچىنى چۈخ آچدى، ججىگى

آرالاندى].

جفت cəft بلوط آغاچىندان دۈزلن

قەۋەنى رىنگ.

جك و جرقە cək-o-cərqə (طنز)

تايف، فامىل.

گۆزلی سۆزلەر

تۆپلایان: ابوالفضل ملکی زنجانی

- آزناشماق aznaşmaq اۆزۆنۆ ایتیرمک،
 یئریندن چیخماق.
 اکوۋۇش əkövüş یاشیندان یتکە
 دائیشان اوشاق.
 اوغلان دوغان قیز دوغان oğlan
 doğan qız doğan اوچاغان، خائیم
 بۇجەئی (فا. کفش دوزک).
 ایمتاسی imtası البته، مۆنتها.
 بابال باش babal baş اۆز باشینا،
 فۆضول.
 بازلاماچ bazlamac نىچە جور قذائى
 بیر - بیرینه قاتما.
 بالازنگى balazengi دامىن قىراغى،
 بالکون.
 بۆرنه bürnə يوغان آغاج.
 بویناش boynaş ايکى داغىن آراسىندا
 اولان بالاجا تپە.
 بیجه ک bicək سىند، مۆجۈیز.
 پازان pazan يوغان، کۆبود.
 پزنو pəzno يوغان ال آغاجى.
 پستاه pəstah تدارۆک.
 (پستاهچى: تدارۆکچۆ).
 جۆجۈۋە cücüvə نایلون، پىلاستیک.
 جیم cim چیم، بۆتۆن، (پالتاریم جیم
 سو اولدو).
 چىنچى (چاچان) Çeçi(çaçan) چۆخ
 دائیشان.
 چىزمک çezmək یتل بوراخماق.
 چىرک çərk نازیک بوداقلاردان
 دۆزلمیش سۆزگج .
 خىرتى - خىرتى xırtı-xırtı سۆمۆتە
 يايىشمیش قوضروف.
 خىرناشماق xırnaşmaq گۆلەشمک.

سوڭا soxa (سوئۆش) مىراث

[سۇخايان قالسۇن]

سۆزمەدان süzmədan (مجازن)

دوستاق، زىندان.

سىتيرە sitirə كۆتىدان اوزون و

پالتوۋدان قىسا بىرنۆۋ پالتار.

شكات şekat يۇرغون (ائىلە يۇرولوب

شكات دۆشۈپ).

قېجىر qəcir بىر جۆر قوش (فا. عقاب).

قوروقاز quruqaz بۆرۈشتە چۆرەك،

اۋتدا قوروموش چۆرەك.

قونقور qonqur اۋرەيە ئايىشمايان،

ايفادەلى آدم.

قىيار qiyar اولاغىن پالائىنىئ اندازە

توتماق.

كلەمە كۆتۈر kələməkötür

كلە كۆتۈر، كۆبود.

كەمىرەتەك kəmirəttək اولاغىن

بورنونون ايچىندىن چىخان يارا.

كۆران küran چاش، آداما قالخان.

دالدىۋىش daldöş قۇلسوز تۇخونما

كۆينىك.

داماغ اولماق damağ olmaq (مال

داۋار نۇخوشلوغو) اومماق.

دېيخلىك dəbbəxlik داۋارئىن

آغزئىن ياراسى.

دۆدۈرەمەك düdürəmək

ايشەمەك، لۆلەمەك.

دورجا durca دومان.

دۆمەشیرە düməşirə دۆيمەشیرە،

تاباشیر (فا. سفید آب).

دىلقىر dilqir اۆزلۆ و گۆزە تېپىلن قىز.

دىنگە زار dingəzar يوخوسوز

قالماق.

زققەتو zəqqəto چۆخ شۆر.

زۆيدۈرۈنمە züydürünmə

سۆرۈنگەل (فا. سىرسرە).

زىلان zilan شولوق و زىرنگ اوشاق.

میشین mişin نایلون، پىلاستىك.
 نىمالى nəmaləm خىداقلىق، اقلىق [نىمالى
 چۆرەك آلايدىن].
 نىنەم بۇجۇك nənəmböcük
 اوچاغان، خائىم بۇجەيى (فا.كفش
 دوزك).
 نوقلاي noqlay (تاكيد علامتى) چوخ.
 نوۋ nov ھدف، نىشانە.
 نوۋلاماق novlamaq نىشانە تۇتماق،
 ھدف آلماق.

ككىرە kəkirə (مجازىن) اتى آجىي آدم.
 كىرتمەك kirtmək بىر نۇڭ دۇيۇن .
 گرەمىيان gərmiyan ارىيىن دىنىي
 چىخارداندىن سۇنرا قوروتمايى.
 گۇدۇل güdül كىچىك خۇمبال .
 گۇرپۇز gürpüz ھىيىكللى، گۇجلۇ آدم.
 گۆرەن görən آيا [گۆرەن نىئەلەيم].
 لاھا laha بۇيۇك خۇمبال.
 لۇلۇك lülük əmcək امجك فۇضول.
 لۇۋا luva يۇۋا، قوش يۇۋاسى.
 ماغىل magıl نىجە زات!، نە عجب!
 [ماغىل گۆزە گۇرۇكدۇن].

ئىرلى سۆزلەر

اردبىل - چاناق بولاق كندى
توپلايان: فریدون محمدی



ۋكۈز اومباسى öküzü ombası

يۇغون و تۇسقون آدام.

ايرى ayrı بىر نۇزۇ شمشير.

اىستانماج istanmac تىل تا،

شۇربانئىن چۆرك دۇغرانيش سويۇ.

ايسقىماق isqımaq سۆمسۆنمك.

بىش - دۆش biş- düş بيشير-دۆشور.

پرن - پرن اولماق pərən- pərən

olmaq داغىن - داغىن اولماق.

تئل مىلى telmili قىزلار اۆچون

ساجلارنى باغلاماغا زىنت و سىلەسى.

آرۋاد - كىشى arvad- kişi باخ:

اوغلان - قىز.

آشار جاق aşarcaq تپەننن اوزۇ ائىشە

گەندن طرفى (فا. سرازىرى).

آشقال آتان aşqalatan آشقالى و

اثنوین زیر - زىبىلىنى چۆلە اتماق

اۆچون و سىلە. كۆل آتان (فا. خاك انداز).

آياق وثرمك ayaq vermək

مۆخالىفت ائلەمك، بىرىننن آياغىنداز

چكمك [منيم ايشيمه آياق وثرىسن].

اوغلان - قىز oğlan- qız ايكى

جىنىسلى اىنسان، خۇنئا.

تەكە ساققالى təkəsaqqalı بىر نۆۋ

يىركۆكۈڭۈڭلەڭنىڭ ئوخشاش ئىشەنچلىك بىتگى.

تەھجە təhbəc بىلەن، لاپاتەكەدە آيات

باسماق يىرى (تېكچ).

خەرنەنگەلىك xərəngəlik شولۇقلۇق،

ايزدىحام.

خەفدەن وورماق xəfdən vurmaq

خەرسىزدەن وورماق، گىزلىنەن وورماق.

خەفلىمەك xəfləmək (۱) آلداتىپ

تۇرا سالىماق، (۲) بىردەن - بىرە بىرىنى

دالداق وورماق.

خوزدەبان xozdaban داباننى اوجا

اولان، خاتىمەلەر اۆچۈن باشماق نۆۋ.

خوما xuma يىر آلتىندە تاشلان

ساخسى بارداق، كۆپە. (فا. خم).

دۆزدۆرتمەك dözdürtmək ئىتتىرىمەك.

چاتدۇرماق. [اوشاقلار ھەر ايكى گۆندەن

بىر پىندىر وئىرىم، آنجاق ئىشەنچ دە

ياغلارنى دۆزدۆرتمەك اولمور].

دەش (يىر) deş (yer) تۇرپاغى

ياخشى بىتيرەن يىر، اتلى - جانلى يىر.

دۆش döş (۱) نەفس [بىر لىظە

دايانمادان، بىر دۆشە ايشلەدەم]. (۲)

لىظە [بىر دۆش ئاتىم، سۇنرا دورارام].

دەن - دۆش dən- düş آرىا، بوغداق

مەرجى كىمى لىرىن مەجموعەسى.

زەيەل zəyəl كال، ئىتتىشمە مەش مەنە.

سال sal رابىيە، سالام عەلىيەك. [اۆ

ادامەن مەنەم سالىم يۇخدۇ].

سەنگەرەن səngəran ئوتتەن دىۋار -

لارنى ئىتتەن يىرە باتمەش حەسەسى.

سەخمەق sıxmaq تۇلازلاماق، آتماق.

شەيتان تورو şeytan toru ئوتتەن

تەركىمەندە (سەقىندە) ھۆرۈمەك تورو.

قاراقوش qaraquş قاراقوش،

بايرامنى گەلمەسىنى خەبەر وئىرن قارا قوش

(فا. پەستو).

قارالا qarala ازىر، (قارالادان

اوخوماق: ازىردەن اوخوماق).

اونون گۆزۆنۆ ائردن سالماق اوچون

اوشاقلارین بۆتونندان آسیلان آلا

مونجوق.

لاوی lavı سیلله (فا. پس گردنی).

لم ləm تاخچا، قدیم ائولردە سۆیوق

اولدوغونا گۆره مئیوه و سایره نی یا تنز

ایتن و نارین (ایتنه کیمی) شئی لری لمه

قویاردیلار.

لیققا lıqqa پالچیق، زئیغ، تیرچیق.

نۆش nüş اردبیل ده سۆمرین

کندینده ایشله نن «اده» کیمی خیطاب

کلمه سی.

هارایچی harayçı آراچی.

هاق-هاققی haq-haqqı خئی - خئی،

لینگ - لینگ، قئی - قئی

قاراولیگ ائله مک qaravəlig

eləmək تالاندان های - کوی سالماق.

قالیانا دۆشمک qalyana düşmək

وورولما اثرینده گیجه لیب ییخیلماق.

قورخماق qorxmaq آز اولماق.

[اینک یتکه لیکده دوه دن بیر آرجا

قورخور].

قورخوتماق qorxutmaq آزالتماق.

[چیراغین خودونو قورخوت].

قوسومتو qusumtu قوسونتو.

قولبند qolbənd الی - قولو باغلی.

[اوغرونو قولبند ائله ییب آپاردیلار].

قوماراما ق qomaramaq دؤوره لمک،

دؤوره سیننی آلماق.

کؤکدن چیخما kökdən çıxma

سؤیود آغاجی ئین کسینلندن سونرا

کوتوتیونون دیییندن چیخان خول -

بوداقلار.

گۆز مونجوغو göz muncuğu گۆزۆ

دیمه لی آدامدان قوروماق اوچون و

يىئىلى سۆزلەر

رضاعلى كرىمى

زىنگان - چىلاندار كىندى

لەنتەر ləntər بىرىنچ جىنىسىندىن چىراغىن اۆستۈنە قۇيولان بۇرك شىكلىندە وسىلە.

لەنگرى ləngəri لىن، بۇيۇك، آغزى داياناز مىس قاب.

زىنجان - حلب كىندى

تەلك tələk تۇيۇق تەكۈ.

چەرەك çərək دوزاق.

زەك zek كالا، سۆدۈن ايلكى.

مەر mer تۇخ، ئىشىب دۇشموش.

مەرەت mərət مىراث، بى صاحىب.

مەفە məfə تابوت.

مىئەرآباد كىندى

فاغ fağ برە، دوزاق

آتالار سۆزۈ

اردبیل و ہندہ وریندہ

ترتیب ائدن: رضا کاظمی

تولياتنا لار: حسين فيضي، نوروز علي فيضي، رضا كاظمي، محمود مهدي، كاظم نظري بقا

- اۈزۈنە سىچى، اۈزگىيە گۈزىن

برەلدئى: / اۋزۈنە سىچىر، اۋزگەيە

گوزونو برەلدير.

- اۋزى دە بوردا اولماسا ﷲى بوردا. /

اۋزۇ دە بوردا اولماسا آللاھىم، بوردا.

- او... وراغی ساپا دوۆژی: / او... وراغی

ساپا دۆزۆر. (کیچیک مطلبی چوخ

(اوزادیر)

- او... ورائىن قاباغىنا سېشمە سوۋ، دىيەر

گ... ی یو خدی. / او... ورائین قاباغینا

سیچماسان، دئیهر گ...و یوخذو.

- او...ورقان مائيدانيں بالاسي چترهيهن

اولار.

- او...ورماسون ایسی چیخماز./

او...ورماسان ايڻي چڻخماز.

- اۋ... وروب اۋ... وراغىننان كۆسۈب. /

اۋ... وروب اۋ... وراغىندان كۆسۈپ.

- اوشاغی، بلهده ییشیر، آروادی

گرده‌ی ده. / اوشاغی بلکده بیشیر،

آروادی گریک دہ۔

- اوغرى يېشىەن دە قۇرخار. / اوغرو

پیشیک دن ده قورخار.

- اوغرى دان اوغرى يا حاللدى. /

اوغرودان اوغر ويا حالالدى.

- اوغرىنىڭ ئاخىرى دارغا شاتىم د اولار.

اوغرونون آخيري دارغا شاگيرد اولار.

- اوغرىنين يادىنا داش سالدى./

اوغرم ونون یادئنا داش، سالدی.

- اوغلان قىزسا تىز سۇنار، وئى
 اوندادى قىز قىزا. / اوغلان قىزسا تىز
 سۇنۇنار، وئى اوندادىر قىز قىزا.
 - اوغلى اۋلى بىلر اوغولسىز نه چكىر. /
 اوغلو اۋلن بىلر اوغولسوز نه چكىر.
 - اوغول اته ئينه ايشه مئىيسن. / اوغول
 اته ئينه ايشه مئىيسن.
 - اوغولون پىسى ئۇل اۋستە سىچر، گلن
 ده دىتەر ددۇيۇن پائى، گئىدن ده. /
 اوغولون پىسى ئۇل اۋستە سىچار، گلن
 ده دىتەر ددەنن پائى، گئىدن ده.
 - اۋكوزى ئۇرولانا هامى گۆلر. / اۋكوزۇ
 ئۇرولانا هامى گۆلر.
 - اۋلمغ اۋلمخ دى، خىرىلداماخ نه دى؟ /
 اۋلمك اۋلمك دىر، خىرىلداماق نه دىر؟
 - اۋلمە دۇخ اۋلمە دۇخ، گۇردان
 چاغىرىجى گلىدى. / اۋلمە دىك
 اۋلمە دىك، گۇردان چاغىرىچى گلىدى.

- اولوبسان صندل آغاجى، نه يارمائيسان
 نه ياندىرمالى. / اولوبسان صندل آغاجى،
 نه يارمائيسان نه ياندىرمالى.
 - اولوبسان كال آرموت قايييسان
 بوغازىمدا، نه آتا بىلىيم، نه اوتا بىلىيم. /
 اولوبسان كال آرمود قايييسان بوغازىمدا،
 نه آتا بىلىرم، نه اوتا بىلىرم.
 - اۋلۇم گلندە تاتىماز بو شاهدى يا
 نۇكر. / اۋلۇم گلندە تاتىماز بو شاهدىر يا
 نۇكر.
 - اۋلۇم وار اۋلۇم كىمى، اۋلۇم وار
 ظۇلۇم كىمى.
 - اۋلۇمون فاصيلهسى قاشنان گۇز
 آراسىدى. / اۋلۇمون فاصيلهسى قاشلا
 گۇز آراسىدىر.
 - اۋلۇم ياخچى شىئىدى آمما قونشينا. /
 اۋلۇم ياخشى شىئىدىر آمما قونشوتا.
 - اۋلۇنين باشىنا ها سو تۇه. / اۋلۇنون
 باشىنا ها سو تۇك.

- ايت ده تر حالۋادان پاي ايستر.
 - ايت سۆمۆه ئيىندە سۆيۈنر، سىچاندا
 زىنگىلدر. / ايت سۆمۆك ئىيىندە
 سۆيۈنر، سىچاندا زىنگىلدر.
 - ايت قولاخ كسىنىن قۇرخار. / ايت
 قولاق كسىنىدن قۇرخار.
 - ايتە آتماغا داشى يۇخدى. / ايتە
 آتماغا داشى يۇخدور.
 - ايتە چۆرە آتاندا آدمى قاپپاز. / ايتە
 چوراك آتاندا، آدمى قاپماز.
 - ايتە دىدىلر نىيە ھۆرئىسن، دىدى
 اۋزگەنى قۇرخودىيام؛ دىدىلر نىيە
 قۇيروغۇي بولئىسان، دىدى گ... يىمىن
 قۇرخوسوننان. / ايتە دىدىلر نىيە
 ھۆرۆرسىن، دىدى اۋزگەنى
 قۇرخودورام؛ دىدىلر نىيە قۇيروغونو
 بولائىرسان، دىدى گ... ۆمۈن
 قۇرخوسوننان.
 - ايت ھۆرەر ھۆرەر، اۋزىنە قالار. /
 ايت ھۆرەر ھۆرەر، اۋزۈنە قالار.

- اومود اولدوم اومود آغىيا، قالدئيم
 ھامىدان دالىيا. / اومود اولدوم اومود
 آغايا، قالدئيم ھامىدان دالىيا.
 - اۋندا آلاجاغون يۇخ، بىش دە
 وئرجەغون. / اۋندا آلاجاغون يۇخ،
 بىش دە وئرجەيىن.
 - اۋيىنن اۋيىرشمەمىش، دغلىن اۋيىرشیر.
 اۋيۈنۈن اۋيىرنەمەمىش، دغلىن اۋيىرنیر.
 - اىپە نە خخندە خار اولوب، انششەيە
 چىدار اولوب. / اىپك نە قەدەر خار
 اولوب، انششەيە چۇدار اولوب.
 - ايت الينن ساققىز چىئىنەمەلى دۇيىر. /
 ايت اليندن ساققىز چىئىنەمەلى دئىيل.
 - ايت ايتن بۇغوشدى، يۇلچىنا گىرەۋە
 تۇشدى. / ايت ايتلە بۇغوشدو، يۇلچوينا
 گىرەۋە دۇشدۇ.
 - ايت بىرىن ھۆرەر، ايكىسىن اۋ... ورار.
 - ايت تولادان دا مىنداردى. / ايت
 تولادان دا مىنداردى.
 - ايت دە بالاسىن چۇخ ايستر



آتالار سۆزۈ

زىنجان

تۈپلايان: ئىرىيا بىخىشى

ن

- ناخۇشون گۈزۈلۈش تۈرش آشى ئىستەتير.
- ناخۇش ئاتىندا، سۇغان داغلايتير.
- ناخۇنك چى سالقاللى اولار، قىلى دە
- شۈشە دەن يۇخا.
- ناخۇرا قۇدۇق قاتما.
- ناخۇرا گىنىمك عايشىب دىنىل،
- چۈرە يىن يىغماق عايشىدى.
- ناخۇر چىخمايش، بىزۈ چىخۇر.
- ناخۇر چى قىزىندان، خائىم اولماز.
- ناخۇر چى ئىن قازانچى نەدى؟ قۇدۇق.
- ناخۇر چى ئىن قىزىندان خائىم اولماز.
- ناخۇر يىرى ايله گىدىب، آلا دانانى
- آختارير.
- نادىر شايى تاختىندا گۈرۈب.
- نارشانسى، يار شانسى.
- نازىكلر ناز ائەسە نازىك بىندى،
- كىفىرلر ناز ائەسە بىلم نەدى!
- ناشۇكۈر باشا، داش ياغار.
- ناشى زورناچى ترسە باشدان چالار.
- ناققابالىق كىمىن، ھرنە وئىرىسن اوتور.

- ناماز قیلان بندەدى، قیلمايان
 شرمندەدى، گاه قیلىب، گاه قیلمايان،
 یشری جهننمدهدى.
- ننه دن امدیگیم سۆد بورنومدان گلدی.
 ننه دوروب دالدادا، دایا دۆشۆنه دۆیۆر.
 ننه سۆتۆندن حالالدى.
- ننه سى امجه گین کسن لردن دى.
 ننه سى اوغلودو.
 ننه سین اولدۆرۆب، باجى شین
 اولدۆرهنه صوبىچ آچىلىب.
- ننه سى نین امجه گین دیشله یتب.
 ننه لى قیز، زیر- زیر، اۆستورار، ننه سى
 اۆرتۆب باسدیرار.
 ننه لیک گۆزۆ ایلن باخیر.
- ننه لیگین هر نه یی وار، لیکیندهدى.
 ننه لیگین یاخچى شین اود آپارسین،
 پیسین ایت آپارسین.
- ننه م بئله فن ایدی، کۆندهنى کیچیک
 توتاردی، دده م بئله فن ایدی، دۆردۆن
 بیردن اوتاردی.
- ننه م دۆغوب، دده م هۆلاییشب.
- نانجیه بۆرجلو اولما، یا توی دا ایستر،
 یا قوناقلیقدا.
- ننه چەکی قارا کۆپک قاپیدا یاتیب،
 اوشاق دنک سیچاجاق.
- نئیلیرم قیزیل تئشتی، ایچینه قان قوسام.
 نردیوانی پیلله، پیلله.
- نفسی ایستی یتردن چىخیر.
 نمنه دئسن اۆزۆنه، بئش بارماغین
 گۆزۆنه.
- ننه بیر قیز گۆردۆم. دندى گلین
 اولاندا گۆر. ننه بیر گلین گۆردۆم،
 دندى دوغاندان سؤنرا گۆر.
- ننه تعریف ائله ین قیزی، قوی قاج.
 ننه دئیهن چۆخ اولار، چۆره ک وئرن
 یۆخ.
- ننه دئیهن گئتسین داغا داشا، گلین
 دئیهن گلین باشا.

باياتىلار (۳)

زىنجان

تۇپلايان : ئريا بخشى

بولاغى بولاندىرما	سالام وئىرىن آناما
ال سالىب دولاندىرما	منه لاي لاي چالانا
گئىدىرسن تىز قايىت گل	من كى جاوان اولۇرم
گۈزۈمۈ سولاندىرما	گئىدىن دىشىن آناما
عزىزىم قىزىل آلما	گل منى بىندە آتما
بۇشقا با دۈزۈل آلما	خوى دان مرنده آتما
چىركىن آل اصىل اولسون	ھامى اۆز دۇندىرىدیر
بد اصىل گۈزل آلما	گل منى سن دە آتما
اندیم بولاق باشىنا	آغ شالىن بورما - بورما
يازقى يازدىم باشىنا	اۋۇجۇندا قارا خورما
گلن گئىدن اۋخوسون	منى سنە وئىرمزلىر
نەلر گلىب باشىما	آتىن چك بوردا دورما

خوش گلیسن اوتاغیما
ایشیق تۆكدۆن اوجاغیما
یورغون جانیم قوریان اولسون
سنین کیمی قوناغیما

زامانا آی زامانا
اوخو قوئدوم کامانا
ایششکلر آرپا ییشیر
آت حسرتدی سامانا

آی قیز دور گل یانیما
قادان آلام جانیم
من سندن ال چکمه رم
آند اولایمانیما

دامدا دیرک قایتانا
ایشلر بزرک قایتانا
اوغلو ائوه گلنده
اولار زیرک قایتانا

بوردان اوزاق میثانا
سنی یانایدین آنا
سن قوئمادین من گئدهم
او سئودیشیم اوغلانا

آی دولانا - دولانا
دوئدو بیزیم ائیوانا
قیز، سنی دوغان ننه
اولسون منه قایتانا

گل گئدهک دار دالانا
دیپی یوخ دار دالانا
حکیم، طبیب نیشله سین؟
اۆرکده درد اولانا

عزیزیم سن دیوارا
قدم قوئ نردیوانا
زر قدرین زرگر بیلر
نه بیلیر هر دیوانا؟

لاي لاي لار (۲)

ئوربا بخشى

لاي لاي گۆتدە آغ بولود
درە بولود ، داغ بولود
قېيىمام بالا آغلانا
سن داتانما تاغ بولود

لاي لايىن هامار - هامار
ناز بالام گۆزۈن يومار
اۋستۈ گۆل، آلتى چىچىك
يوخوسون اۋردا تاپار

لاي لايىن چىنار - چىنار
ئارباغى دامار - دامار
يامان گۆزدن، نظردن
ساخلاستىن پروردىگار

لاي لاي اوجا قالالار
لاچىن اۋردا بالالار
آنا بالاسىن وئرمەز
گۆچ ايلن دە آلالار

لاي لاي بالام آيىخىب
سۆت سۆزلەيىب آيىخىب
يا كال دوروب يوخودان
يا قوجاغا دارىخىب

لاي لاي داغى قارايىب
آغاجلاردان بار آلىب
بالامىن گۆزلىرى تىك
ھاۋا رنگى قارايىب

لاي لاي گۆلۈم بىلە يات
باشىۋى قوي گۆلە يات
من قىمىنى چىكرىم
سن باخ گۆلە گۆلە يات

لاي لايىننام بىرى يۈخ
بىرى ۋاردى بىرى يۈخ
باغلارنىدا بالام تىك
تۈزە گۆلۈ تۈرى يۈخ

لای لای لای لای لای لای
 یاتار یوخوسو گلر
 اوزاق - اوزاق یوللاردان
 ایندی دایئسی گلر

لای لای لای لای لای لای
 هئیسوآدان نار شیرین دیر
 کورپه لر اولان یئرده
 کیم دئیر یار شیرین دیر؟

لای لای لای لای لای لای
 دیل یوموشاق شیرین دیر
 آنا اوچون هر نه دن
 کورپه اوشاق شیرین دیر

لای لای لای لای لای لای
 یئرین سرمه سم اولماز
 سنین قملی گونونده
 قمین یئمه سم اولماز

لای لای یاندی چیراقلار
 بشیکده دی اوشاقلار
 یئددی یوخو ایچینه
 بالام بئیشت سوراقلار

لای لای لای لای لای لای
 قونار گوله ساریلار
 بالاما قوربان اولسون
 یاشی اوزون قاریلار

لای لای لای لای لای لای
 اوره ییمده یارام وار
 خالقین مالی، دؤولتی
 منیم ده بیر بالام وار

لای لای لای لای لای لای
 آنا بالاسین ایستر
 من بالامی ایستهرم
 بالام بالاسین ایستر

لای لای لای لای لای لای
 یاواش - یاواش پینک لر
 اینجه بولود بشیکده
 لای لای لای چالار ملک لر

باياتىلار

رضاعلى كرىمى

زىنجان



داغلار دۈلو دۈشەر
قار ياغار دۈلو دۈشەر
قېرىمى يۈل اۈستە قازىن
دۈست گلر يۈلو دۈشەر

عزىزىم ارخىن گل
چىمىدى چىرخىن گل
قېرىم اۈستە گلندە
اوتانما خلىخىن گل

بو داغلار ئىن قارى منىم
گۈن دۈشەندە ارىمەرم
قوزايدا قازىن قېرىمى
من جاوانام چۈرۈمەرم

سو گلر قالخا- قالخا
تۈكۈلۈر بىزىم آرخا.
بوردا بىر قىز سۈمىشىم
آنامدان قۇرخا- قۇرخا.

بو داغلار مۇشە داغلار
چاتىن باش باشا داغلار
ايجازە وئىرىن گلىسىن
دۈنمە ئىن داشا داغلار

دالان آلتدا دالان وار
دالاندا ئىش سالان وار
گىدىرسىن تىز قايىت گل
گۈزۈ يۈلدا قالان وار

آذربايجان قديم فولكلور رقص لرى (۲)

كمال حسن اوز

كوچۇرەن: پىام سىراپلى

۲- «كۇسا- گلىن»

«كۇسا كۇسا» ۋ «كۇسا گلىن» باھار ئىن گلىشىنى ترنۇم اندن خالق تاماشالارىدۇر. كۇسا قىشى ئىشلىتىلىپ اندىر ۋ اونا مۇۋافىق گىشىنىر. ايتىندە قۇيۇن درىسىندىن ترسىنە چىقىرىلمىش كۆرك، باشىندا قۇيۇن درىسىندىن ۋ يا خود كاغىزدان دۆزلىدىلىپ رىنگلەنمىش مخروط شكىللى ھۆندۆر شىش پاپاق. اۆزۈندە تانىماسىنلار دىئە (بو او قەدەر دە ۋاجىب دىئىل) كاغىز ۋ يا خود پارچادان ماسك، كۇسانىن قورشاغىندىن، بعضىن پالتارىندىن ۋ يا خود بۇيۇندىن زىنگلر آستىلىرىدۇ. بىلىنە تاختا قىلىنچ باغلايتىرىدلار.

كۇسا ۋ اونون كۇمكىچىسى خىردا اوشاقلار ئىن احاطەسىندە كىد بە كىد، حىط بە حىط گزىب اۆز زارافاتلار ئىلە جاماعاتىن كۇنلۇنۇ آچىر ۋ تاماشا گۇستەرىدى. كۇسانىن طرف-ى مۇقابىلى دە جاۋان اوغلان اولوردۇ. او قادىن پالتار ئى گىشىب «گلىن» رۇلو اۆتاتىرىدۇ. او ازىلىب بۆزۈلۈر، عىشۋە كارلىق اندىر عىشىنى زاماندا «اوتانا - اوتانا» كۇسانىن چىخىشىنا قۇۋىت ۋىرىدى. لىزىك شەرىنىن كىدلىرىندە مىلن مۇنىدى گاهدا ايندىنىن اۆزۈندە دە «كۇسا- گلىن» اۆتاتىرىلار.

آشاغىدا «كۇسا - گلىن» تاماشاسىنىن تىخىمىنى سىنارىيۇسو گۇستىرىلەر. سىنارىيۇ: تاماشانىن اىشتىراكچىلار ئى كىچىك دىستەلرلە صحنەدە اۆز ئىشلىرىنى توتوبلار. «بش داش» اۆتاتان كىمى، صۇحبىت اندن كىمى، چوبوق اۆتاتان كىمى، ھەرە بىر ايشلە مشغۇلدۇر. بىردن اونلاردان بىرى كۇسانى اۆز دىستەسى اىلە گۇرۇر ۋ

قىشقىرغۇ: «كۇسا گۈلدۈ» ھامى كۇسانى، اۋنون «گۈلۈن»-ىنى ۋاۋنلارۋىن آرخاسىنجا گۈلن
موسىقى چىلىرى دۈۋرەيە آلىر. موسىقى چىلىرى «عينابى» چالغىلار. ايشتىراكچىلار كۇسانى
ھارادا اولدوغۇ، نە گۇردۈيۈ بارەدە اۋنو سۇرغۇ سوآلا توتورلار تخمىنى دئىشمە:
ھاردايىدىن كۇسا! ھاردان گۈلرسن ؟

قوبادان

نە گۈلرمىسن ؟

قۇز- قاخ

بس قۇز - قاخ ھانى ؟

ساتدىم.

پولونو نىشئلەدىن ؟

نىشانلىم اۋچۇن پالتار آلدىم.

ھامى گۈلۈر. جاۋانلار كۇسانى سىخ دۈۋرەيە آلىرلار. اۋال- قۇلونو اۋلچە-

اۋلچە دانىشئىر. بو داتىشئىق، پانتۇمىم فورماسىندا، سۇزسۇز باش وئىرىر. بعضن قەقەھە
سىسى گۈلر.

بو زامان قىزلار «گۈلۈن» كۈنچە چكىرلر. اۋنون اۋزۇ روبىندلە اۋرتۇلۇدۇر. قىزلار

زارافات ائىدىر. گۈلۈر گۈلۈن چىمدىكلەيىرلر. اۋ دا زارافات ائىدىر. اۋنلاردان قۇرونور.

قىزلاردان بىرى تەكلىف ائىدىر.

قىزلار گۈلۈن نىشانلى اۋچۇن اۋخوتياق

گۈلۈن اۋخوتياق

ھامى خالاباجى آھنگى ايلە اۋخوتور .

گۈلۈن باخ گۈلۈن

جىغ جىغا وئىرىپ تىلىنە

الىنى قۇتۇپ بىلىنە

گلینہ سۆز دئمەیین
 کۆسۆب گئدر اۆز ائوینە
 گلینہ سۆز دئمەیین
 کۆسۆب گئدر اۆز ائوینە

اونلار اوخوناراق گلینین اطرافیندا اوینایئیرلار. سونرا قشزلاردان بیرى گلینین اۆزۆنۆ آچماغی تکلیف اندیر. گلین مۆقاریمت گوستریر. لاکین قشزلار اونون اۆزۆنۆ آچیب گلین عوضینە جاوان اوغلان گۆررک گۆلۆشۆب داغیلئیشیرلار. گلین تک قالیب لاکین بو چۆخ چکمیر. جاوان اوغلانلاردان بیرى اونا یاخینلاشیر او زارافاتچیل، شن، هامینین سئویملیسیدیر. حرکت لری گۆلمەلیدیر. البتتە او دا هامی کیمی بیلیرکی گلینین رولونو جاوان اوغلان اوینایئیر. لاکین عنعنەتە گۆرە اۆزۆنۆ بیلەمەزلیتە قۇیور.

او گلینلە زارافات اندیر. اونونلا تانیش اولماق ایستەیر. دانیئیشیر. اونون اطرافیندا گۆلمەلى رقص اندیر بو گلینی بئزديریر، گلین وار گۆجۆ ایله اونو ایتەلەیر. جاوان اوغلان یومبالانیب کۆسانین آياقلاری آلتینا ییخیئیر. کۆسا دانیئیشیغینی کسب، هیرسلەنرک اونون اۆستۆنە آتیئیر. یۆلداشلاری دا جاوان اوغلانی دانلایئیر و کۆسانی ساکیت لەشدیریرلر. کیم ایسە خاهیئش اندیرکی، کۆسا یئنی بیر شئی دانیئیشین. کۆسا دئییر:

کۆس کۆسا گلدی
 اون بئش کۆسا گلدی
 کۆسا بیر اونون ائیلەر
 قوزونو قۇیون ائیلەر
 کۆسایا بیر یۆل وئیرین
 اۆزۆ اۆز تۇیون ائیلەر (گلینی قۇجاقلايئیر)
 کۆسا گئتدی بیچینە

آغاچ دېدى قىچىنا

باي باي باي

كوسا يا بير باي وئرين (گۆلۈر)

قىزلاردان بيرى دئير:

كوسا سىن پائىن بيزده. سىن ناغىلىنى دانىش.

كوسا داوام اندير:

كوسا كوسا گلدى

باھار سىن سىزى گلدى

كوسا دوردو باخماغا

منصور دورسون اوينا ماغا

منصور شرطى آددىر. كوسا اوينا ماغى باجاران جاوان اوغلان و قىزلاردان

ايسته دىيىن آدىنى چكە بىلر. منصور اوينا ئىر ھامى ال چالير. اوندان سونرا كوسانى و

اونون «گلىنى» نى دۇۋرە يە آلىپ اوينا ئىر. بير قەدەردىن سونرا كوسانىن باشى قارى ئىر

اۋن پلاندان تەك اوينا ئىر گلىنىن نىجە اوغورلاندىغىندىن، داھا دۇغروسو صحنە آرخاسىنا

نىجە آپارىلدىغىندىن خبرى اولمور.

نھايت گلىنىن اۋردا اولما دىغىنى ھىس اندىر. اۋزۇنۆ ايتىررك صحنەنى دۇلا ئىر.

آختارير. ھىرسلە نىب تاختا قىلىنجى چىخاردىر. طلب اندىركى گلىنى قايتارسىنلار. كوسا

اليندە قىلىنج، صحنەدە وورنوخور. قىلىنجى فىرلادارق ھامىنىن دالنىجا دۇشۇر.

ايشتىراكچىلار گۆلۈشەرك صحنەدە اۋرا بورا قاچىب داغىلى ئىشلىلار. نھايت كوسا

يۇرولوب ئىخىلير. قىشقىرير. بركدن آغلا ئىر گلىنى طلب اندىر. اۋنا مۇختلىف لىذتلى

شىلر تەكلىف اندىرلر.

كوسا آغلا تارق ايمىتىنە اندىر گلىنىن ايسە ئىر. عىنى زاماندا اۋنا وئىرلن

شىلرى گۆتۈرۈپ تۇرباسىندا گىزلە دىر.

كۇسايا يازىقلارنى گلىرى. گلىنى اونون يانىنا كىرىرلەر. اونلار سئوينجە بىر دە رقص اندىرلەر. رقص قورتاراندىن سونرا كۇسا تۇرباسىنى گۇتۇرۇپ بىر بىر بۇتۇن ايشتىراكچىلارغا ياخشىلاشقىر. اونلار دا اونا خوشبختلىك و جان ساغلىقىنى آرزولايلاق تۇرباسىنا مۇختىلف شىرىنىيات آتقىرلار. آخىردا كۇسانىن گلىنى نە ساتاشان اۇغلان قالقىر. اۇ پائى وئرمك عوضىنە الينى كۇسانىن تۇرباسىنا سالىپ اوردان بۇتۇك بىر كۇك گۇتۇرۇر ايشتاها ايله دىشلەيىپ ئىشمەنە باشلاشقىر. هامى گۇلۇر كۇسا دىشىر:

كۇسا قورتاردى ايسىن

اوستاسىدېر بۇ ايشىن

قالخىن هامى آياغا

رقص اندەك شىرىن شىرىن

كىم نەجە باجارىر اويناشقىر. آخىردا كۇسا خودا حافىظ لە شىب اۇز گلىنى و موسيقى چىلرە گىدىر. هامى رقص ائتمەك دە داوام اندرك اۇنو ئۇلا سالا - سالا صحنەدن چىقىشقىر.

بۇتۇن بۇ صحنە دىنامىك شىن اولمالىدېر. حاضىر جاوابلىق. گۇلمىللى آتماجالار مۇطلق جاوابدېر. كۇسايا باشقا شىرلەر دە وئرمك اولار. دىمك اولار كى، بۇتۇن شىرلەر دە «كۇسا» تاماشاسىنىن بىلىجىلرى ەلە ايندىنە كىمى وار.



احمد ايله ابراهيم داستانئ

علیرضا ذیق

احمد - ابراهيم داستانئ بو گونه قدير سينه لرده ياشاسا دا مکتوب لاشمايش و آشتیق ادبيياتئ تئن قيزيل صحيفه لرینده اونون اوجون هله بير يئر آچئلمايشيدئر. اوئل ليکله بو داستاندا بير يئرده دانيشئلمايشيب. احمد ايله ابراهيم داستانئ «خوي» و «اورمو» - دا چونخ دئييلن صوحت لردن دير و سئويملی آشتیقلارين ديللرينده - ديشلرينده گزه بير خلق داستانئ دير.

احمد ايله ابراهيم داستانئ، اصلی - کرم و آشتیق قریب ايله شاه صنم داستانئ کیمی دئييل کی، سئوگی به چونخ يئر وئريله و داستانئن قهرمانلاری، سئوگیلرینه چاتماق اوجون، قوریت ائلره دوشوب سازلا - سوزله چتین ليکلره قلبه چالار و صاف اوره ک لریندن چاغلايان اينام و ايمان لاریلا دار گونده ارنلر قشیدن اونلارین دادینا چاتالار. هابله شاه ایسمایشیل و سئیدی داستانئ کیمی دئييل کی، سئوگیلری اوغروندا جاندا باشدان کچه لر و قهرمانلیق گؤسترمله اوره ک ایستکلرینه چاتالار. بو داستاندا سئوگی و محبت دالغالانسا دا ایکی سئوگیلر ابراهيم و بیگیم، قارا قووه لر اهاتینه اوغراییشیب دار آهاجینا جان گتسه لره، سئوگی دن ازنهر کی، باشقا محبت داستانلاریندا گورورؤک چونخ سوز آچئلمايش. داستاندا ایکی قارداشین اوره ک باغلیلیق لارین، اونلارین چتین ليکلره اوزبه اوز اولدوقلارین و تقدیرین نه سایاق اونلارا اویون اوینادیق لارین گؤره رک اینسانلارین ایچهری دؤنیا و عاطیفه لریندن، درین و دویغولو حالدا سوز آچئلمايش و آغلاد.

حزین شاعرلر ايله، داستان مؤخاطبلرین دویقولارینئ تحریک اندید تیه!

صحنہ لرین یارانماستینا سبب اولور. بو داستانئ خولا صہ ده اولراق ایلک دفعه خویلو
 آشئق علی رحمانئ نین دیلندن انشیدیب مکتوب لاشدیرارکن، اومید اندیرم کی
 اونون زامانلا آياقلاشماسئ اوچون بیر یاردیم ساینلا.

احمد- ایبراهیم داستانئ توقات شهریندن باشلائیئر. توقات شهرئ نین شاهئ
 زوله ر شاه دئر کی، اوولادئ اولمور. نذیر نیاز اندیر کی، اوولاد صاحبی اولسون و تانرئ
 اونون ایسته ئینی یئرینه یئتیریر. آنجاق بیر اوغلان یوخ ایکی اوغلان اونا وئیر کی،
 انکیز تائی اولورلار. بوئوک قارداشین آدی احمد اولور و کیچیک قارداشین آدی ایبراهیم.
 زوله ر شاه اولوب گئندنده احمد ایله ایبراهیم اورتا مکتبده درس اوخویوردولار. احمد و
 ایبراهیمئین آناسئ کی، داش اوره ک و عاطیفه سیزین بیرى ایدی اونلارا دوزاق قورور کی،
 وزیرله البیر اولوب تاجی-تختی اله کئچیرسین.

آما احمد ایله ایبراهیمئین دایه سی بوئون گیزلینده کئچن اولایلاردان خبری
 اولوب اونلارین قانچماسئ اوچون یاردیم اندیر:

بو گون وزیردن بیر سوز ائشیتدیم گئدین اوغلانلاریم قالمائین بوردا
 وزیرین سوزوندن من شککه دوشدوم گئدین اوغلانلاریم قالمائین بوردا...

احمد ایله ایبراهیم وزیرین یلندن قوربت یوردا قاجارکن جلا دلار اونلارئ
 یاخالاییب اولدورمک استه ینده ایبراهیم یالوارماغا باشلائیئر:

سن اولاسان آتامین دوز- چوره ئی آماندئ جلا دیم آزاد انت منی...

قدیم جلا دلار ایکی اولاردیلار، بیرى رحمانی، بیرى ششیتانی. رحمانی جلا دین
 رحمى گلیب اونلارئ آزاد اندیر. بیر قوش ووروب باشئینئ اوزور، قانئینئ اونلارین
 کوئنک لرینه باتئیریب وزیرى آلداتماق اوچون چاره قیلیر.

احمد ايله ايراهيم گنجە گۆندۆز قۆربىت ائللارده ئۆل گۆندەركن چىنە چاتىرلار. «چىن» يىن قىبرىستانلىغىنا چاتاندا ايراهيم آه- و فغان اندىب آجلىق و يۇرقونلوقدان داها آددىم آتانىمىر. احمد اونو اوردى بوراخىر اۆزۆ گۆندىر طاعام تاپىب گىرسىن. آما اۆل- آياق اندىب قايىدانا قەدر «چىن» يىن دروازەسى باغلانىمىر و شەردن انشىنە چىخانمىر. ايراهيم قاللىر چىن دە و احمد دە قىبرىستانلىقتا. گنجەنى احمد يىن اينىلتى سىنى رحمان خان آدى بىر حرامى انشىدىب اونا ياخىنلاشىمىر. حال- قىزىنەنى انشىدەركن دىمىر چۆن قارداش يىن دان خبر يۇخدور و بللى دىمىل ايندى يەجن اۆلۆب يا قاللىدى، چۆن چىن ايندى شاه سىز بىر مەملىكت دىر و بۆتۆن ھر يىر چال- چاپ دىر، ياخشى اۆدور كى، منىم اۆلادىم اولاسان تا من سىن بۆتۆن اىستىك لىرىنى يىرىنە يىتىرەم. ايراهيم يىن جانىنى قۇرخو آلمىشدى. اۆ كىچىك ياشدا اولدوغو اۆچۆن تىز تىمىم توتور و رحمان خان يىن اۆغوللۇغو اۆلور.

انشىدەك احمد دىن كى صاباح گلر و نە قەدر ايراهيمى آختارىر تاپا بىلمىر. ناچار قايىدىمىر چىنە. اوردى جاماعات يىغىش يىب شاه سىچمىك اۆچۆن قوش اۆچوردورلار. احمد يىن طاللى اۆزۆنە گۆلۆر و اۆچ دىفە بو قوش قۇنور اۆنۆن چىنەنە و اۆلور چىن يىن شاھى. شاه اۆلاركن چۆن بىلىردى ايراهيم يىن پولو يۇخدور و مۆمكۆن دۆر آجىندان اۆلە و اۆزۆنۆ بىر يىرە چاتدىر انمايتا بۆتۆن چۆرە كىچى خانالارى و گىمى لرى مۆفتە انعلام اندىر و دىمىر اۆنلار گلىب درباردان پوللارىنى آلىنلار.

ايراهيم كىشمىردە زرگر تۆكانى آچىب رحمان خان و اۆنۆن خانىمىنا اۆغول حىسابلانىمىر. قىدىم رىسم لردن بىرى ياخادان سالما ايدى كى بو ايشى گۆرسە ايدى لر اۆزگە اۆنلار يىن اۆغوللارى حىساب اۆلاردى. ايراهيم كىشمىردە عبدوللە شاھ يىن قىزى

سكىنە بگىمە ۋە ئورولۇر ۋە ئارالارنىدا صمىمى بىر سئوگى ئاشاركن باشىنا بىر ئايرى ماجرا كلىر.

ايبراھىم، شمعون يھودى طرفىندىن كى، ھىندىستاننىن ۋارلى - كارلى ئادام لارىندىن بىرى ايدى بيهوش دارو ايله، ھوشدان كىدىب گۆزۈنۆ آچاندا اۈزۈنۆ ھىندىستاندا گۆرۈر. شمعون يھودى اۆرەينىدە اولوب كىچەنى ايبراھىما آنلادىب دىئىركى اىستىرسىن اولۇمىدن قورتولاسان گرگ من نە دىسم اونا باخاسان. منىم گۆزۈم ھۆسنىن شاھىن قىزى بگىم دەدىر. آمما قۇجا اولدوغوما گۆرە اۈنۈ مە ۋىرمىزلىر. سىن اۈنۈ آلاركن مە تھويل ۋىترىب جانىنى بىلەلىكلە باغىشلاياجاغام. بىر پارا ماجرالاردان سۇنرا ايبراھىم، بگىمى گۆرۈپ اونا بىر گۆيۈلدىن مېن گۆيۈلە عاشىق اولۇر ۋە ئولە نركىن، بۆتۈن حەقىقىتى اونا آچىقلايتىر.

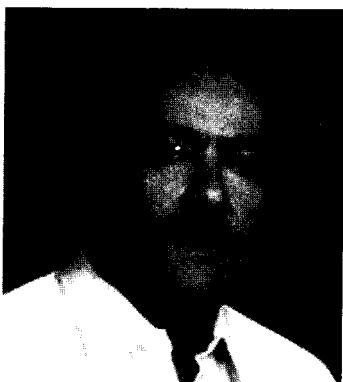
ھۆسنىن شاھ ايشى آنلاركن دىستور ۋىترىر شمعون يھودىنى توتسونلار ۋە ايبراھىم لا بگىمى ال - الە ۋىترىب قۇربىت ائلە گىتمەكلىرىنى اىستەيتىر. نىشە كى، شمعون يھودىنى زىنداندا ساخلاماق چىتىن ايش ايدى. اۈ پولو ۋە گۆجۈ ايله اۈزۈنۆ تىزلىكلە قورتاراجاق ايدى. ائلە دە اولدو ۋە شمعون يھودى زىنداندا قاقچاركن بگىمى الە كىچىرىب ايبراھىمى دا گمىدن آتدىرىر درىئا. آمما ايبراھىم جان قورتارىر ۋە درىا دۈنۈزۈنا مېنەركىن قورولوغا چاتىر. بگىم دە چارەنى اۈندا گۆرۈر شمعون بىر تۈر تۈخوسون ۋە باشىنا بۈرك قۇيماقلا، زامانى اوزاندىرسىن، بلكە ايبراھىمدان خبر اولما. بگىم شمعون يھودى ئە دىئىر سىنلە بىر شرط ايله ئولە نىرم اۈ دا بو كى، درىا قىراغىندا بىر عىمارت سالدىراسان ۋە بىش آلتى آيلىق آذوقەنى اۈزا ئىغاركن مېن انىشە چىخماق دان راحتلايتاسان كى گۆيۈلۈم انىشە چىخىب دۈلاشماق اىستەمىر. بىلە دە اولۇر. عىمارتى

دۆزەلدىب بگىمە تھوئىل وئردىكەدە بىگىم قاپىنى باغلايىش و شمعونو ايچەرى يە يۇل وئرمىر. گۆز تىكىر آلاھىن كرمىنە كى بلكە اىبراھىم اۆلۈم دىن قورتولا و بىر- بىرلىنە چاتالار. اىبراھىم بىر نىچە آى چۇبانلىق دان سۇنرا بىر گۆن بگىمە راست گلىر و ايكى سئوگىلى بىر- بىرلىنە قۇوشاركن شمعون يھودى نىن خبرى اولور و گندىر احمدە كى چىن يىن شاھى دىر شىكايت ائتمە يە. احمد ايشى بو جور آنلايىش كى، اىبراھىم لا بگىم شمعون يھودى نىن ناموسونا تۇنەين اندىبلر و اونلار يىن ائعدامىنا فرمان وئرىر. دار آغاچلار ئ قورولار كن، رحمان خان كى، اىبراھىم ئىن دالنىجا گزىردى اونلار ئ گۇرۇر و حال- حىكايتى آنلار كن اۆزۈنۈ احمدە ئىتتىرىر و شمعونون ئالان سۇئىلەدېشىنى آنلادىر. احمد، رحمان خان ئىن سۆزلىرى ايله بىر آن فىكرە دۆشۈر و دىئىر اولماي بو منىم اۆز قارداشىم اول و وئزىرى تىزلىكە يۇللایىش كى، بۆتۈن ماجرادان باش آچاركن گلىب، اولوب- كىچىن لرى آنلاستىن. اىبراھىم دىئىر:

زۆلەر شاھىن اوغلو ايدىك بىز ايكى قارداش
آغلار دىدەلر تۇكر قانلى ياش
وزىرىن اليندە قالدىق نىئىلايىم^۱
جلادلار اليندە قالدىق نىئىلايىم

وئزىر بۆتۈن سۆزلىرى احمدە دىئىر كن احمد، اىبراھىم گۆرمە يە جان آتىر و قارداشىنى گۇردۆكدە هوشدان گىتىر. هاننان- گىتىدەن اۆزۈنە گلىب بىر- بىرلىنى قوجاقلايىش شمعون يھودى نى اونلار ئىن يىرىنە دارا چكدىرىر. احمدىن بوئوروغو ايله اىبراھىم دا كىشمىرىن شاھى اولور و ايكى سئوگىلى سى بگىم و سكىنە بگىم لە بىرلىكدە تۇى اندىب خوش گۆنلر باشلايىشلار.

^۱ نىئىلەيىم



ھوللاۋارلار

توپلایان: اسماعیل ممدلی

اۋكۆز، اۋكۆز، قان اۋكۆز
بۇئىنو قىزىل قان اۋكۆز
چك چايئىرى چمىندىن
سنه جان قورىبان اۋكۆز

اۋكۆزۆم بىردى منىم
طالبىم كۆردو منىم
ايكى اولدو اۋكۆزۆم
قارا چوخام^۱ دوردو منىم

باشىنا من دولانىم
من دۇنۆم من دولانىم
اولمه اولمه يازىغام
كۆلگه نده من دولانىم

بۇئىنونو من ياغلارام
يامان گۆزۆ داغلارام
تئز چك مارال اۋكۆزۆم
گىرى قالسان آغلارام

اۋكۆزۆن ھوداقلارئ
ساللانىب دوداقلارئ
تئز چكىن يئر قورتارسىن
قايئىتىسىن ھوداقلارئ

تئلى مرجان بىزه گل
داغدان انىب دۆزه گل
دېرناغئىنىن ايزىنله
بو يئرلىرى بزه گل

^۲ بخت، شانس

اۈكۆز قايىتىدئ قاشدان
آى الله ساخلا داشدان
بد نظر قاباقدادئ
يولونو سال بو باشدان

داغ دوشونده ياتانا
گون گندر آى باتانا
قارا اۈكۆز قارغىئار
جوتون مجين^۵ توتانا

قارا اۈكۆز آرانددا
چىخار گون قىزارانددا
هوداق مورادا چاتار
تورپاقدان بار آلاندا

اۈكۆزۆم گندير ايشه
قورخورام باغرى بيشه
هولا بير بولوت گله
گوئىدن يشره نم دوشه

اۈكۆز بۇيۇن يىغلارام
دوشمن گۆزۆن داغلارام
رانائى^۳ درين گۆتور
سنه يۇنجا باغلارام

چكن اۈكۆز مرد اولور
چكمه ئنى درد اولور
تنبل اۈكۆز يىتھسى
خجىل اولور، پرت اولور

قىزىل اۈكۆزۆم يشرى
قۇيما شوم قالا گئرى
ايتى ترين ماراليم
دوشمانلار باخىر برى

راناداكى^۴ بوز اۈكۆز
قۇپارئيدئ تۆز اۈكۆز
آلىب يشرين جانئىنى
چىخسىن يامان گۆز اۈكۆز

^۳ رانا: جوتون آچديغى شيريم.

^۴ ايرانا: باخ رانا

^۵ مع/ماج

اۈكۈزلر قوشا گىتىدى
گۈچ ووردو داشا، گىتىدى
جۈتۈن مېجى^۶ قىيرىلدى
زىھىم بوشا گىتىدى

اۈكۈزلرېم ناز انىلر
قۇيرۇق بولار تۈز انىلر
ھەر آخىشام گۈن باتاندا
كۈۈشەن دە پروتاز انىلر

نەم قارا قاش قۇيۇن
قارلى داغلار آش قۇيۇن
آي قارانلىق گىجە دە
چۇبانا يۈلداش قۇيۇن

نەم آ شكىل قۇيۇن
بىلىندە ككىل قۇيۇن
آي قارانلىق گىجە دە
آرخاچا چكىل قۇيۇن

نەم آ نارىش قۇيۇن
نېيە بىر قارىش قۇيۇن

چۇبان سىندى كۆسۈبدۈ
سۈدۈ وئىر بارىش قۇيۇن

نەم آ كۆردى قۇيۇن
اۈتلادى دوردو قۇيۇن
آياغىن يىرە دۈيۈز
گۈرۈبدۈ قوردو قۇيۇن

نەم قومرال تات قۇيۇن
ايلدىن ايله آرت قۇيۇن
بالالارچاڭ اۈستەدى
يىتىش آ نامرد قۇيۇن

نەم آ شىشك قۇيۇن
يۈنۈ بىر دۈشك قۇيۇن
بولامانئ تىز يىتتىر
قىيرىلدى اوشاق قۇيۇن

قۇيۇن اۈزۈ گىلدى
دۈزلەندى يۈزۈ گىلدى
چۇبانىن قوجاغىندا
بىرچە جۈت قوزو گىلدى



ايى قارچى (اىبراهيم مورادى)

محمد رزاقى (زنگان)

سعيد تمجيدى نىن عراق زيندانيندان آزادلىق مراسىمى:
تار: ابراهيم مرادى، قawal: ايوب توابى، قارمان: جلال شامفر

۱۳۱۵-جى ايلده قشقدارين نوؤوس كندينده آنادان اولور. آتاسى فوغان على، ساز آشيغى ايدى. آتاسى نئين يانئيجا توئلاردا، يئغولاردا ايشتىراك ائدن اىبراهيم اينجه - اينجه قawal چالمانى كنجل ممد موهاجىردن (باكى دان گلمه) اوئره نير. قawalين بوئون سىرلرينه يئيه له نير. رىنگلى ايسه دنه-دنه قawalدا دوشورور. ۱۷ ياشينا يئتيشن اىبراهيم، صئيفى مورادى ايله كندلريندن قاجىب زنگانا گليرلر.

ايى قهووه قawal چالماقلا ياواش-ياواش تانئىيب يان-دوؤره ده اولان كندلرين توئلارينا كئدير. بير سووره آشيغ عوض حئيدر يه قawalچى اولور. آشيغ عوض زنگانين آدليم آشيقلاريندان سايئيليردئ. (عوضين بالابانچى سى دا صفر ايدى). ايى چالان رىنگلردن يووزير، واغزالى، عينسابى، قشنگ، تيفليسى، بخته ورى، قازاغى، ليزگى، ... عيبارتدير. ايى او زاماندا بى قawal دونئاسى نئين باشچى سى سايئيليردئ.

آشئق عوض دن سونرا تارچئ حمیدخانا (باکئ دان گلمه) قاوالچئ اولور. حمیدخان یالنیز تار اویرتمه یه زنگانا گلیمش دی. حمید خانئن یانئیندا تار چالماغئ دوزگون اویره نیب قاوالئ بوراخیر. ایی نین تار چالما زامانی ایمران قاوالچئ اونا امکداش اولور. ایی ایله ایمرانئن گنجه-گونددوزلری بیرلیکده کئچیردی. ایمران الیندن گلن ایی یه یاردیم اندیردی. اوز ائوینده ایی تارچئ یا ئیر وئرمیش دی. ایی نین اسکیکلرینه ایمران یئتیشیردی. ایمران، اوله نه جن ایی نی اوز یانئیندا ساخلادی. ایمران اولندن بری ایی تارچئ ایسلامی قوناق ائوینده بیر اوتاق توتور. گنجهلر اوردان تاریمدان گلن یولچولارا اوز تارئ ایله موسیقی ایجرا اندیردی. تانئینمئش بالابانچئ ممی عیادی ایی ایله تویلاردا بالابان چالارمئش. ممی دن سونرا ارمنی آراکیر ایی تارچئ یا بالابانچئ اولموشدور. ایی گوزل ایفاچئ ئیغئ ایله زنگانئن بوتون یئغوالاریندا، شنلیکلرینده ایشتیراک اندیردی. اونون باجاریق لاریندان بیرى ایسه هاوالارئن دیشمه سی ایدی. چالديغئ هاوانئ باشقا هاوانا اینائیلماز درجه ده ایلگی وئریب سوزو دیشهردی. دیققتله قولاق وئرن موسیقی چی لر، هاوانئن دیشیلمه سینی آنلاردیلا.

ایی تارچئ یانئیندا چوخلو قاوالچئ لار قاوال چائیب ایی ایله امکداش اولموش لار. اونلاردان ایمران، حوستئن زرگر، ممد زرگر، علی رزاقی، ایوب توابی و ... سایماق اولار. ایی تارچئ ئین آسمئ (تنگه نفس لیئی) اونون اوخوماسئنا مانع اولایلمیردی. ایی نین یولداسئ ایوب توابی بئله دئئیر: «واخت اولاردئ تویدا گنجه سات ۱۰ دان سحر سات ۴-۵ دك آردیجئل تار چائیب اوخویاردئ.» دوکتور حاتمی

جنابلارئ ايبى نين خستەليينه گۆره چۇخلو ياردئملار انديردى. او جۆملەدن پولسوز اوئا باخما، داوا يازما، اؤزۈندن ايبى تە پول وثرمه.

ايبى نين تارلا بيرينجى تۇيو زنگاندا قودرت خئيىرى نين تۇيو اولموشدور. ايبى نين بيرينجى تارئئ ۱۳۶۲ - جى ايلده بيجار حاكمى اليندن آليب سئندئرئ. ايبى، تارئندان اؤترو بير آيا ياخئن آغلايئر. بو حادىثە تە ئىتتىك اولان حميد خانئن حىيات يۇلداشئ (بو زاماندا حميدخان دىرى دئىيلدى) حميد خانئن تارئئ ايبى تە وثرير. حميدخان باكى دان گلندە بو تارئ اؤزۈ ايلە گتيرمىش دير. حميد خانئن تارئ اينديسە جاواد بدل خانى جنابلارئ ساخلايئر. محرم و صفر آي لارئندا ابراهيم اورميئە دە درويش ليك ايشينه باخاردئ. على حضرتلرينين شائينه شئعرلر اوخوئارمىش. ايوب توابى جنابلارئ دئير: «۱۳۶۵- دە تئهراندان زنگانا آغاسى آدئندا موسيقى كارشinasئ گلميشدى. كارشinas زنگاندا اولان چالئجى لارا نظارت انديب، ايوب جنابلارئنا بئلە دئميشدى: «ايبى نين اؤستۈنە ساز چالان و قوال چالان ئىر اؤزۈندە تاپئلماز. بونون بارماقلارئ سئحيرلى دير.»

كارشinas ايوبدان ايستەيئر بير دفة اولورسا دا ايبى تئهرانا گئديب جشنواره دە قوال چالسئن. آنجاق آسمئنا گۆره بو ايش باش وثرمير. ايبى تارچى عؤمروئون سئونونا قدەر ائولنمەمىش، سوبائ قالمئش دئ. آشئق على رزاقى جنابلارئ دئير: «ايبى قوالدا چيلتىك سسنى بۆتۈۋالى ايلە چئخارداردئ.»

۱۳۶۹-جو ایلین پائیزئندان ۶۹ گۆن کئچمه میش دی آسم مرضی ایبی تارچی با زور گلیر. سحیرلی بارماقلارین ییته سینی سنت دؤنیاسیندان آلیب قاچیردیر. دندیکلره گۆره ایبی نین اولۆم مراسیمی یۆلداشلار ی طرفیندن طنطنه لی قورولور. ایوب توایی جنابلار ی ایبی نین اولۆم مراسیمی نی بئله سؤیله ییر. «چوخ گۆزل یترلی- یترینده مراسیم کئچیریلدی. اولۆم خرجینی قولو جمیلی (۵۰ مین)، قاضفر سیفیدگر، ایوب گیلین عایله سی بیرلیکده وئرمیش لر. زنگانین چالغیجی لار ی ایبی نین قبری اۆسته گلیمیش دیلر. قبریستاندا نئچه میز دۆزۆلمۆشدۆ اۆستۆنده پورتاغال، حالوا (حالوالار بستی چۆره یی آراسیندا یئرلشمیش دی). هر کیمسه یه بیر پورتاغال بیر حالوا، آیری- آیری میز لیرین اۆستۆنده وار ایدی (زنگاندا خورما ایچینه گیردکان قۆتما بو مراسیم دن باشلاندى). او گۆنه کیمی هئچ کسه بئله بیر مراسیم یاد وئرمه میش دی. آغیر بیر مجلس سانکی بیر ائل باشچی سؤتین اولۆم مراسیمی دی. آرتیرمالییتام رحمتلیک ایبی تارچی چوخ گۆزۆ پاک بیر آدام ایمیش. ایبی نین اۆخودوغو کاست ناوارلار ایندی ده ائولرده ساخلانیلیر. هر کاست ده «ائی دریا کنار کشتی گلیری/ کشتی ایچینده رشتی گلیری» ماهنی سؤ قولغا دئیر. ایبی آلباق بؤی، قارا گۆزلۆ، ائلدار، دۆزگۆن گئیم، ... اۆزه للیکلرینه مالیک ایدی.

بالابانچی فخی نصیری دئیر: «قولام قهوه سینده اۆتورموشدوق. رحمتلیک ایبی ده اورادا ایدی. تبریزی آشیق ائلئاس، یانیندا بیر نئچه یۆلداش قهوه ده ساز ی دیللندیریدی. ایبی دئدی ائلئاس ساز وئر بیر من چالیم. ائلئاس ساز وئرن زامان اۆنۆ کۆکدن سالدی. ایبی سازه میضراب وئران کیمی یانیندا اۆتوران ایوبا دئدی: ساز کۆکدن سالییدی. ائله بو زامان بالابانچی رشید عسگری قهوه نین قاییشیندان ایچه ری

گيردى. ايبي سسلهدى: رشيد دوردوغون يترده بير زو توت، سازئ كۆكلهيم. ايبي ايله رشيدىن يتددى مئتر آرالارئ وئار ايدى. رشيد تلهكه زو توتماق همين ايبي دئدى: بسدى رشيد، ساز كۆك اولدو. بير پيش درآمد ايشلهدى. سونرا كسمه كرمى نى چالئيب اوخودو. آنجاق انلئاس گوردؤيؤ ايشه پشمان اولدو. كسمه كرمى دن سونرا سازئ يتره قۇيوب قاولئ اله آلدئ. نئچه رينگ ايشلهدى. اللريندن باشقا قئچئ ايله ده رينگى گؤزهل آيدئين جاسئنا چالدى.» ايبي نين قاول چالماستئنى هر كيمسه گؤرسه ايدى بارماغئ آغزئندا اونا حشيران اولاردئ. يئرى وئار بورادا ايوب توابى^۷ جنابلارئندان وئردئىنى بيلگى لره گؤره اؤز تشككؤر و ميننت دارئغيئىزئ بيلديريب اؤنلارا ساغئلىق و اوزون عؤمؤر و ايراهيم مورادى جنابلارئنا روحونون شادئغيئنى ديله يك. قبير داشئسى اؤسته يازئيلان شئعرله بو يازئينا سؤن وئيريك:

آياقدان دؤشمؤشم ساقى، اليمدن دوت آياغيلن
الينده ساغر-ى زرين، گؤرؤم همواره وئار اولسون
قئيزئل گؤل قۇنچهسى مئثلئ، منيم بو قان اولان كؤنلؤم
آچئلماز بير ده عالمده، اگر يؤز مين باهار اولسون.

^۷ ايوب توابى (ساندويچى) دؤغوم ۱۳۲۸. آتاسئ تئن آدى: محمود. دؤغوم يئرى: زنگان. تويئلاردا آشئق لار يائئىنجا قاول چالئيب اوخوتار پول آلماز.

موللا فرض الله

توبلایان: رضاعلی کریمی

قدیم زامان بیر کیشی موللا فرض الله آدیندا یاشایئیردی. بو کیشی قوجالمیشدی. بیر گۆن ناخوش اولور اوغلونا دئییر منیم ایندی اولوم واختیمدی، گل منیم یانیما سنه وصییت اندیم. منیم، اوغول مال و منال یوخوم. تکجه بیر کیتاب واریم. مندن سونرا داردا قالسان اونو سات خرجه.

فرض الله اولن دن سونرا اوغلان گوردو پولاً ائحتیاجی وار. دورور کیتابی گؤتورور قوما ساری گئدیر. بیر موددتدن سونرا او را یئتیشیر. قوما بیر قوجا کیشی نین ائوینده قوناق اولور. قوجا کیشی دئییر من بو کیتابی آلا بیلمه‌رم آما قونشو شهریمیز مشده قارداشییم بونو سندن آلا. اوغلان یولا دوشور بیر موددتدن سونرا مشده یئتیشیر. گئدیر قوجا کیشی نین قارداشی ئین ائوینه. گئجه‌نی اوزدا قالیر. او کیشی دئییر من بو کیتابی سندن آلا بیلمه‌رم آما بیر قارداشییم نجف-ی اشرفده‌دی. سن گئت او را او سندن بو کیتابی آلا. اوغلان یولا دوشور. بیر زامان‌دان سونرا نجفه یئتیشیر. او کیشی نین قارداشی نی تا پیر. گؤرور بیر قوجا کیشی دی؛ باشی، ساققالی تامام آغاریب. او نا دئییر: منی سنین قارداشین یوللائیپ بو کیتابی سنه ساتام. قوجا کیشی دئییر: تلسمه گل اوتور مندن سوروش نییه بو گونه قالمیشام. دئییر دانیش بیلیم. کیشی باشلائییر دئییر:

- بیز قیرخ نفر ایدیک. گئدیردیک. بیر آزا گئندن سونرا بیر داغا یئتیشدیک ایسته‌دیک او داغی آشاق. بیر دومان گلدی بیزیم گوزوموز دای هئج بیر شئی گورمه‌دی. قایئتدیق داغین دیبینده بیر دامین ایچینده گئجه‌نی قالدیق. صوبح دوراندا بئش نفریمیز یوخ ایدی. یئنه دوردوق یولا دوشدوک داغی آشاق، آما یئنه دومان گلدی کئچن یول

كېمىن ئۆلۈمۈزۈ تۈتدۈ. داغى ئاشا بېلمەدىك. گۈلدىك ئىشە ئۆتۈرە گۈجەنى قالدۇق؛ آمما
 صۇبىچ ئىشە بىش نەرىمىز يۇخ ايدى. بو يۇخ اولمالار ھەر گۈن ايدامە تاپدى ئاخىردا بىز
 اوچ نەر قالدۇق. بىز اوچ نەر دە گۈدىب او داغى ئاشا بېلمەدىك. دومان بىزى قايتاردى
 گۈلدىك. ئىشە گۈجەنى اوڭدا قالدۇق. صۇبىچ مەن دوردوم ھىچ كېم يۇخ ايدى. تەك مەن
 قالمىشىدۇم. مەن دە دوردوم او داغى ئاشام دومان ئىشە مەن قايتاردى گۈلدىم داي گۈجەنى
 ياتمادۇم. قاپى دائىندا دايتاندۇم ئۆلدەشلارنىمۇ آپارنى تاپام. بىردەن قاپى آچىلدى. بىر نەر
 گىردى ايچەرى. بونو تىز تۈتدوم گۈردۈم بىر آرواد خايلانغۇدى. مەن دىدى سەن مەن
 مەندەر ائەلەدىن. مەن داي ائە گە بېلمەرم. سەن گەك مەن آلاسان. مەن اونو گىردىم بىر
 مۇلا ياننىندا عەد ائەلەدىم، ائەمە گىردىم. دۈردە ايل بىزىم تۇيۇموزدان كىچىردى ايكى
 اوشاغىمىز وار ايدى. بىر گۈن آرواد مەندە سۈرۈشدۈ سەن مەن دىمىرسەن ھاردان
 گەمىش سەن؟ كېم سەن؟ دىدىم ايندى اۈزۈن جاۋاب ۋىر. دىدى دور ايكى جۈرە ياغ وار
 اۈنلارنى آل گە دىنىم. گەندىم ياغلارنى آلدۇم. دىدى، دور بىز گەك نىل چاينىنىن ياننىندا
 گەندەك. ئۇلا دۈشۈك. نىل چاينىنىن ياننىندا گەندىك. آرواد او ياغلاردان اۈزە بدنە
 چەكدى. دىدى مەن گەندىم اگەر آتام مەن ائە قۇيسە گەلەم^۸ سىزى دە آپارام^۹. آرواد گەندى
 چاينىن ايچىنە. بىر آزادان سۇنرا گەلدى اوشاقلارنى دا آپاردى. مەن دە بىر آي اوڭدا قالدۇم،
 گە. مەن دە آپارا آمما گەلمەدى. مەن دە چىخدىم گەلدىم ائەمە. سەن دە ايندى بو كىتابنى
 آپار اوچ ساللاۋات چىۋىر او چاينىن سۈنرا آت. مەن دە آپاردۇم اوچ ساللاۋات چىۋىردۇم
 كىتابنى سۈنرا آتدۇم. گەلدىم بارماغىمدا بىر اۈزۈك گۈردۈم. بىر آز گەندەن سۇنرا تامان

^۸ گەلەرم

^۹ آپارام

آچيقدیم. اوزوؤ بارماغیمدا اوتنادیردیم بیردن ایکی نفر قاباغیمدا حاضیر اولدو. دندی ممد نمه^{۱۰} ایستیرسن؟ دندیم آجام منیم اوچون یشمه لی گتیرین. یشدیم. بیر آز گلہ نندن سونرا تامان یورولدوم اوزوؤ یشنه دولاندیردیم. ایکی نفر حاضیر اولدو. دندیلر ممد نمه ایستیرسن؟ دندیم بیردنه آت ایستیره م. بیردنه آت منیم اوچون گتیردیلر. آتی میندیم یولا دؤشدؤم. گلدیم ائویمیزه چاتدیم. انام دندی بیز هنج چوره ک تاپا بیلیمیریک؛ سن بیردنه آت گتیرمیسن. دندیم ناراحات اولما منیم اوچون بیر لیوان سو گتیر ایچیم.

اناسی گلہ نه اوزوؤ دولاندیردئ. یشنه او ایکی نفر حاضیر اولدو. دندی ایکی نفرین پائی بیزه یشمه لی گتیرین. یشمه لی حاضیرلادیلار. یشدیلر. سونرا اناسینا دندی سن گرک شاهین قیزینی منیم اوچون آلاسان. اناسی دندی اوغول اولماز. اونلار بیزیمن تائی دئییلر. آنا چوخ دندی اوغول آز ائشیتدی. اناسی دندی من نه جور گندیم. دندی بیر ایشی یوخ؛ شاهین قصری نین قیرخ پیلله سی وار. سن گشت اونلاری سؤپور. آخیردا بیر کس سنه دئیهر سن بوردا نه اندیرسن. اوندان دئیهرسن. دندی یاخشی. یولا دؤشدؤ. گشتدی پیلله لری سؤپورؤردؤ وزیر گؤردؤ. دندی سن بیزه خجالت وئیررسن. نیته بورانی سؤپورؤرسن؟ شاه، وزیرنه دندی او آروادین ایشی وار. سن اونو چاغیر گل سین. گورؤم نمه دئییر. آرواد دندی شاه، اوغولوم سنین قیزین^{۱۱} ایستیر. شاه دندی بو ایش اولما بیلمز. ناراحات اولدو. وزیر دندی سن ناراحات اولما. بیز بو اوغلانا دئیهریک سن گرک بیزیم قصرین قاباغیندا بیر قصر سالاسان. اوندان بو ایشی گؤره بیلمز. دای پشمان اولار دالا چکیلر. آرواد اوزونؤ، اوغلونو سؤیه - سؤیه ائوه گلدی. دندی شاه دئییر منیم قصریمین

^{۱۰} نه

^{۱۱} قیزینی

قاباغئندا گرک بیر قصر سالا. اوندان سونرا قیزیئی اونا وئرم. دندی اولسون من قصری ساللام. گنجه اوزویۆ بارماغئندا دولانديردي. او ايکي نفر يئنه گلدی. لر. ممد دندی شاهين قصرينين قاباغئندا بير قصر منيم اوچون ساليين. شاهين قصرينين قاباغئندا بير قصر سالدیلار. شاه صوبح دوردو گوردو پنجره دن اوتاغين ايچينه ايشيق دوشوب، وئیری چاغيردي. باخدیلار گوردولر ممد پير بوئوک قصر ساليب. ممد شاهين قیزیي آلدی. بير آز زاماندا سونرا شاهين يانينا آياق آچمايا گتديلر. شاهين قیزیي ممد دئمیشدی آتام هر نمه وئرسه آما، تکجه بير قولام وار اونو آل. شاه ممد آياق آچما اوچون هر نمه دندی ممد قبول ائتمه دی. تکجه قولامی ایسته دی. آنجاک شاه قولامی اونلارا وئردی.

ممد بير گنجه ياتئيردي آرواد دندی سن نييه بو اوزویۆ بارماغئندا چيخارتميرسان؟ بيته بوردا اوغرو واردی. ممد اوزویۆ چيخارتدی يئره قويدو ياتدی. قولام اوزویۆ سالدی بارماغئندا دولانديردي. او ايکي نفر حاضير اولدو. دندیلر قولام نمه دنيرسن بيز سنين اوچون ائله يک. قولام دندی منی، شاهين قیزیي، بو قصری نيل چایی نين يانينا آپارين. اونلاری، قصری آپاردیلار. صوبح ممد دوردو گوردو هنج کس يوخ. گلدی آناسی نين يانينا. دندی آنا بيزيم هنج فاميل يوخوموز؟ دندی اوچ باجين وار آما سن اونلاری تانيئميرسان. من ده اونلارین يئرین بيلميره. ممد دندی قدیم يازقی لارین ايچينده اونلارین آدرسی وار. اونلاری گتير بير باخاق. باجی لارین يئرینی او يازقی لارین ايچيندن تاپدی. يولا دوشدو. گتدی بير موددتدن سونرا ساری دئوين ائوينه يئتیشدی. تانيش ليق وئره ندن سونرا سوروشدو سيز بوردا نيل چایی تانيئميرسيژ؟ دندیلر يوخ آما بير آز بوندان اويتانا منيم قارداشيم قارا دئو سنين او بيری باجين اری

شايد بىلە. مەد يۇلا دۆشدۇ. بىر مۆددەتتىن سۇنرا قارا دۇنن ئۈنە چاتدى. ئۈزۈن ئۈنلار تانىتىدىدى. دندى سىز بوردا نىل چائى تانىيئىرسىز؟ دندىلر بىز بىلمىرىك آما بىزدن ئۈنلار آغ دۇنن مەم قارداشئىم سەنن باجئىن ارى ئۈردادى. سەن گىت ئۈر، بلكە ئۈنلار چائىن يئىرنى سەن دئەلر. مەد يۇلا دۆشدۇ. گىتىدى آغ دۇنن ئۈنە چاتدى. ئۈردا ئۈزۈن ئۈنلار تانىتىدىدى. دندى مەن نىل چائىننى اىستىرەم تاپام، آما بىلمىرم ھاردادى. ئۈنلار دا دندى بىز بىلمىرىك آما بو ئاخشىندا بىر سىچان وار. ئۈ بىلر گرک ئۈر گىتەسەن بىر دىنە ئانىندا گرک پىشىك آپاراسان ئۈخسا سىچانلار سنى ئۈلدا ئىتەرلر. پىشىك آپارسان ئۈنلاردان بىر آز ئۈلدۈرسە ئۈنلار گىدىب بۇيۇك لىرەنە دئەلر. مەد بىر پىشىك اىلە يۇلا دۆشدۇ. بىر زامان گىتەندىن سۇنرا سىچانلار تۇكۇلۇب آز قالدى مەدى ئىشەنلر. مەد پىشىنى تۇربادان چىخارتدى. پىشىك سىچانلاردان نەچە دىنە ئىدى. سىچانلار قاجدىلار بۇيۇكلرىنى گىتەدىلر. مەد دندى مەن نىل چائىننى آختارئىرام سىچانلارئىن بۇيۇيۇ دندى بىزى ئۈلدۈرمە بىز سەنن ئۈچۈن چائى تاپارئىق. سىچان دندى تامام سىچانلارنى چاغئىرئىن گىلەن. تامام سىچانلار گىلدى آما بىر قۇيرۇق سوز سىچان (رحىم سولطان آدنىندا) گىلەدى. بو سىچان گىتەدى قىصرىن اطرافىندا قالان ئىمەلى لىرى ئىتەردى بونا گۈرە گىلەردى. آما اىكىنجى ئۈل بو سىچان قاصىد گۈندەردىلر سىچان گىلدى ئۈل دندى بىلمىرەم آما بۇيۇكلرى دندى سەن دئەسەن بو پىشىك بىزى ئۈلدۈرەر. سىچان قۇرخىدۇ. دندى ئاخچى دئەرم آما بىر قۇيرۇقلو سىچان دا مەنن گىلەن گىتەك. بىر آزجا دا فىلىل وئىرنى. سىچانلار گىتەدىلر بىر آزادان سۇنرا قىصرە ئىتەشىدىلر. گۈردۈلر قولام ئۈزۈن سىبىل لىرەنە باغلائيىب ئاتىب، قۇيرۇق سوز سىچان (رحىم سولطان) قولامئىن سىبىل لىرنى دىشىنەن كىلدى. ئۈزۈك دۆشدۇ قولامئىن آغزىنا. قۇيرۇقلو سىچان

قوئروغونو فيلفيله ووروب باسدئ قولامئ بونونا. قولام آسقىرىب آغزئنى آچاندا قوئروق سوز سىچان (رحيم سولطان) اوزوئۆ گۆتۆرۆب قاچدى. او بىرى سىچان ئۆلو تاپا بىلمەدى گىردى بوخارىئنىن ايچىندە قالدئ.

قولام ئوخودان دوردو گوردو اوزۆك ئوخىدو. آروادا دئدى اوزۆك ئوخىدو. دوردولار انوى گزدىلر آما تاپا بىلمەدىلر. سىچانى بوخارىئدا گۆردۆلر. اونو اولدۆردۆلر. دئدىلر بو ئىثىب. ئىئنه تايىلمادئ. قوئروق سوز سىچان اوزوئۆ گتىردى ممدە وئردى. ممد اوزوئۆ بارماغئنا سالدئ دۆندەردى. او ايكى نفر حاضىر اولدو، دئدىلر ممد نىمە دئىرسن؟ دئدى قصرى، آداملارئ ايله قايتارئن ئىرىنه. قصر ئىرىنه قايتىدئ. ممد پادشاها هر نىمە باشينا گلمىشدى دئدى. پادشاھ قىزئن دؤغرادئ. قولامئ ايكى ئىتره بۆلدۆ، شىهرين دروازه سىنين قايشى ئىرىنه او تاي-بو تايآ آسدئ. كىچىك قىزئنى دا ممدە وئردى. ئىندىلر، ايچدىلر، شاھ اولدولار. سىز ده هر گۆن شاھ اولون.

ئبت اندەن: رضا على كرىمى، زنگان

ناغىل دئىئەن: حسين سىپهرى

«معجز» ون سنجيلميش اثرلرينده

يئنيه جك آدلاري



م. نقابي

۱- آرزومان كۆفته: ايچي يومورتالي و آئيلي بۆيوك كۆفته (تبريز كۆفته سي

مشهور دور). بهروز ص ۱۷۳.

۲- آش: معروف دور، قورودلو آش، ريشته آشي، اوماج آشي، يارما آشي، گۆنجه آشي

و سعادت ص ۹۶. بهروز ص ۴۲-۵۱. شيدا ص ۶۱-۶۸.

۳- اسباق: ايسفيناج يئمه تي. برياني ص ۵۰.

۴- اكمك: (عوثما) چوره ك. بهروز ص ۱۸.

۵- باديمجان: يئشمك آدي. بهروز ص ۱۱۲. شيدا ص ۱۴۶.

۶- باسديق: باسليق، بير نوؤ دادلي يئمه لي كي نيشاستا و اوزوم سويندان

حاضيرلارنار. شيدا ص ۷۰.

۷- باغلاوا (باقلوا): خمير، گيردكان و بادام ايچي و قايماق ايله بيشيريلن معروف

دادلي. شيدا ص ۶۵-۷۲.

۸- بال: آري نئين قايتيرديغي معروف دادلي ماده.

بئىت: خىتلى ارزاندى، پىر ۋ كرە ۋ بال ۋ اريك-«دوۋە بىر دانگا» ۋ لاكىن الە دوشمور

دانگ. بهروز ص ۱۹۵، ۱۲۷، ۱۱۱، ۳۹، ۹۰. شيدا ص ۷۲، ۶۷، ۶۰، ۵۴، ۱۳۲، ۸۹.

۹- بال ترەيى: بال حالواسى. شيدا ص ۱۴۴.

۱۰- بالک، بالنگ: مۆركىبات نۆۋۆندن مئىۋە.

بئىت: بالنگ ۋ پىستە خونچادا زىنت دىر، ائى عمو!

ۋجەي نەدىر ھۆجوم اندسىن، او سۆلالەتە؟ شيدا ص ۵۴، ۱۰.

۱۱- بىچە بالى: جاۋان آرى بالى. شيدا ص ۲۱۴.

۱۲- بۇرانى (Borani): دۆرلۆ، قارىشئىق سولو ئىشمک: کلم بۇرانىسى، ئىثر كۆكۆ

بۇرانىسى، گۆيچە بۇرانىسى.

بئىت: گۆرۆم «بۇرانى» يا حسرت قالا او بقال

كى ائىلەدى كرەنن قىمتىن گىران گۆندە. غ ا ص ۱۷۲، ۲۱۶، ۲۲۱.

۱۳- بۇزباش: شۇربا، دىزى، پىتى، ات ایلە لپە ۋ يا نۇخود قارىشئىغى سولو خۇرەك.

بئىت: بۇزباش دندىگىن باشە بلا، جانە خطردىر

يات، دور سحر اولسون، اتى ئىتلىرسن عموغلو.

غ ا ص ۱۱۲، ۱۹۴ بهروز ص ۷۷.

۱۴- پىستە: مشهوردور. ايراندا دامغان پستەسى معروفدور. غ ا ص ۱۱۸ شيدا ص

۵۴

۱۵- پشمک: شکردن قايئىرئىلمىش تئل شکلينده دادلى. شيدا ص ۸۹-۱۱۱.

۱۶- پىلو: مشهوردور. غ ا ص ۱۷۲ شيدا ص ۶۸.

۱۷- ترہک: حالو، غ ۱ ص ۱۷۲، ۱۹۵، ۲۱۵. بہروز ص ۶۵، ۱۲۶، ۱۶۹ شیدا ص ۱۸۲.

۱۸- جیگر: بٹل سو موئیو اولان حیوانلاردا دوش قفسہ سیندہ یشرلہ شن تنفوس اوزرگانی. بہروز ص ۱۱۳. شیدا ص ۲۱۰.

۱۹- جوئز: قوز، گیردکان. غ ۱ ص ۲۰۳.

۲۰- حالو: باخ حلوا. شیدا ص ۷۰.

۲۱- حلوا: شکر، اون و یاغدان بیشیریلیمیش شیرینی.

بٹیت: اگر دئیہم لپیوہ قند، دھانیوہ گولقند

زوجاج قلبی سینار پشمک ایله حلوانشین. غ ۱ ص ۱۸، ۲۳۶. بہروز ص ۴۰، ۵۹.

(گولقند: قشیزیل گول موراباسی)

۲۲- خامہ: سود اوزو، قایماق.

بٹیت: دندی حاجی: بوئورون آغزیز شیرین ائلہیین

بندہنین سئودیکی شئی، خامہ-ی «وایقان» اولدو. شیدا ص ۷۱.

۲۳- خورما: معروف شیرین مئیوہ.

نثر: ... خودایا خوداونداسنی آند وئیریریک پیستہنین دھان-ی تنگینہ، خورمانشین

خوش رنگینہ، بیز اهل-ی «شبستر»ی مبارک یثددی لوؤوؤنؤن شفاعتیندن محروم و

بی نصیب ائلہمہ. بہروز ص ۱۵۲.

۲۴- خوروز: (فا.خروس)، یشمک نوؤو. شیلا ص ۶۸.

۲۵- داش کلم بوزانیسی، بیر نوؤو یشمک. بریانی ص ۵۰.

۲۶- دالاخ: دالاق، طحال، حىئون قارنى ئىن سۇل طرفىندە يىثرلەشنى بدن غۇضۇق.

«پىشىك خۇرەئى». بهروز ص ۱۱۳ شىدا ص ۲۱۰.

۲۷- دولما: مۇۋەن كىلم ئارپاغىندىن ايچىنە ات، لپە، دۆيۈ دولدورۇب بېشىرىلن خۇرەك: ئارپاق دولماسى، كىلم دولماسى، نۇروز بايرامى ئىن حاضىرلانمىش سۇيۇق خۇرەكلرىندىن دىر. غ ۱ ص ۲۱۵. بهروز ص ۴۰، ۶۲. شىدا ص ۶۵، ۲۱۳، ۲۱۸.

۲۸- دولما-ى زرد: سارى كۆكلۈ كىلم دولماسى.

بىتت: دولما-ى زردى، ئىئىلە زيارت كىناردن

امما فقط تۇخونما، مۆربىيا-ى آلئىتە. شىدا ص ۲۷، ۵۴.

۲۹- دولمە سارى: باخ: دولما-ى زرد. بهروز ص ۶۵.

۳۰- دۆئىماج، دۆئىمەج: سولانمىش قورو چۆرەك خىرداسى، پىنر، دۇغرانمىش

گۆنچە ۋ قۇز ايچى قارىشىغى حاضىرى ئىشمك. غ ۱ ص ۴۶.

۳۱- رىشتە پىلو: دۆيۈ ايلە محلى رىشتە قارىشىغى ئىشمك. بريانى ص ۵۰.

۳۲- سارى دولما: باخ: دولما-ى زرد.

قطعة: ئازىن باباما، گىلىسېن بايراما

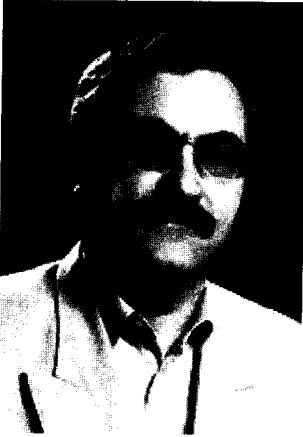
ئىسېن بال خاما، هم سارى دولما. بهروز ص ۹۲. شىدا ص ۳۲، ۷۲.

۳۳- سارى شىلە: (فا. شلە زرد) بىر نۇۋە دادلى دۆيۈ ئىشمەئى. بهروز ص ۹۰. شىدا

ص ۶۱.

۳۴- سۇنداش: سۇتلۇ آش، معروفدور. بهروز ص ۶۵ شىدا ص ۷۲.

۳۵- شۇربا: باخ، بۇزباش. غ ۱ ص ۱۷۲.



فولكلور خزىنەمىزدىن: ادب ارکان

جواد دربندى

ادب ارکان نەدىر؟

بىزىم خالق ايچرە ان قديمىدىن بىر پارا ائىل دىبلىرى، يا ائىل عادتلىرى، اۋزۈنە يىثر آچىيان، كىچىك بۇيۇك بو قايدالار، قانونلار، عمل ائىدەردىلر ۋ بو قايدا قانون جاميعةمىزدە خالقىن ياشايشىندا ارکان سايىلىيان، ادب- اخلاق نىظامنامەسىنە چئۈرىلمىشىدىر.

بىز كىچىك اولان زامانلاردا، مەكتەپلەردە، اۋخودوغوموز كىتابلاردا بو دىبلر درس عۈنۈنلىك قىلىد اولوناردى. مىثلن بۇيۇك كىچىك ايلگىلىرى، سۈفرە باشىندا اۋتورماق ۋ ئىمك قايدالار، مەجلىس دە اۋتوروب دانىشماق ئوللار، ۋ س. بو اۋنملى درسلىرىن تائىرىنە گۈرە، جاۋان يا اۋشاق، بۇيۇكلەر حۇرمەت بىسلەيىب ۋ قۇجا بىر كىمىسەنى يا قادىن خىيلاغىنى عۈمۈمى يىثرلەردە (اۋتوبوسدا، قاتاردا ۋ ...) گۈرۈن زامان اۋز يىثرىنى اولار تاپشۇراردىلار. بو دىبلر خۇصوصن آذربايجان خالقىنىن ان بۇيۇك عادتلىرىدىن ايدى. حتا شريعتىمىزدە ۋ يا بۇيۇك يازىچىلار، شاعىرلر طرفىندىن دە بو

دېلرېن عمل ئىدىلەمەسىنە تاكىد ۋە تۈۋەسىيە ئۆلۈنۈپدور. بىر قىسسا باخىش سۆزۈمۈزۈن ئۆتۈتونا دلالت ئىدەر: ئايمام على (ع): «بىر الوالدين اكبر فريضه» آتا-آنايا ياخشىلىق بۇيۇك ۋاجىباتداندۇر. ۋە يا: «آفة الكلام الاطالة» سۆزۈن آقتى چۈخ دانىشماق دۇر. ۋە سايىرە.

تاسۋىلر كى، ايندىلر، بو حۇرمت، عاطىفە، آرامىزدان كۈچۈب ۋە ئىلرېن خۇشونت (دانقازلىق) كىم حۇرمتلىك، اتى آجىلىق، الە سالما، اىستىنھزا ايلە دىشىبىدىر ۋە بو گۈزەل ائىل عادتلىرى ئولتۇردە اونودولوب ۋە كىتابلاردان ئىغىشىلىپدۇر.

اۋمىد كى، بو اخلاقى قايدالار ئاۋنملى بىلىپ، بالالار ئىمىزا، اۋىرە تمەسىنى اۋزۈمۈزە بۇرج سايلاق. بو عصرە بىر پارا بو دۇرلى عادتلىرىن دىشىلمەسى مجبور ئىتىندە قالساق دا، تىملىنى اۋز اليمىزلە بالتلامايلاق. نىيە كى، بو گۈن بىز آتا-بابامىزا حۇرمت ساخلاماساق، گلەجكە، كىچىكلەر ۋە نۆۋەلرىن بىزى اونودوب حىتا ئاتۇدن ئاشىيە اۋتۇرمەسىنە شاھىد اولاجايلىق. بىر آتا-بابا مىلى ۋار كى: خزىنە يە تۆپۈرەن كىمسە نىن تۆپۈرچك اۋز ساققالىنا يايىشار.

سۆز دىمكى

ياشىندىن آسلىلى اولمايان بىر شىخىش اىشتىراك ائىدىنى مجلىسدە چۈخ دانىشمامالى، باشقاسى ئىن سۆزۈنۈ كىسمەمەلى، نقل ائىدىن حىكايەنى ۋە رۋايتى بىلىرسە، بونو اۋزە ۋورمامالى ۋە اونون دانىشلىپ قورتارماسىنا ايمكان ياراتمالى دۇر.

باشقاسىندىن سۆزۈشولانا جاۋاب ۋىرمەمەلى، عۆمۇمى ائىدىن سوآلا دامامعاتى قاباقلايىپ ايرلى دۆشمەمەلىدۇر. بىرى جاۋاب ۋىرمەكە مشغولدورسا، داها قابىل جاۋاب ۋىرمە يە قادىر اولسادا صبر ائتمەلى، ھىمىن آدام سۆزۈنۈ قورتاردىقدان سۇنرا اۋز جاۋابىنى ۋىرمەلىدۇر.

اۈنۈن يانېندا ايكي آدام دانىشئىرسا قارىشمامالى صۇحبىت اۈندان گىزلى دىرسە، گىزلىن قولاق آسمامالى، اۈزلىرى مۇراجىيەت ائتمەسەلر صۇحبىتە قۇشولمامايدىر. بۇيۇكلرلە دانىششاركن كىنايە ايشلەتمەمەلى، ياۋاشدان مۇلايىم سسلە سۇزۇنۇ دئەمەلىدىر. يابانجى كىلمەلر ايشلەتمەمەلى، قۇندارما عىبارتلر دۆزلىتمەمەلى، اۈنا دئىيلنلرە آخىرا قەدر قولاق آسمامىش جاۋاب وئرمەمەلىدىر.

اىحتىياج اۈلمادان سۇزۇ تكرر ائتمەمەلى، دئىيەجەيى فېكىرى بئىيىندە بېشىرمەمىش دىلىنە گتىرمەمەلىدىر.

نالايىق سۇزلر ايشلەتمەمەلى، دىلىنى سۇيۇشە اۈيىرمەمەلى، ھەر مجلسە مۇناسىب دانىشماغى باجارمايدىر.

سۇز دانىششاركن ال- قۇلۇنو ايشە سالمامالى، قاش گۇزۇنۇ اۈيىناتمامالىدىر. بئىلە ھركىتلرلى يالنىز دانىشئىلان احوالات طلب ائىدىكەدە ۈ گۇزەل بىر طرزەدە گۇسترمك اۈلار. مۇناقىشە، مۇباحىئەدە رقىيىن ھاقلى اۈلدوغونۇ گۇردۈكەدە اۈستۈنلۈيۇ اۈنا وئرمەلىدىر.

ھىچ كسىن ايشىنى، سۇزۇنۇ، ھركىتىنى پىس شكىلدە اۈنا- بونا چاتىدىرمامالى، قۇرخولو شائىيەلر ياتمامايدىر.

مجلسەدە آز دانىشماق چۇخ ائىتىمك چۇخ اۈيىرنمك مصلحتدىر.

معرفت

اينسان يىرىيىندە تلەسمەمەلىدىر؛ بو ئىل بئىيىن لىيە ۈ يۇنگۈللۈيە دلالت ائىدىر.

چۇخ آغىر يىرىيىب لىگىمەمەلىدىر؛ بو تىبل لىك علامتىدىر.

تېكۋرلۇ آدمالار كىمى اۆزۈنۈ چكە - چكە ئىثرىمەمەلى، اۆزۈنۈ اداىازلار كىمى آپارمالمى،
اللىرىنى ئانىشا سىخمامالى و ئا ئىللەدە - ئىللەدە گىتمەمەلىدیر.

بۆتۈن حاللاردا حددى گۆزلەمەلىدیر.

ئىثرىتىندە چۈخ اۆيان - بویانا باخمامالىدیر. ھىمىشە دە باشىنى اشاغا سالمالمالىدیر، بو
قملی، كدرلى و فیکرى ئىثرىندە اولماتانلارلا خاص دیر.

باشىنى چىشنى اۆستە قویمالمى، الینى ئىثرە دایامالمى بو قم - كدەر علامتى دیر.

بۆتۈنۈ، ئانا ائیمەمەلى، ساچ و بدنى نین باشقا عوضولرى ایلە اۆتنامالمى، بارماقلارئى،
بۆتۈنۈ شاققىلدا تمالمى، چىشین لرىنى اۆتنامالمىدیر.

بركدن اسنەمەمەلى، جاماعاتین قاباغىندا اوزانمالمى. بىر مجلسه گىتدیکدە اۆز ئىثرىنى
بىلمەلى، یوخارىدا و ئا اشاغىدا اۆتورمالمىدیر.

بۆيۈك لرین مجلسىسیندە جاوانلار آتاق اۆستە دورمالمى، سۆفرەتە باخمامالىدلار.

مجلسىدە اۆتوران آداما جاماعات آراسىندا یوخو گۆچ گلسە، عۆذر ایستەتیب انشیه
چىخمالمى و ئا بىر شى حاققىندا فیکیرلشمەكلە، یوخویا قالیب گلەمەلى،
مۆرگۆلەمەمەلىدیر.

ئىشمک مدنیتى

ئىشمکدن قاباق ال - اۆزۈنۈ یۆیۈب سۆنرا سۆفرە باشىندا اۆتورارلار. سۆفرەتە بىرىنجى
بۆيۈك ال اوزاتالمىدیر.

ئىشەرکن اۆست - باشىنى بولامالمى، چنگللە، قاشىقلا ئىشمەلى، بعضن بیچاقدان
ایستیفاده ائتمەلىدیر.

آغزى گىنىش آشمالمى، تىكەلرى، ايرى-ايرى گۆتۆرۈپ تىز-تىز چىتىنەمەلى، بارماقلارنى ئالامالمى، بو زامان دىمالدان اىستىفادە ائتمەلىدىر.

خۇرەينى رىنگىنە باخمالمى، ياغلى بارماقلارنى چۆرەيە، دوزا وئروب بولاشدىرمالمى، اونونلا بىر سۆفرە باشىندا اوتورانلارنى اۆزۈنە باخىپ تىكەلرىنە گۆز دىكمەمەلى، خۇرەينى اۆز قاباغىندا ئىتمەلى، آغزىنا آپاردىغى سۆمۈك و بو كىمى شىللىرى سۆفرەيە، چۆرەك اۆزىنە قۇيماالمى، تىكەسىندە سۆمۈك و تۈك اولسا ائلە چىخارمايلىدىر كى، ھىچ كىس بىلمەسىن.

دۇشموش اولسادا، باشقالارنى نىسبتىن سۆفرەدن چۈخ تىز چىكىلمەمەلى، اداملار ئىشىپ قورتارانا قەدەر صبر ائىدىپ گۆزلەمەلىدىر. باشقالارنى الينى چىكىسە، آج اولسا دا الينى چىكمەلىدىر.

ئىمك و اختىئى سو اىچمەيە ائحتىياجى اولسا، ياواش-ياواش قورتوم-قورتوم اىچمەلىدىر. جاماعات آراسىندا دىشى قوردالاماق ادبىزلىك دىر.

مىجلىسە نزاكت و داۋرانىش قايىدالارى

مىجلىسە دعوت اولونان شىخس، اولن، بو مىجلىسە اىشتىراك ائدەجكسە، قاباقچادان اۆز مىتتدارلىغىنى بىلدىرمەلىدىر.

عكس تىقدىردە مىجلىسە صاحىبىندىن عۆذر اىستەمەلى، خىستەلىنىدىنى، واجىب اىشى اولدوغونو و يا باشقا ئىثرە دعوت اولدوغونو سۆيلىمەلىدىر. عادتەن دعوت اولونان شىخس اۆز گىشىمىنە فىكىر وئرمەلىدىر. گىشىم سىلىقەلى، سادە اولمايلىدىر.

چالیش مجلسىده ائله يئىرده اۆتور كى سنى اۆرادان دورقوزماسيئىنلار. دانئيشانلارئين سۆزۆن كسمه، يانئىندا اۆتورانلارلا نزاكت له رفتار ائت. هر يئىرده بۆتۆن حاللاردا بۆيۆكلره حۆرمت ائله.

سۆفريده نزاكتلى اول، يئىتهنده تلسمه. ياخيئىلقدا اۆتورانلارئ سۆفريه يه چاغئير. لازيم اولسا اۆنلارلا نزاكتله قوللوق ائله.

اۆتوروغونا، دانئيشيغئينا فيكىر وئر. آداملارلا زىللله نيب باخما، كيمين ايسه دىققىتىنى جلب ائتمك اۆچۆن نزاكت سيز حركتلره يۆل وئرمه.

مجلسىدن تئز گئتمه، چۆخ آخيرا قالماغا دا مئىيىل ائتمه. اگر مجلسىده بير صؤحبت گئديرسه، سن ده همين صؤحبتى داها دۆرۆست بيليرسن سه، صبر ائله، دانئيشيئىلان احوالاتا قولاق وئر. جاواب وئرمه يه تلسمه.

حتا بيليكلى اولسان بئله اونو مجلسىده نۆمائيش ائتديرمه يه جهد گۆسترمه. اۆزۆندىن، گۆردۆيۆن ايشلردىن چۆخ دائىشماغا جهد ائىلهمه، آداملاردا، سىنين باره نده ياخشى فيكىر يارانماز.

اۆزۆنۆ هر شئ بيلن، هر شئ دن باش چيئىخاران، هامى يا مصلحت وئرمه يه قادير آدام كيمي تانئىتماغا مئىيىل ائله مه. مصلحت وئرمه يه، يۆل گۆسترمه يه تلسمه. آداملارلا وعدە وئرمك ده تعريف ائتمكده ائحتياطلى اول، سهو ائندىده سهوينى بۆيۇنونا آل.

والیدئینہ حورمت

آتا- آنا اولادئ دوتیا یا گتیریر، اونا آد قویور، تربیئہ ائدیر و بوتون عومور بوئیو اولادئ نئین زحمتین چکیر. هله کیچیک یاشلاریندان اونا اوئیود- نصیحت وثریر، ادب- ارکان قایدالاری نئی اویره دیر.

اولاد دا بوتون بونلارین موقابیلینده آتا- آنا یا حورمت ائتمه یی باجارمالیدیر. آتا- آنانین حاققینی اوج شئی له یئرینه یئتیرمک اولار:

اول: اوللاری اوره کدن سئومک، سوزده ایشده اوللارین آرزولارینا عمل ائتمک، مثلن سوزلرینی سایماق، مئهریبان دانیشماق، حورمتلرینی ساخلماق، دئدیکلرینی یئرینه یئتیرمک، نوازیشلی اولماق، خوشلارینا گلمه یین حرکتلره یول وئرمه مک، هنج بیرینه، عاق اولماق.

ایکینجی: اوللری ایسته مه میش کؤمک گؤسترمه لی، بوتونلارینا مینت قویمامالی، عوضینده بیر شئی طلب ائتمه مه لی، ایمکان اولدوقدا داها بوئیوک حورمت گؤسترمه لی. اوچونجوسو: ان باشلیجاسی، اوللارین خئییرخاهی اولماق گرکدیر.

آتا- آنانین تؤولیه لرینی اونوتامالی، قولاغیندا سییرغا ائدیپ ساخلامالی، ایستر یاشادیقلاری موددتده، ایسترسه وفات ائتدیکدن سونرا اوللارا عمل ائتمه لی دیر.

آنانین اوزونه عاق اولماق یاساق حئساب اولونور. هر کس آتا حاققینی ایتیرسه، حیاتدا چتین لیته دؤشر، اوغور گتیرمز. آنا حاققی دا تانری حاققی دیر. آنانین قلبی داها ظریف، داها کؤورکدیر. آنانی اینجیتمک ان بوئیوک قباحه ت دیر. آتا- آنا یا قارشئی آشاغئداکی ایشلری گؤرمه مه لیدیر.

بىرىنجى - سۆز، ايش و يا حرەت لە آتا- آنانىن اۆرەينە دىيىپ، اۇنلار حورمت سىزلىك
گۇستىرمەك، سۆيۈمەك، تحقىر ائتمەك، لاغا قۇيماق، الە سالماق و آتا- آنانىن قۇيىدوغۇ
آدان، لقېدن ناراضى ئىق ائتمەك، بونۇ وئالدىنن باشىنا چالماق.
ايكىنجى - مال - دۇولت اۆستۈندە داعۇ، دالاشا چىخماق انۇ اشىنلارنى پايلايىپ
داغىتماق.

اۈچۈنجۈ - گىزلى و آچىقدا ياشايدىقلارنى مۆددەتدە، يا وفات ائتىدىكىدىن سۇنرا آتا و آنا
حاققىندا بۇھتان ياپماق، اۇنلارنى حورمەتدن سالماق، نصىحتلىرىنى اونۇتماق،
وصىيەتلىرىنە خۇر باخماق و ...

وئالدىننە كۆمەك ائىدىپ خىتىر وئىرمەك نە قەدەر اخلاقى صافلىغا دلالت ائدىرسە،
نانكۇرلۇك و كۆبودلۇق دا بىر اۈ قەدەر معنوى ثبات سىزلىغى گۇستىرىپ.

آتا- آنا يىرىندە اولان آداملار، مۇعللىملىر، بابالار، عمىلىر، خالالار، بۇيۇك قارداش و
باچىلار، آتا- آنانىن ياخشىن دوستلارنى حورمەت گۇستىرمەك، ائحتىياجلارنى اۈلدوقدا
كۆمەك ائتمەك، اۇنلارنى اۆرەكلەينە دىن حرەتلىرە ئۇل وئىرمەك لازىمدىر.

قۇناق قارشىلاما عادتلىرى

آذربايجان خالقىنىن ان بۇيۇك عادتلىرىدىن بىرى دە قۇناق قارشىلامادىر.
چۇخ قەدىمدىن قۇناغا خالق آراسىندا درىن ائحتىرام بىسلىنىش و بونۇلا باغلى خالق
اۈزۈنۈن بىر سىرا عادتلىرىنى ياراتمىشىدۇر.

قۇناق آلاە قۇناغىدۇر.

قۇناق اۈزۈنە قاپى باغلامازلار.

قۇناق ائوين ياراشىغىدۇر.

قوناقدان گیزلنمز لر.
 قوناغی گۆلر اۆزله قارشیلار لر.
 قوناغا راحت اوتاق آئیئرار لر.
 قوناغا یورغان - دۆشه یین تازاسیئی سالار لر.
 قوناغی قاشقباقلی قارشیلاماز لار.
 قوناغین یانیئدا اینجیکلی یی و یورغونلوغو بیلدیرمز لر.
 قوناغا «نه اۆچۆن گلمیسن»، «خشییر اولا»، «گلمکدن مقصدین نه دیر» دئمز لر.
 قوناغا «سنی کیم چاغئیرئیب، سنه کیم خبر گؤندریب» دئمز لر.
 قوناغی گۆلر اۆزله یولا سالار لر.
 قوناغی دوققاز* دهک اوتوره لر.
 دوستو قوناق چاغئیرار لر.
 قوناغا پیس اۆز گؤسترمز لر.
 قوناغی قاپئدان قایتارماز لار.

قایناق لار:

- ۱- شکوفه های خرد یا سخنان علی (ع) ابوالقاسم حالت، چاپ مؤسسه مطبوعاتی علمی تهران.
- ۲- مراسیم لر، عادت لر، آلفیشلار. ۱۹۹۳، پروفئسور آزاد نبی یثف.

* دوققاز: عادت کندی یئرلرینده انوین، حیطین، باغین و س. نین حصاریندا بیر بیرینه کئچیریلن آعاجلاردان عیبارت ساده قاپی. (یضاحلی لؤغت)

قارا قوچ افسانەسى

توپلانىن: اروجىلى دوزنانى

بىرى ۋار ايدى. بىرى ئۇخ ايدى. بىر كىشى ۋار ايدى، بىر دە اۋنون بىر آروادى. اۋنلار ئىن بىر تىكجە اۋغول اوشاقلارنى ۋار ايدى كىشى نىن آدى آتاكشى، آروادىن آدى سونا، اۋغلان ئىن دا آدى گۈل اۋغلان ايدى. اۋغلان اۋن ايكى ئاشىنا چاتدىقىدا آناسى اۋلر. آتاكشى گندىب بىر چىلچۆپۈر ارەمىك بىر قادىن آلار. بو آروادىن اوشاغى اۋلمادىقان اۋنا ارەمىك فاطما دىئىردىلر. نەلىك اۋلان ارەمىك فاطما، بىر ايكى آى گۈل اۋغلانا خوش باخىب ئاخچى ئىتتىشىدى. بىر ايكى آى دان سۈنرا نەلىك اۋغلانى اينجىتمە ئە باشلادى. آتائىن ايىرمى اۋتوز باش داۋارنى ۋار ايدى. اۋنلارنى ئالنىز اۋن ئاشىندا اۋلان گۈل اۋغلان اۋتاراردى. نەلىك قوئى ئىتتىم گۈل اۋغلان آجىندىن اۋلسون دىئە اۋنا ئاۋانلىق قوئىمازدى. گۈل اۋغلان چۆلدە داغار جىغىنى آچدىقىدا ئالنىز بىر پارچا آرپا چۆرە ئى گۈرۈب اۋنو ئىتىب آغلاردى. نەلىشىن قۇرخوسوندىن آجلىغىنى، چۆرە ئى نىن ئاۋان اۋلماستىنى آتاسىنا آغاردا بىلمزدى. گۈل اۋغلان بىر گۈن چۆلدە اۋز ئالنىنا آغلاندى داۋارنىن ايچىندە بىر قارا قوچ ۋار ايدى. قارا قوچ گۈل اۋغلانا ئازىغى گلىب سۈرۈشدۈ: گۈل اۋغلان نىئە آغلان ئىسان؟ اۋغلان دىدى: اۋز گۈنۈمە آغلان ئىرام. نىئە آغلان ئاچاغا نەلىك گلىدىن من ئاۋانلىق اۋزۈ گۈرۈمەمىشم. ئۈدە دە چوبوغو گۈتۈرۈب دۈشۈر جانىما. قارا قوچ دىدى: دارىخما. چوبوغونو وتور منىم بلىمە دىء گىلن «حۈكمى سۈلئىمان عشقىنە بىر بۇشقاب پىلوۋ قاتىغى اۋستۈندە بىر دىسترخان چۆرە كەلە حاضىر اۋلسون» گۈل اۋغلان چوبوغونو قارا قوچون بلىنە وتوروب، دىدى: «حۈكمى سۈلئىمان»

عشقیقنہ بیر بوشقاب پیلوؤ قاتیغی اؤستۆنده بیر دسترخان چۆرەکلە حاضیر اولسون»
 بونو دئجک ایستەدی یئمک لر قاباغیندا حاضیر اولدو. گۆل اوغلان یئیب ایچیب
 تۇخالدی. گۆل اوغلان گۆندن-گۆنە تۆکۆ دورولدو. نەلیی دندی: من اونا نە قەدەر آز
 چۆرەک قۇیورام، قورویوب اولە؛ آنجاق بو گۆنۆ-گۆندن دیرچەلیر. بو ایشلر هامیسی قارا
 قۇچون باشیندادیر. چۆنکی بو یئیم اۇنونلا دائیشیر.

بیر گۆن نەلیک اوزۆنۆ ناخۇش لوغا ووروب آتاکیشی یە دندی: اۆلۆرەم ساری لیق آلیزی
 توتوموشام. حکیم لر قارا قۇچون اتینی منە درمان دئمیشلر کیشی دندی: آلاھا شۆکۆر! بیر
 قارا قۇچوموز وار. اۇنو سنین اۆچۆن کسریک. گۆل اوغلان آتاسی ایلە نەلیینین
 سۆزلرینی انشیدیب آغلایا-آغلایا تۆلەدە قارا قۇچون یائینا گئیدیب سۆزۆنۆ اونا
 یئتیردی. قارا قۇچ دندی: قۇرخما منی کسندە آتان سنە دئیەجک گئت بیچاغی گتیر.
 گئدرسن اۇراغی گتیرەرسن. یئنە دئیەجک گئت بیچاغی گتیر بو یۆل گئدرسن وئردەنەنی
 گتیرەرسن اۇ سنە آجیخلانیب، منی اۆتۆرۆب، بیچاغی گتیرە یە گئدجک. اۇندا سن منیم
 اۆستۆمە مین؛ بۆینومدان برک-برک یاپیش. من دە گۆتە اوچوب، سنی یاخچی بیر یئرە
 آپارارام. آتاسی قۇچو تۆلەدن چیخاریب بۆینوندان یاپیشیب اۇغلونا دندی: گئت اۇ
 بیچاغی گتیر. گۆل اوغلان گئتدی اۇراغی گتیردی. یئنە دە آتا کیشی گۆل اوغلانا
 حیرسلەنیب دندی: اوغلان! سنە دئدیم بیچاغی گتیر اۇراغی یۆخ. بو یۆل اوغلان گئیدیب
 اۇخلۆتۆر گتیردی. آتاسی آجیخلانیب، گۆل اوغلانین اۆستۆنە چیغیریپ، بیر شاپالاق
 ووروب، دندی: توت بو قۇچو، قوی اۆزۆم بیچاغی گتیریم. آتا کیشی بیچاغی گتیرە یە
 ائوہ گیردی. گۆل اوغلان حیطدە تئز قارا قۇچون اۆستۆنە مینیپ، بۆینوندان برک-برک
 یاپیشدی. قارا قۇچ قانات چیخاردیب گۆتە قالخدی. گئتدی - گئتدی بیر مینارەنین
 باشینا قۇنوب، گۆل اوغلانی اۇردا یئرە قۇتدو.

قارا قۇچ گۆل اوغلانا دندی: گل سنە ایکی بالابان وئریم. کئفین ساز اولسا، گۆلر بالابانی
 چال. من دە کئفی نین سازلیغینی بیلیم. یۇخسا باشیندا بیر ایش اولسا، قملی اولسان، آغلار

بالابانى چال. من هر يترده اولسام اوزومو سنه يئتيره رم. صوبحانه، ناهار، شامدا دا دئسن «حۆكمى سۆلئيمان عشقينه، بير صوبحانه، ناهار، يا شام گلسين» نه ايسته سن گله جكدير. قارا قوچ اوغلانى ميناره نين باشيندا قونوب گئتىدى اوزوده هر گون گليب اوغلانا باش چكردى.

بير گون گول اوغلان دارىخدئ. قوچ ايله دانئشماق ايسته دئ. آغلار بالابانى چالئب، قوچ اوزونو يئتيردى. اوتوروب دانئشديلار. آلتئ- يئندى ايل گول اوغلان ميناره نين باشيندا قالئب، يئكه لدئ. بير گوزهل جاوان اوغلان اولدو. يئنه ده بير گون گول اوغلان دارىخيردى. قوچ ايله دانئشماق ايسته دئ. آغلار بالابانى چالئب، قوچ اوزونو يئتيرب، اوتوروب دانئشديلار. اوغلانئين كونلو آچيلدى. آنجاق آغلار بالابانى چالاندا شاه ايسمايئلين ائلناز آدلئ بير قيزئ، بالابانئين سسنى انشىديب، هوشدان گئده. آيئخيئب آليزلانار. يوزغان- دوشه يه دوشوب، ياتاق اولار. نه قدهر حكيم، دوعا يازان، باخئيجئ رمل چئ گتيره لر قيز توختاماز. ائلناز دئنه: من بير آغلار بالابان سسى انشىتميشم او بالابانچئنى تايئب گتيرمه ليسيز. يوخسا توختامارام. اولكه ده بوتون بالابانچئلارئ يئغيئب گتيرديلر، ائلنازئين يانئندا بالابان چالديلار. ائلناز دئدى: بونلار من دئديشم بالابانى چالمئلار. بونلار دئيئل.

بير قارئ دئدى پادشاه ساغ اولسون! من او بالابان چالانئ تانئيتيرام. بير آغئيرئما قيزئل، بير آغئيرئما گؤمؤش وئرئين گئديب او بالابانچئنى توتوب سيزه گتيريم. شاه قبول انديب دئدى: قارئ آنا! سن گئت گتير قيزئم دئنه اولسا اوندا سنين دئديئين وئرجه يه م. قارئ آرخائئين اولوب، اوغلانئ توتماغا ميناره نين دييينه گئتىدى. قارئ هوزرا بيشيرمك اوچون بير اوجاق قوروب، اوجاغئين اوستونده قازانئ بؤيرؤ اوسته قويدو. گول اوغلان ميناره دن باخئيردى. دئدى: قارئ آنا! ائله قويم، بله قوئ. بو دفه قارئ قازانئ او بيريسى بؤيرؤ اوسته قويدو. اوغلان دئدى: قارئ آنا! قازانئ ائله قويم، ديبى اوجاق اوسته قوئ. قارئ دئدى: اوغول قوجالمئشام، قادان- پاتان آئيم گوزوم سئچمير. گل آشاغئ بو قازانئ

دۈزەلت گىت. گۈل اۋغلان قارىنا اۆرەيى ياندئ. قازانى دۈزەلتەك اۋچون اۋاغى يىندى. قارى تىز شاھىن چنۈرەدە گىزلىنىش قاراۋول لارىنا ال ائەلەيىب، قارۋوللار اۋغلانى باسئب توتدولار. گۈل اۋغلانى شاھىن سارائىنا آپاردىلار شاھ ايسمائىل گۈل اۋغلاندىن اغلار بالابانى چالماستىنى اىستەر. گۈل اۋغلان دئەر يۇخ! من اغلار بالابانى چالسام قۇچوم گلر، آلاھ ائەلەمەمىشدىن اۋنا بىر زاد اولار. شاھ دئدى: سنى يىتدى قاپىدىن كىچىرىدىب بوراينا گلەمىشىك. آلتى سى تاختادان سۇن قاپى دا دمىردن دىر. سىن قۇچون هاردان گلىب بورا چىخا بىلر؟ اۋغلان اغلار بالابانى چالماق اىستەمەدىكە شاھىن قاراۋول-ياساۋوللارنى اۋنو ھەلەلەيىب، دئدىلر: چالماسان شاھ سنى اولدۇرتدۇرەجك. گۈل اۋغلان مجبور اولوب اغلار بالابانى چالماغا باشلادى. قىز يىرىندىن دوروب گۈزۈنۈن ياشىنى تۈكۈب، ائەلە بو دور دئىب، اغلادى. قارا قۇچ اغلار بالابانى ائىشىدىب، گۈل اۋغلاننى باشىندا بىر ايش اولماستىنى دويدو. اوچا-اوچا گلىب اۋزۈنۈ شاھىن سارائىنا چاتدىردى. آلتى تاختا قاپىنى بوينوزو ايلە سىندىردى. يىتدىنچى قاپى دمىر اولدوغوندىن بوينوزو بئىننە ماناراق(باتاراق) اوزانىب جان وئردى. ھامى دمىر قاپىدان بىر سس ائىشىدىب، قاپىنا سارنى قاجدىلار. قارا قۇچو قاپىنىن اۋغىنىدا اولمۇش گۈردۈلر گۈل اۋغلان ھۈنكۈر - ھۈنكۈر اغلادى گۈندىن بىر گۈي ايشىق يىندى. ايشىقدان بىر آغ ساققال كىشى چىخدى. بو كىشىن اۋز-گۈزۈنۈ ايشىق پارچاسى بۆرۈدۈيۈندىن كىمسە اۋزۈنۈ گۈرمەدى. ايكى ركەت حاجت نامازنى قىلدى. گۈلر بالابانى گۈل اۋغلاندىن آلىب چالدى. قۇچ دىرلىب آياغا دوردو. قۇجا گۈل اۋغلانى شاھا تاپشۇردى. شاھ دئدى: بو اۋغلاندىن آرخائىن اولون. اۋنو اۋزۈمە كۈرەكن ائەلەيەجەيم. قۇجا، قارا قۇچون اۋستۈنە مىنىب، ساغ اوللاشئب گۈيە اوچدولار. بىلىنمەدى ھارا گىتدىلر شاھ يىتدى گۈن يىتدى گىجە گۈل اۋغلانلا قىزىنا تۈي ووردوردو. يىتدىلر اىچدىلر مطلبلرىنە يىتدىلر. گۈندىن بىر سىد آلا دۈشدۈ، بىرى دئەنن، قالانى ائىشيدىلر.

اشتراک مجله، اقدام فرهنگی است برای تداوم انتشار و گسترش و ماندگاری آن.

شرایط اشتراک: بهای اشتراک سالانه مجله، شامل بخش وائل دبلی و ادبیاتی، با احتساب هزینه پست برای داخل کشور مبلغ

چهل و پنجهزار ریال و خارج کشور ۲۹ دلار می باشد.

فرم اشتراک مجله آذری.

مبلغ چهل و پنجهزار ریال، برای اشتراک سالانه (از شماره.....) نقداً یا به حساب جاری ۱۳۰۳/۰ نزد بانک ملت شعبه سرو کد (۶۵۸۲۱) به نام آقای بهزاد بهزادی واریز و فیش آن به پیوست فرم اشتراک ارسال می گردد.

لطفاً مجله را به آدرس: نام و نام خانوادگی

کمرچه

پلاک

کد پستی

شماره تلفن

خیابان

ارسال نمایید.

توجه در صورت عدم دریافت مجله و یا تغییر نشانی پستی، هرچه زودتر با آدرس مجله تماس بگیرید.

نشانی: سعادت آباد، میدان کاج، چهارراه شهرداری، ساختمان اداری - تجاری سرو، طبقه ۷ واحد ۲

دفتر وکالت بهزاد بهزادی تلفن: ۲۰۹۴۹۰۰ فاکس: ۲۳۵۲۲۶۷ کد پستی: ۱۹۹۷۸۵۵۳۴

دیوان لغات الترک دیوان لغات الترک
دیوان لغات الترک دیوان لغات الترک
دیوان لغات الترک دیوان لغات الترک

دیوان لغات الترک

محمود بن الحسین الکاشغری

برگردان فا
دکتر حسین

دیوان لغات الترک

محمود بن الحسین الکاشغری

برگردان فارسی از:

دکتر حسین محمد زاده صدیق